OCT 7 1918

۷۳ یک سر

۷۴ یک سر دیگر گوشت میبایست را من بیک چارک بهارم

۷۵ اگر شما این پارچه بنیره زیاد خواهید که عوض یک سر گوش

۷۶ کمی محاوره را به فرانسوی میدانم

۷۷ بسیاری باقی لغت را فرانسوی داند

۷۸ یک ریال از این خرج کیسه باقی است

۷۹ کمی میبایست را الکه من غایب شدی

۸۰ ازان کمی باقی بود

۸۱ کوی چیزی باقی نمانده بود

۸۲ چیزی باقی نماند که من زبان خود تنگ کنم

۸۳ کمی باقی نمانده بود که او خود را بلکمیش دادی

۸۴ دقتی را کنم هر کلمات یک زبان را بدانید بسیاری را
را شما انها را دانسته باشید

اخر همه سه جلد

1846

در پانزدهم ماه جون تمام شد سنه ۱۸۴۶

اگر زبان شیرین گوید

لفظ و معنی از پارسی جوید

~~[illegible]~~

Lavz oo maänee az
Pars joojat ~~joot~~

اگر زبان شیرین گوید

لفظ و معنی از پارسی جوید

mot

اگر زبان شیرین گوید لفظ از پارسی جوید

turn up

اگر زبان شرین گوید
لفظ از پارس جوید

eggèr zebboon
Sheereen
gooyah

laffs
az
pawrs
jewyah

si la langue parle douce
qu'il cherche les mots du
Perse

2

۴۶۴ چشم کردن — چشم خواهش نمودن

۴۶۵ این همه چشم می‌تابید با ما حرف بزنند

۴۶۶ او چشم می‌تابید کشخول است

۴۶۷ یک رجوعات

۴۶۸ رجوعات کردن

۴۶۹ بودن بودش

۵۰ این خانه فروختنی میباشد

۵۱ یک خانه بفروختن

۵۲ این نیز مقبول است لیکن باباشی للکتث انه

۵۳ پیش از خریدن این خانه از طفائی خواهم پیمود

۵۴ (بفروختن بفان — یک خرید

۵۵ (یک خانه فروختن) — سیاحت کردن از

۵۶ بسیاری میخواهد تا سه فرانسوی بدانم

۵۷ بسیاری نمی‌خواهد من فرانسوی بدانم

۵۸ بسیاری میخواهد شما فرانسوی بدانید

۵۹ کمی بلدم است من بدانم خیلی خوب از ایران

۶۰ همی زیادی نمی‌خواهد من بدانم ان خیابان به ایران

۶۱ چنین میخواهد شما خوش مزاج نباشید

۶۲ خوب میباید من خوش مزاج باشم

۶۳ رها کردن

۶۴ یک انگشت میخواهد من تر بلند تا باشم

۶۵ از چنین میخواهد شما خیلی بزرگ نباید شدن

۶۶ بسیاری میخواهد من بچه تا برسم

۶۷ بسیاری نمی‌خواهد من بچه تا برسم

۶۸ طول نمی‌دارد من تر چنین بچه تا برسم

۶۹ کمی میخواهد من نیز بچه تا برسم

۷۰ چیزی نمی‌باید تا بچه من برسید

۷۱ شرط کردن

۱۵ زیاده او بخواند و زیاده یاد میگیرد و کمتر او میداند

۱۶ دوستی او
۱۷ قوت او
۱۸ انکار کردن
۱۹ او انکار میکند از گفته این
۲۰ انکار میکند تمام را از گفته الت او
۲۱ سه انکار میکنم را او گفته الت این
۲۲ سه انکار نمی کنم را او این نگفته است
۲۳ عدالت کردن دیوان کردن
۲۴ بی‌طرف بکری
۲۵ یا بی‌طرف گیری
۲۶ گهدن خود گم کردن
۲۷ یک بی‌حوده کی
۲۸ دقیقت کردن تجویز کردن
۲۹ از قسم بکه
۳۰ بی‌قیمت بی‌پول
۳۱ بی‌قیمتکری
۳۲ خیلی را
۳۴ افرین کردن
۳۵ یک سایه
۳۶ خود زیر سایه گذاشتن
۳۷ (خاموش) بی‌نطق
۳۸ بارک الله گفتن
۳۹ یک بازیگر تماشاخانه
۴۰ یک زن بازیگر
۴۱ بارک الله کردن
۴۲ بازی کردن
۴۳ یک تقلبت

٥٦ قریب شده

٥٧ گاهی آری گاه نه

٥٨ گاهی خوب گاهی بد

٥٩ هرآنچه را باشد

٦٠ تعیین کردن   بادار نمودن

٦١ یک عهد   یک قرار

٦٢ مدقیقات   به خلاف حقیقت نیست

٦٣ این فعله به خلاف حقیقت است

٦٤ بیهوده کی

٦٥ تعجب بکن

31½

درس ۳م

١ معلوم ساختن   شهرت یافتن

٢ بچه خوب

٣ پیش نهادن   در دادن

٤ خود پیش نهادن

٥ برداشتن   باز کشیدن

٦ خود باز کشیدن

٧ ابرگشتن کردن ا بلاروشی نگه داشتن

٨ یک فروشات

٩ بیهوده

١٠ یک بیهوده نمایشات

١١ فروشات کردن

١٢ داشتن کمتر

١٣ بارامی   ساکت

١٤ زیاده تا بارمیدید به کمتر میدانیم

۲۸ صورت از چیزی داشتن

۲۹ رجوع به کردن

۳۰ من رجوع به شما میکنم

۳۱ او رجوع به لفظ شما میکند

۳۲ **فیصل**

۳۳ از مودگی   دانشوری

۳۴ از مودگی کردن

۳۵ تجابت قلمی داشتن   قلمی داشتن

۳۶ این مرده بودند در جلدانی قلمی میدیدند

۳۷ او را کتاب عظیم قلمی داشته   یکتاه

۳۸ کم شدن اتفاقات خودم را احس میکنه

۳۹ باد عیب کردن دستش احس میکنه

۴۰ بر ما ضروریت اسباب خودمان احس میکنه

۴۱ برادر کمی حجت احس میکنه

۴۲ برداشتن در

۴۳ شراب بر گیر به در این خودم چوب

۴۴ بر نگیر به از این ان

۴۵ پول از جلدان سه بر گرفته انه

۴۶ رخت او را از صندوقش بر گرفته انه

۴۷ خلاف وعده نمودن

۴۸ خلاف وعده شدن

۴۹ خود داشتن به

۵۰ شما خود وعده به من کرده میکردید

۵۱ (من خود را با شکل با شما گردم میگردم)

۵۲ پس کردن   عقب کردن

۵۳ بوقت کار بسیار افتادن

۵۴ یک خوش طبع

۵۵ خوش طبع بی حد

درس اول تتمیم

۱ هر چه کمتر شما بخوانید بیشتر ترقی خواهید کرد
۲ هر چه کمتر من بخورم بخواب میروم
۳ هر چه کمتر او میرود بیشتر گلویش درد میکند
۴ یک حرکت   یک آهنگ
۵ حرکت خود کردن
۶ من حرکت خود را خواهم کرد که برای با خبر ذمه خود رسانیدن
۷ یک رویت
۸ در آن رویت لیت جایی توانید رسانیدن
۹ در هیچ رویت نیست هرجا خواهم رسانیدن
۱۰ هیچ مظاهرت هست که این مرد کور باشد
۱۱ در آن هیچ رویت نیست که این بار تو از ما معیوب شده باشد
۱۲ مظاهرت باریدن ندارد
۱۳ که خود   کرم که
۱۴ کرم که خوب هوای کنید هیچ مظاهرت هست که دوست نما با
۱۵ آنگاه خود
۱۶ آنگاه خود گر بیارید این حمایت ما را از بردن رفتن خواهد کرد
۱۷ جرعت را کم کردن
۱۸ جرعت برداشتن
۱۹ دو چار کار بدی شدن
۲۰ من دو چار کار بدی شده ام
۲۱ خلاص کاری
۲۲ من از میان خلاص گردم
۲۳ او خود در میان کار بدی دوچار میکند لیکن هم وقت از میان خلا
۲۴ باین صورت
۲۵ بصورت این
۲۶ با خاطر او
۲۷ خاطر کسی داشتن

7

۲۲ قرار میکنید شما

۲۳ من قرار میکنم

۲۴ تدارک دیدن

۲۵ من تدارک آنچه لازم است دیدم

۲۶ تدارک او از اسباب و پول دیده‌اند

۲۷ هر چه حاضر باشد

۲۸ من هر چه باشد خواهم که بخوشی آمدن شما

۲۹ هر آنچه باشد زحمت شما زحمت من است

۳۰

آخر درس سیم از مرتبهٔ ششم

۵۰ حقارت کردن
۵۱ ناخوش وا زکسی نمودن
۵۲ با حقارت   با ناخوشی

درس سیم

۱ سوغاتی
۲ یک مسافر
۳ یک پاپوش
۴ یک جفت پاپوش
۵ در دست صاحبش
۶ لازم است این کاغذ را بدست معتباری بسپرد
۷ یک طرف گرفتن
۸ پایه یک طرف گرفتن
۹ من طرف خود گرفتم
۱۰ او ارام مانده مرا اختیار نکرده است
۱۱ مجبور کردن   رسانیدن
۱۲ من مجبور شدم بیان خشک گرار[illegible]
۱۳ خیرات
۱۴ گدائی کردن   خیرات خواستن
۱۵ خیرات کردن
۱۶ یک نوکر خلوتی
۱۷ خوب هم
۱۸ خوب هم شما دفعهٔ بعد به شاه بدهید و انهم گذارید
۱۹ بازهم
۲۰ بازهم شما زیاده پول ندارید لیکن انقدر دارید که دارا[illegible]

۲۳ اندیشه پاک

۲۴ معکوس شدن   ملول شدن

۲۵ خود ملول بودن

۲۶ خبر دادن   آگاهی کردن

۲۷ گرمائی

۲۸ در این نسبت این همه گندم بکجا خواهد گنجید

۲۹ این همه گندم در این نسبت جا بکجا خواهد گرفت

۳۰ در ماه تاب

۳۱ ستمکار   ظالم

۳۲ قت حکم کردن   سیاست نمودن

۳۳ بشور توپ

۳۴ بصدای توپ

۳۵ ر باواز برق   بصدای برق / شدی رعد

۳۶ تاب   حرارت   گرمی

۳۷ بتاب آفتاب

۳۸ خوش ذات شدن سه کردن

۳۹ بباران

۴۰ یک شوخ چشم

۴۱ دل دادن   جرئت افزودن

۴۲ یک صنعت

۴۳ روشن کردن

۴۴ فانوس   یک فانوس

۴۵ براستی مقرون

۴۶ (به راست قرین)

۴۷ یک بهانه   یک تبدیل

۴۸ سرپا نگاه کردن

۴۹ ناخوش   بدی   ناقابل

٧٩ از زهر

٨٠ زهر خورانیدن — زهر خور کردن

درس بیست و نهم

١ درست کردن — آماده کردن

٢ آماده شدن

٣ آماده شده بودن

٤ متصل آن — دربرابرهم

٥ تصویب کردن

٦ من تصویب میکنم شما را در آنجا دیدن

٧ من خواهم رای تصویب بکنم — تصویب

٨ در حفظ بودن

٩ کسی را در حفظ خود نهادن

١٠ خود در حفظش درآمدن

١١ شدنی — پرخاشجوی

١٢ بدی جنس — بدکاری

١٣ آنقدر کم باشد

١٤ آنقدر شراب کم باشد

١٥ اگر این مولاجیان قدر نیز معذب بدار زیاده حرف بزنند

١٦ خواهش — رای

١٧ رای خوب داشتن

١٨ رای بد داشتن — زشت رای بودن

١٩ آنقدر بهتر

٢٠ آنقدر بهتر برای او

٢١ آنقدر بدتر

٢٢ آنقدر بدتر برای او

۵۱ اگر من میدانستم که برادر شما ناخوش است

۵۲ اگر من میدانستم بهم که شما چنین دیر خواهید آمدن

۵۳ اگر ما میدانستیم بطوریکه او حرف خود را نخواهد گرفت

۵۴ من میترسم که شما از من مایوس گشته باشید

۵۵ من میترسیدم که شما از من مایوس شده باشید

۵۶ من ترس دارم که او بیرون رفته باشد

۵۷ من میترسیدم که او بیرون رفته باشد

۵۸ شک میکنید شما که من خوب حرکت نکرده باشم

۵۹ شک میکردید شما که من خوب حرکت نکرده باشم

۶۰ میباید که ما مراجعت کرده باشیم در ظهر

۶۱ باید که در ظهر ما مراجعت کرده باشیم

۶۲ نخواهید شما که او در چهار ساعت برخاسته باشد

۶۳ شما خواهید خواستن که او در چهار ساعت برخاسته باشد

۶۴ شک میکردید که من اسب نفروخته باشم

۶۵ باور میکنید شما که ما بسیار پول نفع کرده باشیم

۶۶ باور میکردید شما که ما بسیار پول نفع کرده باشیم

۶۷ ممکن است که شما ساعت خود را پیدا کرده باشید

۶۸ مگر آن ممکن بود که شما ساعت خود را یافته باشید

۶۹ باور میکنید شما که او یک خانه خریده باشد

۷۰ باور کرده بودید که او یک خانه خریده بوده است

۷۱ مگر آن ممکن است که ایشان اسبان خودشان فروخته

۷۲ آن ممکن نبود که ایشان اسبان خود فروخته باشند

۷۴ ملاحظت دقت

۷۵ دقت کن

۷۶ مغز کسی را سوزوندن

۷۷ مغز او را سوزانیدن

۷۸ مغز خود را سوزوندن

۲۳ یک رخت باد

۲۴ یک خانه پاک سر

۲۵ من هیچ ندارم از آنها

۲۶ ما هیچ نداریم از هر چه باشد

۲۷ فراموش کردن

۲۸ من دست پاک خود را در خانه فراموش کردم

۲۹ او الفبدان خود را بردن من فراموش کرده است

۳۰ بار داشتن

۳۱ در حق بودن

۳۲ اعدا کردن

۳۳ دستور کردن عادات کردن

۳۴ من عادات قهوه می‌کنم

۳۵ یک عادات

۳۶ اذیت کردن رنجانیدن

۳۷ حرف

۳۸ حرف گفتن

۳۹ حرف دو کردن

۴۰ شروع حرف کردن

۴۱ حرف اختیار زدن

۴۲ بحرف زدن

۴۳ حرف خود دادن

۴۴ صحبت کردن گفتگو کردن

۴۵ یکسی صحبت کردن

۴۶ خود صحبت کردن

۴۷ بکم

۴۸ مبنه اینه شما را من ناخوش بودم

۴۹ من نمی‌دانستم که شما ناخوش میبودید

۵۰ من نمی‌دانم که برادر شما ناخوش است

۳۶ من شرابرا الفه ر بهترین میدانم که در دنیا لیست ما نخو

۳۷ بچشم عین خود ‸ بعین چشمان خودم

290

درس بیست و ششم

۱ حمایت

۲ زنبکه

۳ زنبکه تما ساعت خود را شکسته ایه جهت لیت بجای آن ماه ها

۴ این تاجر شکایت میکند انیکه پول نفع نکرده است

۵ همین   واحدان   یک ا

۶ من همین میخواهم او را ببینم

۷ نه همین

۸ او ندارد همین اجاره خانه را ادا بکنه

۹ نه همین

۱۰ نه همین که او فقیر است لیکن صحت وجود نیز ندارد

۱۱ از همه قوت من

۱۲ از همه قوت ایشان

۱۳ صدا   آواز

۱۴ بصدای بلند

۱۵ بر خود گرفتن

۱۶ من نمی توانم بر خود گرفتن از خوردن همه پول خود

۱۷ بیک مرحمت ـ شفقت

۱۸ بیک مرحمت کهنه

۱۹ چه چیزی

۲۰ یک الف بصاحب جانسون

۲۱ از پول همسایه من

۲۲ از کتاب های از او

۱۱ شما لحاف را شسته‌اید و برباط خانه بردد
۱۲ متفکران — باعقلمندن
۱۳ خورک — لذیذ چه
۱۴ خوب خورکه
۱۵ خوب خورکی کدن = کدن
۱۶ بد خورکی کدن
۱۷ چاق کدن
۱۸ (از بزرگ‌های چاق)
۱۹ از سبزیهای لذیذ
۲۰ تورب — تور بچه
۲۱ شلغم
۲۲ برادر من یک صاحب منصب پادشاه است
۲۳ این کار سرهنگ است که شما میجوید
۲۴ من صاحب این خانه‌ام
۲۵ این یک کار خیات اعلاست
۲۶ اگرچه من قابرطان ام لیک آن نه ام که شما میجوید
۲۷ (یک حروت) — لوله تمباکو
۲۸ یک لوله تمباکو کشیدن (= چوروت خوردن)
۲۹ انقدر زیاد که
۳۰ شما انقدر زیاده غمگین از گم کدن پول نبینید که ا
سود نکند
۳۱ انقدر کم که
۳۲ شما انقدر کم غمگین نمی‌باشید از گم کدن این لد
بکار نیاید و کلام را میگیرید
۳۳ انقدر بهتر که
۳۴ انقدر بهتر خواهم بی اوری زمه خود را که درکدن من ا
نقلی هم زان بخورد خوب نکند
۳۵ از انقدر بهترین که

۶۴ ما نمی‌خواستیم در این هم زحمت را بدارند

۶۵ نمی‌خواستید شما مرا از گرسنگی مرده شوم

۶۶ من نمی‌خواستم که شما از سرما مرده شوید

۶۷ شما ترس میداشتید که او از طلب نمی‌مرد

۶۸ او میترسید که ما از بی‌چیزی مرده شویم

۶۹ ما شک نمی‌کردیم که او مرده نمی‌شد خواهد شد

۷۰ خود ساختن

۷۱ من خود را با طبع شما میسازم

۷۲ باید هم خود را قدری با حوادثات ساختن

۷۳ غرض آز غرض

۷۴ خود را رنجیده گردانیدن

۷۵ شما خود را رنجیده خواهید گردانید

۷۶ مار های گزیدن

درس بیست و هفتم

۱ قرض کردن

۲ من قرض نمی‌کنم که شما اینرا بهتر از من بکنید

۳ من قرض بکرده بودم که شما اینرا بهتر از من بکنید

۴ قرض میگیرید شما که اینرا میگفتند بجای ترسانیدن شما را

۵ من قرض نمی‌کنم که ببیند بدون چشم باز کردن

۶ من اینرا قرض نمی‌کنم که بدون رشته دوختن توانند

۷ بقرض کردن بدادن

۸ او بقرض کردن نمی‌داد که چنین چیز توانه بود

۹ از زحمت خود ادا کردن

۱۰ نمیخواهید شما که من همه روزه گفتگو بکنم

۳۶ یک ارادهٔ ثابت

۳۷ درماندن   ثابت بودن

۳۸ در ارادهٔ خود ثابت نمی‌مانید شما

۳۹ پرارای   ناراحتی

۴۰ او سخت میگیرد بخلاف رای من ایستادن

۴۱ اگر من باعث ناراحتی شما شوم

۴۲ شما مرا ناراحت نمی‌سازید

۴۳ من دوست ندارم دیگران را ناراحت کردن

۴۴ در ناراحتی بودن

۴۵ من دوست ندارم در ناراحتی بودن

۴۶ ناراحت شدن

۴۷ من هم دوست ندارم ناراحت شده بودن

۴۸ این مرد ناراحت شده است در کار خود

۴۹ این بانو به راحت است روی کرسی خود

۵۰ خود به آرام شدن

۵۱ خود را به آرام میکنید

۵۲ این مرد دوست ندارد خود را زحمت بدهد

۵۳ یک مرد بی دردسر

۵۴ میخواستید که شما هم حاضر شوم پیش از روز   که شده بودم

۵۵ بی دردسر بودن

۵۶ من صبر میکردم که شما حاضر شوید

۵۷ لازم میبود که این بانو حاضر شود

۵۸ درست است که ما حاضر شده باشیم

۵۹ درجا خواهد بود که این بانویان حاضر شده شوند   که اما

۶۰ من نمی‌خواستم که شما سرما خورده باشید

۶۱ لازم نبود که من پول خود را میداشته باشم

۶۲ من ندانستم که او سرما میداشت

۶۳ شما حمایت نکردید که ما حق خود را بداریم

۸ همین که صاحب دولت باشید میتوانید جهان مصرف کنید
۹ البته بسیار پول داشته میتوانید هر ماهی یک تازه رفیق [illegible]
۱۰ همین که بخواندن زیاده مایلید شما نمیتوانید تمام کاری دانستن [illegible]
۱۱ بی نهایت   بی آخر
۱۲ خزینهٔ بی نهایت
۱۳ سخت   قوی
۱۴ همین که   مگر که
۱۵ من ببازار نخواهم رفت مگر که شما بمن پول بدهید
۱۶ شما بردن نخواهید رفت تا که من بیدار نشوم
۱۷ کشیدن   متحمل شدن
۱۸ نهایت   بی غایت
۱۹ (خوب دانستن = خوبی داشتن)
۲۰ من پس شنیدم هیچ نفهمیدم
۲۱ شما خوب پول سود کردید زان ابهی ندارید
۲۲ من مرا خوب کار میکرد ابهی صاحب دولت نخواهم شد
۲۳ شما خوب مشغولید ابهی بآخرش نخواهید رسیدن
۲۴ شما خوب میگوید کارها چنین نمیسازد
۲۵ خرج عیش   بی قناعت
۲۶ نجو کردن   چنین است
۲۷ چون است که شما دایم بیمارید
۲۸ من نمیدانم چنین این میشود
۲۹ چنین شده است که شما کتاب خود را فراموش کرده اید
۳۰ من نمیدانم این چنین شده است
۳۱ سر بدادن   قبول نکردن   مقابل کردن
۳۲ با به نا حق مقابله کرد
۳۳ یک خواهش   یک میل
۳۴ یک میلیت   یک خواهشت
۳۵ یک لشکر   یک قوشون

۳۱ او پای خود را برگرفتن ـ روهم گذاشتن
۳۲ من پای خود را روهم گذاشتم
۳۳ او از جای خود را برگذشت
۳۴ با بالای   با روی
۳۵ از بالای جستن
۳۶ او پای خود را باهم گرد جستن از روی
۳۷ دوش   جیبن
۳۸
۳۹ یک حسار
۴۰
۴۱ بفروش عام
۴۲ بشنو
۴۳ باعث
۴۴ فتح کردن   زمین زدن   غالب شدن
۴۵ غالب شوند
۴۶ من غالب شدم
۴۷ مغلوب شدن

280

درس بیست و ششم

۱ اینک هم رسیده
۲ اینک وارد میشید
۳ اینک روانه میشد
۴ اینک بیرون رفتیم
۵ او اینک میرود
۶ ایشان اینک داخل شدند
۷ همین   البته

۷ مقبول   معذاب

۸ مقبول نیست پس این زن

۹ هیچ کی مقبولیت بیشی این زنان نیست

۱۰ بی خلاقی

۱۱ برابری   بجا آوردن قرض

۱۲ الجوم   خلق

۱۳ چون این بانو به هدف یاد گرفتن فرانسه در مدرسه بهتر خواهد کرد یا

۱۴ بهتر نخوایه که پول خود را نگاه بداره

۱۵ شریک سن   همدم من

۱۶ شریکه من   همدم من

۱۷ بنوشان و وحش

۱۸ یک جای   جایگاه ؟

۱۹ شکوفه بیات   د .

۲۰ بسود فروختن ا

۲۱ ترسیده نیست در بارد ؟

۲۲ ترسیده نیست ا

۲۳ ترسیده نیست در هوای به نکته

۲۴ رضامندی نیست   خواهش نمود نیست

۲۵ خوشنود نیست در او بتوانه اراده خود را پی بردن

۲۶ زیادی   برالکل

۲۷ با رزومنه نیست او

۲۸ ارزومنه نیست در او بزدن راجعت بکنه

۲۹ جستن

۳۰ برگشتن

۶۱ به هندوستان مقرب
۶۲ یک اهل نظام
۶۳ مقررا		راست کردن
۶۴ ماندن
۶۵ اینجا بمانید بهار کنید
۶۶ هم بمانیم به نوشتن
۶۷ خشمناک شدن		کلخولق شدن
۶۸ او از همه چیز کلخولق میشود
۶۹ او با همه خشمناک میشود
۷۰ یک مزد
۷۱ یک زیاده کردنی
۷۲ یک کم کردنی
۷۳ یک زیاده کردن
۷۴ یک کم کردن
۷۵ خود غمین شدن
۷۶ یافتن
۷۷ هیچ نمیتوانم من بیدار کردن
۷۸ چه میتوانید بکنید در این بهار کنی
۷۹ در هیچ نمی یابم بهار کنی

216 درس بیست و پنجم

۱ گناه کرقسمی دادن
۲ قسمت کردن
۳ گران		برمایه
۴ یک سنگ برمایه		یک سنگ گران بها
۵ خاسا		منتخب
۶ شیرینی		لطیف

۳۴ این زن خیاط نیست او دوخته دالدست

۳۵ کیست این مرد

۳۶ این یک کفشگر است

۳۷ این یک خباز است

۳۸ او خباز است

۳۹ نه او خیاط است

۴۰ کیست این زن

۴۱ این یک رخت شور است

۴۲ او زن خیاط نیست

۴۳ نه او خیاط نیست رخت شور است

۴۴ این یک خیاط نیست

۴۵ کیست‌اند این مردم

۴۶ ایشان رخت شورانه

۴۷ ایشان رخت شورانه

۴۸ نه ایشان خیاط‌انه

۴۹ کیست‌انه این زنان

۵۰ ایشان زن خبازانه

۵۱ ایشان خیاط نیست‌انه

۵۲ نه ایشان زن خیاط نیست‌انه رخت شورانه

۵۳ صباح خیر گفتن

۵۴ صباح خیر گفتن یکی

۵۵ باو صباح خیر گفتن

۵۶ من میخواهم صباح خیر بگویم بهمسایه

۵۷ هندوستان مشرق

۵۸ بهندوستان مشرق

۵۹ یک اهل کشتی

۶۰ هندوستان مغرب

۶ قیل قال مکنید وقتی که من در خواب میباشم   یا خوابیده باشم

۷ او قیل و قال میکرد وقتی من خوابیده بودم

۸ من قیل قال نخواهم کرد وقتی شما خوابیده باشید

۹ همه روزه من خوابیده بودم

۱۰ درست نیست همه روزه خوابیدن

۱۱ زدن

۱۲ زده شدن

۱۳ از خوف زده شدن

۱۴ خوف   ترس، بیم

۱۵ هدر زدن

۱۶ یک تسخیر

۱۷ یک خطا   یک رقوم ؟

۱۸ یک تسخیر کردن ا

۱۹ این مرد رخت شور است

۲۰ او کفشگر نیست

۲۱ این زن رخت شور است

۲۲ من تاجرم

۲۳ او تاجره هست

۲۴ ما حکیم هیم

۲۵ این زنان خیاط میباشند

۲۶ این صاحبان صاحب منصب میباشند

۲۷ خواهر من انگریزه میباشد

۲۸ ایشان تاجر نیست اند

۲۹ این زن زن خیاط میباشد

۳۰ او فرانسه نیست   یا فرانکسیزه

۳۱ این زنان انگریزاند

۳۲ ایشان اطالیان نمی باشند

۳۳ این مرد سرهنگ نیست سرباز است

۱۵ (اینها بخشش معلم است) بجهت من

۱۶ همه باید که بجهت بشن

۱۷ او بلای جهت بش میکنه

۱۸ هر کس میکنه بجهت خود

۱۹ هر کس بجهت خود

۲۰ یک سرزنش

۲۱ سرزنش کردن

۲۲ باو سرزنش کردن

۲۳ باو سرزنشها کردن

۲۴ سالیک   راه رو

۲۵ پشت کسی رفتن   ” پشت کسی گذاشتن

۲۶ یک گفتگوی

۲۷ من یک گفتگوی مخفی باو داشتم

۲۸ گفتگوی ما بهم شش صد ریال بار زید

۲۹ خود انگاشتن

۳۰ مشتری پیدا کردن

۳۱ بار رون بفروش در دکان خود مشتری پیدا خواهی کرد

۳۲ انبار من پر مشتری است

۳۳ این انبار پر مشتری میشود

269

درس بیست و چهاردم

۱ فرا میگیرم

۲ من فرا میگرفتم   (من بزور گرفتنی می بردم)

۳ من فرا خواهم گرفت   (من بسیار فرا گرفتن خواهم کرد)

۴ فرا گرفتن

۵ فرا گرفته

۳۹ یک سولس از پاک فروخته نشده است

۴۰ یک عدد

۴۱ بی نهایتی

۴۲ کم شدن

۴۳ یک گروه

۴۴ یک قسم ۲

۴۵ یک نور ۱

۴۶ یک خیل

۴۷ یک انجوم

۴۸ کم اندک

درس بیست و سیم

۱ رها کردن سر دادن

۲ با امیدی بدرم به نهت

۳ موج

۴ دور کردن گردانیدن ۲

۵ بدرم موج ۱

۶ یک دشت یک مزرع

۷ یک بخشش یک بذل

۸ بخشش کردن

۹ بهم بخشش میکنه این ساعت را

۱۰ من بشما بخشش میکنم

۱۱ یک بذل کردن

۱۲ بذلها کردن

۱۳ یک انگشته ۱ یک نکته

۱۴ یک یکن قیمتی

۱۱ بی حیا

۱۲ یک حربه

۱۳ حربه کردن

۱۴ لرزیدن

۱۵ از ترس لرزیدن

۱۶ از سرما لرزیدن

۱۷ یک بنوره

۱۸ آشتی　　دوستی

۱۹ آشتی کردن

۲۰ در آسایش بودن

۲۱ یک علمت

۲۲ یک علمت دروغ

۲۳ عنصر　　عناصر

۲۴ پیشین

۲۵ تاریخ پیشین

۲۶ پیشینیان

۲۷ عصری　　حالی

۲۸ تاریخ این عصر

۲۹ عصرها

۳۰ قبول قول کردن　　خود که

۳۱ همه متصل

۳۲ یک اراده　　یک خیال

۳۴ خیال کسی را قبول کردن

۳۵ یک جهت　　یک مایه

۳۶ خوبیها　　چیزها

۳۷ یک دوازده نفر آمده اند برای پول خواستن

۳۸ نیم سیبهای ما ضایع شده اند

۳۴ نردبانها را شمردن

۳۵ از نردبانها پایین آمدن

۳۶ این خیابان کجا خواهد رفت

۳۷ این شیشه بسته خواهد بود

۳۹ یک رخت پرمایه

۴۰ یک رخت گران

۴۱ یک لباس دستوری

۴۲ برای خود نفع ها

۴۳ برای خود نفع کس   برای عین نفع خوراکی

۴۴ برضا خدا   (برای دوستی خدا)

۴۵ بهر دوستی من

۴۶ بظاهر گذشتن   خدمت

۴۷ من در خدمت کم گذران زنده کرده ام میباشم

۴۸ شما خود را در خدمت گذشتن مبادید

درس بیست و ۳م

A63

۱ بر بار کردن

۲ خود بر بار کردن

۳ هیچ یک

۴ من از شما هیچ یک رحمتی دارم

۵ در این هیچ یک بار باری است

۶ خود حذر کردن

۷ من حذر میکنیم شما را دماغ خالی دیدم

۸ یک رکاب

۹ یک از اسباب حرب

۱۰ الات گرفتن   اسباب ضرب برداشتن

۸ دل او درد میکنه

۹ دل خواهر شما درد میکنه

۱۰ دل ایشان درد میکنه از دیدن این ناحقی

۱۱ دل من درد میکنه از این مشاهدهٔ خوفناک

۱۲ تمتع کردن

۱۳ من از این اتفاقات تمتع میکنم

۱۴ پس   نخست

۱۵ پس طول زمانی

۱۶ من تمام خواهم پس انکه شما تمام نکرده باشید

۱۷ خوب خواستن   خوب خواهش کردن

بسیار ارزومند بودن

۱۸ من بسیار ارزومندم شما را سعید بخت به بینم

۱۹ من میخواهم خوب شما را بخت دار به بینم

۲۰ من بسیار خواهشمندم شما را طالع مند به بینم

۲۱ من ارزو بسیار دارم شما را سعادت مند به بینم

۲۲ دلم خوشی خواهد داشت شما را سعادت مند به بینم

۲۳ تسلی کردن

۲۴ من دوا مرا تسلی میدهد

۲۵ هر دمی که

۲۶ هر دمی که این دوا را بکار میبرم تسلیم میدهد

۲۷ اگر بخواهید بکنید اجرا

۲۸ مدت شاگردی   در بارگیری

۲۹ مدت شاگردی را گذرانیدن

۳۰ بعادت گذشتن

۳۱ یک شاگردی

۳۲ در فراگیری بودن

۳۳ یک نردبان

۶۲ اونیست این
۶۳ این او نیست
۶۴ این نه آن نه اوست
۶۵ این مائیم
۶۶ مائیم این
۶۷ ما نیستیم
۶۸ این ما نیستیم
۶۹ این آنها اند
۷۰ این آنها اند
۷۱ این آنها نیستند
۷۲ آنها نیستند این
۷۳ این ایشان اند
۷۴ ایشان اند این
۷۵ ایشان نیستند این
۷۶ این ایشان نیستند
۷۷ دیروز دو پیروز
۷۸ یک کتاب حکایت نقل

۲۳۳

درس بیست و یکم

۱ برکشان کتررا برکشان
۲ سرِ شما پر خواهم که پول
۳ اخراجات را برکشان
۴ مایه را برکشان
۵ پول برکشان
۶ برشان لرز
۷ حالی سر درد میکند

۳۵ این یک رخت شور است

۳۶ این یک رخت شور نیست

۳۷ این یک رخت شور نیست

۳۸ کیست اند این مردم

۳۹ اینها خلاسی اند

۴۰ سرباز اند اینها

۴۱ خلاسی ها نیست اند اینها

۴۲ اینها خلاسی ها نیست اند

۴۳ کیست اند این زنان

۴۴ رخت شور اند اینها

۴۵ اینها رخت شور اند

۴۶ نیست اند اینها زنهای خیاط

۴۷ زن خیاطها اند

۴۸ دیدن آمدن

۴۹ این شماید

۵۰ این منم

۵۱ این من نیست ؟

۵۲ این شماید

۵۳ این شما نیستید

۵۴ اوست این

۵۵ این اوست

۵۶ او نیست این

۵۷ این شما نیستید

۵۸ این نه شما و نه اوست

۵۹ این نه منم و نه اوست

۶۰ این اوست

۶۱ این اوست

۷ دوتای این قدر   دولتم قدر
۸ هم رسید دولتم قدر که هم مدیون بود
۹ از خوب طمبر   اتفاقات خوب
۱۰ زان خوب اتفاقات دارید
۱۱ سه قدر
۱۲ سه القدر از ما به
۱۳ واصل هم شد سه القدر که هم مدیون بود
۱۴ چیزان شما اید میشد
۱۵ یک ربع هم اید میشود
۱۶ زمین بیشتر اید شما میشد
۱۷ هر دو مقابل ان واصل کرده ام الحمد ایده بود
۱۸ پیش الحمد ایدادست
۱۹ بیش الحمد اید ناشست
۲۰ یک ربع اید بیاد درساعت
۲۱ یک حرزه
۲۲ حرزه گفتن
۲۳ با حرزه گفتن
۲۴ باشان حرزه گفتن
۲۵ مکروه
۲۶ این یک چیز مکروه است
۲۷ این مکروه است
۲۸ کیست این مرد
۲۹ این برادر من است
۳۰ این یک سرباز است
۳۱ این یک ملاه است
۳۲ این یک فلاسی است
۳۳ این زن کیست
۳۴ (این یک زن رحمت شور است)   ان رحمت شور است

۴۶ رنگ

۴۷ بدون رنگ نقش نتوانه کرد

۴۸ از کدام رنگ

۴۹ از چه رنگ است رخت شما

۵۰ این خانومه از رنگها دارد! / این خانومه رنگ دا

۵۱ این دوخترک رنگ ندارد

۵۲ دلبر لطیف

۵۳ لطیف کردن شرف ساختن

۵۴ شرمناک شدن

۵۵ مه شرمناک شدن از دیدن شما

۵۶ آن افسوس است

۵۷ افسوس است کم کردن این گوشت

۵۸ افسوس است که شما توانگر نمی باشید

۵۹ افسوس نیست که شما فرانسوی ندانید

۶۰ این بسیار افسوس است

۶۱ حقا حقیقتن

۶۲ حقا این بسیار افسوس است

درس پنجم

۱ احمقندی / درستی

۲ درست نیست خرج کردن همه اگر نفع میکنید

۳ این حقیقتی نیست

۴ اقرار کردن بازگفتن

۵ مه اقرار میکنم که مه غلط دارم

۶ دوتا یک اقدر

۱۸ این بانوبان خوشان خواهند امد

۱۹ این صاحبان خوشان خواهند رفت

۲۰ گرچه

۲۱ گرچه شما بکنید بسر نخواهید برد

۲۲ بی‌شک بودن   یقین بودن

۲۳ یقین بوده شدن

۲۴ از این یقین دارید

۲۵ زان یقین دارم

۲۶ اگرچه

۲۷ اگرچه شما میگوید فرانسوی خوب از من بهتری دانید

۲۸ حقیقت   راستی

۲۹ باخر رسیدن

۳۰ باخر خواهد رسید از این

۳۱ براخر خواهد رسید

۳۲ من براخر خواهم رسید

۳۳ شما ابدی براخرش نخواهد رسید

۳۴ صبر   حوصله

۳۵ صبر داشتن   حوصله داشتن

۳۶ صبر بدارید

۳۷ صبر کردن

۳۸ صبر بکنید

۳۹ ظلم   ستم   ناحق

۴۰ یک ستم کردن

۴۱ خوف   ترس

۴۲ از خوف بجا امدن

۴۳ از خوف خود بجا امدید

۴۴ از خوف من بجا امدم

۴۵ نقش کردن

15 نمی باید ثابت کنی چیزی را یقین نیست
16 من ثابت نمی کنم از آنچه در شک باشم
17 تا آل لیتن الیب   نل
18 من الیب خود را نل مینوانم
19 یک نعل اسب
20 یک نعل لیتن باسی

درس نوزدهم

1 غرض داشتن   کین داشتن
2 غرض میدارید شما
3 من غرض میدارم
4 من خود   خودم
5 شما خود   خودت
6 او خود   خودش
7 او خود   خودش
8 ما خود   خودمان
9 ایشان خود   خودشان
10 انها خود   خودها
11 خودم خواهم رفت
12 خودش
13 شما خواهید که خودت
14 (من آن خواهم که او خود)
15 من بردار کفشم بجایش
16 من از زن میگویم او خودش
17 دست نمی دارد بجا غلطی خودش

۴۴ این بسیار بد ترکیب است
۴۵ بلا با جهت خندان او بد ترکیب است
۴۶ اتو بستن / زلفت کفش
۴۷ هم زلفت مکو
۴۸ برق مبارکه
۴۹ خود پروردن
۵۰ شما خود را از الف میپرورید علف
۵۱ این مرد خود را از امید میپرورد
۵۲ دایره مرکز
۵۳ مرکز شمال
۵۴ دایرهٔ جنوب

درس نوزدهم

۱ من گرفتار طوفان شدم
۲ این با تو گرفتار طوفان شده است
۳ طالع
۴ اگر وقت آرام است ما بیرون خواهیم رفت
۵ باران بر سر ریسمان
۶ گم کردن
۷ خود را گم کردن
۸ من خود را گم کردم
۹ دو دختر کوچک گم شده است
۱۰ آزادگی داشتن سرپرست بودن
۱۱ من سرپرستی ندارم اگر خواهم بکنم
۱۲ آب دادن
۱۳ ثابت کردن

۱۷ اگر او سرما میداشت گرم میشد

۱۸ ما هم گرم میگرفتیم اگر سرما میداشتیم

۱۹ این زنان گرم میشدند اگر سرما میداشتند

۲۰ ایشان هم گرم میگرفتند اگر سرما داشتند

۲۱ پاک کردن

۲۲ روی چیزی راه رفتن

۲۳ تا روی پای ... قدم گذاشته

۲۴ (تا روی پای او راه رفته) قدم گذاشته

۲۵ از کنار — یعنی کناره چیزی خشک — یا پوست

۲۶ کنارهان — پوستهان — خشکهان

۲۷ از میان — (توی نان)

۲۸ از میان نان

۲۹ عمیق — (عمیقتر)

۳۰ خواب عمیق کردن

۳۱ قیمه کردن — تکه تکه بریدن

۳۲ یک قیمه

۳۳ (بریان با آرد) — بورک

۳۴ از گوشت قیمه

۳۵ یک جابیدان — با ابریق گرم کردن آب

۳۶ جوشش دادن

۳۷ جابیدان جوش میخورد

۳۸ غومپره

۳۹ غومپره (مبطلکت) — مبترکت

۴۰ قه قه خندیدن

۴۱ تا قه قه میخندید

۴۲ او قه قه میخندید

۴۳ یک چیزی بی ترکیب — بی اصول

۲۶ توپ در طهران انداخته خواهد شد

۲۷ در شهر شروع بکار کردن کردند

۲۸ ما شروع نکرده بودیم خواندن را که وقتی داخل شدن شما

۲۹ این شاگرد آغاز فهمیدن فرانسوی میکند

۳۰ او آغاز گفتگو با سانی میکند

۳۱ یک مرثیه‌خوان   یک واعظ

۳۲ سکوت کردن

۳۳ سکوت   خاموش

245

درس هفدهم

۱ بشکار میرفتید اگر تفنگی میداشتید

۲ من میرفتمی اگر زن داشتمی

۳ این صاحب کاغذ را مینوشت اگر کاغذ میداشت

۴ او مینوشتی اگر راه داشتی

۵ ماهی خوردمی اگر شراب میداشتمی

۶ ماهی خوردمی اگر زن داشتمی

۷ فعله‌ها خوب کار کردندی اگر باشان خوب حق میدادندی

۸ ایشان کار کردندی اگر خوب حق میدادندی

۹ بیرون میرفته بودید اگر خوب وقت میکردی

۱۰ اگر نه باره بودی من بیرون میرفته بودم   میرفتیم

۱۱ زن میآمدی اگر من میخواهی

۱۲ ما دیر بیدار شده بودیم اگر زیاده پیشرفت راه رفته بودیم   میرفتیم

۱۳ اگر پیشرفت راه میرفتیم دیر بیدار شده میبودیم

۱۴ شما خود را گرم میکردید اگر تشنه میداشتید

۱۵ من خود را گرم میکردمی اگر تشنه میداشتم

۱۶ خواهر شما گرم میشدی اگر سرما میداشت

درس هشتم

1 یک مرد قناعت — مرد قناعتگر
2 افراشتن — پروردن
3 این مرد پروردن نقلدن حصه‌ئی داند
4 ایشان را قدری با فراز
5 اگر این زن بهتر پرورش می‌یافت مقبول‌تر بود
6 یک مرد با اصول منه
7 یک زن با اصول منه
8 زیاده پیش رفت داشتن
9 دران زیاده پیش رفت میدارید
10 دران زیاده پیش رفت ندارم
11 دیگر گون — طور دیگر
12 شما این دیگر گون میکردید بهر حال اگر شما بهتر پرورش یافته بودید
13 همه دیگر گون
14 من همه دیگر گون میکنیم چه شما نمی‌کنید
15 یک مرد خوب پرورش یافته
16 یک زن خوب پرورش یافته
17 برخاستن آفتاب
18 برخاستن باد
19 نمودن ساعت
20 آراستن — درست کردن
21 آراستن ساعت با قلب
22 ساعت در وقت گذاشتن — ساعت در ساعت نهادن
23 دیر کردن
24 این ساعت دیر میکند
25 ساعت من پیش میرود

درس پانزدهم

۱ یافتن به بار کفش

۲ میاپیه شما بار کفش باشن

۳ دران بار کفش میاپیه

۴ دران جزی بار کفش نمیاپیم

۵ بار کفش میاپیه زانجم من میکنم

۶ بار کفش نمیاپیه رانجم شما میکنه

۷ بار کفش میاپیه دراین گاین جوا میکنه

۸ سر بار کفش نمیاپیم انجراد میکنه

۹ اگرچه این بانو وجح ست نمیگذارد که دلبر باشد   با دلبر

۱۰ اگرچه اشتها دارم هم از خوردن نمیگذارم

۱۱ اگرچه وقت هست ما نخواهیم گذاشت برون رفتن

۱۲ این راست است

۱۳ این راست نیست

۱۴ یک حیوان

۱۵ این یک حیوان است

۱۶ این یک حیوان بیمگل است

۱۷ این چنین حیوان نیست

۱۸ این چنان حیوان است

۱۹ اگر اختیار داشتمی منع بودمی

۲۰ سر شما پول میدادم اگر میداشتمی

۲۱ با آسیاب خواهم رفت لگر وقت خوب بکنه

۲۲ اختیار ا

۲۳ سر نبر باقت خانه خواهم رفت اگر گفتها میداشتم

۲۴ واضحی   آشکارکی

۲۵ راه   سلک   طریق

۲۶ در راه

۲۷ براه افتادن

۲۸ حقه بار براه افتادن

۵ در همه وقت

۶ رها کردن / واگذاشتن

۷ باید بزدر واگذاشت

۸ واجبی لازمه

۹ یک تکه لرزه

۱۰ یک مشت

۱۱ یک گرده

۱۲ یک شاه‌بلوط

۱۳ یک بوسه

۱۴ آرام کردن

۱۵ خشمناک شدن

۱۶ یک پیچ

۱۷ معقول عقلمندی

۱۸ این معقول نیست

۱۹ یک مقام امتحان

۲۰ مقام امتحان کردن

۲۱ این یک مقام امتحان است

۲۲ یک سرمشق 2

۲۳ یک مقام اوستادانه

۲۴ یک سرمشق کردن

۲۵ درس

۲۶ از روی رحمت / سوزد دوحت

۲۷ سوزدش بیمار زد از آنچه ما بود

۲۸ ده ریال بموزد

۲۹ یکدم در وقتی

۳۰ همه یکدم همه در یک وقت

٦ او گمان دارد به ناقص بودن

٧ او ظن نمی‌کند تو آنش بهتر کرده

٨ باور نمی‌کنم تا فردا کاغذ بشما خواهد رسید

٩ من ظن میکنم من فردا به ده خواهم رفت

١٠ خجلت شدن

١١ من خجلت شدم به سردی شدن خودم

١٢ او جهت بیچارگی خود خجالت

١٣ خشم

١٤ ناخوشی   ناسزا

١٥ ناخوشنودی داشتن

١٦ ناخوشنودی آزمودن

١٧ عمر پر از ناخوشنودی مباشد

١٨ درد دندان

١٩ درد سر

٢٠ یک اوستاد مدرسه

٢١ بی خواب

٢٢ خوشی   شادی

٢٣ خوشی داشتن

٢٤ یک حالی

٢٥ برابر کردن   مقابلت

٢٦ خوشیهای عمر برابر ناخوشیهای نمیکنند

9.35 درس چهاردهم

١

٢ سستی کردن   چشم پوشیدن

٣ سست کار

٤ سست کار مباش

۴۲ (من ارادهٔ رنجانیدن شما نداشتم) چشمها داشتن بلکه کمان ازکم

۴۳ شما برخواسته بودید

۴۴ من برخواسته بودم

۴۵ خواهر شما برخواسته بود

۴۶ او برخواسته بود

۴۷ ما برخواسته بودیم

۴۸ مگر برخواسته نبودم

۴۹ این بانویان برخواسته بودند

۵۰ این صاحبان برخواسته بودند

۵۱ بر راه افتادن

۵۲ ظاهر شده است

۵۳ شروع کردن

۵۴ درجا تحقیق مسئله شروع این کار ۲

۵۵ شما صالح میدانید که من شروع این کار بکنم ۳

۵۶ درجا   صالح   ۱

۵۷ غمگین   اندوه

۵۸ یک جهت اندوهناک

۵۹ ناراضی کردن   ناراض

درس سیزدهم

۱ هرچند که باشد جرئت من سرانجام این کار نتوانم

۲ هرچند که باشد اقبال او آن همتای شما نخواهد شد

۳ هرچند که باشد نفع شما آن چنان بزرگ هم نخواهد بود

۴ هرچند که باشد رنج شما برآنکه مدام نخواهد ماند

۵ حل مسئله شما بسیار خردمند بودن

۱۴ این مال خودش است
۱۵ این مال ماست
۱۶ این آن جلیقه‌ها آن صاحبان است
۱۷ این آن مال آن صاحبان است
۱۸ این مال ایشان است
۱۹ این مال ایشان نیست است
۲۰ این جلیقه‌ها این خانمان است
۲۱ این آن آن خانمان است
۲۲ این آن ایشان است
۲۳ این آن آن کسی نیست
۲۴ این هم تمام شد
۲۵ این آن تمام شد
۲۶ این ما تمام شد
۲۷ این آن محمد ظفر تمام شد
۲۸ این شده است
۲۹ شنا کردن
۳۰ غرق آب شدن
۳۱ یک اراده
۳۲ هم اراده ندارم زحمت بشما بدهم
۳۳ چه اختیاری که شما داشته باشید اگر زیاده نخواهید داشت
۳۴ چه اخراجاتی که شما بکنید اگر چنان هم نخواهید کرد
۳۵ خارج سوای
۳۶ یک رعیت (یک موجب)
۳۷ موجب داشتن
۳۸ هم رضامندی جهت ندارم
۳۹ یک موجب غمگینی
۴۰ یک جهت خوشی
۴۱ جهت گله‌مندی داشتن از کسی

۳۴ مه هم پیدا آمده بودم وقتی خواهرمه مولد شد

۳۵ یک اسپ کرک یقر شن

۳۶ یقرشن ~~ر~~ و انگیزان

۳۷ یک اسپ سوار شدن

۳۸ سوار اسپ شدن

۳۹ مال که بو اسپ را شما سوار میشودید

۴۰ اسپ که مه سوار میشودم مال مه بود

۴۱ در دست گرفتن

۴۲ دستانه مال که بود شما در دست میگرفتید

۴۳ انها را مه در دست داشتم مال مه بود

درس دوازدهم

۱ ساکن شدن

۲ مال کیست این خانهها

۳ خانههای شما انه

۴ انها خانههای مه انه

۵ انها مال مه انه

۶ انها مال شما انه

۷ انها خانهها مال پدر شما انه

۸ این خانههای پدر شما انه

۹ انها مال خوارش انه

۱۰ انها ان مال پدر شما انه

۱۱ انها ان مال مادر شما انه

۱۲ انها مال خوارش انه

۱۳ این انان مال مادرسه انه

٦ شارکت   رام

٧ شارکت شراکت   بین   آشنای با صداق

٨ گناه شراکت

٩ فقری   بی چیزی

١٠ فقرت گناه نیست

١١ نهار که بود به وقتی من وارد شدم

١٢ بمن کاغذ خود را رسیده وقتیکه کاغذ شما رسید

١٣ ما سیب خود را فروخته بودیم وقتی شما سیب خود تان را ف

١٤ خواهر من شسته بود رخت خود وقتی شما خود را فرستاده

١٥ فعله ها کار خودشان تمام نکرده بودند وقتی ما بار آمدیم

١٦ بار کاری

١٧ خفه کن

١٨ بیکاری

١٩ کاری

٢٠ بلکی جنگ کردن   ...   زود شدن

٢١ شما با برادر خود جنگ میکنید   هرگز

٢٢ من با جنگ نمیکنم

٢٣ با که جنگ کردید شما

٢٤ با کسی جنگ نکردم

٢٥ یک دوکان   یک حجره

٢٦ من داخل نشده بودم وقتی شما وارد شدید

٢٧ خواهر شما بزیارت خانه رفته بود روز پیش آن روز بار کار

٢٨ دهقانان روانه شده بودند وقتی این کم که بخبر رسید

٢٩ قانون

٣٠ با قانون صحبت

٣١ برداشتن

٣٢ یک لقمه برداشتن

٣٣ موله شده بود به وقتی من موله شدم

۱۰ لازم است بستن در را

۱۱ درجالست که شما ببینید

۱۲ من قلمها و قلم سیوهای تازه دارم

۱۳ شما قلمهای و قلم سیدهای تازه دارید

۱۴ او پوشیده دارد رخت و جورابهای سیاه

۱۵ او پوشیده دارد جورابهای و یک رخت سیاه

۱۶ داشتن

۱۷ او یک رخت سرخ ندارد

۱۸ او جورابهای رسمین داشت

۱۹ سخاوت

۲۰ انسانیت

۲۱ آوردن

۲۲ رخت هم آورده‌اند

۲۳ که آورده است این

۲۴ بازآوردن

۲۵ نقلدانرا بازآورده‌اند

۲۶ یک دوشاخ یک قیچی

۲۷ غلط گناه نهادیه

درس یازدهم

۱ یک گدا

۲ یک طفاوت

۳ در این یک طفاوتی هست میان این با آن

۴ چه طفاوت هست میان گدا و شاهزاده

۵ در این صورت

۴۷ این مال این خانمان است

۴۸ این آن این بانوبان نیست

۴۹ این مال ایشان نیست

۵۰ این ایشان نیست

۵۱ این عراده ایشان است

۵۲ قنودن آواز کردن مثل سگ ۵

۵۳ این عراده ایشان نیست ۱

۵۴ آرزو کردن

۵۵ چه آرزو میکنید شما

۵۶ یک پارچه گوشت گاو میخواستم

۵۷ شما آرزوی صحیح خیریت دارم

۵۸ سه آرزوی سعادت او دارم

۵۹ سه آرزوی نیک راهی ایشان دارم

۶۰ التفات خواهید داشت گاه‌ها بنویسید به ما

۶۱ بلی صاحب با بسیار خوشی

درس دهم

۱ پول را ارزانیدن ۱ یعنی ملد کف از پول بودن

۲ سه پول خود را در داد و ستاد ما ارزانیدم

۳ این صاحب در مایهٔ عام پول خود را ما ارزانید

۴ بمعت خود را ارزانیدن

۵ این مرد دانش خود را بی توانه ارزانید

۶ نفس خود را ارزانیدن

۷ تمامیه ایند ارزانیدن نفسیه خود را

۸ در دریا بودن

۹ در جا بودن لازم کردن

۲۰ من مجبور استم توشه به بزم کردن

۲۱ عقد کردن شادی کفلن

۲۲ این خانومه شادی خلله کرد با خواهرزادهٔ ما

۲۳ یک دره

۲۴ این خانهٔ کیست

۲۵ این خانهٔ از شماست

۲۶ این خانهٔ من است

۲۷ این شماست

۲۸ این مال من است

۲۹ این کلید مال این زن است

۳۰ این ان این زن است

۳۱ این خواهش است

۳۲ این مال کش است

۳۳ مال خواهش نیست

۳۴ این مال خواهش نیست

۳۵ این ان برادر شماست

۳۶ این ان برادر من است

۳۷ این مال کش است

۳۸ این خواهش است

۳۹ این عراده مال این صاحبان است

۴۰ این ان ایشان است

۴۱ این ان ایشان نیست

۴۲ این مال ایشان نیست

۴۳ مال کیست پس

۴۴ این عراده مال کیست

۴۵ این مال این خانومان نیست

۴۶ این ان این مانویان نیست

۶۸ جز عملین نیست مرا چاره جز

۶۹ یک کوکرت   نو ظهور

۷۰ یک رزم

۷۱ فتح رزمی کردن

۷۲ سردار ژاکسون فتح رزمی کرده امریکا را فلا

219

درس نهم

۱ احوال خوب است   شما چطور اید

۲ د او را

۳ د او

۴ د انها

۵ د ایشان

۶ د ما

۷ درست میدانستید توانگر بودن

۸ نه درست خواهم داشت بودن

۹ درست میداشتیم با هم رور جوان ماندن

۱۰ میخواستید شما

۱۱ من خوب میخواستم

۱۲ شما میخواستید

۱۳ من میخواستم

۱۴ میخواست او

۱۵ او میخواست خوب

۱۶ ما خوب میخواستیم

۱۷ ایشان میخواستند

۱۸ ایشان خوب میخواستند

۱۹ تو شنه گردان از

۱۴ اینها لغتهائی ما انه

۱۵ انها لغتهائی پاک ما انه

۱۶ اینها پاک ما نیست انه

۱۷ اینها پاک ما انه

۱۸ پاک گشت این انگشتانه

۱۹ این انگشتانه پاک خواهر گمالت

۲۰ اینها پاک خوش انه

۲۱ اینها پاک خوش نیست انه

۲۲ پاک گیبت امان

۲۳ این انگشتانهای پاک این زنان است

۲۴ انها پاک ان زنان انه

۲۵ انها پاک ان زنان نیست انه

۲۶ انها ان ایشان است

۲۷ این مقراضهای پاک خیاطان است ؟

۲۸ پاک انهاست اینها

۲۹ این مقراضهای خیاطان انه

۳۰ مقراضهای ایشان آنه اینها

۳۱ اینها پاک ایشان نیست انه

۳۲ انها پاک کس نیست انه

۳۳ اینها از کس نیست انه

۳۴ اینها ان شخص انه

۳۵ یک ظرف

۳۶ ظرف که اشش

۳۷ یک میز و ده ظرف

۳۸ این نیست

۳۹ این نیست

۴۰ این است

۴۱ این یک کس بے که تنها درست میواریه

۴۲ اینها انه

۴۳ اینها انه

۴۴ اینها نانه

۴۵ اینها نانه

۴۶ اینها نیست انه فلوس را نمی‌دارید

۴۷ اینها فلوس انه من در دست دارم

۴۸ اینها فلوس نیست انه که من میدارم

۴۹ این یک سگ است

۵۰ اینها سگانند

۵۱ خواهر شما است

۵۲ خواهر شما نیست

۵۳ خواهر شما نیست

۵۴ این اوست

۵۵ اوست این

۵۶ این یک زن مقبول است

۵۷ اینها زنان مقبول انه

۵۸ اینهم خواهر شما است هو ایرا که است

۵۹ این خواهر من است که است

۶۰ خواهران شما انه که اینها که انه

۶۱ این خواهران من انه که ایرا که انه

۶۲ توانگری یک چیزی مقبول است یا مقبول
این توانگری

۶۳ توانگری است مال

۶۴ درشان اعلانه خانه‌های ایرانیکا

۶۵ به رنگها یک بسیار خوب است

۶۶ اینها حیوانان منفع انه مراسبان

۶۷ چیزی غمین است به چیزی

۴۸ دران گرفتن

۴۹ شما دران خوب درگیر بید

۵۰ من دران خوب درمیگیرم

۵۱ شما خوب بد درمیگیر بید

۵۲ چطور دران شما درگرفته شده بید

۵۳ من دران چنین درگرفته شده‌ام

۵۴ او دران چنین درگرفته شده است

۵۵ من دران چنین توانم درخواهم گرفت

۵۶ بابن گونه

۵۷ بابن گونه‌ان

215

درس ششم

۱ بیا ریه دفتی ام من در باغ بخوام

۲ سواره گشتن

۳ درعراده گشتن

۴ دراوطاق دیگر

۵ مال کیست این تفنگها

۶ مال من انه اینها

۷ تفنگها شما انه اینها

۸ تفنگها مال من انه

۹ مال شما انه اینها

۱۰ اینها مال شما نیست انه

۱۱ این تفنگها مال برادر شما انه

۱۲ مال خودش انه اینها

۱۳ اینها مال خودش انه

٢٠ ایشان میکردند

٢١ من میگفتم

٢٢ او میگفت

٢٣ ما میگفتیم

٢٤ ایشان میگفتند

٢٥ شما میبودید

٢٦ من میبودم

٢٧ او میبود

٢٨ ما میبودیم

٢٩ ایشان میبودند

٣٠ ایشان میبودند

٣١ همسطح کردن   شریف کردن   مسطح کردن

٣٢ او سطح خانه‌اش میکند

٣٣ اتفاق افتادن

٣٤ او اتفاقات با فرانسه از انجا باد میگوید

٣٥ اتفاقات ما فرانسه پایین

٣٦ دران اتفاقات ما فرانسه

٣٧ بیاد آوردن

٣٨ شما بار میاورید وقتی که ما بمدرسه میرفتیم

٣٩ شما برون میامدید در حینی که او داخل میشد

٤٠ بار آوردن   بار کردن

٤١ از این بار میکنید شما

٤٢ شما زان بار میکنید

٤٣ بار من میاید

٤٤ پوشانیدن

٤٥ چرانیدن

٤٦ گوسفندان چرانیده

٤٧ گوسفندان میچرانید

۱۲ اگر شما را خوش میکنید

۱۳ اگر این شما را خوش میکنید

۱۴ اگر بیش   نخستین

۱۵ اگر بیش ادا کردن   بیشتر ادا کردن

211

درس هفتم

۱ یکچهار باری

۲ حیف اینکه

۳ حیف اینکه خدا شما را یک حرکت خلاصه کرد شما را درست خواند

۴ شما میگوئید

۵ من میگویم

۶ ما میگوئیم 3

۷ او میخواهد 2

۸ او میخواند ا 3

۹ ایشان می توانند

۱۰ من بیدار میرفتم وقتی که شما را ملاقات کنم

۱۱ شما میخواهید وقتی که من چیزها را گرم کنم

۱۲ او میگفت وقتی که ما میاریم

۱۳ او میپرسید وقتی که ما میخوابیدیم

۱۴ ما بیمار میشدیم وقتی که ما یک انبار تری داشتیم

۱۵ او اکثر بیرون میرفت وقتی که سالم بود

۱۶ شما میکردید

۱۷ من میکردم

۱۸ ما میکردیم 2

۱۹ او میکرد ا

۵۵ این پول ها این محل است

۵۶ این پول ها این محل نیست مگر

۵۷ این پول ها این محل نیست

۵۸ این ان ایشان است

۵۹ این ها ایشان است

۶۰ این ها ایشان نیست

۶۱ این ها ایشان نیست

۶۲ این رشته ها این زنست مگر

۶۳ این رشته ها این زنانست

۶۴ این رشته ها این زنان نیست

۶۵ این از ان این زنان

۶۶ ا این است ها ایشان / ها ایشان است

۶۷ این ایشان است

۶۸ این ایشان نیست

۶۹ این ها ایشان نیست

۷۰ این رشته را ها کسی است

۷۱ این رشته ها کسی نیست

۷۲ این رشته از کسی است

۷۳ این رشته از کسی نیست

۷۴ این ان ها کسی است

۷۵ این از ها کسی است

۷۶ این ان کسی نیست

۷۷ این ان از کسی نیست

۷۸ یا

۷۹ این سنگ تمام نیست یا از تمام نیست ها که

این سنگ ها تمام است یا از کیست

۸۰ چشم همانا وقتی که

۸۱ پس همانا

٢٨ این ایران مال برادر شماست

٢٩ این اران مال برادر شمانیست

٣٠ مال خودش نیست

٣١ این مال خودش است

٣٢ این ان مال برادرم است

٣٣ این مال خودش نیست

٣٤ این سک مال ماست

٣٥ این سگ مال ماست

٣٦ این مال ماست

٣٧ این مال ما نیست

٣٨ این مال ما نیست

٣٩ این رشته مال خواهر شماست

٤٠ این رشته مال خواهرم است

٤١ این ازمال خواهرم است

٤٢ این ان خواهرم است

٤٣ این مالش است

٤٤ این مال اوست

٤٥ این مال او نیست

٤٦ این مال خودش نیست

٤٧ این رشته مال من نیست

٤٨ این رشته‌ء من است

٤٩ این رشته مال من نیست

٥٠ این از مال من نیست

٥١ این مال من است

٥٢ مال من است این

٥٣ این مال من نیست

٥٤ این پول مال این مرد است

درس ششوم

۱ سردی شدن   تصوله کدن
۲ مه سردی شدم از زیادت خانه بردن امدن
۳
۴
۵
۶
۷ راه گم کدن   حیران شدن
۸ مه چاقوی خود گم کدم
۹ وقتی مرد راه گم میکنه از حیرت عقلش گم میکنه
۱۰ خالی کدن   قفل کدن
۱۱ خود اماده کدن
۱۲ مه خود اماده میشوم رفتن
۱۳ متوطن شدن
۱۴ سپردن
۱۵ مه بشما بسپرم از این متحمل بودن
۱۶ مه بشما بسپرم این جوانرا
۱۷ مه کارهای بشما بسپرم
۱۸ سر در چیزی نگاه داشتن
۱۹ در این کار رازرا نگاه دار
۲۰ ازاد کدن   اتش کدن
۲۱ سگ کیست این
۲۲ سگ شماست
۲۳ این سگ سگ شماست
۲۴ این سگ شما نیست
۲۵ این سگ برادر شماست
۲۶ سگ برادر شما نیست
۲۷ این از سگ برادر شماست

۳۶ ایشان درس خود را به استاد فرانسوی گاهی خواهد داشت

۳۷ باور کردن — اعتماد کردن

۳۸ شما هم باور نمی‌کنید

۳۹ من باور نمی‌کنم به شما زیاد

۴۰ ما باور نمی‌کنیم از این زن

۴۱ ما زیاد باور نمی‌کنیم

۴۲ شما از این باور نکنید

۴۳ شما زن باور نکنید

۴۴ زن باور نکنید ؟

۴۵ من زیاد باور نمی‌کنم ا

۴۶ باور نکنیم زن

۴۷ خود تشویش کردن

۴۸ شما مشوش شدید از این

۴۹ شما زن مشوش شدید

۵۰ من زیاد مشوش شدم

۵۱ از این تشویش نکنید شما

۵۲ زن شما تشویش نشود

۵۳ درست شما تشویش نکنید از این

۵۴ برای چنین چیز جزئی

۵۵ دستها برای خود پیاده کردن

۵۶ دستمان برای خود پیاده کردن

۵۷ تکلیف کردن — آزمودن

۵۸ تکلیف به بچه‌ها

۵۹ بچه دبیرستانش

۶۰ من پروای رخش ندارم

۶۱ من از این پروای ندارم

۶۲ من زیاد پروای ندارم

۶۳ خواهرم پروای رفتن ده ندارد

۸ این خوش و ناخوشش است

۹ این خوش باد شماست

۱۰ این خوشش می‌آید

۱۱ اگر شما خوش این بانو بیاید ناخوشش خواهد آمد

۱۲ صاحبی   مالیک

۱۳ درای چیزی هست که توانه بخوشی شما آید

۱۴ درای چیزی نیست که توانه بخوشم آید

۱۵ درانی کسی هست که نام شما را بداند

۱۶ کسی نیست که بداند

۱۷ می‌شناسید کسی را که خواهد اینرا کردن

۱۸ بمن حرفی میکوید که من ندانم

۱۹ جبر کردن

۲۰ شما جبر کنه وادار به شدن حاکم

۲۱ درنهادن

۲۲ شما این مهر را درنهاده به خود را بکشن

۲۳ خود درنهادن   خود مجبور شدن

۲۴ شما خود را بکشتن درمنهید

۲۵ خلاص کردن

۲۶ (سم زنه که اورا خلاص کردم)   سم از موان اورا خلا

۲۷ من اورا از مودن خلاص کردم

۲۸ شما مرا از خطر خلاص کردید

۲۹ زخوردن جنم شما ملکینه (حیاتکم) بجسم می‌ترانیه شما سالیم بودن

۳۰ ابری شاعوندن امیه بلبل رحتی داریم

۳۱ بوجه

۳۲ هم روزه ناخوش بوجه چیز میتوانیم کار کرد

۳۳ شده   داشته

۳۴ بداشتن احتبار چیز میتوانیم کاری کرد

۳۵ دانسته

۲۸ گوینده

۲۹ در گفتن این حرف او برده است

۳۰ او بر ماغ سه خفته بد در گفتن این

۳۱ (اهمه) هم در گفتن روبال سه دوزدیه

۳۲ با همه خنده آن گم بختی خودرا هم حکایت گو

۳۳ دل زده کردن معرکه ساختن

۳۴ یک افسوس

۳۵ افسوس داشتن

۳۶ سه افسوس دارم از خانه خود فروختن

۳۷ افسوس کردن

۳۸ سه افسوس میکنم از فروختن خانه‌ام

۳۹ شما طاهر که به نکده بیا جهها باشش حه بدید

۴۰ سه دیدم کمی بر دیده گاوها

۴۱ یک پوغیچه

۴۲ خواهش آرزو

۴۳ سه آرزوی توانگر شدن ندارم

2.23

درس پنجم

۱ ناخوشی کس آمدن

۲ شما ناخوشی این مرض میاید

۳ من ناخوشش میایم

۴ این ناخوشی شما میاید

۵ این ناخوشی هم میاید

۶ این ناخوشی پدر شما آمده است بد

۷ این ناخوشش آمده است

درس چهارم

۱ شما هر حرف را یاد آورده اید

۲ شما آن یاد آورده اید

۳ خواهر شما یاد آورده حرفها را

۴ آنها یاد آورده اند

۵ این بانو انگشت خود بریده است ؟

۶ او آنها یاد آورده ا

۷ او آنان خود بریده است

۸ این بانویان روی خودشان شسته اند

۹ ایشان آن خودشان شسته اند

۱۰ این بچه روی دستهای خود شسته است

۱۱ او آنان خود شسته است

۱۲ این صاحبان گردن خودشان شکسته اند

۱۳ ایشان آن خودشان شکسته اند

۱۴ شما بخواب رفته اند در خواندن

۱۵ در خواندن من بخواب رفتم

۱۶ این بچه مجبور در دویدن

۱۷ زنان مباشند در خوردن

۱۸ من رو باید بکنم در خوابیدن

۱۹ این قلعه مخروبه در کار کهن

۲۰ من خود را گرم خواهم کرد بشما گوش نهادن

۲۱ بکنی خوشش آمدن

۲۲ سعی بکنید بخوشش این خانه بیاید

۲۳ من سعی میکنم بخوشش ایم

۲۴ بکنید اگر برای خوشش آمدن بانویان

۲۵ من بکنم اگر ... توانم بخوشش شان آمدن

۲۶ اگه ه نه ه ا ه گفته ه

۲۷ در کردن آتش انگشتهای خود سوزانده ام

۳۸ تکیه نکنید خود به پندار

۳۹ یک تکیه

۴۰ یک عصا تکیهٔ ثابت برای صاحبش

۴۱ یک غریب بدون امداد

۴۲ [illegible]

۴۳ گسستن

۴۴ یکی باور کردن

۴۵ شما این مرد باور میکنید

۴۶ شما او را باور میکنید

۴۷ من او را باور میکنم

۴۸ درست شما باور میکنید این مردم

۴۹ او آنها باور میکند

۵۰ دوستان شما خود باور این زن میکنند

۵۱ ایشان خود او باور میکنند

۵۲ او باور میکنید شما

۵۳ شما او باور میکنید

۵۴ آنها باور میکنند

۵۵ او باور میکند

۵۶ من باور میکنم

۵۷ این باور میکنند

۵۸ دران باور میکنند

۵۹ دران باور میکنند

۶۰ به همه خلق باور نباید کنیم

۶۱ به که باور میکنید شما

۶۲ من یکی باور نمیکنم

۶۳ به هیچ باور نمیکنم

۶۴ شما این مرد غریب باور کرده‌اید

۱۰ خود سوار گشتن شدن
۱۱ بیدار شدن بغفلت
۱۲ خود بیدار شدن بغفلت
۱۳ برنج نا پدید شدن یعنی فوری حال در
۱۴ سم بهار این شده م ه ناپدید ه م
۱۵ در این ساخته شده ام
۱۶ کردن ساختن
۱۷ دران بودن
۱۸ دران میباشم
۱۹ شبیه کردن از
۲۰ شما شبیه میکنید از این
۲۱ شاران شبیه میکند
۲۲ سم شبیه میکنم
۲۳ سم خود شبیه میکنم زاید کر شما کرده بید
۲۴ تفهیم دن بی گمان بودن
۲۵ بی گمانیه زاین
۲۶ اران بی گمانیه شا
۲۷ سم بی گمانم
۲۸ نانی اقای شهره
۲۹ یک کمر
۳۰ یک کمر زرنگار
۳۱ نیک نانی بیه از کمر زرنگار
۳۲ بخت اوردن مالیک شدن
۳۳ او مالیک دولت سه شدلت
۳۴ او خود مالیک شده لت
۳۵ تکیه کردن بهشتن
۳۶ تکیه نکنید کورسی را برابر
۳۷ خود تکیه کردن

٤٩ بیهوده

٥٠ خودکلاه شدن   خود نهادن
٥١ شکایت کردن   گله مند شدن
٥٢ او گله مند است از زیرسبن پول خود
٥٣ گله مند شدن زانکه
٥٤ شما گله میکنید زانکه او طاق شما را جاروب نکرده اند
٥٥ شکایت کردن از
٥٦ شکایت میکنند او از رحمت خود نفرستاده اند
٥٧ یک ظلم   یک ناحقی
٥٨ یک ناحقی کردن بکسی
٥٩ باو ناحقی کرده اند
٦٠ این صاحبان شکایت میکنند که بایشان ظلم کرده اند
٦١ ایشان گله میکنند که بایشان ناحقی کرده اند
٦٢ یک شکایت
٦٣ یک وعده   یک آذن

درس سیم

١ پادائی
٢ بر پادائی بر رم
٣ بر پادائیم
٤ بر پادائیت
٥ بر پادائیش
٦ بر پادائیشان
٧ مست شدن
٨ از عرق مست شدن
٩ سوار کشتی شدن

۲۱ از انکه رخت پوشیده بیرون رفته است

۲۲ او رخت پوشیده است پیش از نهار

۲۳ ستودن بازماندن

۲۴ ستوده شده بودید

۲۵ از راه رفتن باز مانده شده ید

۲۶ خواهر شما ستوده شده است

۲۷ خواهر شما ستوده شده در رفاقت خانه

۲۸ ستودگی بازماندگی

۲۹ پیش رفتن

۳۰ زنان زیاده پیش رفته اید

۳۱ وقتی [illegible] خواهید شد زیاده پیش رفته خواهید شد

۳۲ وقتی او شوهر خواهر کرد زیاده پیش رفته خواهد شد

۳۳ صاحب غرض شدن

۳۴ مدیون شدن

۳۵ منتظر شدن

۳۶ شما منتظر میشده باشید

۳۷ شما در این منتظر میبودید

۳۸ من در منتظر میبودم

۳۹ خواهر شما منتظر میشود از رسیدن کاغذی

۴۰ در آن منتظر میبود او

۴۱ او در منتظر میشود

۴۲ شما هم منتظر میباشید از رسیدن کاغذی

۴۳ شما در این منتظر میباشید

۴۴ من در منتظر میباشم

۴۵ یک طرح

۴۶ یک بخشش

۴۷ اعلا نهایت خوب

۴۸ یک بخشش نهایت خوب بخشش اعلا

۵۵ شما بنظر درآوردید این

۵۶ بجواهر شما ظاهر شده است از آنکه ما کرده‌ایم ؟

۵۷ شما آن ظاهر کردید ا

۵۸ او ظاهر ساخته است

درس سوم

۱ یک غریب

۲ تعمیل بکنید تا من گرم بشوم

۳ تعمیل کنیم تا او گرم شود

۴ تعمیل کنیم تا او گرم شود

۵ من تعمیل خواهم کرد تا شما خود گرم شوید

۶ او تعمیل خواهد کرد تا ما گرم بشویم

۷ ما تعمیل خواهیم کرد تا ایشان گرم بشوند

۸ باز نهادن تا آنکه

۹ باز نهید این کار تا اینکه من گرم بشوم

۱۰ خواهید آمد شما با من به حجره گرم کردن

۱۱ بشما خواهم آمد بعد از گرم شدن

۱۲ ما خواهیم رفت بعد از حجره گرم کردن

۱۳ خواهر من خواهد رفت بعد از گرم شدن

۱۴ خواهران من خواهند رفت بعد از حجره گرم کردن

۱۵ بخواب رفتن

۱۶ شما بخواب میروید

۱۷ بیدار شدن

۱۸ از آنکه بیدار شده بودم برخاسته‌ام

۱۹ من این صبح زود بیدار شدم

۲۷ ایشان گرم شده اند

۲۸ ایشان هیچ گرم نکرده اند

۲۹ این زنان هیچ گرم نکرده اند

۳۰ ایشان گرم شده اند

۳۱ ایشان گرم شده اند

۳۲ ایشان گرم شده اند

۳۳ یک طپنچه

۳۴ یک کتاب نقل

۳۵ یک بالابان یا نقاره

۳۶ بدی خصلت

۳۷ با بدی با خصلت

۳۸ بعد از هیچ گرم کردن بیرون رفته است

۳۹ بعد از هیچ گرم کردن بیرون رفته است

۴۰ بعد هیچ گرم کردم بیرون رفتم

۴۱ بعد شما هیچ گرم کردن بیرون رفتید

۴۲ بعد ما هیچ گرم کردن ما بیرون رفتیم

۴۳ بعد هیچ گرم کردن ایشان بیرون رفتند

۴۴ خواهرم بر تخت خواب رفته است بعد از برهنه شدن

۴۵ خواهران من بر تخت خواب رفته اند بعد برهنه شدن

۴۶ بزمین

۴۷ دم گرفتن

۴۸ من مگس میگیرم برای دم گرفتن یا آسودن

۴۹ من مگس گرفتم برای دم گرفتن

۵۰ یک گل پژمرده

۵۱ پژمرده شدن یا پژمرده کردن

۵۲ پژمرده شدن

۵۳ گلهای من پژمرده شدند

۵۴ ظاهر ساختن یا بنظر در آوردن

درس اول از درجه ششم

۱ شما خود گرم کردید
۲ شما خود گرم کنید
۳ شما خود گرم نکردید
۴ شما خود گرم نکردید
۵ گرم شدم
۶ من خود گرم کردم
۷ گرم نشدم
۸ من خود گرم نکردم
۹ دوست شما خود گرم کرده است
۱۰ او خود گرم کرده است
۱۱ او خود گرم نکرده است
۱۲ او گرم نشده است
۱۳ خواهر شما خود گرم کرده است
۱۴ او خود گرم کرده است
۱۵ او خود گرم نکرده است
۱۶ او گرم نشده است
۱۷ ما خود گرم شدیم
۱۸ ما خود گرم کردیم
۱۹ ما خود گرم نشدیم
۲۰ ما خود گرم نکردیم
۲۱ ما خود گرم کردیم
۲۲ ما گرم شدیم
۲۳ ما خود گرم نکردیم
۲۴ ما گرم نشدیم
۲۵ این معلم خود گرم کردند
۲۶ ایشان گرم شدند

378

Persian

6 1/6 p.188 — 314/317

6th Course — Lessons 1/10 & 2 supplementary lessons

311–378
372 no 308
378 blank

5

۴۲ خودرا پیش نهادن

۴۳ شما پیش نهاد به رفتن را

۴۴ منم پیش نهادم بروم

۴۵ به اکربان من — به حمل من

۴۶ به کربان او — خود به حمل خود

۴۷ بحمل یک بچه

۴۸ بحمل همه خلق

۴۹ بحمل یک تفنگ

۵۰ ۳ حمل تفنگ

۵۱ یک حمل تفنگ

آخر درس درجهٔ پنجمی

۱۵ واقع شدن

۱۶ با حوادث

۱۷ به حوادث

۱۸ شأن

۱۹ این کار شأن دارد

۲۰ چه میدهید شما بمن

۲۱ چه میگوید شما باو

۲۲ چه میگوید شما بایشان

۲۳ چه میگویند شما بما

۲۴ چه میگفت او بشما

۲۵ چه چیز است که بهم میکنید

۲۶ طول دادن چیزی

۲۷ چه چیز باد میکنید این باد

۲۸ من دوست نمیدارم طول دادن چیزی را

۲۹ چالاک

۳۰ (پیاله را از دماغ کسی برکشیدن)

۳۱ (چرا پیاله را از دماغ این مرد میکشید شما)

۳۲ (سر از دماغ او پیاله را کشیدم)

۳۳ او میخواهد از دماغ من پیاله را برگیرد

۳۴ تقریر کردن

۳۵ به دماغ کسی خنتر زدن

۳۶ من به دماغ او خنتر زدم

۳۷ او به دماغ من خنتر زد

۳۸ شبیه ایجاد کردن

۳۹ رفتار او شبیه ایجاد کرد در فکر من

۴۰ بگوئید بهمه صاحبان مقرر شده اید در حال ما
خود را عکس بکنید

۴۱ خود را آرام کردن

۲۰ من خود را عوض نمی‌کنم

۲۱ شما خود را غمین مسازید من بیمار میباشم
۲۲ شما خود را غمین مسازید از این اتفاقات
۲۳ شما غمین نباشید اینکه من بیمار میباشم
۲۴ این مرد غمین نباشد اینکه کار ندارد
۲۵ او خود را از هیچ غمین نمیکند
۲۶ شما خود را غمین نسازید از این
۲۷ دل دادن عمل کردن
۲۸ عقلمندی

۱۸۸

درس سیم

۱ خود را در مانده دیدن
۲ شما خود را درمانده مبینید
۳ من خود را درمانده نبینم
۴ یک نردبان
۵ صدا آواز
۶ معنی بیان
۷ غیر
۸ معناهای غیره
۹ نفع کردن
۱۰ انداختن
۱۱ آزادگی
۱۲ بیچاره
۱۳ زنده‌گی توانایی
۱۴ اتفاقات وقعات

۶۳ این بشما نگاه میکنه
۶۴ این باو نگاه میکنه
۶۵ داخل شو در آن که بشما نگاه میکنه
۶۶ داخل شو در آن که بشما نگاه میکنه
۶۷ که هر کس داخل شود بآن که باو نگاه دارد

۱۵۱ درس بیست و نهم

۱ یک مرتبه
۲ یک بار
۳ حاضر شدن در جای مقرره
۴ شما حاضر شوید بجای مقرره
۵ شما در اینجا حاضر شوید
۶ من در اینجا حاضر خواهم شد
۷ چیدن
۸ سه بار برنج خود را چیدم
۹ این دو دیده شد
۱۰ ما جمع میکنیم همه عربیان بیچاره
۱۱ واجب
۱۲ خلق
۱۳ خلقها
۱۴ دولت حاکم
۱۵ در رخت خواب بودن
۱۶ من در رخت خواب میباشم
۱۷ ناخوش در رخت خواب بمانه
۱۸ عوض کردن
۱۹ چرا خود را عوض میکنید

۳۶ با د شما چهره میکنه

۳۷ من با او چهره نمیکنم

۳۸ من چهره تلبس نمیکنم

۳۹ نزدیک شدن

۴۰ شما نزدیک این درخت میشوید

۴۱ شما خود نزدیک میشوید

۴۲ من بان نزدیک میشوم

۴۳ نزدیک شیرهان

۴۴ دور شدن

۴۵ شما خود را از دور میکنید

۴۶ من از شما دور نمیکنم

۴۷ از آتش دور شوید شما

۴۸ از آن دور شوید شما

۴۹ خود را میان انداختن — داخل شدن

۵۰ شما در این کار داخل میشوید

۵۱ شما از آن داخل میکنید

۵۲ چرا شما خود در آن داخل میکنید

۵۳ من در آن داخل نمیشوم

۵۴ شما خود در آن داخل نکنید

۵۵ لیکن ما خود را درهم داخل میکنید

۵۶ در چه داخل میشود او

۵۷ بچه داخل میشود به شما

۵۸ شما به میکنید در آن داخل شدن

۵۹ من نمیخواهم که شما در آن داخل شوید

۶۰ این ما خود را داخل میکنیم همیشه در کارهای دیگران

۶۱ نگاه کردن

۶۲ این بمن نگاه نمیکند

٨ (همه راست) پیش دراول — دراول
٩ من او را شناختم دراول
١٠ دراول رسیدن
١١ نشان کردن
١٢ نشان کردن بکسی — اشاره کردن
١٣ من باو اشاره کردم بیاید
١۴ یک اشاره کردن
١۵ اشارهٔ چشم کردن
١۶ من باو اشارهٔ چشم کردم بیاید
١٧ اشارهٔ ابرو کردن
١٨ اشاره ابرو کردم باو بیاید
١٩ چه اشارهٔ است این
٢٠ این اشارهٔ کم بخشیست
٢١ کم کردن
٢٢ این تاجر نمی خواهد هیچ کم کردن از قیمت خود
٢٣ کم کردن
٢۴ من نمیخواهم کم کردن
٢۵ زیاده کردن
٢۶ شما بسیار زیاده میکنید
٢٧ خواستن بکسی
٢٨ زن میخواهید باین محل
٢٩ باو میخواهید زن
٣٠ بلکه میخواهید زن
٣١ من از شما زن نمی خواهم
٣٢ من زن بکسی نمی خواهم
٣٣ جهل کردن
٣۴ جهل بکسی کردن
٣۵ باین محل جهرا میکنید

62 من بکار میروم

63 هر کس بکار خود میرود آنچه دارد
64 یک سنگ صیقل
65 کارهای من
66 من دوست ندارم کم کردن کارهای خود
67 سعی بدارید برای کارهای ما
68 خاک را پاک کردن
69 من رومال ندارم تا کم را پاک بکنم
70 دستپاچه شدن
71 چرا دستپاچه میشوید شما
72 دستپاچه نشوید شما
73 من دستپاچه میشوم تمام بکنم
74 گذشتن
75 بگذار بگذشته
76 شما بگذارید بگذشته کتاب شما را
77 بگذارید بگذشته پول شما را

درس پنجاه هشتم

1 بلدارچه وزن بر دوراک
2 بوزن فروختن
3 بمنعه
4 تیز کردن چرخ کردن
5 من دادم چرخ کردن تیغ مرا
6 شناختن
7 من شما را شناختم

۳۴ یک صندوق

۳۵ یک قوتنه یک قوردنے

۳۶ بم الست بازی کعن

۳۷ بکه است این آتش کعن

۳۸ اینکه بزان لت آتش کعن

۳۹ بزان بنت زان کعن

۴۰ با و بنیت کعن ان

۴۱ لثما بنیت ان کعن

۴۲ بهماست اینکه ان کعن

۴۳ اینکه بزن الست کعن ان

۴۴ با و لت ان کعن

۴۵ با و بنبت کعن ان

۴۶ اینکه این کار با این فعلها لت کعن

۴۷ اینکه با نهالت کعن ان

۴۸ این با نهالت کعن ان

۴۹ این با دستالت فرمون

۵۰ عتاعت این نوکرت

۵۱ بکه رست فرمودن این

۵۲ این بعمیل لت درا نبار وا کعن

۵۳ این با دیت بستن

۵۴ این با د بنبت با نوکرست بستن ان

۵۵ فرمودن

۵۶ سن فرسعدم لمرد بیاید

۵۷ سن با د فرسعدم بیاید

۵۸ عمل کعن جا اودن اعماعب

۵۹ بکار بردن

۶۰ بکار میبریه ثما لعک سن

۶۱ ثما زان بکار میبرید

۶ چیزی میخواهید شما از ما سوت چو

۷ ده ریال میخواهم

۸ دادن از

۹ من بشما خواهم داد ده ریال برای ماهوت را

۱۰ من بشما نمیدهم را توه ریال

۱۱ تکلیف کردن از

۱۲ چیزی تکلیف میکنید شما برای اسب او

۱۳ صد ریال تکلیف میکنیم

۱۴ به کمی

۱۵ من بشما رها نخواهم کرد به کمی صد ریال

۱۶ بگذارید به کمی

۱۷ من باد نخواهم گذاشت اسب به کمی از صد ریال

۱۸ یک فلوس کم

۱۹ یک فلوس کم نخواهم گذاشت

۲۰ این چه چیز است

۲۱ دانید شما چه چیز است این

۲۲ من نمیدانم که چه چیز است این

۲۳ چه چیز است این شور

۲۴ چه چیز است این کن کش

۲۵ چه چیز است این حرف

۲۷ به دور

۲۸ صفحه ورق

۲۹ یک نشان یک خط

۳۰ یک نشان

۳۱ یک خط هر کدام

۳۲ بهم بدهم لطف یک چاقوچ یا اسباب هر کدام

۳۳ فرو کردن

۳۸ یکی نزد دیگران
۳۹ یکی نزد دیگران
۴۰ نقل کردن
۴۱ تکرار کردن
۴۲ رد شدن
۴۳ شما رد کرده بهترین خود را
۴۴ شما زان رد کنید
۴۵ من رد کردم ۹
۴۶ بزیاده تی فزونی د
۴۷ بهترین وار به شده ۷
۴۸ من خواهم رد کرد ا
۴۹ ابریشم وار به شده
۵۰ از اهنی
۵۱ دستباچه شدن
۵۲ اینم نیست ۹
۵۳ دستباچه شده بودن ا
۵۴ شما بیمار هستید نه نیست
۵۵ شما تراب دلت میدار به نیست
۵۶ خواهر شما دستپاچه شده است از سیتچه خود نیست

درس بیست و هفتم

۱ تواطع کردن
۲ تواطع کردن با این مرد غریب
۳ باد تواطع بکند
۴ من باد تواطع کردم
۵ پرسیدن از

۱۱ میدانید شما انجا میگذارید در خانه شما وقت غایب بود

۱۲ مسقره کردن
۱۳ شما مرا مسقره میکنید
۱۴ شما مارا مسقره میکنید ازاین
۱۵ شما زان مسقره میکنید
۱۶ من مسقره میکنم
۱۷ شما مسقره نمیکنید از این مرد
۱۸ یک مرد معایب
۱۹ عدایت
۲۰ پایین بینی
۲۱ من پایین بینم
۲۲ از دور
۲۳ از دور دیدن
۲۴ از نزدیک
۲۵ از نزدیک دیدن
۲۶ بکاربردن
۲۷ هزار
۲۸ خدمت
۲۹ یاد آوردن
۳۰ شما یاد میوارید ازاین
۳۱ شما یاد میوارید
۳۲ من یاد میوارم
۳۳ شما یاد میوارید با بار رفتن
۳۴ شما یاد خواهید اورد باینجا رفتن
۳۵ عمیل یاد خواهد کرد
۳۶ یک نزد دیگر
۳۷ یک نزد دیگر

٧١ بیداری کشیدن بر بلاها
٧٢ اگر شما بیداری بکشید برای این تقلدن به جایی نر
٧٣ این گل بمیرد
٧٤ این زن بمیرد
٧٥ مردن
٧٦ من بمیرم
٧٧ این درخت بمیرد
٧٨ روز پیشین
٧٩ روز پیشین دوشنبه شنبه است
٨٠ من خواهم آمد به دیدن شما روز پیشین از رفتن ...
٨١ روز پیشین آمدن او من خواهم آمد
٨٢ مولد عیسی
٨٣ روز پیشین مولد عیسی
٨٤ بر روز پیشین مولد عیسی

درس بیست و ششم

١ عادت کردن
٢ بابا بچه‌ها را بکار کردن عادت کرد
٣ عادت کرده بودن
٤ من عادت دارم باش
٥ ما عادت دارم بزودی برخاستن
٦ یک چیاچی
٧ قیاس کردن
٨ گذاشتن
٩ وقت میگذارد
١٠ وقت خواهد گذاشت

۴۴ درهم نکن رشتهٔ من

۴۵ درهم کردن

۴۶ درهم کن رشتهٔ من

۴۷ من نمی‌توانم درهم این کار کنم

۴۸ میتوانید در انجمن جزء نوی ان

۴۹ حیاتی رشتهٔ ابریشم

۵۰ استار

۵۱ آستین بدون استار

۵۲ مبهم سرگردانی

۵۳ سرگردان کردن کسی را

۵۴ باد سرگردان بکنم

۵۵ سرگونه داشتن

۵۶ ساکن شدن

۵۷ من در این خانه ساکن میشوم

۵۸ سرگونه کردن

۵۹ این مطلب بسیار سرگرمی میکند

۶۰ بیدار بودن

۶۱ من شب گذشته بیداری کردم

۶۲ بیداری بر

۶۳ بیداری کن بکار خود

۶۴ اگر شما در آن بیداری نکنید بخت خود نخواهید یاف

۶۵ بیداری کن تا بیکه

۶۶ بیداری کن تا بین که بلدرم بسیار زند

۶۷ بیداری کنم اگر احساس میاورند

۶۸ بابه بیداری کردن شاگردان ایشان خوش نام کن

۶۹ بیدار بر

۷۰ بیدار کن بر فعلها

۱۶ چه زیبا هر این بانو باشه

۱۷ چه چیز دار هر این صاحبان باشنه

۱۸ چه فقیر هر ما باشیم

۱۹ در آمدن   مقابل کهن

۲۰ او مقابل زور میکنه

۲۱ زبر   پایین

۲۲ در پایین این خانه آتش مباشر

۲۳ سعی کون

۲۴ سعی بکینه بهتر ب زیر در آینه ه

۲۵ پیاکوه کون   بیدا

۲۶ کی پیاکیره بیدا خواهی که تا پول

۲۷ از کی بیدا خواهی که شما

۲۸ من از بانک بیدا خواهم که

۲۹ صورت گرفتن

۳۰ بالا   فوق

۳۱ شوری هست در بالای کوه

۳۲ درتا کون   شر کون

۳۳ شر کون رخت

۳۴ یک رخت شر که

۳۵ درتا کون ابریشم

۳۶ من درتا میکنم ابریشم بر رخت شما

۳۷ یک نوشته

۳۸ یک نوشته تمات خانه

۳۹ ترسانیدن

۴۰ ترسان بدن

۴۱ امیختن

۴۲ با میز شراب باک

۴۳ نیا میز کی بها من با ملت شما

۳۲ به تماشاخانه

۳۳ به تماشاخانه میروید تا امشب

۳۴ گذاشتن	رها کردن

۳۵ بگذارید کارها

۳۶ مرغ	پرنده

۳۷ یک خبر	یک مصلحت

۳۸ خبر کردن از کسی

۳۹ مصلحت دادن بکسی

درس بیست و پنجم

۱ در گرفتن

۲ بچه ها در گرفتید در دو زدیدن شرکت

۳ من او را در دو زدیدن گرفتم

۴ در آوردن به	خیال کردن به

۵ چیزی در بیاورید از این

۶ من در آن چیزی فهم نمیکنم

۷ من در آن هیچ خیال نمیکنم

۸ بامیان

۹ بامیان دشت

۱۰ بامیان بیشه

۱۱ مسخره کردن	خنده بدن

۱۲ شما بروی همه میخندید

۱۳ من مسخره درست نمیدارم

۱۴ یک چیز	یک کس

۱۵ یک خواهش شما باشید

۴ غایه‌ه گذاشتن

۵ غایهٔ بگذاریه بکار خو

۶ غایهٔ در آن بگذاریه

۷ گذشتن

۸ کلک گذن   دفع کدن   منع

۹ من بتو منع میکنم بردن رمش

۱۰ منع میکنه شما نباغ نروند

۱۱ سهف کدن

۱۲ شما سهف میکنه

۱۳ بار استادن

۱۴ بایستید شما

۱۵ میاستیم ما

۱۶ ساکت منه میایستیم ما ۲

۱۷ ما میایسیم ۱

۱۸ ما میایسیم ان

۱۹ گذاشتن

۲۰ شما از پول میلگذاریه

۲۱ شما رو میلگذاریه

۲۲ من زرو میلگذارم

۲۳ شما زرو نلگذاریه

۲۴ من زرو نگذارم

۲۵ خود شناختن

۲۶ شما خود را میشناسیه در شراب

۲۷ شما دران میشناسیه

۲۸ من خود دران میشناسم

۲۹ هم سایه شما خود دران میشناسیه

۳۰ او خود دران نمشناسه

۳۱ تماشا خانه

55 من بهتر خواهم که در اینجا ماندن [illegible] رفتن

56 برادر شما بهتر خواهد که برود تا اینجا ماندن

57 بهترین خواهد بود رفتن

58 دراز شدن بهشتن

59 در چه وقت میخوابید شما

60 من میخوابم در نه ساعت شب

61 بعالرسی

62 برخواستن

63 در چه وقت شما برمیخیزید

64 من در شش ساعت صبح برمیخیزم

65 برفتن بخوابیدن

66 من میروم بخوابم

67 همه کس میرود بخوابند

68 بروید بخوابید

69 برویم ما بخوابیم

70 بروید زان

71 برویم ما

72 [illegible] او برود

73 [illegible] بروادا و

74 [illegible] ایشان بروند

75 خواهش [illegible]

درس بیست و چهارم

1 برخوردن خوردن

2 با این نان روغن دست منزنید

3 دران برخورید

۲۷ نمی روم من
۲۸ اینکه یکی نمی روم من
۲۹ این بانو میرود خود
۳۰ او خود نمی رود بر
۳۱ او میرود
۳۲ او خود نمی رود
۳۳ ما برویم خود
۳۴ ما نمی رویم خود بر
۳۵ ما نمی رویم خود به
۳۶ این بانویان خود میروند
۳۷ این صاحبان نمیروند خود
۳۸ این بانویان میروند
۳۹ این صاحبان نمی روند
۴۰ شما خواهید رفت
۴۱ من خواهم رفت
۴۲ خواهر من خواهد رفت او
۴۳ او خواهد رفت
۴۴ ما هم خواهیم رفت
۴۵ این بانویان خواهند رفت
۴۶ ایشان فردا خواهند رفت
۴۷ میخواهید شما که من بروم
۴۸ من میخواهم که شما خود بروید
۴۹ من نمی خواهم که خواهر شما برود
۵۰ میخواهید شما که ما خودمان برویم
۵۱ من نمی خواهم که این بچهها خود بروند
۵۲ بفردا ما نمی
۵۳ نمی مانیم بفردا برای رفت
۵۴ شما بهتر خواهید که بمانید اینجا تا بروید

درس بیست و سوم

۱ بنشینه شما

۲ من بنشینم

۳ شما بنشینید

۴ بنشینم من

۵ این صاحب بنشینه

۶ او بنشینه

۷ مانده شدن

۸ مانده ~~ــــ~~ شده‌ید شما

۹ شما خواهید نشستن وقت خواهید مانده شدن

۱۰ من خواهم نشست وقت خواهم مانده شد

۱۱ من مانده شده‌ام

۱۲ مانده شدن رحمت کشیدن

۱۳ شما اسب خود را بسیار رحمت میکنید

۱۴ دوات کردن مهمان خواندن

۱۵ من شما را دوات میکنم نهار کردن

۱۶ یک شام عصری

۱۷ من شما را مهمان میکنم بشام خودم

۱۸ بر رفتن

۱۹ شما میروید

۲۰ شما نمیروید به

۲۱ چرا شما نمیروید

۲۲ شما زود میروید

۲۳ شما نمیروید امروز

۲۴ من میروم

۲۵ مگر اینکه میروم من

۲۶ میروم من

۱۸ من در آن اختیار ندارم

۱۹ در نیم راه

۲۰ ما در نیم راه راحت خواهیم شد

۲۲ تلفون کردن

۲۳ باب یا پدر بزرگ

۲۴ در طریق خوب داشتن

۲۵ تمام کردن (آخر کردن)

۲۶ تمام بکنید از کفش

۲۷ یک حرکت

۲۸ یک چیزی از کم

۲۹ هیچ از کم

۳۰ یک کتاب کم

۳۱ تشنه بودن

۳۲ دوست میدارید تا تشنه بودن تمام روز

۳۳ سرپا بودن

۳۴ من دوست میدارم در سرپا بودن

۳۵ من دوست میدارم در سرپا بودن که تشنه

۳۶ تشنه ماندن

۳۷ من نمی خواهم تشنه ماند برای نوشتن

۳۸ من نمی خواهم نوشتن تشنه

۳۹ خوابیده ماندن

۴۰ یک بیمار باید خوابیده ماند

۴۱ سرپا ماندن

۴۲ من دوست نمی دارم سرپا ماندن

۴۳ نشستن

۴۴ میخواهید تا بنشینید

۴۵ زحمت بکشید بنشینید

۳۹ فرمودن

۴۰ با آدمی فرمون بکنه

۴۱ با او تعارفا به بکنه

۴۲ با ایشان تعارفا به بکنه

۴۳ تعارفا به که سخت بکنه

۴۴ بدون زیاده دیری

۴۵ ۳ مرتبه پیش شما اصرار بکنه بدون زیاد دیری

درس بیست دوم

1 در آخر — چندی قبل

2 چند قبل خبری رسید هم از شریک خودم

3 در جهت که — دو وقت که

4 در جهت که شما ناخوش شدید

5 برخاستن

6 برگیر این پرده

7 برگیر جهان

8 آفتاب برمیخیزد

9 پرهیز کردن

10 کاتولیکان در هفته دو روز پرهیز میداشتند

11 بهتر

12 این بهتر است باز

13 شما بهتر میکنید که این

14 اعتبار

15 من به این مرد اعتبار ندارم

16 من به او اعتبار ندارم

17 من به این گفتگو اعتبار ندارم

۱۱ اوستاد میخواهد که شما بگوید
۱۲ میخواهید شما بگوئید
۱۳ نه باید که شما هم یکی بکنید
۱۴ وقت نیست که ما بخوانیم
۱۵ چه میخواهید که من بشما بفرستم
۱۶ چه چیز است که برادر شما میخواهد که باو بفرستند
۱۷ چه میخواهید که این صاحبان بشما بدهند
۱۸ میخواهید که این شاگرد یک وقت بشنود و بخواند
۱۹ برای یکی   برای اینکه
۲۰ من نفت را بشما خواهم داد باینکه هم باره بدهید
۲۱ یک قطره
۲۲ عکس
۲۳ اسباب کارش
۲۴ عکس اسباب میکرد
۲۵ با فایده   با ترتیب
۲۶ با فایده او هر دفعه در روز میآید
۲۷ در حالی
۲۸ در حالیکه من می‌نویسم و می‌خوانم و خوش میگذرانم
۲۹ در حالیکه
۳۰ من اینجا خواهم ماند در حالیکه شما بیائید
۳۱ یک پارچه بخرید
۳۲ میخواهید که من خوردنی بپزم برای شما
۳۳ میخواهید که من برای شما گلدانی بدوزم
۳۴ میخواهد که برایش خوراک بخرم
۳۵ میخواهد او که برایش الکل چاق بکند
۳۶ این صاحبان میخواهند که من نامه برایشان ببرم
۳۷ میخواهد ایشان که برایشان آش بیاریم
۳۸ نقل کردن

۴۲ هشتاد و ۵

۴۳ بازآمدن

۴۴ من از احمقی خود بازآمدم — من از ابلهی خود بازآمدم

۴۵ این زن از دیوانگی خود بازآمده است

۴۶ خوف

۴۷ غرض

۴۸ یک جبرانی

۴۹ ترس

۵۰ یک سستی — یک بیهوشی

۵۱ سرآمدن — سر زدن

۵۲ چیست آنکه سرآمده است با این دفتر تاجر

۵۳ یک بدبختی با او سر زده است

۵۴ خبردار

درس بیست و یکم

۱ یک قسم — بار

۲ به هم قسم نان رغبت

۳ هر کس قسم خود خواهد داشت

۴ من قسم نان روغنی خود می‌خواهم

۵ تقسیم کار از جبر بکنید

۶ تقسیم بکنم از این بار به پدرش

۷ با او قسم خواهد داد

۸ با او قسم داده‌اند از این خبر

۹ قسم هم کرده

۱۰ رسانیدن — ملحق کردن

۱۳ یقین

۱۴ راضی کردن صرف کردن

۱۵ صرف احتیاج کردن

۱۶ دران صرف کردن

۱۷ دران راضی کردن ۲

۱۸ سم لازمه خود را بجا آوردم ۱

۱۹ به خلاف به خلاف

۲۰ به خلاف داشتن

۲۱ راضی کردن

۲۲ پدر خود را راضی کردن

۲۳ من مادر خود را راضی کردن

۲۴ غلط از

۲۵ غلط از وقت که ما نمیتوانیم لازمهٔ خود را بجا آورد

۲۶ غلط از پول او نخواهم خرید رفت

۲۷ خوردن قوت

۲۸ این حیوان میمیرد تخمیر از خوردن

۲۹ وقت که ملکه از دربار می آید

۳۰ سربازان که گذشته اند تا دیر میایند که گذشتن الان زاد

۳۱ حرارت من که گذشته است

۳۲ اختیار کردن یکی

۳۳ با او اختیار کردن

۳۴ یک تاته

۳۵ یک معماری ساخت

۳۶ مصر در مصر

۳۷ ۵ صد ده

۳۸ سیصد هشتاد

۳۹ یک عایده

۴۰ سیصد و نود و شش

۴۱ هشتاد و یک

۴۳ زاییده شده‌اید شما   مولد شده‌اید شما

۴۴ در کجا زاییده شده‌اید

۴۵ من در این دنیا زاییده شده‌ام

۴۶ در کجا این بانو زاییده شده است

۴۷ در اروپا زاییده شده است

۴۸ در کجا این صاحبان مولد شده‌اند

۴۹ در فرانسه زاییده شده‌اند

۵۰ این بانوها در امریکا زاییده شده‌اند

۵۱ متعلق   زبردست

۵۲ متعلق بکسی بودن

۵۳ مردم متعلق یک دیگراند

~~۵۴~~

درس بیستم

۱ چه ساعت است   چه وقت است

۲ از ظهر یک چارک ساعت باقیست

۳ میدانید شما چه ساعت است

۴ میتوانید شما بمن بگوئید کدام ساعت است

۵ دراز   بی نهفت   ازادگی

۶ با بی نهفتی

۷ اخر

۸ بکسی باخر   اخر را شنیدن

۹ من اخر خود را چشم دارم

۱۰ مولدی   زایدگی

۱۱ مولد شدن   زاییده گردیدن

۱۲ رزامندی

۱۳ چه است این

۱۴ بیدار شدن

۱۵ یک گردش

۱۶ یک گردش کردن

۱۷ اگر شما یک گردش بکنید زودتر خواهید رسید

۱۸ گردش کردن

۱۹ به گردش حرکت کردن

۲۰ بزور گردش

۲۱ انتظار کردن

۲۲ یک کلبه

۲۳ بگیرد کلبه

۲۴ بگیرد کوجا

۲۵ یک پل

۲۶ بچپ بگیرد

۲۷ براست بگیرد

۲۸ یک صدا راه

۲۹ کدام راه بگیرد شما

۳۰ راه گشتن بچار

۳۱ براه عرادهای عام

۳۲ به بهترین راه

۳۳ همه وقت که

۳۴ همه وقت که من او را میبینم باد میگویم

۳۵ باد حرف بزنم هر وقت که او را دوچار بشوم

۳۶ من باد حرف نه زده ام از دفیکر در خانهٔ شما دیدم

۳۷ دویدن باهجوم بجای بردن

۳۸ خواهر من بمن دوید وقتی که او را اول زد دادم

۳۹ به زاییدن مولد شدن

۴۱ او کم بحیث تنت بفقر رابره شدن

۴۲ رابره شدن ۱

٦٠ اندازهٔ رخت این مرد کوچک

٦١ اندازهٔ رخت او بگیرید

٦٢ اندازهٔ ان بگیرید

٦٣ اندازهٔ کفش این مردم بگیرید

٦٤ اندازهٔ کفشهای ایشان بگیرید

٦٥ اندازهٔ ان ایشان بگیرید

٦٦ عفو کنید بخشیدن

٦٧ بخشیدن یک غلط مرد را

٦٨ عفو کنید این غلط این نقل را

٦٩ عفو کنید ان آن

٧٠ عفو بکنید بمن

درس نوزدهم

١ بخار عرق

٢ راهی راست / راستتر

٣ یک کشتی بخار

٤ یک راه آهن

٥ از کشتیهای بخاری

٦ از راهای آهنی

٧ یک گلدان

٨ از گلدانها

٩ از اجناس (با اجناس خوشک)

١٠ با زیادی (با منافع)

١١ دانید شما چه است این

١٢ نه دانم چه است این

۳۲ بردن بردوش
۳۳ بردوش بر بر این نقل که نتوانه راه رفت
۳۴ ببر بر این بیت
۳۵ خود گرم کنید
۳۶ خودمان گرم کنیم
۳۷ ایشان خودشان گرم کنند
۳۸ خود را گرم کند
۳۹ خود گرم نکنید
۴۰ خودمان را گرم نکنیم
۴۱ روتان بشوید
۴۲ بشوید تان
۴۳ نشوید تان
۴۴ بشویم مان
۴۵ نشویم مان
۴۶ او بشوید ان خود
۴۷ او نشوید ان خود
۴۸ ایشان بشویند ان خود
۴۹ ایشان بشویند ان خود
۵۰ ایشان نشویند ان خود
۵۱ ایشان نشویند ان خود بعض زبانها
۵۲ یک باز دید
۵۳ یک باز دید کهنه
۵۴ یک باز دید کهنه یک دست
۵۵ باو یک باز دید کهنه
۵۶ باو زان یک کهنه
۵۷ میرو ببر تا یک باز دید کهنه بگیر
۵۸ هم نیروم باز دید کسی
۵۹ اندازه رخت کسی را گرفتن

۵ چه ایشان بفروشند

۶ چه ایشان تمام کنند
۷ بقرار گذاشتن از   درست نهادن
۸ بقرار گذاشتید از سبب خود
۹ زان قرار گذاشتم
۱۰ قرار گذاشتن
۱۱ خوب قرار گذاشتید همه چیزها را
۱۲ من همه را بحسب خواهش شما قرار گذاشتم
۱۳ قرار گذاشته شدن
۱۴ شما میل خواندن دارید
۱۵ در آن میل میدارید
۱۶ خواهر شما در حال پاشیدن بر بافت خانه آمدن و
۱۷ در آن میل میدارم
۱۸ برای آن در حال پاشیدن او
۱۹ در آن میل ندارد او
۲۰ یک اراده
۲۱ من اراده ندارم رنج باین مرد رسانیدن
۲۲ در آن اراده ندارم من
۲۳ برای هر یک
۲۴ برای هر سربازی یک تفنگ در آن هست
۲۵ من برای شان میگویم
۲۶ من این برای شما میگویم
۲۷ زمین   سرزمین
۲۸ آوردن
۲۹ بیاور این مرد
۳۰ بیاور این اسب
۳۱ بیاور این خواده

۱۴ بخوانید

۱۵ بخوانیم

۱۶ بنویسید

۱۷ بنویسیم

۱۸ بخندید

۱۹ بخندیم

۲۰ چوب این میز برداشته اند

۲۱ چوب او برداشته اند

۲۲ ایشان چوب این میز را برداشته اند

۲۳ چوب میز برداشته اند

۲۴ یک زنجیر

۲۵ متعاقب

۲۶ ببر مرا اینی

۲۷ ببر مرا اینی رهنمائی کن مرا بابی

۲۸ یک ساعت ساز

۲۹ بهی دران کردن این پیانش یا در[illegible]

این بهر مباشر

۳۰ دران بهی هست درکردن

۳۱ راحت کردن

۳۲ خود استراحت شدن

درس شانزدهم

۱ هم دوست دارد meme

۲ هم او بفروشد

۳ هم او تمام بکند

۴ هم ایشان دوست دارند

۳۵ دزدیدن

۳۶ بَد گمان

۳۷ ناحقی

۳۸ بکنید

۳۹ بکنند ان

۴۰ بکنند ان

۴۱ بکنند انها

۴۲ بکنیم

۴۳ نکنند

۴۴ را ن بکنند

درس هفتادم

۱ رو کردن برابر شدن

۲ در رو بکوچه میکند

۳ خانه ام رو بروی رود خانه میباشد

۴ من بیش پول میدارم برابر اخراجات بکند

۵ من بیش دارم برای برادران کردن

۶ حرب کردن

۷ اگر دزدان با ما حرب کنند ما مقابله خواهیم کرد

۸ دست میدارید

۹ دست میداریم برداریم

۱۰ بفروشید

۱۱ بفروشیم

۱۲ تمام کنید

۱۳ تمام کنیم

۷ برا اینکه کتابها حتما هم فرصت را دید لازم است که انها را ...
۸ اگر شما از ما سوال میکنید لازم است که ما جواب بدهیم
۹ چیزهم باشان میگویم لازم است بهم گوش نهادن
۱۰ برو اینجا و رنه من نخواهم رفت
۱۱ اگر بیارد و رنه من خواهم بده رفت
۱۲ اگر شما اینجا بروید و رنه بهم هیچ نمی کنید
۱۳ بار گرفتن بار گرفت
۱۴ بخشش نودی
۱۵ شما بسیار پول دارید بر شما
۱۶ من بیمار نیستم من
۱۷ او شرم ندارد او
۱۸ او فرانسوی میفهمد او
۱۹ ایشان نخواهند کشتن این ایشان
۲۰ شما پول این بچه را گرفتید
۲۱ شما پول او را گرفتید
۲۲ من پاره کردم رخت این فقیر بچه را
۲۳ من رخت او را پاره کردم
۲۴ دشمنان سلده گرفته اند بر ساکنان
۲۵ دشمنان بر ایشان سلده گرفته اند
۲۶ غارت کردن
۲۷ کم درنگ دم
۲۸ مدیونید
۲۹ مدیونیم
۳۰ که او مدیونه
۳۱ که ایشان مدیونند
۳۲ ازاد
۳۳ بیک گمان کردن
۳۴ شما ازاد

۲۰ اعق / الوده کن

۲۱ اذن دادن / شفقت نمودن

۲۲ موقوف بودن / درعهده بودن

۲۳ این از پدر شما موقوف است

۲۴ این از او موقوف است

۲۵ این از اتفاقات موقوف است

۲۶ از من موقوف نیست صاحب دولت شدن را

۲۷ از خود موقوف دایم سلامت بودن را

۲۸ از من موقوف نیست که سلامت بچه باشند

۲۹ بقرار گذاشتن

۳۰ کاغذها را بقرار گذاشتید

۳۱ رعایت از

۳۲ این مردم رعایت لازم میباشند ؟

۳۳ رعایت لازم ا

۳۴ رعایت چنانچه که میبایست

۳۵ یک مرغ / یک ماکی

۳۶ یک کاتولیک / از سیاری ردم ا

درس شانزدهم

۱ یک نان

۲ آرام باش

۳ بی آرامی داشتن

۴ برای این بی آرام مباش

۵ این مقرر کن / از این مقرری باید

۶ اگر این امر را مدیون هست بشما لازم که ا

۴۴ یک پیالهٔ آب جوی

۴۵ بزودی چالاکی

درس پانزدهم

۱ زیاده برکت

۲ گذاشتن

۳ دستان خود را میگذارید

۴ در دقیقه که

۵ بدقیقه که

۶ میگذارید تا دست خود در هنی که بشما احتیاج دا

۷ یک دعوی

۸ در جائی که

۹ در وقت حوادث حاضر خواهید بود هم امداد کم

۱۰ بجوشش

۱۱ هم بسیار خوشی دارم از دیدن شما

۱۲ هم بسیار خوشم

۱۳ یکشنبه

۱۴ دوشنبه

۱۵ سه شنبه

۱۶ چهارشنبه

۱۷ پنجشنبه

۱۸ جمعه

۱۹ شنبه

۲۲ با اخری

۲۳ ینی گریبان

۲۴ یک بالدپوش (گریبانی)

۲۵ ره کم کهن (حیران شدن)

۲۶ یک کارد بدسته سفید

۲۷ یک چاقوی بدسته عاج

۲۸ یک منزباشرا

۲۹ یک چوب عصا

۳۰ یک اعسای سرطلاه

۳۱ یک چوب سرعاج

۳۲ (شکست شدن) سقط شدن

۳۳ سقط شدن

۳۴ یک روی یک دهن

۳۵ یک چاقوی روی نقره

۳۶ یک چادر پرده

۳۷ یک پردهٔ رخت خواب

۳۸ پرداهای پنجره ها

۳۹ یک رخت خواب بپرده

۴۰ یک پیاله شراب

۴۱ یک پیاله عراق

۴۲ یک ظرف خردل

۴۳ از آب جو

۷۸ که او بگوید

۷۹ که ما بگوییم

درس چهاردهم

۱ چاق کردن

۲ شما چاق خواهید شدن از بیماری خود

۳ او چاق نمی تواند شدن از بیماری خود

۴ حالا شما چاق شده اید از بیماری خود

۵ زان او چاق شده است

۶ او زان چاق نشده است

۷ سولفه

۸ بنول

۹ بنول و بنها

۱۰ یک بار سردی

۱۱ مسیح عـ

۱۲ بحق رسیدن فرمودن درگذشتن

۱۳ باسعادت شدن

۱۴ بخواب رفتن خواب کردانیدن

۱۵ کنیز بچه را خواب کردانیده

۱۶ قهوه هم خواب می آرد

۱۷ درمیان

۱۸ درمیان ایشان

۱۹ درمیان ایشان

۲۰ زیاده کردن افزودن

۲۱ یک جهت

۵۰ م بسیار صدای لکلکان شنیدم

۵۱ (در روز خوابیدن   دراز کشیدن) درشان هم

۵۲ درشان بیرو به بروی این مرغ

۵۳ م درشان آن بپرد م

۵۴ مخواهید خالی کنید روی این مرغ

۵۵ م مخواهیم بروی خالی کنم

۵۶ بروی این همه مخواهید خالی کنید

۵۷ م مخواهیم بروی او خالی کنم

۵۸ نگاه داشتن   قناعت کردن

۵۹ نان روغنی شما نگاه داشته خواهد شد

۶۰ نگاه بدارید تا اینکه بشما بدهم

۶۱ (گفته‌ها)   بگوید

۶۲ بگوید باو

۶۳ بگوید بایشان

۶۴ بگوید بما

۶۵ بگوید باین باو

۶۶ بگوید بان باو

۶۷ بگوید انها بایشان

۶۸ بگوید بان بایشان

۶۹ بگوید بان بایشان

۷۰ بگوید انها بایشان

۷۱ جرئت کردن   زهله کردن

۷۲ بگوید بهم ایلم

۷۳ بگوید ان بهم

۷۴ بگوید آن بهم

۷۵ بگوید انها بهم

۷۶ بگوید ان بما

۷۷ بگوید بهم

۲۱ شمارا با روشن چند بن اخراجات کردن
۲۲ یک [illegible] چرخ
۲۳ یک عراده بچهار چرخ
۲۴ یک عراده بدو چرخ
۲۵ ساختن
۲۶ بکم کردن واگذاشتن
۲۷ شما کی بهای خود گذاشته کم شود
۲۸ بضایع شدن واگذاشتن   تباه کردن
۲۹ من نمی خواهم بگذارم ضایع شود گوشت من
۳۰ بما واگذاشته شما ضایع کردن نان روغن شمارا
۳۱ ادعا کردن
۳۲ ادعا میکنید شما دانستن این بهتر از من
۳۳ من ادعا میکنم دانستن آن بهتر از شما
۳۴ یک سرای
۳۵ باز ماندن   هجوم آوردن
۳۶ این مرد باز مانده از درد
۳۷ این تاجر در زیر کار مانده است
۳۸ دلگری
۳۹ یک زرب تپانچه
۴۰ یک زرب تفنگ
۴۱ یک تفنگ خالی کردن بزور
۴۲ یک تپانچه خالی کردن بر
۴۳ یک صدای تفنگ شنیدن
۴۵ شما یک تفنگ خالی کردید
۴۶ چند تفنگ خالی کردید شما
۴۷ یک تفنگ خالی کردم
۴۸ یک تفنگ خالی کردم بروی این مرغ
۴۹ صدای تفنگ را شنیدید شما؟

۶۳ خورده دادن

۶۴ خورده دادن بتقلدن

۶۵ خورده دادن بگوزاران — خوک

۶۶ چون میتوانید شما پروردن خوک ان خود اگر با انها خورا

درس سیزدهم

۱ یک خواب

۲ یک خواب دیدن

۳ خواب دیدن

۴ من خواب دیدم

۵ من فکر کارها خود میکنم

۶ شباهت داشتن

۷ شما شباهت برادر خود دارید

۸ شما باو شباهت دارید

۹ شما را بیابوستی — لازم شما بودن

۱۰ شما را بیابوستی بعد باقت خانه رفتن

۱۱ شما را بیابوستی کهنه این

۱۲ باو بیابوستی نوشت

۱۳ گمان میباپوستی فروختن اسب خود

۱۴ بما میباپوستی در خانه ماندن

۱۵ باین مرد بیاپوستی زود امدن

۱۶ خرج کردن

۱۷ این مرد عرب خرج میکنه

۱۸ این مرد خرج نمکنه

۱۹ اخراجات کردن

۲۰ من اخراجات میکنم

۳۵ این خانه سه مرتبه

۳۶ چند مرتبه دارد این خانه

۳۷ چهار مرتبه دارد

۳۸ کرایه کردن

۳۹ کرایه کردن

۴۰

۴۱

۴۲ شغل تراز شبقل

۴۳ هر تراز و رز

۴۴ هر ترازوی کجه

۴۵ حیات

۴۶ نماید

۴۷ منم

۴۸ من نه ام من نمی باشم

۴۹ منم این منم مگر

۵۰ نیستم من مگر

۵۱ یک واحد ضرب ضرب

۵۲ یک ضرب تبار

۵۳ یک ضرب واحد تبار

۵۴ بالشتی

۵۵ هم بالشتی نو نیست

۵۶ او با بالشت بیرون رفت

۵۷ با ثبات لازم بود در انبار بماند

۵۸ چه قدر پول برای بالشتی

۵۹ هم بسیار بالشتی

۶۰ پروردن

۶۱ بچه نان باید برای پروردن نقلدن سر

۶۲ این بچه خود از گوشت گاو او هم پرورد

۸ اینی جایی خرم بمن مینمایه

۹ دانشوری عاقل

۱۰ گران مایه / جوهر /

۱۱ یگانه نادر

۱۲ یکدم خوردن / برکشیدن

۱۳ یک شصت دم

۱۴ یک شصت و دم تخم ها

۱۵ یک صد دم / یک صد

۱۶ یک صد آدم

۱۷ بمبارس

۱۸ یک گناه

۱۹ عمل کردن حرکت کردن

۲۰ او حرکت گناه کرده

۲۱ پا برهنه دویدن خوش نیست

۲۲ سر برهنه برون رفتن بمن خوش نمی‌آیه

۲۳ زانوی خود شکستن بمن کم بخیلی نمایه

۲۴ مشغولی خوش گذرانی

۲۵ گردن شکستن را خوش نیست

۲۶ بسیار دیر آمدن یک گناه نیست

۲۷ خوش لت کردن خود شکستن

۲۸ خوش نیست زانوی خود شکستن

۲۹ گناه کار

۳۰ خوب اشتها داشتم ولیما گناه کار می‌نمایه

۳۱ بمن گناه کاری نمایه اشتهای خوب داشتن

۳۲ یک مرتبه

۳۳ یک خانه یک مرتبه

۳۴ یک خانه بدو مرتبه

(indue)

۴۶ یک بیست ساعت   بی دقت

۴۷ این جوان داخل انبار شده است

۴۸ این بانو داخل کلیسه شده

۴۹ این جوان داخل شده (بی دقت)

۵۰ فعله‌ها همه داخل شد در بهتر وقت از مهوده

۵۱ در حال بودن

۵۲ این بیمار در حالی است که نتوانه عبور کردن

۵۳ این شاگرد در حالی است که نتوانه جواب سوالها بدهد

۵۴ راه رفتن   گام نهادن

۵۵ من بسیار راه رفتم امروز

۵۶ یک غسل   (اسا)

۵۷ پایین آمدن

۵۸ خواهر ما پایین آمده است

۵۹ او هنوز پایین نامده است

۶۰ (میفهمی)   میفهمید

۶۱ میفهمیم

۶۲ که بفهمد

۶۳ که بفهمند

۱۱۴ درس دوازدهم

۱ زندگی دشت   صحرا   a اوردو

۲ زندگی دهی (دهقانی) nilageoiu

۳ زندگی دشت صحرا

۴ زندگی شهری

۵ (زندگی دنیای بزرگ)   زندگی بزرگان

۶ زندگی بهرا بحری

۷ یک جایی

۱۹ مادرم تعجب نمیکند که شما چنین دختری داشته باشید

۲۰ تعجب میکنم که این زن چنین جوان مرده باشد

۲۱ یقین است که شما میتوانید کردن این

۲۲ راست است که این مرد نخواهد مرد

۲۳ ناخدا بکشتی باز آمده است

۲۴ این بانویان مراجعت کرده‌اند بخانهٔ خودشان

۲۵ خواهر شما در زیاقت خانه مانده است

۲۶ او در آنجا مانده

۲۷ یک حکم فرمان /

۲۸ بفرمان بحکم

۲۹ او در کشتی مانده بفرمان ناخدا

۳۰ بدون حکم

۳۱ دشت میدان

۳۲ فرمان دادن حکم کردن

۳۳ فرمان دادن

۳۴ فرموده به تعجیل بستن انبار را

۳۵ من باد فرمودم بستن انرا

۳۶ داخل شدن

۳۷ داخل کرده به سینها

۳۸ داخل کردم انها

۳۹ درگاه

۴۰ بدرگاه

۴۱ داخل شدن (باز داخل شدن)

۴۲ داخل کرده به کلها

۴۳ داخل کردم انها

۴۴ درمیان

۴۵ داخل شدن / فرو رفتن /

۵۷ دست گیریم

۵۸ که دست گیرد

۵۹ که دست گیرند

۶۰ ترس   خوف

۶۱ از ترس گم کردن پول خود او بیمار میشود

درس یازدهم

۱ عادت

۲ یک عادت خوب

۳ یک عادت بد

۴ پیش از عادت

۵ اگر با   بنابر عادت

۶ عادت داشتن

۷ م عادت دارم نهار کردن پیش از بیرون رفتن

۸ برادر شما بیرون رفته است

۹ او بیرون رفته است

۱۰ خانم بیرون رفته است

۱۱ او بیرون نرفته است

۱۲ این صاحبان بیرون رفته اند

۱۳ ایشان بیرون نرفته اند

۱۴ چرا امروز شما بیرون نرفتید

۱۵ این بیمار امروز بیرون نرفته بود

۱۶ / بانو   خانم / اوستاد زن

۱۷ در چه ساعت مادر شما روانه شده

۱۸ کشتیها روانه شده اند

۳۰ بی فایده میباشد که این کار را بکنند

۳۱ بی فایده میباشد اگر بدست گرفتن این کار

۳۲ فایده

۳۳ مدام خواندن فایده دارد

۳۴ (این فایده است) این فایده دارد

۳۵ فایده دارد که من بروم پیش او

۳۶ این بی فایده است

۳۷ بی آرام بی راحت

۳۸ او بی راحت است از بالا پیش نداشتن

۳۹ خود

۴۰ پیش خود

۴۱ سعادتمند است وقتی که شراب خوب دارند

۴۲ متکبرانه وقتی که با خود پول دارند

۴۳ آرام راحت

۴۴ این اوطاق آرام است

۴۵ آرامیست درست صاحب حرکت داشتن

۴۶ که با پوست ورند

۴۷ که با پوست و رنه رفتن تا خام باشد

۴۸ بگیرید

۴۹ بگیریم

۵۰ که بگیرد

۵۱ که بگیرند (که ایشان بگیرند

۵۲ یاد گیرید

۵۳ یاد گیریم

۵۴ که یاد گیرد

۵۵ که یاد گیریم

۵۶ دست گیرید شروع کنید

۲ اراده

۳ جای دادن

۴ این اتفاقات باین بی‌جنبی جای داده است

۵ این اتفاقات بهم جای داد برای گفتن این کار

۶ این اتفاقات باین [illegible] جای داد از کار خودم گفتن

۷ چشم داشتن   خاطر کردن   بحرمت

۸ ببری با به خاطر داشت

۹ خاطر داشتن   حرمت کردن

۱۱ حرمت بدار بر زبان او

۱۲ شما حرکت میکنید بدون حرمت

۱۲ زنگ

۱۳ صدا گردانیدن   آواز دادن   زدن

۱۴ نفس   آرزو

۱۵ گذر کردن

۱۶ درازرو

۱۷ فهیم   روشن رای   عاقل

۱۸ افسوس

۱۹ افسوس است بریدن این درخت

۲۰ این افسوس است

۲۱ این بسیار افسوس است

۲۲ افسوس که

۲۳ افسوس است که شما دیگر مباشید

۲۴ افسوس نیست که شما فرانسوی میدانید

۲۵ افسوس نیست

۲۶ بی فایده   (بیهوده)

۲۷ بی فایده است گفتن این را

۲۸ این بی فایده است

۲۹ این بی فایده نیست

۴۶ که بمیرد از خجالت — بمیرد

۴۷ که بمیرند از خجالت

۴۸ (یک واریسه / یک بُرس

۴۹ یک فرج

۵۰ (یک طبقچی برای نان خوردن) یک سوفره‌خا

۵۱ رسیده

۵۲ یک میوهٔ رسیده

۵۳ یک سیب رسیده

۵۴ چند وقت است که این بانو در اینجا میباشد

۵۵ یک ساعت است که در اینجا است — میباشد

۵۶ چند وقت هست از آن که شما نخوانده‌اید

۵۷ ۵ روز میباشد درسم نخوانده‌ام

۵۸ بسیار وقت است که شما ننوشته‌اید

۵۹ بسیار وقت میباشد که من ننوشته‌ام

۶۰ بسیار وقت میباشد که شما برادر خود را ندیده‌اید

۶۱ بسیار وقت میباشد که شما این کتاب را خوانده‌اید

۶۲ چند وقت میباشد که شما مزد خیاط را ادا کرده‌اید

۶۳ غرق کردن / خفه شدن

۶۴ قفل کردن

۶۵ (آگاه شدن فهمیدن) آگاه شوید

۶۶ آگاه شویم

۶۷ که آگاه شود

۶۸ که آگاه شوند — ایشان آگاه‌شو

درس دهم

۱ ذات — اصل

۱۸ که بخورند

۱۹ یک پیاله (یک طاس)

۲۰ که بیارد

۲۱ که بیارد ورنه شما بیرون خواهید رفت

یک چادر

۲۲ یک پرده

۲۳ (پرده گذاشتن) پرده افکندن

۲۴ چادر گستردن برای رفتن

۲۵ این بانو چادر سیاه پوشیده است ؟

۲۶ یک چادر /

۲۷ ارزید

۲۸ ارزیم

۲۹ که بیارزد

۳۰ که بیارزند

۳۱ اگر این اسب بیارزد ورنه ارزد ششصد ریال هم خواهم

۳۲ اگر این دستانها بیارزند ورنه یک ریال هم خواهم خر

۳۳ باور نکنید شما گرش به بجا نوشتن همه کلمه ها

۳۴ من باور نکنم که لازم بود همه را نوشتن

۳۵ هفتاد و دو

۳۶ هفتاد و سه

۳۷ هفتاد و چهار

۳۸ هفتاد و پنج

۳۹ هفتاد و شش

۴۰ هفتاد و هفت

۴۱ هفتاد و هشت

۴۲ هفتاد و نه (و نوه)

۴۳ هشتاد

۴۴ بمیرید از خجالت

۴۵ بمیریم از خجالت

۷۳ کسی نمی داند آنچه او شده است

۷۴ نمی دانند آنچه او شده است

۷۵ چه شده اند دوستان شما

۷۶ من نمی دانم آنچه ایشان شده اند

۷۷ چه شده اند خواهران شما

۷۸ نمی دانند آنچه ایشان شده اند

درس نهم

۱ یک دم

۲ گرفتن از یک سر

۳ شما گرفته دارید ریسمان از یک سرش من خواهم گرفت از [illegible]

۴ شدی   شوی

۵ شویم

۶ که او شود

۷ که ایشان شوند

۸ تلاش کردن

۹ من برای شما یک جای خوب تلاش خواهم کرد

۱۰ من برای این مرد یک جای خوب تلاش کرده ام

۱۱ من برای او یک جای خوب تلاش کرده ام

۱۲ دولت برای ما دوستان تلاش میکند

۱۳ توانائی   قوه دار   زوردار

۱۴ یک مرد زوردار

۱۵ خوردید

۱۶ خوریم

۱۷ که بخورد

۵۱ شراب زنجبیل بکن
۵۲ با و شراب زنجبیل
۵۳ باشان زنجبیل خوردنی
۵۴ زنجبیل خوردنی
۵۵ هم زنجبیل خوردنی
۵۶ زنجبیل از آنک
۵۷ خوردن در
۵۸ خوردن در یک پیاله
۵۹ سه مجرام در کلس حمد
۶۰ این اشبار مجبور د در کولده حمد
۶۱ خوردن در شیشه
۶۲ من مجبورم با شیشه
۶۳ شما خورده در باریل
۶۴ تا اینکه شما قبول بکنید
۶۵ تا اینکه ما قبول بکنیم
۶۶ تا اینکه من قبول بکنم
۶۷ تا اینکه او قبول بکند
۶۸ تا اینکه ایشان قبول بکنند
۶۹ چه شده است دوست شما
۷۰ میدانید شما آنچه شده است او
۷۱ من نمیدانم آنچه شده است او
۷۲ چه شده است خواهر شما

۲۸ یک زن اینجا وارد شده است même

۲۹ از مردم وارد شده‌اند اینجا
۳۰ از زنان وارد شده‌اند اینجا

۳۱ یک زن آمده است خانه‌ش

۳۲ یک تاجر
۳۳ وابر
۳۵ وابرِ آسیا
۳۶ بسیار وقت است که خانه ساخته شده است
۳۷ چند وقت است که این مرد رخت پوشیده است
۳۸ از چه وقت این ساعت شکسته است
۳۹ سه سال است که شکسته شده است آن

۴۰ آرام
۴۱ یک مرد نشسته
۴۲ یک اوطاق چوپیده
۴۳ شک کردن   اقو شستن
۴۴ این مرد سرشک در چشمان دارد
۴۵ شما اشکها در چشم دارید
۴۶ بگویید سرشک در چشمان
۴۷ او هم میگفت سرشک در چشمانش
۴۸ ایشان هم گفتند این سرشک در چشمها
۴۹ ریختن
۵۰ شراب بریز

درس هشتم

۱ دختر افتاده است

۲ باران افتاده است

۳ او در اوطاق خود افتاده است

۴ تفلان بالا رفته‌اند در اوطاقهای خودشان

۵ برادر شما وارد نشده است

۶ کسی وارد نشده است

۷ چرا وارد نشده است

۸ که وارد نشده است — کیست که وارد نشده است

۹ کسی وارد نشده است

۱۰ کیست آنکه وارد نشده است

۱۲ هیچ وارد نشده است

۱۳ (پست) چاپار

۱۴ کسی وارد نشده است

۱۵ کسی وارد نشده است

۱۶ یک شخص وارد نشده است

۱۷ چرا وارد نشده است

۱۸ هیچ وارد نشده است

۱۹ هیچ وارد نشده است

۲۰ که وارد نشده است

۲۱ یک کم بچی وارد نشده است

۲۲ یک کم بچی برادر شما وارد نشده است

۲۳ یک بچه بچی وارد نشده است یک

۲۴ با او وارد نشده است یک

۲۵ چه باد وارد نشده است

۲۶ چرا آنکه باد وارد نشده است

۲۷ یک صدائی وارد نشده است

۶۱ ایشان آمدند

۶۲ خواهران شما کجا رفته‌اند

۶۳ ایشان به بازار رفته‌اند

۶۴ ایشان نتوانسته‌اند باغش گوشت خوب از

۶۵ ایشان نتوانسته یافته‌اند از بهتر

۶۶ این فقر زنان مصرانه این صبح

۶۷ ایشان دیروز مصرانه

۶۸ ایشان شب گذاشته مصرانه

۶۹ همه سیبهای شما ضایع شده‌اند

۷۰ همه آن شده‌اند

۷۱ عروسها حاضر هستند

۷۲ آنها هنوز حاضر نیست‌اند

۷۳ قصها در خانه خودشان هست‌اند

۷۴ اینجا هستند

۷۵ این بانوها از فرانسه هستند

۷۶ زنان هست‌اند ایشان

۷۷ ایشان زنان هست‌اند

۷۸ یونان زمین

۷۹ یک لهستانی

۸۰ لهستان

۸۱ در لهستان

۳۳ پنج ساعت از ظهر گذشته است

۳۴ میدانید شما چه ساعت است

۳۵ میدانید شما چه ساعت است آن

۳۶ دیر آمدن

۳۷ شما دیر میایید

۳۸ مگر من دیر میایم

۳۹ نباید چنین دیر آمدن

۴۰ لازم است نوشتن این حرفها

۴۱ لازم است اینها را نوشتن

۴۲ این لازم نیست

۴۳ آن لازم نیست

۴۴ این لازم است

۴۵ شاید

۴۶ شاید است یک اسب بهتر باشد

۴۷ نشاید

۴۸ این نشاید است

۴۹ نشاید است باشد یک زن بهتر

۵۰ (این نشاید نیست) شاید

۵۱ ریختن

۵۲ (این رودخانه سست آهنگ است)
a rivière a un faible cours

۵۳ سرشک

۵۴ من دیدم ریختن اشک او خو

۵۵ اشکهای خود میریخت

۵۶ سرشکها میریزد از چشمان خو

۵۷ بار روشان کردن

۵۸ کی رفته است خواهر شما

۵۹ او بازار رفته است

۶۰ ایشان آمد

۵ سیب خوب است
۶ محمد بیمار است
۷ او اینست
۸ این زن پیر است
۹ او آن نیست
۱۰ ساعت شکسته است
۱۱ رومال شسته نیست
۱۲ خواهرها بزودی آمده است
۱۳ او دیر آمده است
۱۴ نوکر باز آمده است
۱۵ او باز نیامده است
۱۶ منتظر
۱۷ زن منتظر است این صبح
۱۸ بسیار وقت است که او منتظر است
۱۹ یک ساعت است که او منتظر است
۲۰ از کی او منتظر است
۲۱ او منتظر است شش ماه قبل
۲۲ چه وقت است که او منتظر است
۲۳ بسیار وقت نیست که او مرده است
۲۴ در هفته که گذشته او منتظر است
۲۵ عقبین
۲۶ خاک کهن
۲۷ دیر
۲۸ دیرتر
۲۹ خیلی دیر
۳۰ دیر است
۳۱ دیر است
۳۲ چه ساعت است

۶۶ بگیریم
۶۷ بگیریم آن
۶۸ بگیریم آنان
۶۹ که او بگیرد
۷۰ که او آن بگیرد
۷۱ که او آنان بگیرد
۷۲ که ایشان بگیرند
۷۳ که ایشان آن بگیرند
۷۴ که ایشان آنها بگیرند
۷۵ قرار بده
۷۶ قرار بده آن
۷۷ قرار بدهیم
۷۸ قرار آن بدهیم
۷۹ که او قرار بدهد
۸۰ که او آن قرار بدهد
۸۱ از نیک اتفاق
۸۲ که ایشان قرار بدهند
۸۳ که ایشان آن قرار بدهند
۸۴ در ایشان قراران بدهند با نیک اتفاق
۸۵ با قرار که ایشان

درس ~~ششم~~ هفتم

۱ ~~او~~ این او ایست او
۲ او الست
۳ الست او
۴ او الست

۳۹ مقام رضی

۴۰ بپا

۴۱ بپا ای

۴۲ بپاییم

۴۳ که مرد بپاید

۴۴ که او بپاید

۴۵ که او بپاید ای

۴۶ بدون غلط

۴۷ که مردم بپایند

۴۸ که ایشان بپایند

۴۹ که ایشان بپایند ای

۵۰ (بازآمدن) بازآید

۵۱ بازآید ای

۵۲ بازآییم

۵۳ بازآییم ای

۵۴ که ایشان بازآیند

۵۵ که ایشان بازآیند ای

۵۶ که ایشان بازآیند ای

۵۷ همی غیره

۵۸ که ایشان بازآیند

۵۹ که ایشان بازآیند ای

۶۰ که ایشان بازآیند در حال غیره ایشان کوند

خواهند خورد

۶۱ غیره همی

۶۲ بگیرید

۶۳ بگیرید ان

۶۴ بگیرید اهان

۶۵ وقتی که

۱۱ ازایشان پول گرفت
۱۲ ازایشان گرفت
۱۳ گیر شدن   باقی ماندن
۱۴ من باقی مانده‌ام که این کار را بکنم
۱۵ او باقی شد که این کار را کم بکند
۱۶ ما باقی مانده‌ایم با بهای خود ما را بسوزانیم
۱۷ شما باقی مانده‌اید ناخنهای خود تراش کنید
۱۸ درخانه آتش انداختن
۱۹ ایشان باقی مانده‌اند آتش درخانه بیاندازند
۲۰ آتش درخانه را گرفت
۲۱ آتش باقی مانده خانه را بگیرد
۲۲ یک فعل
۲۳ صفت
۲۴ قرار شدن   زراستن
۲۵ با   هم
۲۶ صفت آرایش اسم است
۲۷ ذات   اصل
۲۸ نر
۲۹ ماده
۳۰ یک قرار   یک بتم
۳۱ از همان
۳۲ همه از همان
۳۳ این ۵ حرف یک وعض نوشته بشید
۳۴ تصریف کردن
۳۵ مصدر
۳۶ بمصدر
۳۷ یک مقام   یکجا
۳۸ مفا اول

۴۴ نمسود کردن
۴۵ تقدری ؟ چیزی
۴۶ تقدیر
۴۷ ناخوشی
۴۸ غمناک کردن
۴۹ غم دادن بکسی
۵۰ باعث غم شدن بکسی
۵۱ براست
۵۲ بجیب
۵۳ کومک کردن
۵۴ کومک میکنید شما
۵۵ من کومک میکنم
۵۶ شما کومک خواهید کرد
۵۷ من کومک خواهم کرد

درس ششم

۱ عطا کردن   گیرامدن
۲ یک کتاب من گیرانت
۳ چیز دیگر گیرانت از شما
۴ از شما گیرانت
۵ از من گیرانت یک چیزی
۶ از من هیچ گیرنیت
۷ چه گیرنت از برادر شما
۸ از او گیرنت یک پیراهن
۹ از او گیرنیت هیچ یک
۱۰ چه گیرانت از این صاحبان

۱۵ سیاه رنگ کردن

۱۶ کبود رنگ کردن

۱۷ زور آوردن

۱۸ زور میکنید شما که آنها کار شان را بکنید

۱۹ من با او زور میکنم

۲۰ شما در روز خانه که در فروختن خانه

۲۱ من در زور خانم که در فروختن آن

۲۲ این تاجر بزور شکست شده

۲۴ گیاه

۲۵ گیاه سبز

۲۶ پنج ساعت صبح

۲۷ تا چهار ساعت عصر (شام)

۲۸ از پنج ساعت صبح تا پنج ساعت شام

۲۹ از یک ساعت صبح تا یک ساعت بعد از ظهر

۳۰ جمع کردن   گرد آوردن

۳۱ زور

۳۲ سوستی

۳۳ این که زور سردار بکار کردن ا

۳۴ شما سوستی نداریه با دار باین کردن

۳۵ زیاد کردن   افزون کردن

۳۶ (~~دنا کردن~~) (~~دلا کردن~~) غم درد

۳۷ سر درد کردن از دیدن کردن او

۳۸ دولت

۳۹ دولت نهایت

۴۰ یک درد نهایت

۴۱ گرد آوردن

۴۲ گرد آوردن دولت

۴۳ سعادت مند نمودن

۶۱ یک صندوقچه

۶۲ خودداری کردن / بامداد روشن — بار پرتابی

۶۳ اظهار ساختن / گشودن / پوشیدن

۶۴ الف ... گاه

۶۵ سه برادر ما، کلاه آهنی پوشانده‌ام

۶۶ سه پایه‌ها او جلد دوس یک انبار کهنه پیچانده‌ام

۶۷ او سر خود پوشیده با یک دستمال کهنه

۶۹ صندوقچه در یک پشت مال پیچیده

۷۰ میز پوشیده خواهد شد با یک سفرهٔ سفید

۷۱ کفشها پوشیده شده با قالیهای ترکی

درس پنجم

۱ به آرام

۲ میخواهید

۳ میخواهید بمن گوش کنید

۴ میتوانید شما همسایه زیستن

۵ میتوانیم ما همسایه زیستن و ممنون

۶ میتواند او یکبار وقت زیستن

۷ میتوانند برادر شما بسیار وقت زیستن — طول وقت

۸ میتوانند ایشان زیستن بی قصه

۹ میتوانند دوستان شما زیستن بی تشویش

۱۰ فریب دادن

۱۱ یک مفلوس

۱۲ مفلوس شدن

۱۳ رنگ کردن

۱۴ رنگ میکنید شما

۱۵ من رنگ میکنم

۳۵ یک زن زشت
۳۶ ما نهار خواهیم کرد بعد از مراجعت از بازار
۳۷ وقتی که زنان مراجعت خواهند کرد از رودخانه خود...
۳۸ بعد مراجعت از زیافت خواهر شما شام خواهد کردن
۳۹ شما شام خواهید کرد پس از مراجعت خواهر شما از زیافت...
۴۰ وقتی که خواهر شما خواهد آمد چه خواهد کرد
۴۱ این شاگردان خواهند آمد پس از که ما حاضر شده باشیم
۴۲ این بانو خواهد آمدن وقتی ما خواهیم رفتن
۴۳ پس زود
۴۴ بعد از قبول خربزه‌ها کردن این دستانها این بار فهم...
۴۵ باور میکنید شما که این بانو قرار داده پیاده رفتن بزیافت...
۴۶ من باور نمیکنم که او آن قرار داده باشد
۴۷ وقتی شما بقرار نفع پول کردن خواهد رسید آن خرج خواهد کرد...
۴۸ بعد از قرار شدن این دو خشنگان بفروختن سود از آنها خود...
دیگری خربزه‌ها به ایشان
۴۹ وقتی این حاجیان قرار یافتن اسبان نمیشن روانه...
شدن
۵۰ شده
۵۱ بازآمده — مراجعت کرده
۵۲ آمده
۵۳ قرار شده
۵۴ رسیده
۵۵ ا باز نموده ا — انکشاف کرده
۵۶ انکشاف کرده شما
۵۷ من انکشاف کردم
۵۸ قبله — جنوب
۵۹ شمال
۶۰ یک جزیره

۷ غم

۸ غم دادن

۹ غم باعث شدن

۱۰ بدان   دارم

۱۱ بدان ان

۱۲ بدان ان

۱۳ بدان انان

۱۴ بدان زنان

۱۵ دائم

۱۶ دائم ان

۱۷ که شاگرد بهانه حرفها

۱۸ که او بهانه انان

۱۹ که شاگردان بهانه درس خودشان

۲۰ که ایشان بهانه انان

۲۱ در هم سایه گی

۲۲ یک نگاه   یک عروسی

۲۳ مرتبت کردن

۲۴ ایشان اغلب مرتب این کلیسا دارند

۲۵ سه مرتبت کمهای خود کردم

۲۶ ازمودن بچهها

۲۷ ازمودن ضرر

۲۸ بعد از صاحب دولت شدن   متکبر خواهد شد

۲۹ وقتی که او صاحب دولت شود متکبر خواهد شد

۳۰ با وار شکسته تا که این همه متکبر شده باشد

۳۱ بعد صاحب دولت شدن این بار متکبر خواهد شد

۳۲ وقتی که این زنان دولت مند شوند سعادت مند خواهند

۳۳ ذلت

۳۴ یک سه ذلت

٧٠ نه شما   نه شما نه بار
٧١ نه بشما   نه بشما نه بار
٧٢ نه برادر شما   نه برادر شما نه بار
٧٣ نه خواهر شما   نه خواهر شما نیز بار
٧٤ نه ببرادر شما   نه به برادر شما نیز بار
٧٥ نه بخواهر شما   نه بخواهر شما نیز بار
٧٦ نه برادران شما   نه برادران شما نیز بار
٧٧ نه خواهران شما   نه خواهران شما نیز بار
٧٨ نه به برادران شما   نه به برادران شما نیز بار
٧٩ نه بخواهران شما   نه بخواهران شما نیز بار
٨٠ نه باو   نه باو نیز بار
٨١ نه بایشان   نه بایشان نیز بار
٨٢ نه او   نه او نیز بار
٨٣ نه باو   نه باو نیز بار
٨٤ نه انها   نه انها نیز بار
٨٥ نه بانها   نه بانها نیز بار
٨٦ نه بایشان   نه بایشان نیز بار

78

درس چهارم

١ و من نیز هم   و من هم
٢ و برادر من نیز هم   برادرم هم
٣ و او نیز هم
٤ و او نیز هم
٥ و انها نیز هم
٦ و انان نیز هم

۴۴ او دوام می‌کند

۴۵ این جوراب دوام می‌کند

۴۶ این دوام نخواهد کرد

۴۷ لباس من دوام نکرد

۴۸ تشویش

۴۹ مادر شما در تشویش خواهد بود برای صحت شما

۵۰ مادر شما در تشویش خواهد بود به رسیدن کاغذ

۵۱ بی آرامی

۵۲ بی آرامی داشتن

۵۳ من بی آرام میباشم برای شما

۵۴ رسیدن به   واصل شدن به

۵۵ کاغذ هم بشما خواهد رسید

۵۶ کاغذ هم خواهد رسید بخواهر شما

۵۷ کاغذ هم باو خواهد رسید

۵۸ کاغذ من خواهد رسید بانگلستان

۵۹ این هیچ نمی‌کند بمن

۶۰ این هیچ نمی‌کند باو

۶۱ این هیچ نمی‌کند بشما

۶۲ این هیچ نمی‌کند بمردم

۶۳ این هیچ نمی‌کند بایشان

۶۴ چه جز این توانند ایشان کردن

۶۵ چه جز این من توانم کردن

۶۶ چه جز این تواند او کردن

۶۷ چه جز این تواند کردن آنکه پول ندارد

۶۸ چه جز این توانند کردن آنهائیکه حس ندارند

۶۹ این نیست

۲۰ در خانه باش

۲۱ در اینجا باش

۲۲ خاطر جمع باش زمین

۲۳ باشیم ۹

۲۴ باشیم آن ۳

۲۵ خاطر جمع باشید ۱

۲۶ باشیم در اینجا

۲۷ خاطر جمع باشیم زمین

۲۸ هر آدم حاضر باشد

۲۹ هر او حاضر باشد

۳۰ هوشیار

۳۱ همه مردم حاضر باشند

۳۲ که ایشان در حاضر باشند

۳۳ اسم دیر کردم / دیر شده من

۳۴ دیر شده من که شما را ببینم

۳۵ دیر شده برادر شما رسیدن یک ساعت

۳۶ دیر شده باو زان یکی رسیدن

۳۷ دیر میشود این بار روشن بریانت

۳۸ دیر میشود بشما

۳۹ دیر میشود باو

۴۰ دیر میشود بایشان

۴۱ دیر میشود بایشان الحا روشن

۴۲ از دوامی / دوام کردن

۴۳ این پارچه خوب دوام میکند

۵۵ او میترسد که ما نخواهیم مُرد

۵۶ ما میترسیم که این حیوانات بمیرند

۵۷ یک وصیت نامه

۵۸ دیر کردن

۵۹ اگر شما برون بروید دیر خواهید بازآمدن

درس سوم

۱ یک صنعتگری

۲ یک صنعت — در جای مقا

۳ در خوب صنعت

۴ در بد صنعت

۵ صحت او ظاهر میشود در مقام بدایت

۶ کارهای او معلوم میشود در مقام خوب است

۷ در چه مقامی

۸ در یک مقامی میستاید

۹ یک تپنچا

۱۰ در خوب مقامی بودن

۱۱ تپنچاهای شما در مقام کوک امپاشها خواهد بود

۱۲ را السم ا

۱۳ را السم آکدن

۱۴ در بازآمد بودن

۱۵ شما بزودی باز خواهید آمدن

۱۶ باش

۱۷ مسایه باش

۱۸ مسایه باش

۱۹ باش آن

۲۷ میرویم اینجا — نرویم
۲۸ که عمیل برود بانبار
۲۹ که برود اینجا
۳۰ که عمیلان بروند بانبار
۳۱ که بروند اینجا
۳۲ منع کردن   ممانعت کردن   نگذاشتن
۳۳ شما را منع میکنیم از خواندن
۳۴ یک تجاوز   تجاوزی
۳۵ تجاوز کردن
۳۶ تجاوزی که شما میکنید ممانعت سلیم بودن شما خواهد کرد
۳۷ پیش رفت   ترقی
۳۸ ترقی کردن
۳۹ این منع ترقی کردن هم میکند
۴۰ این شاگرد ترقی نمیکند
۴۱ طوریکه
۴۲ طوریکه شما میخواهید مانع ترقی شما خواهد کرد
۴۳ از چه طور   از کدام طور
۴۴ از طوریکه
۴۵ بطوریکه او میخواهد ترقی نخواهد کرد
۴۶ امیدوار بودن / امید داشتن
۴۷ امیدوارم شما بانجام برسانید
۴۸ امیدوارم ترقی کنیم
۴۹ انتظار برادرت دارید
۵۰ انتظاران دارم
۵۱ تعجب
۵۲ میترسم شما گم بشوید
۵۳ میترسم که این مرد بمیرد
۵۴ نمیترسم که شما نخواهید مرد

درس دوّم

1 نمونه / گونه / گون

2 شما یک زیب مقبول میدارید من نیز نمونهٔ آن میدارم

3 ببین یک کلاه بند زیبا من نیز نمونهٔ آن میدارم

4 شما یک ساعت زیبا دارید من نیز نمونهٔ این دارم

5 شما کلاه بند مقبول میدارید ما نیز نمونهٔ آن میداریم

6 یک شهر چون پاریس در یک روز آباد نتوان کردن

7 توانید شما در یک هفته از این عبور کنید

8 این لباس در نیم ساعت خوشک خواهد شد

9 این شهر همه آباد خواهد شد در ده سال

10 من به پاریس خواهم رفت در یک سال

11 این شاگرد درس خود را خواهد دانست در یک ساعت

12 (غبیض در عقب) غبیض کنخولق

13 بم غبیض کرده ابد از من کنخولق شده ابد

14 من غبیض نخواهم کرد از شما

15 فیکر از

16 چه فیکر میکنید شما از این مرد

17 چه فیکر میکنید از او

18 که فیکر میکنید شما

19 من باور میکنم که او محب دار خواهد شد

20 برو بیر

21 برو بیر به بازار

22 برو بیر ازپی

23 بروبیم

24 بروبیم به بازار

25 بروبیم ازپی

26 سرد بیر ازپی

۲۷ سعی بدار از کتاب

۲۸ مترس از سگ من

۲۹ جرعت بدار ۵۵ دار

۳۰ بداریم داریم

۳۱ سعی بداریم از کتاب خودمان

۳۲ نترسیم از این سگ

۳۳ جرعت بداریم

۳۴ که این مرد سعی دارد از کتاب خود

۳۵ که او زان سعی دارد

۳۶ که این سعی دارد از این آرد

۳۷ که او زان سعی دارد

۳۸ که او ترس ندارد از این گاو

۳۹ که او زان ترس ندارد

۴۰ که این مردم سعی دارند از گاوان خودشان

۴۱ که ایشان زنان سعی دارند

۴۲ که این زنان نترسند از این گاوها

۴۳ که ایشان ترس ندارند زان

۴۴ خاطر نوازی

۴۵ خاطر نوازی بدارید چاقوی خودتان قرض دادن

۴۶ زراستان آماده کردن

۴۷ سعی زان بدارید

۴۸ سعی زان بداریم

۴۹ برای یکدیگر چیلم سگ در صور…

۵۰ سعی از پول شما بداریم برای اینکه شما بسیار ندارید زان

۵۱ سعی از کتابهای خودمان بداریم برای اینکه ما زان

بداریم ۵۴ سعی از کتابهای خودمان بکنیم

اینکه از آنان دیگری بداریم

درس اول از مرتبه پنجم

8.6 page of Book Vol. II

۱ بخوابش خوب   بخوابی

۲ بخوابی بخوابی

۳ ان خوابیه که شما بخوابی بخوابی

۴ او خوابیده بخوابی بخوابی

۵ او آن خوابیده گفت بخوابی بخوابی

۶ طلب کردن   بزور خواستن

۷ چه زور میکنه با این مرد

۸ هیچ زوری کسیم باد

۹ من زور میکنم که شما قرض خود را بکنید

۱۰ زوری کنند که ما این همه را بکنیم

۱۱ درس   خواندن کتاب   مهارت

۱۲ این مرد درس خود کرده است   این مرد علم خود تمام کرده

۱۳ ابا فن کرا   بقایه یکر   بوزیکر

۱۴ او پول خود خرج میکنه بوزیکر نوع میکنه

۱۵ بجنگ   (بره دا)

۱۶ یک بیمارخانه

۱۷ به بیمارخانه

۱۸ آرام کردن

۱۹ من آرام میکنم از خواندن

۲۰ او آرام میکنه از گفتن

۲۱ که آرام خواهی گرفت از قتل فاک کردن

۲۲ همه یک دم

۲۳ عدالت   حق   دیوان

۲۴ عدالت کردن   حق کردن   انصاف نمودن

۲۵ کردن عدالت   نمودن انصاف را

۲۶ داره   برار

310 Persian (5) Vol 2. p 66 — 184/185

– 5 Course – [illegible] 16 80

273–311

275–276 14

4

۳۲ شما بسیار کفش پاره میکنید

۳۳ سه زنان و هفت پاره میکنم در ماه

۳۴ یک سوزن

۳۵ یک سوزن سرکج

۳۶ ضایع کردن

۳۷ یک آبسته یک جام

۳۸ نگاه بانی کردن مملکت داری کردن

۳۹ یک ملت یک طایفه یک قوم

۴۰ سوزیده

۴۱ یک تن سوزیده

۴۲ یک شب رمبی همه سوزیده

۴۳ پیدا کردن دست آوردن

۴۴ این که یک دولت مغرور بیدا کرده

۴۵ پیدا میکنید شما

۴۶ سه پیدا میکنم

۴۷ ایشان پیدا میکنند

۴۸ یک دولت بدست نمی آید بدون زحمت

۴۹ معرفت فهم

۵۰ معرفت بدست نمی آید بدون زحمت

۵۱ نامور مشهور

۵۲ اعتبار امینت

آخر درس چهارم درجه

٧ جورابهای پشمین می پوشند مگر در زمستان 2

٨ سلقام نخورانه مگر پخته ۱

٩ از چنین چوبی گفته می شود

١٠ از چنین حرمتی پرستش می شود

١١ این نمی تواند بود

١٢ این نوشته با سانی خوانده می شود

١٣ این معنی ظاهر می شود

١٤ ماه گرفته می شود بدون دلم

١٥ پول نفع می شود با سانی

١٦ یک دولت جمع می شود با سانی

١٧ این داده می شود

١٨ نان انداخته می شود

١٩ شکافتن

٢٠ نجوشی

٢١ زراعت کردن

٢٢ کاشتن دانه انداختن

٢٣ اسم شما چه چیز است

٢٤ اسم اوست

٢٦ نام اوست ٢٥ اسم این محل چه چیز است

٢٧ نام کردن نام دادن

٢٨ چنین مینامند این

٢٩ مینامیند شما چه اسم داده میشود ایلا در فرانس

٣٠ من نمی دانم آن را چه مینامند در انگریز

٣١ پوستین کهنه کردن

۳۶ یک دمب

۳۷ خالی کردن

۳۸ یک گشتی عراده

۳۹ پر کردن بار کردن

۴۰ میخواهید شما پر کردن و خالی کردن عراده را

۴۱ دور کردن از

۴۲ دور میکنید شما وحشه را از نزد آتش

۴۳ زان دور میکنید شما

۴۴ کباب

۴۵ دیوار

۴۶ فصل چهار بار

۴۷ بقیمت ارزیده گی

۴۸ اظهار کردن بیان نمودن

۴۹ یک معنی یک لفظ

۵۰ فشردن انکار شدن

۵۱ یک جای یک فکر

۵۲ این طفل نمی تواند بیان فکر خود کردن

۵۳ او نمی تواند انکار نمودن

61 درس سیم

۱ شراب خوب بخود کش میبرد

۲ این غنچه با سانی شگفته میشود

۳ او با سانی شگفته میشود

۴ این پیاله شکسته خواهد شد اگر بافتد

۵ او شکسته خواهد شد

۶ پول پیدا میشود در کوچه

۱۲ چه میخوایید شما که بگویید

۱۳ چه میخوایید شما که این کلام بگویید

۱۴ باور میکنید شما که عقل بسیار بالاست که نفع پول کم

۱۵ من باور نمی‌کنم که آن بسیار بالاست

۱۶ دانش علم

۱۷ منتظر میشوید که دوست شما بیاید

۱۸ من انتظار آمدن او دارم

۱۹ من تحمل خواهم کرد که او بیاید

۲۰ من در انبار را انتظار میکشم تا برادر شما بیاید

۲۱ این بانو انتظار خواهد کشید در اینجا تا شما حاضر باشید

۲۲ انتظار نخواهید کشید تا من حاضر شوم

۲۳ ~~معجول~~ تعجیل

۲۴ معجل بودن

۲۵ شما هوای معجل شده دارید

۲۶ این بانو هوای خوب معجل شده دارد

۲۷ اگر چه شما معجل شده باشید نمیتوانید ملکش برای من کن

۲۸ نزدیک شدن از

۲۹ نزدیک بکنید کورسی را بامن

۳۰ نزدیک آن شوید

۳۱ نخواهید شما رخت خود را نزدیک آتش بکنید

۳۲ من نمیخواهم نزدیک آن شدن

۳۳ در هوا در سردی (در تاره‌کی

۳۴ در سردی بکنید ار

۳۵ خود در سردی که کنی

۷۴ داره آن بقدر انچه لازم اوست

۷۵ نداره بقدر زیاده پول انچه لازم اوست

۷۶ اگر شما بدارید انچه لازم شما است زیاده چه بکوا

۷۷ بشما لازم نیست غیر یک فلوس

۷۸ بشما لازم نیست بقدر یک

۷۹ باو لازم نیست بقدر بقدر چند ریال

۸۰ باو لازم نیست بقدر یک چیزی

۸۱ یک محل چون میباید

۸۲ این صاحب هوای یک محل چنین لازم است دار

۸۳ وقتیکه داره انچه لازم است هیچ احتیاج ندار

درس بیست و نهم

۱ لازم است خواندن برای بهتر کردنش

۲ کی میباید رفت برای باغش تراب خوب

۳ لازم است کار کردن برای صحت بدن

۴ استفسار کردن — در جستجو بودن

۵ استفسار کردن در این خصوص

۶ ما استفسا میکنیم در این جهت

۷ من استفسار کردم بر در این کار

۸ ما میایم از گرمش استفسار بروی این مح

۹ چه میخواهد که من بگویم

۱۰ من نمی خواهم که شما بگوید به ایشان

۱۱ چه میخواهند که ما بگوییم

۴۸ میاپه که تا آتش بکنه

۴۹ چه میاپه که او بکنه

۵۰ میاپه که او برود بیارد

۵۱ للازم خواهه بود ان

۵۲ ان للازم خواهه بود

۵۳ کی للازم خواهه شد که من بروم

۵۴ للازم خواهه بود که شما بروید بطرف

۵۵ آن بلازم منست

۵۶ آن بلازم اوست

۵۷ چه للازم است برادر شما

۵۸ چه للازم شما است

۵۹ چه للازم اوست

۶۰ چه للازم است باین محروم

۶۱ چه للازم ایشان است

۶۲ ایشان پول للازم است

۶۳ ایشان زان للازم است

۶۴ چند پول للازم ایشان است

۶۵ چند زان للازم ایشان است

۶۶ ایشان بسیار للازم است

۶۷ ایشان للازم نیست یک قدری

۶۸ دارند انچه للازم اش هست

۶۹ دارند ایشان انقدر پول که للازم ایشان هست

۷۰ دارند انچه للازم ایشان است ا

۷۱ دارند زان آن قدر که بللازم ایشان هست

۷۲ دارند انان زان زیاد از للازم خودشان

۷۳ دارید شما انچه للازم شما است

۲۲ این هم درست نمی‌نماید

۲۳ درجا مناسب شایسته

۲۴ بشما شایسته می‌نماید کردن این

۲۵ هم شایسته می‌نماید کردن آن

۲۶ این هم مناسب می‌نماید

۲۷ راه شناختن را وزن کردن

۲۸ وزن کردن رخت را

۲۹ وزن رخت کسی را کردن

۳۰ وزن رخت او را کردن

۳۱ وزن رخت آنها را کردن

۳۲ وزن کردن دادن رخت را

۳۳ وزن رخت تک تک را گرفته دادن

۳۴ با او وزن رخت را گرفته دادن

۳۵ وزن رخت خود را گرفته دادن

۳۶ شما وزن رخت خود را گرفته میدهید

۳۷ من وزن رخت خود را گرفته میدهم

۳۸ برو وزن رخت خود را به او بگیر بده

۳۹ من میروم وزن رخت خود را گرفته بدهم

۴۰ این مرد وزن رخت خود را گرفته خواهد داد.

۴۱ او خواهد وزن رخت خود گرفته بوده را داد

۴۲ باور می‌کنم شما که وزن ارخالق خود را برگرفتن خواه

۴۳ من باور می‌کنم که او وزن از خود برگرفتن بدهد

۴۴ میبایست میبایستن

۴۵ آن میبایست

۴۶ او نمی‌باید

۴۷ چه میباید که من بکنم

درس بیست و هشتم

۱ نمون شبیه مانند

۲ این اسب بنظر شما می‌آید مانند این

۳ آن بنظرم بهم شبیه میاید

۴ این کلبه‌ها بنظرم بهم یک نمون میاید

۵ این‌ها بظاهر می‌شوند مانند آنان

۶ مانند بودن شباهت داشتن

۷ این گوشت بشما خوب می‌نماید

۸ او هم خوب نمی‌نماید

۹ بشما می‌نماید که این اسب احتیاج از چیزی دارد

۱۰ آن هم می‌نماید که احتیاج چیزی نه‌دارد

۱۱ ظاهر می‌شود که این انسان احتیاج آب خوردن دارند

۱۲ ظاهر نمی‌شود که آنان احتیاج آب خوردن دارند

۱۳ برادر شما می‌نماید که این مرد تواند ادای آن کار کند

۱۴ او نمی‌نماید که این مرد تواند ادای آن کند

۱۵ بشما می‌نماید مگر که این درخت بلندتر از آن درخت‌ها

۱۶ هم نمی‌نماید که آن بلندتر باشد

۱۷ هم می‌نماید که آن بلندتر میباشد

۱۸ بمادر شما می‌نماید که این ابریشم بکار روزانه آید

۱۹ آن بانو می‌نماید که این تواند بکار ما آید

۲۰ درست حق یقین

۲۱ بشما می‌نماید آن درست جواب دادن از پول‌های ما
حق می‌نماید بشما نامه که آن ما را از پول

۳۲ بچه کار اوی را به گریه کرد

۳۳ بچه کار ایشان می را به گریه کرد

۳۴ تنگ کردن

۳۵ شما خوب خواهید که از تنگ کردن پول خود

۳۶ بچه کار شما آمد گریه کرد (را) (را)

۳۷ بچه کار او آمد گریه کردن را

۳۸ بهج کار شما نآمد گریه کرد

۳۹ این بهج کار شما نآمد

۴۰ ان باد بهج کار نآمد گریه کرد گریه کردن را بهج

۴۱ این بهج کار او نابهر نآمد

۴۲ یک عذر یک بهانه

۴۳ عذرها کرد

۴۴ عذرها کردن کسی

۴۵ با او عذرها کرد

۴۶ قرار کردن موافقت نمودن قول

۴۷ موافقت میکنه شما کردن این

۴۸ زان قرار میداریه

۴۹ ما قول میدهیم

۵۰ زان موافقت میکنم

۵۱ تنگ میکنه شما را او زان موافقت کنه

۵۲ قیمت دام بها

۵۳ بهان قیمت بهان بها

۵۴ یک بچه دقیق هوشیار

۵۵ یک دختر دقیقه هوشیار

۸ درخودسازی بودن

۹ (دربزرگ زیب بودن)

۱۰ گفتگو کردن

۱۱ دوستی داشتیم ما

۱۲ من دوست تر خواهم داشت

۱۳ او دوست تر نخواهد داشت

۱۴ او دوست تر خواهی داشت   خواهد

۱۵ ما دوست تر نخواهیم داشت   ما بهتر دوست می‌داشتیم

۱۶ ما دوست تر خواهیم داشت

۱۷ این زنان دوست تر نخواهند داشت

۱۸ ایشان دوست تر خواهند داشت

۱۹ دوست تر نخواهی داشت تا دوست من بودن که هر ...

۲۰ من دوست تر خواهم داشت مانند این که در روش نواله ...

۲۱ دوست تر نخواهید داشت جوان بودن که پیر

۲۲ من دوست تر خواهم داشت سالم بودن که ناخوش

۲۳ من دوست تر خواهم داشت بهار دیدن که بلده   خلد ...

۲۴ او دوست تر خواهد داشت مانند کفش دوز که پاره ...

۲۵ او دوست تر خواهد داشت مانند دو دختر که زن بیاز

۲۶ ما دوست تر خواهیم داشت بودن محروم که زنان

۲۷ خواهران من دوست تر خواهند داشت بودن بچه که مانند ...
در همه عمر خویشتان

۲۸ او بجای من اینه هیچ از گریه کردن   گریه کردم بجای ...

۲۹ او بکار او هیچ برایه گریه کردن

۳۰ او بکار ایشان هیچ برایه از گریه کردن

۳۱ بچه کارها برایه گریه کردن

۴۵ سم باد فرسودم از بکنه

۴۶ سم فرسودم بردم از کهم آن

۴۷ سم بادها فرسودم کردن آن

۴۸ بودن شدن

۴۹ بادار سکنه تا سالات بودن دولتمند

۵۰ سم بادارى كنيم با سالات بودن

۵۱ این مرد بادار سکنه که بسیار عقل دارد

۵۲ ما بادارى كنيم توانیم کردن این

۵۳ یک مایه / یک بنیاد یک زیر

۵۴ یک بنیاد انبار زیر یک انبار

۵۵ زیر انبار رسم

۵۶ از مایها

۵۷ سم از مایها دارم Tyran Lengualian مایه

۵۸ مایهای حقیق مایه عام

۴۹ درس سی و هفتم

۱ شمردن

۲ میشماریم تا به شصت رفتن

۳ سم میشمارم های رفتن

۴ زیب خودسازی آرایش

۵ خودسازی کردن زیب کردن آرایش کردن

۶ آرایش خود کردن

۷ خودسازی دوست داشتن

۱۷ یک چهل

۱۹ یک پنجاه

۲۰ آتش   نار   اخگر

۲۱ در کیسه‌ام کم پول می‌باشد

۲۲ در کوچه کم مردم می‌باشند   هستند

۲۳ کم از صحبت

۲۴ این مرد کم صحبت دارد

۲۵ م کم صحبت دارم

۲۶ بیهوده   عادت

۲۷ از بهترین ساعت که بیهوده   بیهود

۲۸ دیر تر که عادت ا

۲۹ چنان زود که بیهوده

۳۰ یک روزنامه

۳۱ چون بیهوده

۳۲ چون عادت من

۳۳ چون عادت خود

۳۴ چنین عادت ایشان

۳۵ چنین عادت ما

۳۶ یک عادتی   بیهودی

۳۷ یک عادتی نیک کردن

۳۸ یک عادت نیک داشتن

۳۹ بفرمایید /   فرمودن   حکم کرد

۴۰ فرمودن نیک مرد

۴۱ با او فرمودن

۴۲ فرمودن بمردم

۴۳ فرمودن بایشان

۴۴ م فرمودم برای آتش سیکنه

~~9 من اتفاقاً با او میگم~~

~~10 شما اتفاقاً دوستان خود گردید~~

~~11 شما اتفاقاً ایشان کردید~~

~~12 من اتفاقاً ایشان کردم~~

~~13 چه میخواهید شما که من بخرم~~

~~14~~

1 شما مدیون بودید — قرض شما باید

2 شما مدیون بودید که من را

3 لازم شما نبود صبر کردن

4 قرض من خواهید بود — مدیون خواهم بود

5 او مدیون خواهد بود — قرض او است

6 مدیون میبودم نترسم با مانه خود ا

7 لازم او میبود

8 این عمل مدیون نبود بر دوش ما بار

9 او مدیون میبود اگر بر دوش

10 ما مدیون میبودیم

11 قرض ها نمی بود کور و نه چنین هزوم

12 مدیون میبوده نه الشها

13 ایشان مدیون میبودند

14 این باتریان مدیون نمی بودند بردن رویش بجا ط

15 یک خانه

16 میخ زدن — میخ کوبیدن

17 میخ کندن

۴۶ که شما واقف شوید   آگاهی یافتن

۴۷ که ما واقف شویم

۴۸ که من واقف شوم

۴۹ که او واقف شود

۵۰ که ایشان واقف شوند

۵۱ باقی شدن   کم آمدن   کم شدن   تمام [illegible]

۵۲ مرا از پول تمام

۵۳ این بچه چیزی کم دارد

۵۴ از چه باقی میاید شما   از چه باقی دارید شما

۵۵ چیزی باقی هست از شما

۵۶ من باقی از هیچ ندارم

۵۷ ما باقی از همه داریم

۵۸ شما باقی از هیچ چیزی نخواهید داشت تا مدتی [illegible]

درس بیست و ششم   44

۱ چنانکه

۲ یک مرد چنانکه این

۳ یک زن چنانکه این

۴ از مردم چنانکه اینها

۵ پیمودن   صاف کردن

۶ از زنان چنانکه اینان

۷ اطاعت کردن   انقیاد کردن   گردن [illegible]

۸ اطاعت پدر را میکنید شما

۳۳ او در عوض بیت بکار من میایه بجای بیلان رخت ...

۳۴ بچه کار شریک شما میایه که این بچه

۳۵ او در عوض نوکر خدمت او میکنه

۳۶ این لحف در عوض لحف خواب بکار ایشان میایه

۳۷ کفشهای او در جای پیاله بکار او میایه

۳۸ این تویله بجای انبار بکار من خواهد آمد

۳۹ این کلاه در جای پیره خدمت او میکنه

۴۰ این زن در جای مادر خدمت او میکنه

۳۱ یک سردار آورده ... را جودان باشی ...

۳۲ یک کاتب

۳۳ به انش رسانیدن ... دانستنیدن ...

۳۴ باو فهمانیدن

۳۵ بایشان فهمانیدن

۳۶ که من برسم

۳۷ که او برسیه

۳۸ که انها برسینه

۳۹ که ما برسیه یم

۴۰ که شما برسیه ی

۴۱ که حامیل شوم من

۴۲ که او حامیل شود

۴۳ که ایشان حامیل شنه

۴۴ که ما حامیل شویم

۴۵ که شما حامیل شویید

درس بیست و پنجم

۱ چنانچه — چنانکه

۲ یک مرد چنانچه این

۳ یک زن چنانچه این

۴ از مردمان چنانچه ایشان

۵ از زنان چنانچه ایشان

۶ وزن کردن — پیمودن

۷ اطاعت کردن — گردن نهادن

۸ اطاعت به رضا میکنید شما

۹ من باو اطاعت میکنم

۱۰ اطاعت کردید باوستاد شما

۱۱ بایشان اطاعت کردید شما

۱۲ من بایشان اطاعت کردم

۱۳ چه میخواهید شما که من بخورم

۱۴ من نمیخواهم که شما اینقدر بخورید

۱۵ چه میخواهید شما که او بخورد

۱۶ چه میخواهید شما که ما بخوریم

۱۷ چه میخواهید شما که این مردم بخورند

۱۸ از عرق

۱۹ خدمت کردن — ملازم کردن

۲۰ این کارد در عوض چاقو بکار من میاید

۲۱ این جوراب در عوض کلاه بکار او میاید

۲۲ بچه کار شما میاید این کارد

۳۵ این محله میناییه کر بنجو ببه ن

۳۶ خدمت کدن لدزم شن

۳۷ بجه کار میایه این کارد

۳۸ بجه کار نما میایه این کارد

۳۹ بکار ببرن نان خود میایه

۴۰ این بکار نما میایه این بکاری جزی بکار نمای

۴۱ او هیچ کار نمی‌ایه

۴۲ این بکار اد میایه

۴۳ این هیچ کار ادنمی‌ایه

۴۴ باسیابان بچه کارش میایه این بچه ببینم

۴۵ بکار بردان که دم باسیاب میایه

۴۶ بچه کارش کردان میایه این چاقو

۴۷ او بکار بهریدن تخته یا (چهار پایا) میایه

۴۸ بچه کار نما امد این

۴۹ این هیچ کار نباهد

۵۰ این بکار جاروب کدن اوطاق نم امد

۵۱ تراشیدن

۵۲ یک قلم تراشیدن

۵۳ یک درخت تراشیدن

۵۴ یک قلم سیم تراشیدن

۵۵ یک رخت تراشیدن

۵۶ از سنگان تراشیدن

١٠ سر خراب میکنم

١١ یک نکس

١٢

١٣ یک تیر

١٤ یک ضرب تیر

١٥ یک ضرب تیرزدن بیک محل

١٦ با و یک ضرب تیر زدن ادارن/

١٧ یک ضرب تیرخوردن

١٨ یک ضرب کارد

١٩ یک ضرب کاردی زدن بیک محل

٢٠ باد ضرب کاردها بزن

٢١ یک ضرب پای یک لکت

٢٢ یک لکت زدن بیک سک

٢٣ باد بسیار لکتها زدن

٢٤ یک ضرب چوب

٢٥ یک ضرب چوب زدن بیک سک

٢٦ ضربهای چوب زدن سگدان

٢٧ با نها ضرب چوبها زدن

٢٨ یک ضرب چاقو

٢٩ موشد موشت

٣٠ یک ضرب موشت

٣١ ترسانیدن تهدید کردن

٣٢ ترسانیدن بیک ضرب موشت

٣٣ یک ضرب برق

٣٤ نمائیدن تقلیت کدن

۳۸ این بار کفایت میکند

۳۹ کفایت میکند شما

۴۰ من کفایت میکنم

۴۱ این کفایت میکند بخواهر شما

۴۲ این بار کفایت میکند

۴۳ این نفر کفایت لکت به دستان شما

۴۴ با ایشان کفایت میکنند

۴۵ این کفایت خواهد کرد با این حاجیان

۴۶ این با ایشان کفایت خواهد کرد

۴۷ این با ایشان کفایت خواهد کرد

۴۸ / خوابیدن دراز شدن / بهوش…

۴۹ بخوابید شما در این رخت خواب با دران

۵۰ کی خواهم خوابید امشب

درس بیست و چهارم

۱ اوطاق پیش رو

۲ اوطاق عقب

۳ اوطاق در بالا

۴ در بالا

۵ در پایین

۶ اوطاق در پایین اوطاق پا…

۷ کشتن

۸ خراب کردن ویران کردن

۹ ویران میکند شما

۱۵ که ما ان درست نمایم

۱۶ که او ان درست نمایه

۱۷ خوانه انیده شاگرد را

۱۸ ان خوانه انیدن

۱۹ خوانه انیدن کتاب را بشاگرد

۲۰ ان خوانه انیدن بشاگرد

۲۱ باو خوانه انیدن کتاب را

۲۲ ان باو خوانه انیدن

۲۳ گوش کردن با شنیدن سرودن خانوم را

۲۴ شنیدن آن سرودن بانو را

۲۵ زاو شنیدن سرودن غزل (ارزدر)

۲۶ ان او شنیدن سرودن

۲۷ شنیده ایه سرودن سرو این بانو

۲۸ ان باو شنیده انه سرودن

۲۹ باز گفتن تقریر نمودن

۳۰ شنیده داریه این را از پدر خود

۳۱ آن زاو شنیده داریه درگفتن

۳۲ م ان را و شنیده م درگفتن

۳۳

۳۴ کفایت کردن بس شدن

۳۵ این نوانه کفایت نماشدن

۳۶ این شواند کفایت نه شدن

۳۷ این کفایت کرد به دست ما

53 میتوانید بمن بگوئید اگر آنها خواهند شد

54 که دانید اگر خواهند شد این زنان

55 بیمار افتادن

56 او دفتر خواهد شد

57 یک کار نمی کنن

58 چه خواهید شد این بدبخت — با سعادت

59 از چه احتیاج دارد این کم بخت

60 چه میگوید از تو خواست شما

61 کی میدود چنین تندی این نوکر

62 که جواب میدهد بهم این این صاحب

درس بیست و سوم

1 چیزی خوردنی

2 چیزی خوردنی — ارشد به ذا

3 هیچ خوردنی

4 هیچ خوردنی

5 چه چیز بنما فرستاده به خوردن

6 چه چیز تکلیف شما کردن به خوردن

7 بخواهید که من پاره بکنم لحاف شما را

8 من نمی خواهم که شما آنرا پاره بکنید

9 که او آن ضایع کند

10 که ما آن ضایع کنیم

11 که این مرد آنرا ضایع کند — را باز بکن

12 بخواهید شما که من درست بکنم رخت خواب شما

13 من نمی خواهم که شما آنرا درست نماید

14 که او آن درست نماید — (باز زن)

(6)

۲۸ م خواهم برون رفتن

۲۹ م خواهم برون رفتن برای رفتن بانبار

۳۰ ما خواهیم برون رفت برای تحصیل کردن نان

۳۱ میروید برون بروید برای فروختن شلغمهای خود

۳۲ م خواهم برون رفت برای فروختن ان

۳۳ ما برون رویم برای رفتن فروختن انها

۳۴ بار یافتن

۳۵ شدن

۳۶ میشوید شما

۳۷ م میشوم

۳۸ ایشان میشوند

۳۹ شما دولتمند خواهید شد

۴۰ م دولتمند خواهم شد

۴۱ اوان خواهد شد

۴۲ ما ان خواهیم شد

۴۳ دوستان ما ان خواهند شد

۴۴ شدن

۴۵ چه خواهید شد شما

۴۶ م نمی دانم این که خواهم شدن — انچه خواهم شدن

۴۷ چه خواهد شدن برادر شما — ا چه بابد بشود برادر

۴۸ کسی نمی داند انچه او خواهد شدن

۴۹ چه خواهد شدن خواهر شما

۵۰ خدا میداند که انچه او خواهد شدن

۵۱ چه خواهیم شدن ما

۵۲ چه خواهند شدن این دختر همسایه‌مان — ا م بردو[...] این دختر همسایه‌مان

درس بیست و دوم

۱ حذر کردن   راحت شدن   خوش
۲ راحت میشود شما
۳ استراحت کردن   خوش گذرانیدن
۴ شما خوش میگذرانید از این
۵ من استراحت میکنم
۶ شما زیاد خوش میگذرانید
۷ شما خود را خوش میگذرانید از بازکردن این
۸ من خود را خوش میکنم زیاد کردن
۹ من زیاد خوش میکنم
۱۰ ما خودمان را خوش میکنیم از دیدن شما در خوب
۱۱ تشخیزات

۱۲ جان   روح
۱۳ رفتن به دیدن
۱۴ من میروم به دیدن دوستان خود
۱۵ شما گفته اید بنوکر برود بخرد شراب
۱۶ من گفتم برخت شور برود بشوید پیراهن من
۱۷ من میروم ببازار برای خریدن گوشت
۱۸ ما برویم برود خانه برای شستن رخت مارا
۱۹ عیلان خواهند رفت بشهر برای گرفتن پول
۲۰ عیلان خواهند رفت بشهر بگرفتن پول خودشان
۲۱ عیلان خواهند رفت بشهر برای بازیافت پول خودشان
۲۲ ما خواهیم رفت برود خانه بشستن رخت خودمان
۲۳ ما خواهیم رفت برود خانه برای شستن رخت خود
۲۴ این تاجر میرود بخریدن ماهوت به بوسطون
۲۵ این تاجر میرود به بوسطون برای فروختن ماهوت

۲۶ ببازار
۲۷ من بردن میروم برای رفتن ببازار

۶ شک دارید شما که من بتوانم اینرا بکنم

۷ من شک دارم که شما بتوانید اینرا بکنید

۸ او شک دارد که این لقلک مغلوق بشما بیارد

۹ ما شک داریم که این حاجیان بیایند

۱۰ شما شک ندارید که من بتوانم اینرا بکنم

۱۱ من شک ندارم که شما بتوانید بکنید اینرا

۱۲ او شک نمی دارد که این لقلک مغلوق بشما رسانده باشد

۱۳ ما شک نمی داریم که این حاجیان نیایند

۱۴ کسی شک ندارد که شما حالت منزل نباشید

۱۵ بالکسی تنجید   بسیار تکرار

۱۶ من کبیررا اوازگاه بسیار تکرار   متکررا

۱۷ باور میکنید شما که نعم میارزد کردن اینش

۱۸ من باور نمی کنم که ان نعم کردن میارزد

۱۹ باور میکنید که این کفش یک ریال میارزد

۲۰ من شک میکنم که ان میارزد القدر لکرای

۲۱ من شک نمی کنم کان یک کورد نمی ارزد

۲۲ که من بخواهم‌ا   که من ارزم

۲۳ که شما خواهید   ارزید

۲۴ که ما ارزیم

۲۵ یک دوازده   یک جفت

۲۶ یک دوازده از بچه   یک گروه از

۲۷ از یک نیم جفت / یک نیم دوازده

۲۸ یک نیم دوازده از سیب

۲۹ یک دوازده ونیم

۳۰ یک بیستم

۳۱ یک بیست بچه

۳۲ یک دهم

۳۳ یک پانزدهم

۳۴ یک سیم

۳۵ یک سیم کلام

۲۵ نصفه هشت

۲۶ یک حیاط

۲۷ نصفه و نوه

۲۸ پرکم پرکی

۲۹ این مرد پرکی نصفه و هشت سال میدارد

۳۰ باهقدار باهقدار

۳۱ درختان باغ شما را

۳۲ من میشناسم همه سالکیان فرید را

۳۳ من بهتر اسب دیار را دارم

۳۴ بهترین سیب باغ من

۳۵ یک قران یک ایام

۳۶ یک مرد حاذق . یک مرد معصوم

۳۷ یک زن معصومه

۳۸ بعضی بهترین یا مقبولترین درختان باغ ما
مین مقبول تر درختان که در باغچه ما هست

۳۹ من دارم میوه مقبولتر اسب که در این ملک

۴۰ باهقدار و یک

۴۱ حیاط پایین

۴۲ میخ

۴۳ فریب دادن

28

درس بیست و یکم

۱ من باور نمی‌کنم که این ماهوت پیش شما مناسب باشد

۲ من باور نمی‌کنم که این کتابها باد مناسب داشتند

۳ که من مناسب میباشم

۴ که شما مناسب میباشید

۵ که ما مناسب میباشیم

٥٩ باور میکنید که بسیار خلق خواهد بود در ضیافت خانه

٦٠ باور نمیکنید که درای بسیار خواهد بود

درس بیستم

١ تا اینکه من بازآیم

٢ پیش از اینکه شما بازآیید

٣ تا اینکه ما بازآییم

٤ تا اینکه او بازآید

٥ پیش از اینکه ایشان بازآیند

٦ باور میکنید شما که این بشما تعلق میدارد

٧ من باور نمیکنم که این کتاب تعلق بشما میدارند

٨ که شما تعلق میداشتید

٩ که ما تعلق تعلق میداشتیم

١٠ که من تعلق میدارم

١١ مشغول شدن   خوش گذرانیدن

١٢ باور میکنید شما که من بشما مدیون میباشم

١٣ من باور نمیکنم که شما هم مدیون میباشید

١٤ چه باور میکنید که ایشان مدیون میباشند

١٥ باور میکنید که ما بشما مدیون میباشیم

١٦ چه باور میکنید که این کومان با مدیون میباشند

١٧ (شازده   شانزده)   شصد ششصت

١٨ شصد و یک

١٩ شصد و دو

٢٠ شصد و سه

٢١ شصد و چهار

٢٢ شصد و پنج

٢٣ شصد و شش

٢٤ شصد و هفت

۳۲ ظن میکنم شما که آن جهل پای بلبلی میدارد

۳۳ من باور میکنم که آن جهل پای ارتعاء دارد

۳۴ قطر

۳۵ چند از انگشت این فلک قطر میدارد

۳۶ آن چهار انگشت قطر است

۳۷ طولانی

۳۸ این فلک دوازده انگشت طولانی دارد

۳۹ اگر چهار انگشت قطر دارد پس میدارد دوازده انگشت

۴۰ اگر آن چهار انگشت قطر دارد پس لازم است دوازده قرین میدارد

۴۱ اطراف گرد اطوال

۴۲ این باغ بهم میلی اطرافش است فرسخ

۴۳ زمین بیست و هشت هزار فرسخ گرد میدارد

۴۴ یک جای خلق یک میدان

۴۵ چند اطراف دارد این میدان

۴۶ او ظاهر میشود یک فرسخ اطراف داشتن

۴۷ این پوشانی شانزده پای مربع است چهار

۴۸ یک حجره

۴۹ این حجره ظاهر میشود شش پای ارتفاع داشته بود

۵۰ یک چاه

۵۱ باور میکنم شما که خیاط میخواهید رخت ملابس

۵۲ من باور نمیکنم که او خواهش دارد به ورزش

۵۳ من باور نمیکنم که شما خواهش میداشتید کردن خود

۵۴ باور میکنم شما که ما میخواستیم پول خودمان را گم کردن

۵۵ باور میکنم که من خواهم گم کردن خود را

۵۶ ما باور نمیکنیم که این حمام خواهد باز آمدن

۵۷ باور میکنم شما که ما خواهیم فردا باران داشتن

۵۸ من باور نمیکنم که باران خواهد بارید

۴ بالای عالی ارتفاع
۵ این دیوار هشت پای بلندی دارد
۶ چنه بالای دارد ان
۷ او پانزده پای بالای تمام ندارد
۸ طول درازی
۹ این اوطاق چه قدر طول دارد
۱۰ ان شانزده پای قرین دارد
۱۱ عرض پنهای
۱۲ این کوچه چه قدر پهنی دارد
۱۳ او چهل پای عرض دارد بردی یک پیمی طول
۱۴ ردی
۱۵ این انبار هشت دیچ پای طول دارد بردی پانزده
۱۶ عمق
۱۷ این سولخ سی پای عمق دارد
۱۸ او همین که بیست و شش پای عمق دارد
۱۹ باور مکنید نمی که این سولخ سی پای عمیق باشد
۲۰ م باور میکنم که ان سی پای عمیق است
۲۱ م باور نکنم که ان سی پای عمق دارد
۲۲ قلبزی قلبز
۲۳ این در دو انگشت قلبزی دارد ـ قبز
۲۴ یک تخته
۲۵ چنه قلبزت دارد این تخته
۲۶ این بورج
۲۷ این بورج ظاهر نمی شود که چهل پای بالای دارد
۲۸ ان ظاهر نشود که چهل پای ارتفاع دارد
۲۹ ارتفاع این هم بورج را بسیار عجب می نماید
۳۰ ان هم عجب نمی نماید
۳۱ چه قدر گمان میبرید که این مناره ارتفاع

۳۶ یک قرص دار
۳۷ یک نظر چشم   یک نگاهی
۳۸ درست
۳۹ یک نظر چشم درست   یک نظر درست
۴۰ این مرد نظر چشم درست دارد
۴۱ یک نظر آنه احتی
۴۲ میروید تا یک نظری بانه از زیر روی این کتاب
۴۳ سر میخواهم یک نظری درای انها حث
۴۴ چابک   زود
۴۵ این نقاش یک نظر درست وچابک دارد
۴۶ پیش نظر داشتن
۴۷ ترس کردن   ترسانیدن
۴۸ ترس کردن یک مردار   ترسانیدن یک
۴۹ اورا ترسانیدن
۵۰ ایشان زا ترسانیدن
۵۱ آواز کردن مثل سگ
۵۲ سگان آواز میکنند
۵۳ سگان آواز خواهند کرد

۹۵
درس نوزدهم
۱ با ارام کردن
۲ دو دستان را با ارام میکنیم
۳ ان را با ارام نمیکنند

§17 Vol. 2, 18 (268) (= p. 15 Vol. 2 of 1839)
Falconer p. 18 Lyon, 4 Clarke

۱۲ جرعت کردن

۱۳ دام برچیدن (چینه زدن)

۱۴ هر دوست نمی‌دارم دام برچیدن

۱۵ شما بسیار دام می‌برچید (اما بسیار چینه میزنید)

۱۶ یک از دوستان من

۱۷ یک از برادران من

۱۸ یک از اسبان ما

۱۹ یک از همسایهای او را

۲۰ یک از خواهران من

۲۱ یک از خویشان او را

۲۲ یک از دوستان برادر من

۲۳ خبر رسیدن از

۲۴ (هیچ نیایم از خبر رسیدن هیچکدام نزدیکان من)
خبری نمی‌رسد هیچ کدام از نزدیکان من

۲۵ خبری هیچ نمی‌رسد زان

۲۶ خبری رسیده هم از آن

۲۷ خبری رسیده است بشما از مادر شما

۲۸ زان خبرها رسیده است بشما

۲۹ از که خبری بشما رسیده است

۳۰ به از کسی خبری نرسیده است

۳۱ از کی   از آنکه   از چیزی

۳۲ پدر شما را دیده اینجا از چیزی

۳۳ من دیده ام او را از کم وقتی

۳۴ زان خبری رسیده از چیزی

۳۵ یک صاحب طلب

(6) Vol 2 – p. 17 – 61/63

Beginning of 4th Course – end of 18 Lessons & 19th to 30th Lesson

درس هژدهم

Page 14 + 1839 for Part 4 18 [illegible]

١ این بین مقبولترین درخت که در باغ ... است
٢ من بشما خواهم فروخت بهترین کفشها که در انبارم میباشد
٣ من خواهم خرید مقبول ترین دستانهای که من توانم یافت
٤ شما سینه ای (ان نخ) اثاث مهترین که در این شهر میباشد
٥ بین مقبول ترین نقشه که بمن رسیده شده است از بسیار و...
٦ من خواهم آورد بهترین دستانهای که من توانسته یافتم
٧ من انتخاب خواهم کرد مقبولترین لباسهای خواهم یافت
٨ من بشما خواهم فروخت بهترین کفشهای که در صندوق بود
٩ شما خواهید رخت انتخاب کرد بسیار مقبول رخت من که در او...
از میخ آویخته شده است
١٠ شما خواهید آورد بسیار مقبول تفنگ من که من پاک میکنم
١١ شما بر خواهید داشت کوچکتر کلید زنان که من احتیاج دارم برای
باز کردن صندوق من " تعطان

۶۱ میدانید شما چند این ارزیده است

۶۲ میدانید شما چند این کفشها خواهد ارزید

۶۳ چهل

۶۴ خوابیدن / دراز شدن روی تخت خواب

۶۵ تا

۶۶ تا آنجا

۶۷ تا اینجا

۶۸ تا خانه شما

۶۹ تا بطرف خانه شما

۷۰ تا بالای درخت — تا بر درخت

۷۱ تا بزیر درخت

۷۲ تا ببازار

۷۳ تا ببانک

۷۴ تا بهارستان

۷۵ تا بپاریس

۷۶ تا بلندن

۷۷ تا باروپا

۷۸ تا بامریکا — امریکا

۷۹ تا بپایان راه

۸۰ تا باخر راه

۸۱ تا بعمق چاهی —— [illegible]

۸۲ تا کی

۸۴ تا کی خواهید رفت؟

۸۵ از اینجا تا آنجا

۸۶ از یک سر تا بدیگر

۸۷ از بوستون تا نیو یارک

۳۶ بروانه نشان با ملوک الفاقه

۳۷ خداحافظ گفتن — به یک کس

۳۸ خداحافظ گفتنه به دوستان شما

۳۹ باد خداحافظ گفتنه شما

۴۰ هم خداحافظ کرده باد

۴۱ خداحافظ

۴۲ سلام تندی

۴۳ این صاحب سلام تندی خواهد داشت با تکلیف یک بیاله ارز

۴۴ او سلام تندی نخواهد داشت با ارزان یک بیاله تکلیف کنه

۴۵ سلامت گری کردن کس

۴۶ این صاحب سلامت گری کرده به دوست شما

۴۷ باد او سلامت گری کرده است

۴۸ او با و بسیار سلامت گری کرده است

۴۹ او با و هیچ یک سلامت گری نکرده است

۵۰ ارزیده

۵۱ چنبه بشما ارزیده است این لب

۵۲ بی ریاک بم ارزیده است او

۵۳ چنبه ارزیده است این بهر رشما

۵۴ چنبه این باد ارزیده است

۵۵ این باد گران ارزیده است

۵۶ این باد هیچ ارزیده است

۵۷ این بشما چه ارزیده شده است

۵۸ این بشما چنبه خواهد ارزید

۵۹ این هیچ نخواهد ارزید

۶۰ میبه ایشم شما چنبه این میارزد

۱۲ سر زان خبر خواهم

۱۳ یک وار به شده ۹

۱۴ بوار به شدن سر 3

۱۵ سر زان خبر خواهم داد

۱۶ زان

۱۷ خبر مبه بهیر شاد ستان خود را از ابکه وار به شده

۱۸ زان خبر مبه بهیر شا

۱۹ سر زان خبر دارم ا

۲۰ برو ود خواهران ما

۲۱ همه وار به شده ها

۲۲ تیا زن

۲۳ روانه شدن

۲۴ بروانه شدن من

۲۵ بروانه شدن او خود

۲۶ بروانه شدن ایشان

۲۷ در هر روانه شدن

۲۸ بروانه شدن برت

۲۹ گرم که لرزه مرا تا خوش نمعد

۳۰ بادی که وزیده امشب همه گلها را خوشکانیده

۳۱ شب که گذشته که برف باریده همه خلق را بخوش ک

۳۲ بروانه شدن من برای فرانسه

۳۳ بروانه شدن او برای انگلستان

۳۴ بروانه خود او برای اسپانیا

۳۵ بروانه شدن خواهر من برای ایتالیا

٥٥ زان چه میکنه
٥٦ هم از او نگاه میکرد بر بلان برکهن دران کنه خود
٥٧ چه کار کرده به از زن پس م
٥٨ هم از او روی سر نهادم
٥٩ زان چه کرده به شما
٦٠ باز گذاشتن
٦١ باز میکرده به شما
٦٢ هم باز میکرده ام
٦٣ هم بسیار دفعه باز میکرده ام از پیش انبار
٦٤ او باز میکنه از در درس خود
٦٥ رحمت شاد طو میکنه پرهن را
٦٦ او باز میکنه ارد رود را
٦٧ اتوسته سرستن
٦٨

درس هفدهم

١ خبر کردن
٢ خبر میکنه شما
٣ هم خبر میکنم
٤ میرویم شما خبر به پدر مادر خود را از این
٥ هم میروم خبر به هم از این
٦ میرویم شما زان خبر دهید
٧ هم میروم زان خبر به هم
٨ خبر داده به شما مادر شما را از این
٩ زان خبر داد به شما
١٠ هم زان او خبر داده ام
١١ خبر خواهیم داد به شما دوستان خود را از این

۲۷ پول
۲۸ علم جاق کردن
۲۹ هر که
۳۰ هر که نخواسته است طلبت نخواهد شناسم علم
۳۱ هر چه پول بود از دزد دست ها داد ر د
۳۲ هر چه پول بود بزبان بسیار دارد
۳۳ جستجو کردن به
۳۴ او بجوید روزه جای نفع کند
۳۵ زحمت دادن
۳۶ زحمت کردن کسی
۳۷ شما زحمت میدهید باین ها تو
۳۸ شما زحمت میدهید باد
۳۹ شما بار زحمت مسکینه باد
۴۰ اینکه من زحمت میدهم باین مخدوم
۴۱ اینکه من باینها زحمت نمیکنم
۴۲ شما برای زحمت کردید
۴۳ شما باو زحمت نکردید
۴۴ شما باو زحمت خواهید کرد
۴۵ من دوست ندارم که برای زحمت بکنید
۴۶ من بسیار زحمت کرده ام
۴۷ هر چه میخواهید باشد هر چه باشد
۴۸ دیدن به
۴۹ خواهید دید شما باو روده دادن نهار را
۵۰ من خواهم دیدن به او روده دادن
۵۱ عمیل خواهم دید با تمام رسانیدن این کار
۵۲ او خواهد با تمام رسانیدن
۵۳ کردن از
۵۴ چه مسکینه شما از این خوبیچ کند

درس شانزدهم

5 pages of book Vol II

۱ برف

۲ برف می‌بارد

۳ برف پیرزن — برف مابهر

۴ در روی زمین برف بسیار است

۵ گل

۶ گل بسیار هست

۷ گل نیست

۸ در اینجاها بسیار گل هست

۹ رز، گرد — قوهار

۱۰ گرد می‌کند — قوهار می‌کند

۱۱ زان بسیار می‌کند

۱۲ رز، دود

۱۳ دود می‌کند

۱۴ دود می‌کند

۱۵ بیرون کردن

۱۶ پنجره را واز می‌کنم برای بیرون کردن دود را

۱۷ من در را باز می‌کنم برای بیرون کردن ...

۱۸ صحت یافتن — چاق شدن

۱۹ چاق می‌شوید شما

۲۰ من چاق می‌شوم

۲۱ این حکیم همه بیمارهای خود را چاق می‌کند

۲۲ این بیمار چاق نشده زود

۲۳ این دوا شما را چاق خواهد کرد

۲۴ یک بیماری — یک ناخوشی

۲۵ این دوا همه بیماری‌ها را چاق می‌کند

۲۶ تا چاق شده بودید

Persian

(4²) Vol 2. – p.5 – 9/14

4^d Course in pencil Lessons 16. 17 & part of 18^th

4

۲۷ قرایض داشتن قرضها داشتن

۲۹ قرض کردن

۳۰ تا اینکه

۳۱ تا اینکه من بروم

۳۲ تا اینکه من بدارم

۳۳ تا اینکه من بدانم

۳۴ تا اینکه من بکنم

۳۵ تا اینکه من بیایم

۳۶ تا اینکه من باشم

آخر جلد اول

۵ ایشان خواهشنامه نوشت

۶ از بیلوبایت   از سیزده

۷ ورق

۸ یک ورق از کاغذ

۹ یک ورق درخت

۱۰ بغایه کی

۱۱ یک مرد زن کش

۱۲ یک زن مرد کش   شوهر کش

۱۳

۱۴ مگذار بچه‌ها نزدیک آتش   که دلشک

۱۵ احتیاط

۱۶ احتیاط داشتن

۱۷ یک کمک   یک ضرر

۱۷ یک کمک کردن

۱۹ کمکها کردن

۲۰ کمک باعث شدن

۲۱ مشکل

۲۲ مشکل دادن / مشکل کردن

۲۳ باعث مشکل شدن

۲۴ مشکل داشتن

۲۵ یک قرض

۲۶ قرض خود را ادا کردن

۲۷ من قرض خود را ادا کردم

۵۲ این صاحب حرکت چیم یک با ۰ بحر سالار [illegible]

۵۳ یک مرد زرک ۵۲ احمق

۵۴ یک زن زرک

۵۵ یک احمق یک زرک

۵۶ یک زن دیوانه

۵۷ یک دیوانه

۵۸ دیوانه

۵۹ کتاب هم سوخته شده است

۶۰ پیراهن هم سوخته شده است

۶۱ رختهای هم سوخته شده اند

۶۲ پیراهنهای هم سوخته شده بوده اند

۶۳ کلهبندهای هم سوخته نخواهند شد

۶۴ دمدمه

۶۵ در بازی خانه دمدمه بوده است دیروز

۶۶ بازی خانه طیاطر

۶۷ کشتن

۶۸ میکشید شما

۶۹ میکشم

۷۰ کشته

درس پانزدهم

۱ شما تمام خواهید کرد

۲ من خواهم فروخت

۳ او خواهد گفت

۴ ما خواهیم خواند

۲۷ تمام شده

۲۸ اغاز نمیشه

۲۹ گفتنش تمام شده ، نمیشه

۳۰ من نوشتن را تمام نمیشه

۳۱ (باز)

۳۲ کی تمام خواهید کرد باز

۳۳ که بزباقت خانه خواهیم رفت باز

۳۴ چه میخواهید که من بکنم باز

۳۵ گزیده

۳۶ یک منزل   دیا   مسکن

۳۷ یک منزل طول

۳۸ یک منزل طول کشیدن

۳۹ برنگ

۴۰ دستور   طور   غایده

۴۱ مابین غایده

۴۲ بچه غایده

۴۳ بدهم غایده

۴۴ بغایده بهترین

۴۵ پرواکی

۴۶ بی پرواکی

۴۷ این بچه حرکت سعی میکنه

۴۸ برادرم رحشی بلای میپوشه

۴۹ این بچه حرکت مثل بچه سادات میکرد که مرمیبا

۵۰ برادرم رحشت میپوشه جیب این ملاه

۵۱ برادرم رحشت میپوشه جیم یک یا به ملک

درس چهاردهم

۱ باسودکی خوان

۲ باسودکی شما

۳ باسودکی او

۴ برداشته

۵ تعلوق خواهید داشت شما

۶ م تعلوق خواهم داشت

۷ لبر خواهید اوورد شما

۸ م لبر خواهم اورد

۹ پاره شده

۱۰ پاکی پاکیزگی

۱۱ اورده

۱۲ تجویز نمود

۱۳ شما برای زحمت این تجویز نمود

۱۴ بستن بقفل

۱۵ اوطاق را بقفل بستید شما

۱۶ من ان بستم بقفل

۱۷ یک اچار

۱۸ رد کرد

۱۹ بر آل کرد عوز کرد

۲۰ اورده

۲۱ چوپان

۲۲ م چوپان خودمن اوردم

۲۳ ا جسبودن / جسبوده

۲۴ نگاه کرد نظر نمود

۲۵ پر شده

۲۶ شیرینی هلیوت

٢٧ ترس میدارید شما که سر برداشته باهم بول کارا
٢٨ میترسید شما که من بسیار زده نباشم
٢٩ ترس دارید شما که من فراموش کنم باهم کلمه‌ها
٣٠ من میترسیم که شما آنان را فراموش کنید باشید
٣١ فراموش کرده
٣٢ شکسته
٣٣ بریده
٣٤ گذاشته
٣٥ برده نفع کرد
٣٦ خرج کرده
٣٧ یک بار برداری
٣٨ بار برداری
٣٩ من خوش دارم کردن این
٤٠ من خوش میدارم در کردن این
٤١ جرئت داده بردن رفتن در شب دارید شما
٤٢ شما جرئت کافی دارید برای بردن رفتن داد
٤٣ بسته
٤٤ برانیده
٤٥ (به میارزد) به الت
٤٦ بر میباشد
٤٧ نه خواهد ارزید
٤٨ آن نه خواهد ارزید
٤٩ نه می ارزد رفتن از آن گریستن
٥٠ نه میارزد رفتن به آن که گریستن
٥١ نه میارزد به الت
٥٢ این نه خواهد ارزید
٥٣ کار کرده
٥٤ گریسته
٥٥ قبول کرده
٥٦ تشویش کردن

درس سیزدهم

۱ درک مختصر

۲ بپرسید

۳ بپرسیدن

۴ بپرسیدن شخص

۵ بپرسیدن پول را — خواستن پول

۶ بپرس پول از بچه

۷ بپرسیدن آن را

۸ آن را از او بپرسیدن

۹ بپرسید چگونه را از زن

۱۰ آن را از او بپرسید

۱۱ بپرسیدن

۱۲ بپرسید از پدرم که بگذارد بیرون بروم

۱۳ که بپرسیم از پدر خود بگذارد بیرون بروم

۱۴ اختیار کن

۱۵ تعجب کرده

۱۶ خوانده   آواز داده

۱۷ باعث گشته

۱۸ ادا با تو

۱۹ ششنبه‌ها یه ردون این ها تو

۲۰ ششنبه‌ها یه ردون ان

۲۱ دیروها یه تا گذاشتن خواهرم

۲۲ اورا نه بره‌ایه درگذاشتن

۲۳ تا سرودانیه به این ها تو

۲۴ اورا سرودانیه به تا

۲۵ فعله‌ها را کار کردانیه به تا

۲۶ انها را کار کردانیه به تا

۲۲ این صاحبان ادای حق لفظهای خودشان میکنند

۲۳ من ادای حق زحمت شما را خوب نمیکنم

۲۴ همسایه ادای کرد میکنه

۲۵ بعم مبارزد

۲۶ برنج مبارزد نوشتن این کلمها

۲۷ برنج نمی ارزد نوشتن امان

۲۸ این برنج نمی ارزد

۲۹ برنج پاک کردن این جلبکها که به مبارزد خیلی

۳۰ برنج پاک کردن آن نخواهد ارزید

۳۱ این نعم نخواهد ارزید

۳۲ یافته

۳۳ خورده

۳۴ داده

۳۵ خریده

۳۶ قرض داده

۳۷ نمره

۳۸ معطور کرده

۳۹ ادا نموده

۴۰ حق حسابات را ادا نموده باشید

۴۱ آن بار ادا نموده ام

۴۲ من ادای حق کفش کفشگر نه نموده

۴۳ ادای آن او نه نموده است

۴۴ سخاوتش

۴۵ برده

۴۶ شسته

۴۷ مرحمت کرده

۵۵ دم زدن   نفس کشیدن   متنفس

۵۶ نفس میکشید شما

۵۷ نفس میکشم من

۵۸ یک

357 درس ادادسیم

۱ میل خوابیدن دارید شما

۲ من میل خوابیدن دارم

۳ اگر شما حالا نخوابید امشب میل خواب خواهید داشت شما

۴ شما میل خوابیدن میداشتید در جهاز

۵ من میل خوابیدن میداشتم در عراده

۶ برا بنده

۷ از بنده

۸ ادا کردن   حق را ادا کردن

۹ ادای حسابت بکن

۱۰ ادای

۱۱ ادای حسابها

۱۲ ادایها

۱۳ ادای لباس

۱۴ ادای

۱۵ ادای رختها

۱۶ ادایها

۱۷ شما ادای مزد حسابت میکنید

۱۸ ادای او میکنید

۱۹ ادای حق لباس خود میکنید

۲۰ ادای آن میکنید شما

۲۱ ما ادای مزد فعلهای خودمان میکنیم

(9)

۲۷ نمی‌ترسید شما که این مجله کتاب ما را بگیرد

۲۸ نمی‌ترسید شما که این نقش درد در سرتان باشد

۲۹ میخواهید شما که هم اینکارا درگیریم

۳۰ هم نمی‌خواهم که شما اینرا در گیرید

۳۱ ترس داریم شما که ما این کارها در نگیریم

۳۲ ترس داریم شما که ما اینرا در نگیریم

۳۳ هم میترسم که این کار اینرا در بگیرد

۳۴ نمیترسید شما که این نجار در نگیرند ان

۳۵ **یک کهنه　　یک فعل**

۳۶ بانجام رسانیدن　　باتمام رسانیدن

۳۷ بانجام رسانیدید شما

۳۸ هم بانجام رسانیدم

۳۹ میترسید شما که هم نتوانم بانجام رسانم

۴۰ هم میترسم که شما نتوانید بانجام رسانید

۴۱ هم میترسم که این مجله نتواند بانجام رساند یا وقتش ا

۴۲ ترس داریم شما که ما نتوانیم اینرا بانجام رسانیم

۴۳ هم ترس دارم که این تاجر نتواند از اختیار با وقتش

۴۴ آلوده کردن

۴۵ آلوده میکنید شما

۴۶ هم آلوده میکنم

۴۷ شادی کردن　　خوش حاصل نمودن

۴۸ شادی میکنید شما

۴۹ هم شادی میکنم

۵۰ از دولت خود شادی میکنید　　۵۷　لذت دادن

۵۱ زبان بلد نیستید بگوئید

۵۲ بلد نیستم زبان بگویم

۵۳ **صحبت**

۵۴ هم بلد نیستم صحبت خوب بکنم

درس یازدهم

۱ اکثری
۲ اکثری از مهمانان
۳ اکثری از زنان
۴ البسه   ملبّس کاری
۵ غم   رنج
۶ بی غم   بی رنج
۷ چه کلمات میخواهید شما که من بدانم
۸ نمیخواهم که زنان ده تا بدانی
۹ دوست میدارید شما که این شاگرد درس خود بداند
۱۰ شما خواهید دانست این پیش از دانستن ما
۱۱ ما آن خواهیم دانست پیش از آنکه این محصل بداند
۱۲ ترس دارید شما که من درس خود ندانم
۱۳ نمیترسم که شما آن را ندانید
۱۴ میترسید شما که من درس خود ندانم
۱۵ نمیترسم که شما آن را ندانید
۱۶ ما ترس داریم که دوست شما پول کفاف ندارد
۱۷ ترس ندارید شما که کنیز کار خود خوب نکند
۱۸ میخواهید شما که من تفنگ شما را بردارم
۱۹ نمیخواهم که شما آن را بردارید
۲۰ دوست میدارید شما که دوست شما اسب شما را بردارد
۲۱ اوستاد نمیخواهد که ما کتابهای خودمان بگیریم
۲۲ ما دوست نمیداریم که دوست ما منفعت ما بگیرد
۲۳ من ترس دارم که شما پول زیاد بگیرید
۲۴ نمیترسم که جلدان من بگیرند
۲۵ میترسید شما که کلید شما من بردارم
۲۶ ترس دارید شما که ما کاغذ شما برداریم

۵۴ به دستور پاریس

۵۵ به دستور لندن

۵۶ به دستور کهنه

۵۷ به دستور فرنگستان

۵۸ به دستور انگلیزی

۵۹ به دستور فرانسه

۶۰ یک دلال

۶۱ حق تهمت الفاق

۶۲ نبا بر از

۶۳ نبا راین

۶۴ بابت نبا

۶۵ دانش خود

۶۶ یک زن خیاط دستوری

۶۷ فیلمی سرق

۶۸ حواسی

۶۹ بری اختیاری

۲۹ حرکت میکنه تا

۳۰ هم حرکت میکنم

۳۱ در حفظ خود کوشا

۳۲ تا حفظ خودی کنیم از این الب

۳۳ هم در حفظ خود در میانیم زان

۳۴ تا پروای از کشتن خودی داریه

۳۵ از این پروا منه

۳۶ دران پروا منه

۳۷ دران پروا میدارم

۳۸ کشتن

۳۹ میکشیم تا

۴۰ هم میکشیم

۴۱ تا پروای کنه از گرفتن کیسه خود را

۴۲ هم پروای از شکستن کردن خود میکنم

۴۳ هم پروا میکنم از پاره کردن کتاب او

۴۴ یک جهتی   یک سوی

۴۵ جست جو بصره

۴۶ جست جو کرده تا کلیه خود را

۴۷ جست جوی آن کرده م

۴۸ نیمه تمام

۴۹ سرخط کم کردن

۵۰ دستور   غایه

۵۱ بدستور

۵۲ بدستور او اجیر

٣ خندتون میگیره شما

٤ من خندم میگیرم

٥ یک خنده کردن

٦ خنده کردن.

٧ شما میروید به خنده بگیرید

٨ من میروم از من خنده به هم بگیرند

٩ شما الکی خنده بگیرید

١٠ اگر شما خنده خواهید گرفت؟

١١ من الکی خنده میگیرم!

١٢ من فردا از من خنده خواهم گرفت

١٣ شکایت کردن

١٤ باعث شکایت شدن

١٥ (خود را درست داشته باشید) درست کردن

١٦ خود را با هم خلق درست کنید

١٧ با هم خلق جنگ کردن

١٨ خود را محبوب عالم کردن

١٩ (خود را جدا کنید از دوستان خود)

٢٠ موهای خود بریدن

٢١ دوس خود مالیدن " دامن بالیدن دانش

٢٢ سر خود را شکستن

٢٣ دندان خود را شستن

٢٤ شما دندان خود را میبایید بشکنید

٢٥ من دندان خود را میبایم بشکنم

٢٦ شما میبایید موهای خود ببرید

٢٧ من آن خواهر ماه میبایم ببرم

٢٨ حرمت داشتن حرمت کردن

۴۸ او یک جای رفته بوده است

۴۹ او هیچ جای نبوده است

۵۰ به شکار

۵۱ به شکار میروید شما

۵۲ دیروز عصر

۵۳ دیروز صبح

۵۴ لکن خانمها به بازار رفته بوده اند «واحد»

۵۵ این زن کلمه بنی بجز فرد جمع هم مستعمل شد

۵۶ چیزی خودیشان میبایید

۵۷ من خود را بهتر میابم

۵۸ شما خود تان را در حال چیز معلوم میکنید

۵۹ من بهتر معلوم میکنم

۶۰ شما پشیمان بشوید

۶۱ شما پشیمان میشوید از این

۶۲ من پشیمان میشوم

۶۳ من پشیمان میشوم از این

۶۴ شما از آن پشیمان مشوید

۶۵ پشیمان شدن

۶۶ خواهر من پشیمان شده است از فروختن رخت خود

۶۷ خواهران پشیمان شده اند از فروختن رختهای خود

درس ششم

344

۱ متأسف شدن

۲ خشم گرفتن

۲۳ یک رخت تازه خواهیم دوختانیدن

۲۴ من خواهم دوختانیدن یک تازه

۲۵ یک صفحه دق تازه ساخته داده ایم ۹

۲۶ زان یک تازه ساخته داده ام ۵

۲۷ شالقش تازه دوخته داده ایم ۱

۲۸ یک تازه دوخته داده ام

۲۹ شما مخواهید یک عرادهٔ تازه ساختن

۳۰ من زان یک تازه ساخته دادم

۳۱ [باروت   ارزکه

۳۲ جارو کردن

۳۳ جارو مکنید شما

۳۴ من جارو مکنم

۳۵ در شیشه کردن

۳۶ شراب در شیشه کردن

۳۷ یک درخت سیب

۳۸ یک درخت امرود

۳۹

۴۰ یک چشمه

۴۱ در بهنی ملک

۴۲ بصره

۴۳ شما در بازار بودیهید

۴۴ من در اینجا بوده‌ام

۴۵ من در اینجا نبوده ام

۴۶ در اینجا بوده اید شما

۴۷ خواهر شما در کجا بوده است

درس نهم

۱ مرحمت گردانیدن   کردن
۲ مرحمت رخصت کردن
۳ آن مرحمت کردن
۴ مرحمت رخصتها کردم
۵ امان مرحمت کردن
۶ مرحمت کردن یک بار رخصت
۷ زان یک مرحمت کردم
۸ دیدن نوشتن کاغذ
۹ آن دیدن نوشتن
۹ ان دیدن نوشته
۱۰ شنیدن خوردن یک فرد از ساز
۱۱ شنیدن خواندن   خوردن
۱۲ دیدن خاموش کردن آتش
۱۳ دیدن خاموش کردن ان
۱۴ شنیدن گفتن راز
۱۵ شنیدن گفتن ان
۱۶ دیدن فروختن شراب
۱۷ دیدن فروختن ان
۱۸ یک عراده
۱۹ یک صندوق
۲۰ چشمک
۲۱ یک جفت رشتک
۲۲ گردانیدن   لرزانیدن

۳۸ روی حساب شریک ها

۳۹ روی حساب ایشان را

۴۰ شکافته

۴۱ دل این دختر قرشکافته ها

۴۲ دل او را شکافته ها

۴۳ سنجیده

۴۴ دراز کشه   گشودن

۴۵ دراز کشیده ها

۴۶ هم دراز میکشم   نمیکشانیم

۴۷ هم رو پای خود روی میکشانیم

۴۸ یک لحاف   یک پوشانی

۴۹ سبزه

۵۰ یک چادر شب

۵۱ از چادر های شب

۵۲ گزیدن

۵۳ میگزیده ها

۵۴ هم میگزم

۵۵ گزیده

۵۶ رد کردن   گذرانیدن

۵۷ رد میکنه ها

۵۸ هم رد میکنم

۵۹ (ما باید رد بکنیم از خط به کردن ها !
باید که ما رد شویم از به کردن

۶۰ هم رد میکنم کردن آن به بهران چرا نمی خواهم دیدار
بکنه

١١ من این همه از نظر گم کرده‌ام

١٢ من آن از نظر گم کرده‌ام

١٣ یک تمام

١٤ در آن دو سال تمام است که من این کتاب را خوانده‌ام

١٥ در آن دو ساعت است که من خوانده‌ام

١٦ چه وقت میباشد که شما والسی بار کرده‌اید

١٧ در آن یک سال است که من بار میکرده‌ام

١٨ چند میباشد که شما والسی بار میکرده‌اید

١٩ یک سال میباشد که من بار میکردم

٢٠ او بخشیده شما

٢١ من او بخشیدم

٢٢ او بخشیدن

٢٣ ژان گلدهٔ خود از این منبع او بخشید

٢٤ میوه از درخت او بخشیده است

٢٥ او بخشید

٢٦ چراغ　　معشل

poor cloth

٢٧ شور گلان　　باشیدن

٢٨ مباشیده شما

٢٩ باشیده

٣٠ شراب خور را شما باشیده‌ید

٣١ یک خبر دروغ باشیده اند

٣٢ باشیدن

٣٣ شور بچی باشیده اند

٣٤ یک شور　　یک قبل مالی

٣٥ بروی شما قبل مالی باشیده‌اند

٣٦ بروی شما قبل مالی مباشند

٣٧ قبل مالی باشیده شده در جهت شما

٣٨ روی حساب منم.

۴۳ رخسار کسنه باین مرد

۴۴ باو رخسار کسنه شما

۴۵ باو رخسار خواهم کرد شما

۴۶ باو رخسار که بلا به شما

۴۷ کم شده

۴۸ عقل را کم کردن

۴۹ این مرد عقل را کم کرده است

۵۰ اما دوست عزیز من شما عقل تان را کم میکنید

۵۱ بحث

۵۲ کم کردن بحث خود

۵۳ بحث خود کردن

۵۴ من بحث خود را کردم

۵۵ باری

۵۶ نظر

۵۷ نظر قصیر

۵۸ این صاحب نظر قصیر دارد

۵۹ این صاحب هم بول خود در باری باخته است

340 درس هشتم

۱ از ذخیره

۲ ذخیرهٔ باکسوباج

۳ ذخیرهٔ باکسوباج کلان

۴ نیم

۵ ما نیم از ذخیرهٔ خود کم کردیم

۶ یک سوکس

۷ ما یک سوکس ذخیره خود نداریم

۸ یک چارک

۹ از نظر کم کردن

۱۰ من هم این از نظر خود کم کردم

۱۵ برادر میانه از به شما

۱۶ هم برادر میانه از هم

۱۷ اگر شما نفت خود را هم قرض به همه زنان فعل خودش به شما خواهم دا[illegible]

هم به همه فعل خوب و خوشتر خواهم بود به شما

۱۹ جیب

۲۰ یک رومال جیب

۲۱ اشنده / انتظار شده

۲۲ برانیده باز ورده

۲۳ شکسته خراب شده

۲۴ خراب شدن ویران کردن

۲۵ خراب میکنه شما

۲۶ هم خراب میکنم ویران میکنم

۲۷ خراب شده ویران شده

۲۸ با

۲۹ با کی

۳۰ شنیده

۳۱ مارا شنیده اند

۳۲ شما را مشاهده کرده‌اند

۳۳ چه به شما گفتند

۳۴ جواب داده

۳۵ یک سوال

۳۶ یک سوال کن

۳۷ یک سوال میکنم از این زن

۳۸ باو یک سوال میکنم شما

۳۹ جواب سوال را داده‌اند

۴۰ بدون اینکه بشنه

۴۱ فروخته

۴۲ اختیار کردن به

۳۶ اینرا خواهش من بجا بیاورد راضی س...
۳۷ این مرد هوای راضی ندارد
۳۸ چیره
۳۹ زاییده   ظهور رسیده
۴۰ قرار شده
۴۱ اینرا شما قرار شده است
۴۲ اینرا قرار بمن شده
۴۳ گرفته داشته
۴۴ تعلق داشته
۴۵ ابر داشته
۴۶ باریده
۴۷ همه هفته باریده بود

درس هفتم

۱ بخوشی دانستن   یا   بخوبی خبر دانستن
۲ بخوبی قول من دانستن یعنی البته خود کردن
۳ بقول خوب من ببرانید
۴ بقول خوب من بمیرانید
۵ بقول به این مرد دانید در گرفتن بتوانا
۶ با او به قول دانید تا
۷ من دانم بقول او
۸ من را او دانم بقول خوب
۹ اگر این مرد سعی بدارد در حفظ انبارها   قول خوب او خلا...
۱۰ من با او خواهم دانست خوشی
۱۱ دانسته شد به بقول خوب گرفتن این نقش دستانه ها
۱۲ زانسان دانسته شد من بخوبی
۱۳ برده   براه انداختن
۱۴ براه انداختن

۷ احوال او بسیار خوب است — لطف شما زیاد

۸ احوال برادران شما چه طور است

۹ احوال ایشان هم خوب است — لطف شما زیا[د]

۱۰ احوال خواهر شما چطور است

۱۱ احوال او بسیار خوب است — ممنونم از شما

۱۲ خانه

۱۳ از وقتیکه

۱۴ احوال شما چطور است از وقتیکه در خارج ساکن هستید

۱۵ احوال ایشان چطور است از وقتیکه دیگر عرق نمی‌خورد

۱۶ ظاهر ساختن / عادت کردن

۱۷ عادت قهوه کرده‌ام

۱۸ عادت آن دارم

۱۹ خوابیده

۲۰ خبر شنیدن

۲۱ خبر شنیده‌اید

۲۲ نشنیده‌ام

۲۳ اراده شده

۲۴ شما اراده کرده‌اید بریدن این درخت کلوفت

۲۵ خاموش — خاموش شده

۲۶ کدام شمادان خاموش کرده‌اید

۲۷ ترسیده — ترس

۲۸ من ترس دارم از اراده این کار

۲۹ قبول شده — رضا داده

۳۰ مادرم راضی کردن این نیست

۳۱ شکوه — شکایت شده

۳۲ نمونه — تقلید کرده

۳۳ او تقلید میکرد افسوس من

۳۴ خدمت شده

۳۵ بجا آورده — راضی ساخته

۲۸ عیب با موهای دراز ا

۲۹ بزها با پاهای آهن ۲

۳۰ عیب با درس گرفتن ۲

۳۱ اوطاق بهار سبز

۳۲ گرمی

۳۳ بسیار گرمی میکنید

۳۴ گرمی که میکرد هم بهی گرد

۳۵ گرمی های که میکرد هم بهی کند ه ارزان کرد

۳۶ خنده ه

۳۷ از چه شما خنده کردید

۳۸

۳۹ از همه ملی خود ۲

۴۰ از همه ملی ش ا

۴۱ خواب خرابه شکستن

۴۲ بازساخته

۴۳ یک قلم

۴۴ بازشناختن

۴۵ بازشناسیده ش

۴۶ من بازشناسم

۴۷ بازشناخته

درس ششم

۱ احوال شما خوب است

۲ احوال من خوب است

۳ احوال من بسیار خوب است

۴ احوال شما چطور است

۵ احوال من بسیار خوب است لطف شما زیاد

۶ احوال برادر شما چه طور است

درس پنجم

۱ سروده گی   غزلیات
۲ او خوشحالی ظاهر مینمود از وصول کاغذ پول خط
۳ او خفگی حال ظاهر مینمود از دیدن خواهر خط
۴ ایشان خفگی ظاهر مینمودند از ضعف خط‌شان
۵ ایشان خفگی ظاهر مینمودند از زیادگی خط‌شان
۶ معیوب شده   معلوم گشته
۷ درستم معیوبش خواهد شد از روانه شدن
۸ خواهرم معیوبش خواهد شد از روانه شدن شما
۹ خواهر شما دانست آنچه در بارهٔ او گفته اند
۱۰ پدر شما دانست آنچه از او گفته اند
۱۱ میدانیم شما آنچه از شما گفته میشود
۱۲ باز   وا شده
۱۳ کدام در وا کرده اید شما   ... بار کرده
۱۴ دم صبح   در دم او فوق آفتاب
۱۵ از صبح زود
۱۶ از صبح زود
۱۷ تکلیف   پیش کش
۱۸ چه سبب بشما پیش کش کرده
۱۹ کشیده   زار کشیده
۲۰ بچه را که بر برهنه بسیار زار کشیده
۲۱ زبان زنی را که حال بر برهنه بگر بسیار درد کشیده
۲۲ اسپ گرد
۲۳ مرد با کلاه سیاه
۲۴ صاحب با کلاه گرد
۲۵ بانو با دست سفید
۲۶ خانم با چشمان خوب
۲۷ دختر با کوچک پایها

۴ خرامی خرم افزا

۵ یک تاریخ فرّیاد وسرنیپ

۶ که ارده

۷ یکشنبهٔ که انشنه

۸ شنبهٔ که انشنه

۹ سال که انشنه

۱۰ ورهنی همان وقت در انهدم

۱۱ همان وقتنکه

۱۲ سپرده

۱۳ وعده که شده

۱۴ ان باد وعده که ایه تا

۱۵ ان باد وعده که ایه تا

۱۶ انان باد وعده که ایه تا

۱۷ انان باد وعده که ان تا

۱۸ ازن شده مرخص که

۱۹ بزبین

۲۰ گرفته

۲۱ باز گرفته

۲۲ فهمیده

۲۳ اراده که درمیان گرفته بزم

۲۴ زنب که انشنه

۲۵ از وقتنکه از هنی که اله

۲۶ چه کرده ایه از سحکان ناحق

۲۷ دیروز

۲۸ اله دیروز چه که ایه تا از دیروز ا
کعریه

۲۴ این بچه الفعر زنده کی کهرلت گرمیں بیلمان دارد

۲۵ د دخسته

۲۶ میبرد زیر شما

۲۷ هم میبه و زیرم

۲۸ کسر شدن بجا ناوردن تمام شدن

۲۹ کمتر رسیده شما از تمام نکردن درس شما

۳۰ کسر میشویه شما

۳۱ هم کسر میشوم

۳۲ تو کر کسر میشویه اکسری از پاک کردن جلهای شما

۳۳ قایم کردن بستن

۳۴ میشنویه شما

۳۵ هم میشنوم

۳۶ کهر

۳۷ چه کهرایه شما

۳۸ هم هیچ نکهرام

۳۹ شما خوب کهرایه مانی ماندن

۴۰ شما به کهرایه برون رفتن

۴۱ تمبنه برا تنها دو خشه داریه شما

۴۲ کدام یکی تمام کهریه شما

۴۳ خوب وقت کهرالت خوب بود کهرالت

۴۴ برق میزنه

۴۵ باد نمی کهرالت

۴۶ چنبه فرساخ کهرایه شما چنبه فرساخ طی کرده

۴۷ چنبه زان کهرایه شما

درس چهارم

۱ نوشته

۲ به پوست

۳ کفشه

۵۴ او نتوانسته و نخواسته کمک کند

درس سیم

۱ بعد از خواندن

۲ بعد از دیدن شما بعد ملاقات دیدن

۳ بعد از بیدار کردن

۴ بعد از با آن مشاهده کردن معلوم کرد

۵ نگاه خواهید داشت شما گرفته خواهید داشت

۶ سر گرفته خواهم داشت

۷ آسوده گی

۸ عمیده گی معقوله گی

۹ نشان کردن

۱۰ نشان کنید این کار باید

۱۱ سر او نشان کردم باید داشت

۱۲ وقتی پول تمام خواهیم رسید به خارج شهر خواهیم رفت

۱۳ وقتی او درس خود را خواهد خواند به خانه خود خواهد رفت

۱۴ ما تمام خواهیم کرد وقتی که اف زنده گی کرده باشیم / بعد از زنده گی بد زمین خواهیم کرد

۱۵ او حاضر خواهد بود وقتی که یک شیشه شراب خواهد خورد

۱۶ شما خوب خواهید کرد

۱۷ شما خوب خواهید کرد اینجا نیایید

۱۸ او خوب خواهد کرد پول خود را نگاه بدارد.

۱۹ او خوب خواهد کرد دستهای خود بشوید

۲۰ ما خوب خواهیم کرد بشویم ایشان خودمان زیر

۲۱ ایشان خوب خواهند کرد رختهای کهنه خود را ...

۲۲ ? حتی

۲۳ انقدر قدر

۲۵ بعد از ظهر

۲۶ بعد که

۲۷ کاغذم رسیده بعد از رسیدن کاغذها

۲۸ دویده

۲۹ دانسته

۳۰ این کار

۳۱ لازم شده

۳۲ یک مایه یک تنخواه

۳۳ یک مایه از پول

۳۴ یک تنخواه (قیمتی) بزرگ گران

۳۵ تنخواه گران از پول

۳۶ ارزیده

۳۷ تا حال

۳۸ چه قدر از روغن ارزیده است تا حال

۳۹ یک مقوس پارچه را

۴۰ یک ریاک پارچه را

۴۱ باور شده

۴۲ یک تاریخ یک حکایت

۴۳ بخاطر جمع بموجب قول

۴۴ یک تاریخ احمق

۴۵ یک کار احمق

۴۶ نتوانسته

۴۷ نتوانسته ایم حسن کتاب ان ها

۴۸ ـم نتوانسته ام حسن آنان

۴۹ خواسته

۵۰ خیاط خواسته است ده تن رخت ها

۵۱ او نخواسته است کردن ان

۵۲ (او نه دانسته و نه دانسته و نه خواسته ان بکند (
او نتوانسته یا ده نخواسته کردن ان

۵۹ خیلی از زنان شناخته داریم ما

۶۰ خیلی از آنان شناخته داریم ما

٣١٩

درس چهارم

۱ بنظر رسیده — برخورده

۲ برخورده اید شما خانمان

۳ من برخورده ام آنان

۴ سخت — قبل از

۵ (مقرر شده) (قرار شده) — قبول شده

۶ قرار گذاشته اید آنچه شما گفته اید — قبول کرده اید

۷ بهم گفتن

۸ من قرار گذاشتم آنچه بهم گفته — من قبول کردم

۹ او قرار گذاشت آنچه ما گفتیم — او قبول کرد

۱۰ انها قبول کردند آنچه را انها گفته اند

۱۰ ما قبول کردیم آنچه با گفته

۱۱ ظاهر شده — معلوم شده

۱۲ او ظاهر شده بسیار ناخوش

۱۳ زنده گی کردن

۱۴ این مرد بزرگ طول وقت زنده گی کرده

زنده گی کنم مرد بزرگ طول نکشیده

۱۵ یک سلطنه — یک پادشاه — یک زن پادشاه

۱۶ سعادت بزرگی

۱۷ پیش دیده

۱۸ بعد — بعد از

۱۹ بعد شما — بعد از شما

۲۰ بعد او را

۲۱ بعد او

۲۲ بعد آنان

۲۳ بعد از نهار

۳۰ ما بسیار پیاله خورده ایم
۳۱ زنان ما بسیار خورده ایم
۳۲ کاغذها رسیده است بشما
۳۳ زنان رسیده است بشما
۳۴ هنوز زنان نرسیده بشما
۳۵ این بانو دیده است اکبر
۳۶ او زنان دیده است
۳۷ این دختر خلیل از لوبیا مهرانست
۳۸ زنان نه دانسته است او
۳۹ از مخدوم دیده باید شما
۴۰ زنان دیده باشیم من
۴۱ زنان ندیده اید شما
۴۲ در کجا زنان دیده بوده اید شما
۴۳ زنان ابدی ندیده ام من
۴۴ خانمان را دیده اید شما
۴۵ زنان دیده اید شما
۴۶ ما زنان ندیده ایم
۴۷ کاغذها بشما رسیده است
۴۸ آنان بشما رسیده است
۴۹ آنان بشما نرسیده است
۵۰ چند زن از مخدوم دیده اید شما
۵۱ چند زنان دیده اید شما
۵۲ چند تن از زنان دیده اید شما
۵۳ چند تن زنان دیده اید شما
۵۴ شناختن
۵۵ ابدی شناخته اید این مخدوم
۵۶ آنان ابدی شناخته اید شما
۵۷ چند از مخدوم شناخته اید شما
۵۸ چند از آنان شناخته اید شما

313 page 4 ...

درس اول برای درجه چهارم

۱ دیده

۲ شما دیده اید کتاب را

۳ دیده اید اورا

۴ ما دیده ایم ان

۵ شما ندیده اید اورا

۶ ما ندیده ایم ان

۷ دیده ام من آن

۸ دیده اید شما ان

۹ ندیده ام من آن

۱۰ ندیده اید شما لکن

۱۱ بسیار دفعه

۱۲ یک دفعه

۱۳ دیده اید شما ساعت مقبول

۱۴ ما دیده ایم ساعت مقبول

۱۵ دیده اید شما آن

۱۶ ما دیده ایم ان

۱۷ ندیده اید شما ان

۱۸ ندیده ام من لکن

۱۹ ندیده ام من لکن   ما ندیده ایم لکن

۲۰ شما ندیده اید لکن

۲۱ که دیده است لکن

۲۲ کسی دیده است لکن

۲۳ کسی ندیده است لکن

۲۴ رسیده   قبول شده

۲۵ دیده اید شما ساعت را که بهم رسیده

۲۶ خوانده

۲۷ خورده   آشامیده

۲۸ شراب خورده اید شما

۲۹ نان خورده اید شما

Persian

(4)[1] Vol. 1 — p. 315 — 372/372

4th Course in part - Lesson 1 to 15

137-276

٥٦ چیست آنکه در فرانسوی میخواهد گفت — چه معنی دارد این در فرانسه

٥٧ چه میخواهد بگوید این کار

٥٨ چه میخواهد بگوید این حرف — چه معنی دارد این مصراع

٥٩ کسی نمیداند آنچه آن میخواهد گفت — هیچ کس معنی آن را نمی فهمد

آخر درس سیم از مرتبه ستم

۲۸ به بازگشت ایشان

۲۹ به بازگشت این بانو

۳۰ مرحمت خواهید داشت از من بشنوید

۳۱ میخواهید که پارچه کوچک از من بخرید

۳۲ باور کردن   اختیار کردن

۳۳ یک ساعت

۳۴ شکستن

۳۵ یک انفیه دان

۳۶ قبول کردن

۳۷ قبول میکنید

۳۸ من قبول میکنم

۳۹ بس

۴۰ از جای

۴۱ در این جای کفایت پیدا

۴۲ در این جای کفایت نیست

۴۳ در این جای نیست

۴۴ یک ارغنون

۴۵ حفظ کردن   فهمیدن   برداشتن

۴۶ بر میدارید شما

۴۷ من بر میدارم   من حفظ میکنم

۴۸ ایشان بر میدارند

۴۹ یک خزینه

۵۰ چه معنی دارد این کلمه

۵۱ چه معنی دارد این

۵۲ این هیچ معنی دارد

۵۳ می دانید شما آنچه این کلمه معنی دارد

۵۴ من نمی دانم آنچه او میخواهد بگوید

۵۵ من نمی دانم آنچه این میخواهد بگوید

درس سیم

۱ گوینده ان

۲ ان گوینده

۳ گوینده ان که ما جنگ خواهیم داشت

۴ ان گوینده که خبر ما مشهود میباشد وان

۵ بادار سنگینه ان   جبال میوه ارزان

۶ بادار سنگینه   جبال سنگینه

۷ جبال سنگینه که بسیار میوه خواهد بود امسال

۸ بادار سنگینه که بسیار خواهد بود امسال

۹ جبال سنگینه که دشت خرم خواهد بود این بهار را تابستان

۱۰ ان جبال سنگینه که امسال بهره ور خواهد بود

۱۱ از چه

۱۲ این محله فقر ندارد از چه نان بخرد

۱۳ واسطه داشتن   جهت داشتن

۱۴ واسطه داریم تا یک رخت تازه خریدن را توانی خریدن رخت تازه داریم تا

۱۵ زان داریم واسطه

۱۶ تا توانائی داریم خریدن زان یک

۱۷ تا یک سوراخ داریم در جوراب خود

۱۸ این مرد سوراخ دارد در جوراب های خود

۱۹ این بانو سوراخ دارد در روپاک خود

۲۰ یک لکه

۲۱ من یک لکه دارم در رخت خود

۲۲ در کلاه شما لکه هست

۲۳ در این جوراب یک واحد لکه نیست

۲۴ مرحمت کردن

۲۵ بازگشت

۲۶ به بازگشت من

۲۷ به بازگشت او

۵۸ که اتشش برون ریختن قلعه‌ها
۵۹ که آتش آنها برون بروند
۶۰ برون کردن
۶۱ برون کردن سگ را
۶۲ او برون کردن
۶۳ داخل کردن غریب را
۶۴ او داخل کردن
۶۵ دیدن که آتشش سرباران
۶۶ که آتشش زنان دیدن
۶۷ سوختن
۶۸ آلوده شدن   تازه کردن
۶۹ خود را آلوده کردن
۷۰ شما خود آلوده میکنه
۷۱ من آلوده میشوم
۷۲ شناختن
۷۳ صاحب پدر شما / پدر شما
۷۴ مادر شما
۷۵ خواهر شما
۷۶ صاحبان برادران شما / برادران شما
۷۷ خواهران شما
۷۸ پدر شما هوای نه الشتن فرانسوی دارد
۷۹ این مرد فقیر هوای نه اشتن خبر دارد
۸۰ او هوای سر آشت از شناختن دوستان خود
۸۱ فهمیدن
۸۲ میفهمید شما
۸۳ من میفهمم
۸۴ نداشتن   نداشتنی ا

۳۰ داشته
۳۱ شما سرما را داشتید
۳۲ ما گرما را داشتیم
۳۳ این نقش خواب میداشت
۳۴ این وحشی ترم میداشت
۳۵ او ترس میداشت
۳۶ این زنان حق میداشتند یا غلط
۳۷ این زن حق و نه غلط نمیداشتند
۳۸ کسی سعی میداشت از سلک من
۳۹ بان سعی میداشتند
۴۰ او سعی این میداشت
۴۱ این با تر وقت توانست داشت به تماشا رفتن
۴۲ او وقت توانست داشت پای رفتن
۴۳ ما در واقعیت میداشتیم در وقت غایب شما
۴۴ در وقت   در وقتی
۴۵ در وقتی دیر
۴۶ در وقتی بهار زمستان
۴۷ در وقتی دو روز
۴۸ گذار
۴۹ ما سرما میداشتیم در هنگامی همه گذار سخن
۵۰ او درد دل میداشت در همه گذاری
۵۱ جستجو کردن
۵۲ دیدن ترک کرد   دیدن کردن گرد
۵۳ او را دیدن کردن
۵۴ شنیدن صوت باز   شنیدن صرور باز
۵۵ ان شنیدن خواهران
۵۶ کجا باید نقش را
۵۷ او را کجا باشید

2 جمعهٔ آینده   یکشنبه
3 دوشنبه
4 دوشنبهٔ آینده
5 سه‌شنبه
6 سه‌شنبهٔ آینده
7 شنیدن
8 چهارشنبه
9 چهارشنبهٔ آینده
10 پنجشنبه
11 پنجشنبهٔ آینده
12 جمعه
13 جمعهٔ آینده
14 شنبه
15 شنبهٔ آینده
16 تا به کی
17 تا چند ساعت
18 خوشوقت   نیک‌بخت
19 من نیک‌بختی باز دید دوستان خود خواهم داشت
20 بار یک دفعه
21 من بخت باری باز دید یکدفعه خواهم داشت
22 کم بختی   کم طالع
23 من کم بختی پس از شما مردن نخواهم داشت
24 بسیار وقت طول
25 من بخت باری پس از شما وقت طول زندگی خواهم داشت
26 چنان طول وقت که
27 من زندگی خواهم کرد چنان طول وقت که شما
28 سعادت
29 من سعادت [illegible] باز دید خود به شما خواهم داشت

۷۲ من خواهش فروختن آن دارم

۷۳ زور قوت

۷۴ تا قوت بردن این صندوق خواهید داشت

۷۵ صبر تحمل

۷۶ این ... صبر شنیدن همه کلمه‌ها خواهید داشت

۷۷ تواضع

۷۸ در صورت تواضع خواهید گوش ... من کرد

۷۹ نیکی مرحمت

۸۰ مرحمت خواهید داشت به یک پیاله کوچک شراب

۸۱ سخاوت

۸۲ این ... سخاوت بازدادن پول من خواهید داشت

۸۳ خوشحالی

۸۴ تا خوشحالی خواهید داشت از دیدن خویشان خود ...

۸۵ احتیاط

۸۶ ... احتیاط خواهید داشت از ... در انبار

۸۷ ابتدا کردن آغاز کردن

۸۸ ابتدا میکنید تا

۸۹ من ابتدا میکنم

۹۰ ابتدا میکنید تا گفتن این که میکرده

۹۱ من آغاز شنیدن گفتگو میکنم

۹۲ باز دیدن

۹۳ کرد تا خوشحالی باز دیدن زوجه خود حاصل خواهید دا...

۹۴ باز می‌بینید تا

۹۵ من باز می‌بینم

۹۶ باز خواهید دید تا

۹۷ من باز خواهم دید

درس هشتاد و نهم

۱ روز جمعه

۴۴ تا بشام

۴۵ تا صبح

۴۶ تا باین روز

۴۷ تا بان وقت

۴۸ تا بامروز

۴۹ تا بان روز

۵۰ خوشی

۵۱ شما خوشی دارید ماندن در اینجا تا فردا

۵۲ من خوشی خواهم بود در انجا ماندن تا فردا

۵۳ غم ملولی

۵۴ غمین میباشید شما از کم کردن پول خود

۵۵ من ملول نخواهم بود از کم کردن ان

۵۶ حق انصاف

۵۷ این مرد حق دارد از اسب شما گرفتن

۵۸ او حق ندارد از گرفتن ان

۵۹ زور حکم اختیار

۶۰ این پادشاه اختیار دارد از کردن این انچه میکند میخواهد

۶۱ او اختیار کردن انچه میخواهد ندارد

۶۲ هر که باشد

۶۳ این پادشاه اختیار بکردن دارد بهر که باشد

۶۴ او اختیار به کردن ندارد هر که باشد

۶۵ زیاده گی

۶۶ زیاده گی ندارید از دانستن این بهتر از من

۶۷ من زیاده گی ندارم از دانستن فرانسوی

۶۸ فهم روح

۶۹ این مرد فهم افروختن اتش ندارد

۷۰ خواهش میل

۷۱ خواهش دارید شما اسب خود فروختن

۱۶ یک باعث — یک واسطه

۱۷ من یک باعث خوب میدانم

۱۸ دراین یک واسطه‌ای باشد باعث اشتباه خوب ...

یک اشتباه خوب باعث ممکن بود

19 داراین باعث مثبت باشد یک

۲۰ یک جهدی دارید تا برای مرحمت این نفعک

۲۱ من یک خوب واسطه‌ای دارم برای خشک کردن کنه ... دارند

۲۲ ترس

۲۳ شما ترس دارید از حرف زدن

۲۴ شرم

۲۵ شرم ندارید از خندیدن برای

۲۶ حق

۲۷ من حق ندارم از گفتن این

۲۸ عدالت

۲۹ این باید بکند برون روش عدالت

۳۰ وقت

۳۱ وقت خواهید داشت شما منتظر بشوید

۳۲ سعی

۳۳ تو کار سعی خواهید داشت از شستن کله بسم

۳۴ احتیاج

۳۵ احتیاج خواهید داشت شما بهما به گفتن

۳۶ جرأت

۳۷ این دربار جرأت خواهید داشت از گردش این د...

۳۸ تا وقت — تا

۳۹ تا فردا

۴۰ تا ظهر

۴۱ تا نیم شب

۴۲ تا یک ساعت

۴۳ تا یک ساعت و نیم

۷۲ زنان یک چیزی دارید
۷۳ زنان یک چیزی دارم
۷۴ من غیر یک چیزی دیگر دارم
۷۵ من باز یک چیزی دارم
۷۶ زنان پیش یک چیزی ندارم
۷۷ یک ناشناس
۷۸ یک زن ناشناس
۷۹ یک شناختگی
۸۰ یک شناختگی دارید شما در این شهر
۸۱ بسیار شناختگی خواهید کرد اینجا
۸۲ من بسیار زنان نخواهم کرد

38 درس سی و هشتم

۱ عذر دادن
۲ اعذر میدهید شما
۳ من عذر میدهم
۴ عذر میدهید شما این بردن رفتن
۵ باو عذر بردن رفتن میدهید شما
۶ عذر بردن رفتنم میدهید شما با سرودمان
۷ بایشان عذر بردن رفتنم میدهید شما
۸ من بایشان عذر بردن رفتنم میدهم
۹ فراموش کردن
۱۰ فراموش میکنید شما تمام کردن زمه خود
۱۱ من فراموش میکنم دایم کفشم جا ...
۱۲ پیش گرفتن
۱۳ پیش میگیرید شما مرحمت کردن این رخت را
۱۴ من پیش میگیرم مرحمت ایشان
۱۵ با یک دم

۴۳ یک صحبت

۴۴ یک صحبت کدن

۴۵ این محلا حالت میبه ازد صحبت کدن

۴۶ مصلحت کدن

۴۷ مصلحت میکنه شما

۴۸ ما مصلحت میکنم

۴۹ ما مصلحت میبایسه شما کدن این

۵۰ ما مصلحت می بنم کدن ان

۵۱ ما مصلحت می بنم با این محلا کدن این

۵۲ ما با و مصلحت می بنم در کدن ان

۵۳ شما مصلحت می دبیه با این محلا بلکی کدن این

۵۴ شما با ان مصلحت میبه بهه او را کنبه

۵۵ ما وعده میبه بیه شما کدن اینلا

۵۶ ما به شما وعده میبه هم کدن ان

۵۷ در همان وقت

۵۸ این محلا مخواهد و حرف بنزنه در همان وقت

۵۹ امدن برای جشن — امدن جشنم

۶۰ شما میایه کتاب خود را بخیه

۶۱ ما میایم انرا بخویم

۶۲ یک دستک

۶۳ بای من

۶۴ یک کیسه

۶۵ یک جفت

۶۶ یک جفت کفش

۶۷ یک جنه کتاب

۶۸ یک کس

۶۹ یک جنه سنگ

۷۰ یک جنبری

۷۱ یک جنه ریاک داریه شما

[illegible]

۱۳ شروع کردن   کار دیگر پیش کردن

۱۴ نخواهیم شما بگویه بچه بیاید اینجا

۱۵ باد میگریه شما آب تازه بیاورد

۱۶ نخواهیم شما بگویه عملیات کر کار بکنید

۱۷ نم خواهیم بگوییم پاکستان سفر بدارید از اسباب حصان

۱۸ چیدن   ۱۹ میچینید ها
          ۲۰ نم نمیچینیم

۲۱ زبیدن

۲۲ خربوزه

۲۳ خواهیم چید ما

۲۴ نم خواهم چید

۲۵ یک انگور

۲۶ یک سیب زمین

۲۷ از سیب زمین

۲۸ اطراف

۲۹ اطراف زمین

۳۰ اطراف میز

۳۱ اطراف آفتاب

۳۲ اطراف ما

۳۳ همه اطراف

۳۴ یک جو

۳۵ بار فلیل

۳۶ سیاحت کردن   صفر کردن

۳۷ سیاحت میکنه ما

۳۸ نم سیاحت میکنم

۳۹ روی زمین

۴۰ روی دریا

۴۱ یک زمین

۴۲ نم میاییم از طرف یک زمین

۴۹ باران
۵۰ وقت هوای باران باریدن هوا ندارد رنگ
۵۱ وقت بخواهد هوای باریدن شکه
۵۲ باران باریدن
۵۳ او هوای خواستن باریدن دارد
۵۴ باریدن
۵۵ او هوای باریدن دارد
۵۶ بریدن خراب کردن
۵۷ خراب میکنید شما
۵۸ من خراب میکنم
۵۹ داشتن
۶۰ هنوز هم سوختنی
۶۱ یک روغن‌چی

۲۷۶ درس بیست و هفتم

۱ وقت میگذرانید شما
۲ من وقت میگذرانم
۳ بازساختن / باز میسازید شما
۴ من باز میسازم
۵ وقتی پول خودتان را خواهید داشت من زیان خواهم داشت
۶ وقتی برادر شما خواهد آمد من بازار خواهم رفت
۷ خواهید مرد شما
۸ من خواهم مرد
۹ دویدن
۱۰ خواهید دوید شما
۱۱ من خواهم دوید
۱۲ وقتی کفشهای تازه خود خواهم داشت من خوا
زودتر و من ده فرسخ راه طی خواهم کرد بیش از

۲۱ ایشان ابدی نخواهند مرد

۲۲ یکجا

۲۳ ما خواهیم رفت بشما در خانه یکجا

۲۴ حرکت کردن

۲۵ حرکت میکنه تا

۲۶ م حرکت میکنیم

۲۷ تا خوب حرکت میکنه بنا برسم ۹

۲۸ بنا بر ا

۲۹ م حرکت خوب میکنیم بنا بر همه دونیا

۳۰ هوای داشتن لرز

۳۱ تا هوای حرکت مهدی داریه

۳۲ این محل هوای احتیاج حجی دارد

۳۳ این حیوان هوای سرمای دارد

۳۴ این نجار هوای بسیار فروشی ندارد

۳۵ این شاگردان هوای شنیدن ندارند انچه میگوییم

۳۶ این خانمان هوای خوش گفتن ندارند از ساز

۳۷ دانستن

۳۸ این شاگرد هوای دانستن درس خود دارد

۳۹ خواستن

۴۰ این ناخوش هوای خواستن شوروا خود ندارد

۴۱ یک شخص که اعتبار میکنه

۴۲ او هوای خوب هوا کردن دارد

۴۳ یک هوای خوب هوا کردن دارد

۴۴ هوای به هوا کردن دارد

۴۵ هوای سرما کردن دارد

۴۶ هوای طبقان کردن دارد

۴۷ یکدفعه هوای عجوب مبدل شدن را دارد

۴۸ دفعه هوای سرما کردن هوا دارد

۴۶۵ جواب دادن

۴۶۶ جواب دادن به این صاحب

۴۶۷ او را جواب دادن

۴۶۸ جواب دادن باین صاحبان

۴۶۹ ایشان را جواب دادن

۵۰ دران جواب دادن ؟

۵۱ جواب کاغذ دادن ا

درس سی و ششم

۱ خوب نوشته

۲ یک کتاب خوب نوشته

۳ کتابهای خوب نوشته

۴ یک میز خوب نوشته

۵ میزهای خوب نوشته

۶ ترسیدن

۷ میترسید شما

۸ من میترسم

۹ کسی خولق خشمناک

۱۰ یک حیوان خشمناک

۱۱ یک گاو ماده خشمناک

۱۲ میخوانید شما

۱۳ من میخوانم

۱۴ ظاهر کردن

۱۵ زحمت

۱۶ من جرئت نمیدارم زحمت را

۱۷ کسی جرئت نمیدارد زحمت را

۱۸ عموی من و مانی خواهند ایشان رفت به شادی خانه

۱۹ ایشان خواهند رفت

۲۰ این بچه کوچک و بابا در ... و با خواهر خود دکتر توانند برد

۱۶ او میاید بچه به یک رباط

۱۷ ما میاییم از شنیدن خبرها

۱۸ چه میاینه شنبه این محصلم

۱۹ ایشان میاینه روانه شهر شغنه

۲۰ ایشان میاینه بیا زار بردینه

۲۱ ایشان میپرسند

۲۲ رعد آغاز سکنه

۲۳ خوردن

۲۴ بریدن

۲۵ مث خاسان

۲۶ از گفته شنیده   شنیدن

۲۷ شنیدن گفتن این

۲۸ شنیدن گفتن آن

۲۹ نه میایم از شنیدن این

۳۰ نه میایم از شنیدن گفته این

۳۱ قبول خواهم نکرد شما

۳۲ نه قبول خواهم کرد

۳۳ بلد خطر کردن   بلد خطر خواهم کرد؟

۳۴ نه بلد خطر خواهم کرد

۳۵ یک روشنائی

۳۶ او روشنائی سکنه

۳۷ آغاز روشنائی سکنه

۳۸ او آغاز یک روشنائی میکنه

۳۹ اگر درد در انگشت شما آغاز کنه بعد شنبه بکلی

۴۰ اگر انگشت شما آغاز درد کنه بعد شنبه او را بجوینه

۴۱ کم کردن

۴۲ زبان

۴۳ زبان فرانسی

۴۴ زبان انگریزی

۲۸ یک شیب

۲۹ یک امرود

۳۰ یک دندان

۳۱ من درد دندان دارم

۳۲

۳۳ یک دیوانه

۳۴

۳۵

۳۶

۳۷ یک جهد یک اتفاقات

۳۸ یک ظهور یک حرکت

درس بیست و پنجم

۱ یک خبر

۲ از خبر

۳ خبر

۴ خبرها

۵ شنیدن خبر

۶ شنیدن خبرها

۷ اگر پولی بهم میرسد

۸ اگر چیزی بموقع میرسد

۹ اگر با قیمت عالی میشنویم

۱۰ اگر باد گرمان وزیدن شروع شود

۱۱ من میایم از

۱۲ بهم میرسد

۱۳ چه کار میاید بکنیم

۱۴ من میایم از دیدن

۱۵ چه میاید بکنیم این محل

درس بیست و چهارم

1 یک مرغ آب
2 مرغ هوا
3 بازگشتن
4 باز میگردید شما
5 من باز میگردم
6 بریدن دل
7 این فعله بریدن دل خود کار میکند — بریدن
8 خدمت کردن
9 خدمت میکنید شما
10 من خدمت میکنم
11 زیر خواهش من
12 زیر خواهش شما
13 زیر خواهش خود
14 زیر خواهش ایشان
15 برای کی
16 یک چکش
17 درد در چشم کردن
18 شما درد در پشت خود میکنید
19 شما دران خود درد میکنید
20 من دران خود درد میکنم
21 من دران خود درد میکنیم
22 این فعله درد میکند در انگشتهای خود
23 دران خود درد میکند
24 او دران خود درد میکند
25 این زنان خود در سینه درد میکنند
26 او دران خود درد میکند
27 یک خریدار

۳۰ نفعت
۳۱ نفعی کردن / نگاه داشتن
۳۲ نگاه بدارید شما
۳۳ م نگاه دارم
۳۴ به تندی
۳۵ دلت منه — چز دار
۳۶ رنگ ها / — زاری عضاب
۳۷ در تنگ بودن — در عضاب بودن
۳۸ مانند مارا
۳۹ زاری کشیدن / — اغم کشیدن / غمناکی
۴۰ غمین بباشید تا
۴۱ م غمگین مباش
۴۲ عامه
۴۳ یک کار عامه
۴۴ از کارهای عامه
۴۵ یک چیز عامه
۴۶ از چیزهای عامه
۴۷ عقلمندی
۴۸ بسیار وارضح — بسیار رنگارا
۴۹ م وارضحزدن هیچ نکرده ام
۵۰ رنگارا دیدن
۵۱ ناخوش او فتادن
۵۲ این ملا خود را نخش مسلکی به حدود شراب خوردن
۵۳ زندگی کردن
۵۴ زنده گی کردن از زبان
۵۵ زنده گی مسلکی ها
۵۶ زنده گی مسلکی
۵۷ کار مسلکی برای زنده گانی

درس پنجاه و سوم

۱ بفرستید بجویید

۲ بفرستید بجویید شراب

۳ بفرستید آن بجویید

۴ بفرستید آنان بجویند

۵ بفرستید آن بجوهر

۶ یک مرد مومن

۷ یک زن مومن

۸ بر کندن   بجا آوردن

۹ این مرد لازمه خود بجا میاورد

۱۰ این زن لازمه خود بجا میاورد

۱۱ یک عمارت

۱۲ بجای از

۱۳ بجای کار کردن

۱۴ این فعله ها بجای کار میخوابند

۱۵ یک سوال

۱۶ یک سوال کردن

۱۷ یک سوال میکنم از این مرد

۱۸ باو یک سوال میکنم شما

۱۹ باو یک آن میکنم شما

۲۰ یک ضرر   (یک کم)

۲۱ یک وعده

۲۲ دفتر

۲۳ جنگ   رزم

۲۴ لایق شدن

۲۵ لایق میباشید شما

۲۶ من لایق میباشم

۲۷ چه منافعه کرده اید از این شما

۲۸ در آن چه نفعی کرده اید شما

۲۹ چه منافعه میبرند در جنگ

۳۴ این زن هیچ نمی‌بافه بسلیقهٔ خود
۳۵ چطور می‌بینه این کاهورا
۳۶ بسلیقهٔ خود می‌بافم
۳۷ این محل هیچ نمی‌بافه بسلیقهٔ خود
۳۸ او می‌بافه بسلیقهٔ خود
۳۹
۴۰ دست میدارید شما بسیار
۴۱ من دست نمی‌دارم
۴۲ کنه اشتش
۴۳ مسکه ارید شما
۴۴ من مسکه ارم
۴۵ از پیش خانهٔ من مسکه اری هر روز
۴۶ من از پیش خانهٔ شما هر صبح مسکه ارم
۴۷ چطور مسکه ارانید وقت در
۴۸ من وقت خود را بنوشتن مسکه ارانم
۴۹ این لقی وقت خود را بباری مسکه ارد
۵۰ یک کله از نهره
۵۱ یک عدد
۵۲ در کدام عدد سکینهٔ شما
۵۳ من در عدد هفده سالنم
۵۴ این صاحب سالکت در عدد هژده
۵۵ میدانید شما در کی سالکت این بالو
۵۶ او سالکت در عدد نزده
۵۷ بیست بچه
۵۸ بیست و یک بچه
۵۹ بلیت و یک دختر
۶۰ یک صباح
۶۱ نقلیه بار خانه
۶۲ به نقلیه به بار خانه

۵ روبروی او
۶ روبروی انها
۷ روبروی انها

۸ عقب
۹ عقب در
۱۰ عقب ما
۱۱ عقب شما
۱۲ روبروی خانه من
۱۳ عقب خانه ما
۱۴ یک سنگین
۱۵ یک کوچه
۱۶ میگوید به انها
۱۷ انها میگویند
۱۸ دوست میدارید انها
۱۹ انها دوست میدارند
۲۰ بازی کردن
۲۱ بازی میکنید شما
۲۲ نه بازی میکنم
۲۳ چراه بازی این محل را میبرد
۲۴ ان او را میبرد امروز
۲۵ بازی میکنیم هر کدام بازی میبرداد
۲۶ بازی میکنه او که ان میبرد
۲۷ بازی میکنند ایشان هر کدام یکدام بازی را میبرد
۲۸ بازی میکنند انها که انان میبرند
۲۹ بهتر میدانیم اینها که حرف نمیدانستیم
۳۰ این شاگردان بهتر میدانند کلمه ها که ما نمیدانیم
۳۱

۳۲ ما اینجا در سفینه خود میپاییم
۳۳ اینجا در سفینه خود می پاییم

۵۲ زیر منت کسی رفتن

۵۳ زیر منت کسی نروید شما

۵۴ من زیر منت کسی نمیروم

۵۵ یک دستی

۵۶ با دستی

۵۷ یک منت

۵۸ منت داشتن

۵۹ منت داشتن بر کدام

۶۰ منت داشتن بر یک کسی

۶۱ منت باو را داشتن

۶۲ منت داشتن بمحرم

۶۳ با ایشان منت داشتن

۶۴ من منت این صاحب دارم

۶۵ من منت او را دارم

۶۶ شما منت این صاحب را دارید

۶۷ شما منت ایشان دارید

۶۸ من منت شما را بسیار دارم

۶۹ من منت شما هیچ ندارم

۷۰ من منت شما را بقدر ذره ندارم

۷۱ یک تنبل یک سوست

۷۲ یک زن سوست

۷۳ یک کشته افغیه

۷۴ مخواهید یک کشتم افغیه

درس پنجاه و دوم

۱ پیش — روبرو

۲ پیش آتش

۳ روبرو

۴ روبروی او را

۲۳ یک شام خوب کردن

۲۴ یک نهار خوب کردن

۲۵ یک جشن خوب کردن

۲۶ یک خوراک

۲۷ یک خوراک خوردن

۲۸ اینشاها داشتن

۲۹ هم اینشاها ندارم

۳۰ هم اینشاهای خوب دارم

۳۱ این صحن خوراک خص مخصوص بدون اینشاها

۳۲ خنده انگیزان کس

۳۳ یک صحن خنده انگیزان

۳۴ ان خنده انگیزان

۳۵ یک زن خنده انگیزان

۳۶ خنده انگیزان ان ان

۳۷ خلق را خنده انگیزان

۳۸ بچه‌ها را خنده انگیزان

۳۹ انان خنده انگیزان

۴۰ خیال کنید که این دختر را یکبر بالا برید

۴۱ ان یکبر بالا برید

۴۲ مجوانه انگیز این شاگرد را

۴۳ انان مجوانم انگیزها

۴۴ این شاگردان را مجوانه انگیزها

۴۵ انان بکار کردن مسئله انگیزیم

۴۶ زدن کوتک دادن

۴۷ منبز بنیزها

۴۸ هم منبزیم

۴۹ به غرور از

۵۰ به غرور پول

۵۱ به غرور کار کردن

۷۰ میپیچید شما

۷۱ من میپیچم

۷۲ یک ریسمان

۷۳ سوزن

درس پنجاه و یکم

۱ روانه میشوید شما

۲ من روانه میشوم

۳ ما روانه میشویم برای عوردیا

۴ من میکنم از رخت من خشک شود

۵ من میخواهم تخت برای نشستن

۶ یک کله قند

۷ نهار کردن — نهار خوردن

۸ نهار کرده شما

۹ نهار میخورم

۱۰ ظهر — نان ظهر خوردن — نهار خوردن

۱۱ نهار میخورید شما

۱۲ من نهار میخورم

۱۳ من نهار میخورم از یک پارچه کباب

۱۴ او نهار میخورد از یک پارچه نان خشک

۱۵ یک خانه طباخ

۱۶ یک خانه طباخ برای دختران

۱۷ یک خانه طباخ برای بچه‌گان

۱۸ یک خانه طباخی داشتن

۱۹ یک خانه طباخی گرفتن

۲۰ شام کردن — شام خوردن

۲۱ شام میخورید شما

۲۲ من شام میخورم

۴۱ ما ایشان خودمان را میشناسیم
۴۲ اینکه سر زبان خود تر میکنم
۴۳ اینکه سر آن خود تر میکنم
۴۴ شما آن خود تر میکنید
۴۵ اینکه سر آن خود تر کنم
۴۶ شما آن شما تر کنید
۴۷ چسبودن   چسبیدن
۴۸ بچسبید شما
۴۹ من چسبیدم
۵۰ من رخت خود میپوشم پیش از بیرون رفتن
۵۱ من پاهای خود میشویم پیش از رخت پوشیدن
۵۲ او ناخنهای خود میآراسته پیش از دستهای خود شستن
۵۳ او نخواهد آمد پیش از داشتن پول خود
۵۴ عرق کردن
۵۵ عرق میکنید شما
۵۶ من عرق میکنم
۵۷ یک مرد بی هنر
۵۸ یک زن بی هنر
۵۹ یک بچه با هنر
۶۰ یک دختر با هنر
۶۱ بهم زدن
۶۲ شما بهم میزنید
۶۳ من بهم میزنم
۶۴ یک زن جوان
۶۵ مالیدن
۶۶ میمالید شما
۶۷ من میمالم
۶۸ زانو
۶۹ پیچیدن

۱۳ خیاط نخواهد رفت مرا بدوزد

۱۴ میانی

۱۵ میانی ایشان را

۱۶ میانی ایشان

۱۷ درمیانی پیاز سبزی هست

۱۸ درمیانی هست

۱۹ یک چوپان

۲۰ زر جوانان

۲۱ تراشش لطان

۲۲ تراشش مسکنه تما

۲۳ سم تراشش مسکنم

۲۴ تما خودرا تراشش مسکنه

۲۵ سم خودرا براشش مسکنم

۲۶ یک عادت

۲۷ تماها خودرا گرم مسکنه

۲۸ تما ان گرم مسکنه تما

۲۹ سم ان گرم مسکنم

۳۰ تما ان گرم نمی کنه

۳۱ سم ان گرم نمی کنم

۳۲ این روی خودرا مشویه

۳۳ اوان مشویه

۳۴ اوان مشویه

۳۵ اوان نمشویه

۳۶ اوآن نمشویه

۳۷ ما ماخونهای خود میتراشیم

۳۸ ما اوان میتراشیم

۳۹ ما اوان خود میتراشیم

۴۰ ما اوان نمی تراشیم

۳۷ برخوردن

۳۸ یک خیابان عمق

۳۹ از خیابان عمق

۴۰ یک خیابان ...

۴۱ از خیابان الفات

۴۲ یک جو

۴۳ از خلق

۴۴ دران چنین خلق ... چون این — احمق

۴۵ دران بسیار خلق ... که آبی آب ... نمی‌خورند

۴۶ برای واسع

۴۷ نه صابون ندارم برای شستن دستمال خود

۴۸ دران خلق ... چنین احمق برای باور کردن این

۴۹ ما ... ... برای خود ... ... کردن

۵۰ او میرود ... ... برای ... ... باو

درس ... ستم

868

۱ چه میخواهید شما که من بکنم

۲ من میخواهم که شما رخت خواب مرا باز ... بزنی

۳ چه میخواهید شما که بچه بکنند

۴ میخواهید شما که ما ... بکنیم

۵ چه میخواهید که بچه‌ها بکنند

۶ کار خود — لازمه — قرض خود

۷ من ... ... دارم که شما ... بکنید

۸ این ... ... دارد که کنیز رخت خواب او را باز ... زند

۹ ما ... ... داریم که او ببازار برود بی پول

۱۰ من ... ... دارم که شما سر را بدارید

۱۱ خواهید خواست شما

۱۲ من خواهم خواست

۷ انجا را گمنار

۸ بکنار جهاز

۹ بکنار این جهاز

۱۰ تعیین عین

۱۱ برمیخورند ایشان

۱۲ ایشان برمیخورند

۱۳ میگیرند ایشان

۱۴ ایشان میگیرند

۱۵ میایند ایشان

۱۶ ایشان میایند

۱۷ بپرسش از

۱۸ بپرسش رفیق

۱۹ خواهم پرسش وار رفیق جهت تا که میاید از [illegible]

۲۰ هم بپرسش وار او خواهم رفت

۲۱ تعلوق دارد ایشان

۲۲ ایشان تعلوق دارند

۲۳ بجا میرسانند ایشان

۲۴ ایشان بجا میرسانند

۲۵ یک طراش

۲۶ اقرار کردند ایشان

۲۷ اقرار میکنند ایشان

۲۸ یک بازیگر

۲۹ یک زن بازیگر

۳۰ یک شرعت دان

۳۱ شروع کردند ایشان

۳۲ ایشان شروع میکنند

۳۳ برمیخوریم شما

۳۴ هم برمیخورم

۳۵ برمیخوارند ایشان

۳۶ ایشان برمیخورند

۴۷ ایشان مجبورند

۴۸ این عرق

۴۹ از عرق

۵۰ از عرق خوب

۵۱ عرق

۵۲ بسان مدرسه

۵۳ ایشان مدرسه

۵۴ با به انها   بدون انها

۵۵ ایشان با به

۵۶ اوردن

۵۷ اوردید شما سلک خود را

۵۸ نه اوردم ان

۵۹ اوردن

۶۰ اوردید شما اسب خود

۶۱ من اوردم ان

۶۲ نیاوردم لقلک خود را لیب

۶۳ غایب بودن

۶۴ غایب من

۶۵ در هیچ غایبت من

درس نوزدهم

۱ بخواهید شما که من بروم

۲ من میخواهم که شما بروید

۳ شما باید خواسته رفت که من نروم ای

۴ نروید باید پیش از انکه او برود

۵ کی میروید شما که این مکتوب میبرونه

۶ من نمی خواهم که او برود هیچ جای

18 چه بجای من

19 بجای شما

20 بجای این محله

21 چندی فلوس

22 چند فلوس دارید شما

23 دارید شما چند فلوس

24 یک کدام

25 یک کدام زن دارید شما

26 یک کدام

27 زن دارد یک کدام

28 باز یک جوی

29 باز یک کدام یک

30 باز چند سنگ

31 باز یک کدام

32 باز چند فلوس از باغ

33 باز یک کدام از باغ

34 من دارم باز یک کدام ریباس از باغ

35 من ندارم هر چند ریباس از باغ

36 باز احتیاج چند سنگ

37 دارید شما احتیاج چند سنگ

38 زن دارید شما باز احتیاج

39 زن دارم نه احتیاج باز

40 زیاده از چند سنگ احتیاج و بر غیبت

41 من ندارم زیاده احتیاج هر چند سنگی

42 من ندارم زیاده احتیاج هر چندی

43 یک لیلکی

44 این معلوم میگوینه که میخواهنه

45 لیلکم که ایشان نمی‌تونند بالا کرف

46 مجبورنه انها

۷۴ از بهترین ساعت که اینها

۷۵ به زودی زودتر

۷۶ زودتر از اینها

۷۷ زودتر که ایشان

۷۸ شما طیاره برای بیرون رفتن

۷۹ من طیارم تا نشستن

۸۰ روانه شدن

۸۱ روانه شدن به بوسطون

۸۲ برمیدارند ایشان

۸۳ ایشان برمیدارند

261 درس هژدهم

۱ بازمیگیرند ایشان

۲ ایشان بازمیگیرند

۳ میفهمید شما

۴ من میفهمم

۵ میفهمند ایشان

۶ ایشان میفهمند

۷ فهمیدن

۸ یک سخن

۹ بازمیگیرید شما

۱۰ من بازمیگیرم

۱۱ بازگرفتن

۱۲ میسپارید شما

۱۳ من میسپارم

۱۴ سپردن

۱۵ یک جای

۱۶ یک جای خوب

۱۷ بجای او

۴۵ از قلعه گذران / شکافتن
۴۶ از قلعه میگذشتا / میشکافتید
۴۷ از این قلعه میگذرم / من میشکافتم
۴۸ دل این مرد را شکافتن
۴۹ دل او را شکافتن
۵۰ دل این زن را شکافتن
۵۱ دل او را شکافتن
۵۲ دل این مرد را شکافتن
۵۳ دل آن زن را شکافتن
۵۴ پاره کردن
۵۵ پاره میکند
۵۶ من پاره میکنم
۵۷ یک اندام
۵۸ از خالص خلقت
۵۹ یک عمر
۶۰ یک عمر پدرم
۶۱ یک عمر بی پدرم
۶۲ دست
۶۳ دست راست
۶۴ دست چپ
۶۵ خواهید بود شما
۶۶ من خواهم بود
۶۷ ما خواهیم بود
۶۸ او نخواهد بود
۶۹ او نخواهد بود
۷۰ از بهترین ساعت که ما
۷۱ از بهترین ساعت که او را
۷۲ از بهترین ساعت که او
۷۳ از بهترین ساعت ایشان

١٦ بطرف او

١٧ بطرف خانهٔ من

١٨ بطرف خانهٔ او

١٩ بطرف خانهٔ اونها

٢٠ بطرف خانهٔ او

٢١ بطرف خانهٔ اونها

٢٢ در یک طرف

٢٣ در طرف خانه ها

٢٤ خارج بیرون

٢٥ بیرون از باغ

٢٦ بیرون

٢٧ حالا بیرون انبار نگذاشته ها

٢٨ من آنها را بیرون میگذارم

٢٩ یک چراه

٣٠ میروید بازو آن مجله را ببرید

٣١ میروید آن او ببرید

٣٢ میروند ببرند زبان آن زن

٣٣ میروند ببرند آن اورا

٣٤ میخواهند ببرید موهای این نقش

٣٥ من نمیتونم آنرا ببرید

٣٦ میروید ببرید موهای این نقش

٣٧ من میروم ببرم آنهای ایشان را

٣٨ بزور گرفتش

٣٩ بزور میبرید ها

٤٠ من بزور میگیرم

٤١ یک قلم

٤٢ در مجوب ماهن

٤٣ مجوب میکنید ها

٤٤ من مجوب میکنم

۵۵ دیوار دراز

۵۶ هم درازی دیوار

۵۷ رود اب

۵۸ برود اب

۵۹ میتوانند ایشان

۶۰ ایشان میتوانند

۶۱ رودخانه

۶۲ درازی رودخانه

۶۳ یک سنگ

۶۴ درانی سنگ ها هست درکنار اب رود

۶۵ دریا

۶۶ رودخانه دریا

251 درس هفتم

۱ یک کوراز

۲ از کوراز نمکین

۳ یک کوراز کوچک

۴ بوخاری

۵ به طرف

۶ بطرف این اسیاب

۷ بطرف اسیاب

۸ بطرف درخت

۹ بطرف درختان

۱۰ بطرف من

۱۱ بطرف شما

۱۲ بطرف ما

۱۳ بطرف او

۱۴ بطرف او

۱۵ بطرف انها

۲۶ شیشه

۲۷ چندین شراب میارزد شیشه

۲۸ یک لیوان ... من

۲۹ یک من نان چهار پول به میارزد

۳۰ یک من

۳۱ یک من از نان

۳۲

۳۳ یک کیتال از قهوه

۳۴ ناقار

۳۵ چنه میارزد یک ناقار گندم

۳۶ یکگز

۳۷ یک گز از ابریشم

۳۸ گز

۳۹ این پارچه گزه ریال میارزد ۵

۴۰ این پارچه ۱

۴۱ بخواهید شما

۴۲ من میخواهم

۴۳ این شما به خواهید کند

۴۴ این به شما به خواهد کند

۴۵ نخود به کنن

۴۶ شما نخود به میکنید

۴۷ من نخود به میکنم

۴۸ او نخود به میکند

۴۹ او خود به میکند

۵۰ میکنند ایشان

۵۱ ایشان میکنند

۵۲ میخواهند ایشان

۵۳ ایشان میخواهند

۵۴ دراز

۳۹ ما بومسکینیم

درس شانزدهم

۱ دریهم مسکنه ایشان
۲ ایشان دریهم مسکنه
۳ نیومسکنه ایشان
۴ ایشان نیومیسکنه
۵ میخواهید شما که سعی بدارم از اسب شما
۶ من نمی خواهم که شما سعی بن بدارید
۷ ما میخواهیم که عمی سعی از انبار ربدارد
۸ این ها نو میخواهد که ما سعی از کربی او بداریم
۹ او میخواهد که زکاران زان سعی بدارند
۱۰ پشیخه مت
۱۱ این پشیخه مت میخواهد بخوابد
۱۲ پیش که
۱۳ شما نخواهید داشت پول خود را پیش از داشتن ها
۱۴ من نخواهم داشت ها پیش از انکه شما بدارید خود
۱۵ ما ببازار نخواهیم رفت پیش از انکه شما پول خود
۱۶ او نخواهد امد پیش از انکه ما شراب خود را بداریم
۱۷ من خواهم داشت پول خود پیش از انکه شما بدارید
۱۸ خواهم داشت پول من پیش از انکه شما ها خود را
۱۹ ارزیدن
۲۰ نخسته این اسب توانه ارزید
۲۱ او توانه ارزید با نظر ریال
۲۲ میبار زید شما
۲۳ میبار زم من
۲۴ نخسته میبار زدایش
۲۵ این هیچ نمی ارزد

۱۰ میکنند ایشان
۱۱ ایشان میکنند
۱۲ چه کار میکنند این مخدوم
۱۳ چه میکنند ایشان
۱۴ قلبها قلبهان
۱۵ یک الدچ
۱۶ الدچ گرفتن
۱۷ این مخدوم هم علاج میکند
۱۸ این الدچ هم خوب میکند
۱۹ بارها سخن درد میکند
۲۰ خواهند کرد ایشان
۲۱ ایشان خواهند کرد
۲۲
۲۳ شانزده
۲۴ میروند ایشان
۲۵ ایشان میروند
۲۶ کجا میروند این بانوها
۲۷ کجا میروند ایشان
۲۸ خواهند رفت ایشان
۲۹ ایشان خواهند رفت
۳۰ این دستانها به شما خوب خواهد آمد
۳۱ یک پوشانی
۳۲ درهم میکند شما ۹
۳۳ من درهم میکنم ۵
۳۴ ما درهم میکنیم ۶
۳۵ درهم کردن ۱
۳۶ باز کردن بنو کردن
۳۷ بنو میکنید شما
۳۸ بنو میکنم من

۴۹ اونهارا   اینهارا
۵۰ برادران اینهارا
۵۱ خواهران اینهارا
۵۲ ایشان   مال ایشان
۵۳ مال ایشان
۵۴ مالیهای ایشان
۵۵ از ایشان را   از مال اینها را
۵۶ از مال اینها را
۵۷ خواهند داشت اونها
۵۸ اونها خواهند داشت
۵۹ اونها خواهند داشت
۶۰ این محلوم احتیاج خواهند داشت از تفنگها
۶۱ از اینها
۶۲ ایشان احتیاج خواهند داشت از اونهارا
۶۳ همه زنان
۶۴ همه زنان ترسس دارند
۶۵ همه زنان احتیاج دارند از نان
۶۶ همه دختران چشمان تیره دارند

درس یازدهم

۱ یک پهلو
۲ یک پهلوی گوسفند
۳ از پهلوی گوسفند
۴ رورسار   نمونه
۵ خوب نمونه داشتن
۶ به مُوده داشتن
۷ یک قبقاق
۸ این قبقاق خوب نمونه دارد
۹ یک کاهو   کاهو

۲۰ در بهترین وقت جای خوابه داشت از دیروز

۲۱ پیش

۲۲ پیش از ظهر

۲۳ پیش از نیم شب

۲۴ پیش

۲۵ او نخواهد آمد پیش از ظهر

۲۶ ظهر و یک چاریک

۲۷ ظهر کم از یک چاریک

۲۸ باشند   داشته باشند

۲۹ ایشان   اونها

۳۰ ایشان دارند

۳۱ دارند ایشان

۳۲ دارند اونها ایشان را

۳۳ اونها دارند

۳۴ ایشان گرسنه اند

۳۵ ایشان گرسنه اند

۳۶ ترس دارند ایشان

۳۷ شرم دارند اونها

۳۸ دارند زان ایشان

۳۹ زان دارند ایشان

۴۰ زانها دارند ایشان

۴۱ زانها دارند ایشان

۴۲ ان دارند ایسان

۴۳ ان دارند ایشان

۴۴ این مخدوم نان دارند

۴۵ این زنان گوشت دارند

۴۶ اونها را   ایشان را

۴۷ نان ایشان را

۴۸ گوشت ایشان را

۴۵ نگاه میکنید شما
۴۶ هم نگاه میکنم
۴۷ نگاه کردن
۴۸ دماغ چاق داشتن
۴۹ احوال بد داشتن
۵۰ شما دماغ چاق دارید — درست مباشید
۵۱ دماغ هم چاق است
۵۲ این نفر احوال بد دارد

درس چهاردهم

۱ بابا او داشت دران
۲ او بابه دران داشت
۳ بابه در این شالی داشت این شام
۴ بابه دران بوبک
۵ خارج شهر
۶ زود وقت — صبح زود
۷ در چه ساعت
۸ چای داشتن
۹ شادی را چای خواهد داشت
۱۰ بابه ان چای داشت
۱۱ فردا چای خواهد داشت ان
۱۲ شادی چای دارد این شام
۱۳ نوازشات
۱۴ به ظهر
۱۵ به بعد از ظهر
۱۶ به نیم شب
۱۷ به بعد از نیم شب
۱۸ از بهترین ساعت
۱۹ شادی در بهترین ساعت چای خواهد داشت امروز از ظ

۱۵ برای دیدن آمدن

۱۶ برای نوشتن آمدن

۱۷ که خواهد آمد تا به بیند مرا

۱۸

۱۹ یک نوکار　　صرف کار

۲۰ یک کیسه

۲۱ یک کیسه

۲۲ یک کیسه پر از پول

۲۳ در آن بسیار وقت است

۲۴ در آن بسیار وقت میباشد

۲۵ در آن یک سال هست

۲۶ دران یک سال است

۲۷ از آن بسیار وقت است که شما این کتاب را دارید

۲۸ از آن بسیار وقت میباشد که او را دارم من

۲۹ از آن بسیار وقت است که حضرت شما این اسب را دار[ید]

۳۰ از آن یک سال میباشد که او را دارد

۳۱ از آن یک سال هست که ما این خدمتکار را دا[ریم]

۳۲ از آن یک سال بیش است که ما او را داریم

۳۳ از آن شش ماه است که شما فرانسوی یاد میگیرید

۳۴ از آن سه ماه تمام نیست که من او را یاد میگیرم

۳۵ چند وقت

۳۶ چند وقت است دران

۳۷ چند وقت هست که شما فرانسوی یاد میگیرید

۳۸ چند وقت است از آن که خواهر شما این رخت را

۳۹ چند وقت هست از آن که این بانو ساکن منزل یک

۴۰ یک نیم ساعت

۴۱ یک چاریک ساعت

۴۲ یک ساعت و نیم

۴۳ درهمی　　همی　　در آن　　آن

۴۴ یک دقیقه

۴۰ سخنی سخوات منهان
۴۱ از چشم امناکه‌ا خاران
۴۲ زراعت گران
۴۳ صنعت گران‌ا علم داران
۴۴ ز هیچ کدام ز هیچ یک
۴۵ نمی شناسم هیچ کدام مرد
۴۶ من نمی شناسم هیچ یک زن
۴۷ هیچ کدام مرد نمی آید اینجا
۴۸ هیچ کدام زن نمی آید اینجا
۴۹ پیش هیچ کدام مرد نمی رود بچه‌ها
۵۰ پیش هیچ کدام زن نمی رود بچه‌ها
۵۱ یک درست

درس سیزدهم

۱ آمدن برای جستن
۲ تا آمده به پول خود را بجوید
۳ آمد برای جستن آن
۴ دیگر بیا به برای جستن کلید
۵ آمد او برای جستن آن
۶ خواهر ما خواهد آمد برای جستن شیشه خود
۷ خواهد آمد برای جستن آن
۸ او خواهد آمد برای جستن آن
۹ زن خواهد آمد برای جستن شیشه
۱۰ آنها خواهند آمد برای جستن
۱۱ او خواهد آمد برای جستن آنها
۱۲ میا به او برای جستن آن
۱۳ او میا به برای جستن آن
۱۴ میا به او برای جستن آن

۱۲ چه چیزی باید رسید

۱۳ هیچ چیز نباید رسید   نخواهد رسید

۱۴ میدانید شما آنچه باید رسید

۱۵ یک کم چیزی باید رسید مگر برادر شما

۱۶ یک کم چیزی او باید رسید   خواهد رسید

۱۷ خواهید داشت شما

۱۸ من خواهم داشت.

۱۹ چه   که   یک   کدام یک

۲۰ یک کم چیز.   یک کدام

۲۱ یک بلد

۲۲ یک آدم

۲۳ / قدری پول /

۲۴ یک کم چیزی باید رسید

۲۵ قدری پول دارید شما پیش خود

۲۶ پیش منید شما

۲۷ من پیش منم

۲۸ عاقل   مدرک

۲۹ این مرد هوای مدرک دارد.

۳۰ این زن هوای مدرک دارد

۳۱ این مرد هوای سنگینی دارد

۳۲ این زن هوای بزرگی دارد.

۳۳ این زن هوای مدرک دارد

۳۴ این دختر هوای غریب دارد.

۳۵ این کنیز هوای تنبل دارد   ضد سوست

۳۶ این دختر هوای زشت دارد

۳۷ هوای دلبر دارد این دختر

۳۸ دلبر   دلپذیر

۳۹ / سخاوت مندان /   هنرمندان

۳۷ به ایشان نهارا

۳۸ به مارا

۳۹ / برو خوب / خوب رفتن

۴۰ بد رفتن   خوب نرفتن

۴۱ این رخت هم خوب میرود

۴۲ خوب میرویم / این درهم هم خوب میاید

۴۳ این کولاه خوب میاید باین بتو

۴۴ باد خوب میاید این

۴۵ این خوب خواهد رفت به دست شما

۴۶ این باد خوب خواهد رفت

۴۷ چنین این کولاه بمن میاید   ۵۴ مینماید

۴۸ چنین باد میرود این

۴۹ این رخت بمن بهتر میاید که از شما

۵۰ این رخت بهتر میاید بخواهر شما که از خواهر من

۵۱ یک لچک   ۵۸ کلاه زنانه

درس سیزدهم

۱ رسیدن

۲ میرسید شما

۳ رسیدیم ما

۴ یک جای خواهد رفت شما   باید رفت

۵ من یک جای خواهم رفت   باید رفت

۶ من هیچ جای نخواهم رفت

۷ پدر شما زودی باید آمد   باید رسید

۸ او فردا باید آمد   باید رسید

۹ کاغذ اینجا باید آمد   باید رسید

۱۰ هیچ چیز باید رسید

۱۱ کاغذ اینجا باید رسید

۸ این نتوانند قبول این صاحبان شد   این های صاحبان دس

۹ این نتوانند قبول ایشان شد

۱۰ سر برهنه

۱۱ برو سر برهنه

۱۲ پا برهنه

۱۳ برو پا برهنه

۱۴ انجو بزرگردن ا   امتحان کردن

۱۵ امتحان بکن

۱۶ هم امتحان میکنم

۱۷ از مقراسها

۱۸ از میزها

۱۹ از شماها

۲۰ از ماها

۲۱ از ایشانها

۲۲ از ماها

۲۳ از کدام مقراسها

۲۴ از کدامین

۲۵ از کدامین شیشه‌ها

۲۶ از کدامین

۲۷ از میزها

۲۸ از ایشانها را

۲۹ از ماها را

۳۰ از شماها را

۳۱ به شماها

۳۲ به میزها

۳۳ به ایشانها را

۳۴ به ماها

۳۵ به میزها

۳۶ به شماها

۴۸ ظرف شراب چپ

۴۹

۵۰ قفسها

۵۱ یک لگد

۵۲ یکلیب
۵۳ گاو تازی
۵۴ اباها

۵۵ جهازها

۵۶ چاقوها

۵۷ پرده‌ها

۵۸ گلوله‌های خوب

۵۹ اسبان تو

۶۰ چشمان

۶۱ سر درد چشمان دارم

۶۲ زانوها

۶۳ سر زانوهای باد کرده دارم

۶۴ این محله ظاهر میشود باد کرده است

۶۵ تا چنان باد کرده ظاهر میشود

۶۶ شلغمها

235

درس پانزدهم

۱ (اشتجر کردن)

۲ (من اشتجر میکنم)

۳ (اشتجر کردن)

۴ (تکلیف) یک پیش کش

۵ شرط کردن باهم ساختن قرار کردن

۶ این تواند قبول این صاحب شود ۵۵ این دست میبه یا...

۷ این نتواند قبول آن شد این باد دست نخواهد دا...

۲۰ انغور از یک که از دیگران
۲۱ انغور از درختان که از زبان
۲۲ انغور از یک که از دگران
۲۳ یک کوله
۲۴ بسیار
۲۵ بسیار کوله ها
۲۶ بسیار کوله های غنیه
۲۷ پاره شده
۲۸ یک رخت پاره شده
۲۹ از رخت پاره شده
۳۰ یک پیراهن پاره شده
۳۱ پیراهنهای پاره شده
۳۲ شکسته
۳۳ یک شیشه شکسته
۳۴ یک شیشه از شکسته
۳۵ من بسیار پیراهنهای پاره شده دارم
۳۶ من بسیار پیراهنهای پاره شده دارم
۳۷ هشت دران رومالهای آلوده در سندوق
۳۸ هشت رومالهای آلوده دران
۳۹ یک مرد زخمی
۴۰ یک مرد از زخمی
۴۱ یک جراه
۴۲ از گوشت سوخته
۴۳ یک مرد از گشنه
۴۴ گولدها
۴۵ کاردها
۴۶ مرغان
۴۷ پاره ها

۱۷ ما از بهترین میگوییم

۲۷ احتیاج دارد او نکر از بهترین قسمتها

۳۷ او احتیاج از بهترین دارد   meme terme

۴۷ احتیاج دارید تا از بهترین شما انها

۷۷ من از بهترین احتیاج دارم

۸۷ شما احتیاج بهترین شما انها دارید

۹۷ من از بهترینش احتیاج دارم

231

درس دهم

۱ خطر   بلد   اسب

۲ اسپ است یکی در این ماندن

۳ خطری نیست در اینجا ماندن را

۴ بار بار   بار چه بار

۵ ترس است فروختنی بوعده / با اعتبار فروختنی ترس

۶ در این ترس نمی باشد

۷ در این بهی نیست

۸ تواند او داشتن دران

۹ او تواند داشت دران

۱۱ او نمی تواند داشتن دران

۱۱ یک زن واحد

۱۲ براههای هم آلوده

۱۳ بپوشید این رخت هم کهنه

۱۴ بپوشید تا این رخت هم آلوده

۱۵ بپوشید تا این رخت هم پاره / کهنه

۱۶ بپوشید تا این رخت هم آلوده

۱۷ چرا میکه ارید تا این در را هم واز

۱۸ چرا برید ارید تا این براهن هم آلوده

۱۹ الغرض محروم کر اسمان

۴۳ آن دارید شما
۴۴ از خوب اسبان
۴۵ دارید شما از خوب اسبان
۴۶ آن دارید از خوب
۴۷ ندارم من از خوب
۴۸ احتیاج دارید تو از اسبان
۴۹ من زان احتیاج دارم
۵۰ احتیاج دارید شما از بهترین اسبان
۵۱ من زان از بهترین احتیاج دارم
۵۲ این عیب احتیاج دارد مگر از دیگر اسبان
۵۳ او زان دارد احتیاج از دیگر
۵۴ احتیاج از اسبان دارید شما
۵۵ احتیاج دارید تو از بهترین اسبان
۵۶ من احتیاج دارم از بهترین
۵۷ احتیاج دارید شما از دیگر اسبان
۵۸ من از بهترین احتیاج دارم
۵۹ (احتیاج دارید تو از اسبان دیگر) بزبان بگوئید شما
۶۰ من بگویم از زبان
۶۱ من از زبان حرف میزنم
۶۲ حرف از زبان میزنید شما
۶۳ من حرف از زبان میزنم
۶۴ من حرف از زبان میزنم
۶۵ شما از زبان مقبوله حرف میزنید
۶۶ من حرف از زبان مقبوله میزنم
۶۷ من حرف از زبان مقبول میزنم
۶۸ شما حرف از مقبول زبان میزنید
۶۹ من حرف از مقبول زبان میزنم
۷۰ من حرف از مقبول زبان میزنم

١٥ با نها آن مبه بهمه تا

١٧ انها ان

١٨ با نها مبه بهیه تا از گرد

١٨ با نها آن مبه بهیه تا

١٩ ان انها

٢٠ با نها مبه بهیه تا کتابها

٢١ ان با نها مبه بهیه تا

٢٢

٢٣ کارها

٢۴

٢۵ حرفها

٢۶ جهت ها

٢٧ این نوشته

٢٨ بنوشته

٢٩ به

٣٠ بمردوم

٣١ به زنان

٣٢ یک دیگران

٣٣ بیک بدیگران

٣۴ از یک از دیگران

٣۵ یک دیگران

٣۶ بیک بدیگران

٣٧ از یک از دیگران

٣٨ از

٣٩ از اسپان

۴٠ از مردوم

۴١ از زنان

۴٢ ازآن بها دار بدتا

٥٧ آنها که

٥٨ کلمه‌ای از زبان را که شما دوست می‌دارید

٥٩ آنهایی

٦٠ آنهایی

٦١ هم کلماتم آنهاکه دوست می‌دارم ا

٦٢ بردن

٦٣ خاموش کردن

٦٤ وقتی   حینی

٦٥ وقت یک ساعت

٦٦ وقت نیم ساعت

٦٧ گوش کردن

٦٨ گفتن   حرف زدن

درس نهم

١ گذاشتن

٢ موها

٣ این جیبوا آنها

٤ این سردران

٥ میخواهید تو سعی کرد از این دستان

٦ سعی داشتن

٧ آنها   ها آنان   آنان

٨ با آنها میخواهید شما

٩ بر با آنها می‌نویسیم به حرف می‌زنیم

١٠ ها آنها

١١ با آنها میدهید شما کتاب را

١٢ آن با آنها میدهید شما

١٣ ها آنها

١٤ با آنها میدهید شما چنگلرا

21A

۲۸ وقتی که

۲۹ مخواهید تا گرفت اسب من وقتی که من مخواهم

۳۰ جستیدن

۳۱ خریدن

۳۲ چوال‌های آسیابان

۳۳ چوالهای آسیابانان

۳۴ اینها

۳۵ این چوالها ه سیب ها

۳۶ آن چوالها

۳۷ این سیب ها

۳۸ اینها

۳۹ اینها

۴۰ آنها

۴۱ مخرید تا این چوالها یا آن چوالها

۴۲ من نمی خرم نه این چوالها و نه آن چوالها

۴۳ این زنها

۴۴ مخواهید تا این زنها یا آن زنها ؟

۴۵ آن زنها ،

۴۶ اینها

۴۷ اینها

۴۸ آنها

۴۹ من نمی خواهم نه اینها و نه آنها

۵۰ این ظرفها

۵۱ این جنگلها

۵۲ که از اینهان

۵۳ بلکه از آنها تا

۵۴ من که از آنم

۵۵ اینها که

۵۶ بلکه از آن تا اینها که تا دست بردارید

درس هشتم

1 مادر زن من

2 خواهر زن من

3 برو بجوی

4 برو بجوی نان

5 برو بجوران

6 برو بجوی میخها را

7 برو بجوی انها

8 برو بجوی از نان

9 برو بجوی ران

10 برو بجوی یک کتاب

11 برو بجوی ران یکجا

12 صورت روخسار

13 دوست داشتن

14 شکایت کردن

15 شما میروید نزد پسر بدوستان خود

16 من میخواهم بایشان نوشت

17 من میخواهم کار خود را کردن

18 من میخواهم بیرون رفتن الان

19 شما میروید بجوید پول خود را

20 میروید اینرا بجوید

21 میروید بجوید اینرا

22 من میخواهم بجویم اینرا

23 خواهم رفت جوست مادر خود

24 من خواهم رفت جوست اورا

25 من خواهم رفت او بجوست

26 گرفتن

27 گرفته داشتن

۴۵ مال شماها

۴۶ مال کیان

۴۷ مال انهارا

۴۸ مال ماها

۴۹ مال من

۵۰ مال انها

۵۱ تو میتوانیه اینرا کردن

۵۲ من میتوانم آنرا کردن

۵۳ این خادمه میتوانه لکه خودرا تمام کردن

۵۴ او نمیتوانه اینرا تمام کردن

۵۵ ما نمیتوانیم یاد گرفت همه این

۵۶ کدام

۵۷ کدام محرم

۵۸ کدام الکه امین ا

۵۹ چه کتابها میخوانید شما

۶۰ کدامین را شما دوست میدارید بیشتر

۶۱ نوشتن

۶۲ فرستادن

۶۳ کدامین

۶۴ کدامین زنها

۶۵ کدامین

۶۶ کدامین شما دانها تمامش کرده شما

۶۷ کدامین روشن میکنید شما

۶۸ اینهاست برادران من

۶۹ اینها هست خواهران من

۷۰ اینهاست

۷۱ پیراهنهای تازه ۹

۷۲ پیراهن تازه ا

١٧ اینها

١٨ این کلیدها

١٩ ش کلیدهای خود در خانه گذاشتید

٢٠ انها ابی

٢١ انها درای گذاشتیه ش

٢٢ من درای میگذارم

٢٣

٢٤

٢٥ ماها ج

٢٦ همه بچها 3

٢٧ دوستان ما ا

٢٨ همه شامها ج

٢٩ همه روزها ا

٣٠ همه هفتها

٣١ همه سالها

٣٢ هر ٥ روز

٣٣ هر پانزده روز

٣٤ در حال الحال

٣٥ پاک کردن

٣٦ پاک میکنه ش

٣٧ من پاک کردم

٣٨ همه هفتها

٣٩ همه شبها

٤٠ همه ساعتها

٤١ همه دقیقاها

٤٢ دقیقه

٤٣ نیم ساعت

٤٤ همه سه ساعت

۶۴ این ها خوش پاپهای سرد دارد

۶۵ شما بازوهای دراز دارید

۶۶ این سگ سر بزرگ دارد

۶۷ این طفل دستهای سفید دارد

۶۸ شما دستهای پاک ندارید

۶۹ درست

۷۰ بالا

۷۱ به بالا

۷۲ بهتر

۷۳ پایین

۷۴ به پایین

درس هفتم

۱ شما چهارده فرسخ خواهید رفت فردا

۲ دوست میدارید شما نخله سبز

۳ من بسیار دوست میدارم نخله سبز

۴ من اورا بسیار دوست میدارم

۵ من اورا بسیار دوست نمیدارم

۶ از

۷ از پدرم

۸ از دوستان

۹ شما بهتر سپه از سربازها

۱۰ دورد

۱۱ شما شماها

۱۲ پانزده

۱۳ بچه های شما

۱۴ امراها /

۱۵ کتابهای کهنه

۱۶ کلید

۳۵ شما زنها را دارید

۳۶ من آنها را ندارم مگر

۳۷ شما آنها را ندارید

۳۸ همه مردوم

۳۹ همه زنان

۴۰ دارید شما همه شهرها

۴۱ شما آنها همه را دارید

۴۲ من آنها همه را دارم

۴۳ دارم من مگر همه شمادانها

۴۴ دارم مگر آنها همه

۴۵ شما دارید آنها همه را

۴۶ شما ندارید آنها همه را

۴۷ من آنها همه را ندارم

۴۸ کتابهای کوچک

۴۹ شمادانهای کوچک

۵۰ درختان بزرگ

۵۱ میزهای بزرگ

۵۲ جورابهای کهنه

۵۳ دماغهای بزرگ

۵۴ فرشهای بهرنگ

۵۵ لحافهای کلفت

۵۶ به اتاقها

۵۷ پر زنها

۵۸ کلفت شمادانها

۵۹ گلهای بهرنگ

۶۰ ریشهای کلفت

۶۱ به درختها

۶۲ به دریاها

۶۳ این مرد انگشت آلوده دارد

6 من ندارم یک سال ؟

7 او هفت سال دارد

8 او هشت سال ندارد

9 نه هم

10 این بچه کوچک هم هشت سال ندارد

11 این بچه کوچک هم نه سال ندارد

12 یک نو مولود

13 این نومولود یک هفته دارد

14 بیش از یک آدم

15 بیش از یک زن

16 کم از هفت زن

17 کم از هشت

18 بیش از نه

19 یک ساعت

20 یک دایه

21 این دایه ده روز دارد

22 این دایه ندارد دیگر پانزده روز

23 این نایه مولود ندارد دیگر چهارده ساعت

24 او ندارد هنوز سیزده ساعت

25

26 مردوم

27 زنان

28 شما دارید کتابها

29 آنها

30 انها دارید شما

31 من انها دارم

32 شما انهارا ندارید

33 من انهارا ندارم

34 انها دارم من

۲۵ تا آنجا زیاده سه فرسخ نیست

۲۶ یک فرسخ و نیم

۲۷ نیم فرسخ

۲۸ قریب

۲۹ یک چارک فرسخ

۳۰ سه چارک فرسخ

۳۱ یک فرسخ و سه چارک

۳۲ دور

۳۳ بسیار دور

۳۴ بیشتر دور

۳۵ چهار فرسخ

۳۶ پنج فرسخ

۳۷ یک قدم

۳۸ یک قدم بکنید ه بگذارید

۳۹ نه یک قدم کدام

۴۰ یک طاعت

۴۱ یک طاعت دراز

۴۲ یک قصیر طاعت

۴۳ شما یک دراز طاعت میکنید

۴۴ من باید یک دراز طاعت بکنم

۴۵ شش فرسخ

۴۶ افتادن

[illegible] درس ششم

۱ چه سن دارید شما

۲ من یک ساعت دارم

۳ یک سال

۴ من یک سال ندارم

۵ چه سال دارد این آقا

۵۸ رخت بر میکنید شما

۵۹ من رخت بر می کنم

۶۰ یک کار

221 درس پنجم

۱ به شما رسید

۲ من رسید

۳ رخت بدل میکنید شما

۴ آن بدل میکنید شما

۵ من رخت بدل میکنم

۶ او سرکه خود بدل میکند

۷ ما انبار خود را بدل میکنیم

۸ این بابو میخواهد هوای خود بدل بکند

۹ یک جا

۱۰ من وقت نمیدارم بدل کردن جا برا

۱۱ اینجا یک فرسخ میشود

۱۲ اینجا یک فرسخ است

۱۳ زینجا یک فرسخ میشود الی اسباب

۱۴ یک فرسخ است از اینجا الی اسباب

۱۵ یک فرسخ است از اینجا تا اسباب

۱۶ نزدیک

۱۷ نزدیک یک فرسخ

۱۸ نزدیک یک فرسخ

۱۹ چند فرسخ

۲۰ چند فرسخ میباشد از اینجا تا بخانه شما

۲۱ بچه داری بچه طفاعت

۲۲ بچه داری است آن

۲۳ بچه داری میباشد از اینجا خانه شما

۲۴ تا اینجا دو فرسخ میباشد

۲۹ او خود را گرم می‌کند مگر
۳۰ او خود را گرم می‌کند
۳۱ خواهر شما خود را گرم میکند مگر
۳۲ او خود را گرم میکند
۳۳ او خود را گرم می‌کند
۳۴ او خود را گرم نمی‌کند
۳۵ ما
۳۶ ما خودمان را گرم میکنیم
۳۷ ما خودمان را گرم میکنیم
۳۸ ما خودمان را گرم می‌کنیم
۳۹ ما خودمان را گرم نمی‌کنیم
۴۰ آینه
۴۱ مبسوراینه شما
۴۲ من مبسورانم
۴۳ می‌خواهید شما دیدن دست خود را
۴۴ می‌خواهید شما دیدن او را
۴۵ من می‌خواهم او را دید
۴۶ من نمی‌خواهم او را دید
۴۷ این بانو می‌خواهد دیدن رخت خود را
۴۸ یک گل
۴۹ رسیدن
۵۰ قبول کردن
۵۱ یک فلوس بیش
۵۲ یک فلوس زیاده
۵۳ یک فلوس کم
۵۴ رخت پوشیدن
۵۵ من رخت می‌پوشم
۵۶ رخت برکندن
۵۷ من رخت می‌کنم

درس چهارم

۱ قلب — false

۲ یک ریال قلب — counterfeit dollar

۳ یک زن قلب — [illegible] woman

۴ یک پول — a coin

۵ یک پول خارجه — a foreign coin

۶ از پول قلب — counterfeit (money)

۷ از پول — change (money)

۸ دارید شما از پول — have you any change

۹ پول یک ریال — the change of a dollar

۱۰ بدل کردن — to change

۱۱ بدل میکنید شما

۱۲ من بدل میکنم

۱۳ دست میدهید به شما

۱۴ دست میدهیم

۱۵ این ماهوت دست میدهد این خیاط

۱۶ با او دست میدهد او

۱۷ ان با او دست میدهد

۱۸ این نقشه این مال

۱۹ گرم میکنید شما

۲۰ من گرم میکنم

۲۱ شما

۲۲ شما گرم میشوید

۲۳ شما خود گرم میکنید

۲۴ شما خود را گرم نمیکنید کرد

۲۵ شما خود را گرم نمیکنید

۲۶ برادر شما خود را گرم میکند ۲۶ این

۲۷ او خود را گرم میکند

۵۶ بخدمت شما

۵۷ این است آنچه من دارم برای خدمت شما

۵۸ قبول میکنید شما

۵۹ من قبول میکنم

۶۰ این است کسیکه من منتظرم

۶۱ این است آنکه شما منتظر میباشید

۶۲ این است با او که من مرغوب دارم

۶۳ این است آنکه شما دوست میدارید

۶۴ این است اسب کهمن احتیاج دارم

۶۵ این است آن چه شما احتیاج دارید

۶۶ این است کسیکه من مینوشتم اکثر اوقات

۶۷ این است آن کسیکه من مینوشتم حین اکثر

۶۸ این است زن کسیکه ما مینویسیم

۶۹ این است او کسیکه ما حرف میزنیم گاهی

۷۰ تعلق دارید شما

۷۱ من تعلق دارم

۷۲ روی کدام

۷۳ روی کدام یک

۷۴ این است درخت روی کدام یک مرغ نشسته

۷۵ این است میز روی کدام من کتاب را گذاشتم

۷۶ زیر کدام

۷۷ زیر کدام یک

۷۸ این است درخت زیر کدام من که گذاشتم اسب خو

۷۹ این است مرد زیر کدام هست از قوم

۸۰ از خوش حالی به حال خوش

۸۱ من خواهم کرد بخوش حالی

۸۲ من به شما تکلیف میکنم این حال خوش

۸۳ بیرون آمدن

۲۸ مخواهید شما بار از زمان

۲۹ زان بار شما نخواهید

۳۰ نه بسیار   نه بار بسیار

۳۱ من نمی‌خواهم پیش از زمان

۳۲ من زمان پیش نمی‌خواهم

۳۳ سالیم   چاق

۳۴ این محله هوای سالیم دارد

۳۵ این زن هوای سالیم دارد

۳۶ این

۳۷ این لت

۳۸ این لت تفنگ شما

۳۹ آن این

۴۰ این لت شادون

۴۱ آن این لت

۴۲ زان این

۴۳ ما اینیم

۴۴ این لت از گوشت 2

۴۵ این منم

۴۶ این شاید

۴۷ این اوست

۴۸ او اوست

۴۹ میشناسید شما که این لت

۵۰ میشناسید آنرا که این لت

۵۱ میشناسید شما زن را که این لت

۵۲ میشناسید شما این که این لت

۵۳ این لت الجز من نمیخواهم

۵۴ این لت الجز سر راست میدارم

۵۵ این لت الجز شما به میکنید

درس سیم

۱ نه — کور
۲ این شخص کور عقل ندارد
۳ شما ندارید کور جرئت
۴ شما زان ندارید کور
۵ یک شخص ساده لوح
۶ یک زن ساده لوح
۷ یک شخص بچه
۸ یک زن بچه
۹ ناخن
۱۰ یک ناخن
۱۱ غلیظ
۱۲ شما پوست غلیظ دارید
۱۳ ریش
۱۴ شما ریش غلیظ دارید
۱۵ وقت بوقت　　گاه گاهی
۱۶ سینه
۱۷ این شخص درد سینه دارد
۱۸ سینه اورا درد میکند
۱۹ یک سردی
۲۰ یک سردی سینه
۲۱ مغز
۲۲ یک سردی مغز
۲۳ من سردی مغز دارم
۲۴ او سردی سینه دارد.
۲۵ اقسه میکند
۲۶ من اقسه میکنم
۲۷ بسیار　　بیش از حد

۲۸ طلاش میکنید شما

۲۹ من طلاش میکنم

۳۰ طلاش میکنید شما فرنگسی یاد گرفتن

۳۱ من طلاش میکنم یاد گرفتن فرنگسی را

۳۲ این شاگرد

۳۳ یافتن

۳۴ نزدیک

۳۵ نزدیک به رخت

۳۶ نزدیک بالش

۳۷ نزدیک چشمه

۳۸ نزدیک شما نزد شما

۳۹ نزد من

۴۰ نزد او

۴۱ نزد او

۴۲ نزد ما

۴۳ نزدیک از خانه من

۴۴ نزدیک از خانه شما

۴۵ نزدیک از خانه ما

۴۶ نزدیک از خانه او

۴۷ نزد یک از خانه او

۴۸ نزد که

۴۹ نزدیک از خانه که

۵۰ یک خاره سنگ خاره

۵۱ به دستور اینه

۵۲ تمام کردن

۵۳ تمام میکنید شما

۵۴ من تمام میکنم

۵۵ قرض دادن

درس ۵م

۱ زندگی عمر روزی

۲ این بچه بهت ماورد دیگر روزی ۵ ا

۳ بهت آوردن ۵

۴ این بچه روزی ۵ بهت میاورد بساختن کوکلات ۶

۵ این بچه بهت نیاورد روزی ۵ ۲

۶ فیکر کردن

۷ فیکر روشن باد رد به داریدنا

۸ فروختن

۹ (میشناسیدتان) رازی میشویدتا

۱۰ من رازی میشوم

۱۱ رازی میشویدتا باین

۱۲ - من دران رازی میباشم

۱۳ همه خوب همه از خوب

۱۴ رازی میشوید تا بمن فروختن کتان شورا

۱۵ من رازی میباشم بتا فروختن کتان بمد

۱۶ ماندن

۱۷ بسیار مقبول

۱۸ بسیار مقبول

۱۹ بسیار زیبا

۲۰ بسیار مقبول

۲۱ کم مقبول

۲۲ کم مقبول

۲۳ رازی میشوید تا قبول اسب بهترین را

۲۴ من رازی میشوم قبول کم به را

۲۵ باز دادن

۲۶ یک بوز

۲۷ باک نفیشه

۲۷ دیدن

۲۹ طبیات اصل

۳۰ کردن

۳۱ دوست ندار به تنها کار چه کردن

۳۲ یک کار خوب کردن

۳۳ تا یک کار خوب بکنه

۳۴ همه کس دوست ندار یک کار خوب کردن

۳۵ چه کار دارید شما

۳۶ من هیچ کار ندارم

۳۷ بردارن

۳۸ گفتن

۳۹ چه هم میدهید برای گفتن

۴۰ چه چیزی هم میدهید برای گفتن

۴۱ خوردن اشتها بدن

۴۲ چه چیزی خوردید هم میدهید شما

۴۳ از شراب تشنیا نه

۴۴ از شراب تشنا نه

۴۵ صاف

۴۶ از آب صاف

۴۷ از شراب صاف

۴۸ رفتن

۴۹ به عشق خانه پاک

۵۰ پاک کردن آموختن

۵۱ یاد گرفتید شما نان پختن

۵۲ یاد میگیرم من آن گفتن

۵۳ نوشتن

۵۴ خواندن

۵۵ این بچه ابن نقل

۵۶ این بچه رنجور

درس اول از مرتبهٔ سوم

۱ بیایید تا
۲ هم بیاییم
۳ همه
۴ همه آرد
۵ همه پشم
۶ همه روزه و
۷ روزه ا
۸ صبح گاهی
۹ همه صبحگاهی
۱۰ همه شب
۱۱ شام   وقت شام
۱۲ همه وقت شام
۱۳ هفته
۱۴ همه هفته
۱۵ سال
۱۶ همه سال
۱۷ داشتن
۱۸ تا دیدن آفتاب را دوست میداریم یا خوش داریم
۱۹ هم دوست میداریم دیدن آن
۲۰ حق ما
۲۱ همه   هر
۲۲ همه آدم
۲۳ همه زن
۲۴ همه آدم دوست میدارد داشتن حق خود
۲۵ همه زن دوست میدارد هوای مقبول داشتن
۲۶ مقبولی   زیبایی   حسن
۲۷ خوابیدن

Persian

3

Vol. p 195 – 312/313

3^e Course – Lesson 1 à 30

97-167

2

۲۲ شما هنوز بسیار هیزم احتیاج دارید

۲۳ من بیشتر احتیاج ندارم مگر قدری

۲۴ من ازان زیاده احتیاج ندارم جز قدری

۲۵ ابریشم

۲۶ یک مرامت

۲۷ یک در

۲۸ واز میکنید شما

۲۹ من واز میکنم

۳۰ من می بندم

۳۱ شما می بندید

۳۲ واکنید شما چشم راست خود

۳۳ من می بندم چشم چپ

۳۴ شما دهن خود می بندید وقت خوابیدن

۳۵ شما دهن خود چندی باز میکنید وقتیکه حرف میزنید

۳۶ پنجره

۳۷ بگذارید شما

۳۸ من میگذارم

۳۹ چشم باز

۴۰ پنجره واز

۴۱ انبار بسته

۴۲ در بسته

آخر درس از مرتبه دوم

۴۹ جشنی بسته به شما این ساز   حسن می‌باید
۵۰ بسیار اعلامی یابیم
۵۱ درد سر
۵۲ درد سر داریه شما
۵۳ من درد سر دارم
۵۴ درد سر

درس سیم

۱ یک کار
۲ کار میکنیه شما
۳ من کار میکنم
۴ این بناح
۵
۶ چه قدر پول داره او باز
۷ چه قدر نان داره باز
۸ باز شما احتیاج پول داریه
۹ نان باز احتیاج داریه شما
۱۰ باز شما احتیاج داریه یک میخ
۱۱ نان داریه باز احتیاج
۱۲ نان نداریه بیش احتیاج یکدیگر
۱۳ من نان زیاده از یک احتیاج ندارم
۱۴ شما زیاده از آرد خوب احتیاج نداریه
۱۵ نان زیاده احتیاج نداریه شما از خوب
۱۶ من باز احتیاج دارم از خوب
۱۷ من دیگر احتیاج ندارم از خوب
۱۸ از جنبه کمباج باز احتیاج داریه شما
۱۹ از جنبه‌ی نان احتیاج داریه شما باز
۲۰ من نان احتیاج دارم هنوز یک لبت پر
۲۱ من نان احتیاج ندارم زیاده از یک لبت پر

۲۰ شما زیاده پول دارید
۲۱ او زیاده اعتبار ندارد
۲۲ ما زیاده کاغذ داریم
۲۳ من زبان پشتو ندارم
۲۴ من زبان زیاده نخواهم
۲۵ او ندارد زیاده
۲۶ این بانو بیمار می‌نماید
۲۷ او چنین می‌نماید
۲۸ او می‌نماید
۲۹ مشغول نه مشغولی
۳۰ این بانو مشغول می‌نماید
۳۱ او می‌نماید چنین
۳۲ بیش از یک
۳۳ بیش از یک
۳۴ من ندارم بیش از یک فلوس
۳۵ من ندارم بیش از یک ریال
۳۶ من ندارم بیش از یک
۳۷ شما ندارید بیش از یک
۳۸ یک شادان
۳۹ یک از شادان
۴۰ از روشنائی
۴۱ خاموش میکنه تا
۴۲ من خاموش میکنم
۴۳ تا جو
۴۴ از گوشت
۴۵ از ابریشم
۴۶ از نداره   از ساز
۴۷ شما اکثر اوقات ساز میزنید
۴۸ ما اکثر اوقات میزنیم

۵۲ شما از من خنده میکنید

۵۳ چرا از او خنده میکنید شما

۵۴ این زن از شما خنده میکند

۵۵ شما دایم از او خنده میکنید

۵۶ شما دایم خنده میکنید از آنچه من میگویم

۵۷ وقتی خنده میکنند غصه ندارند

۵۸ از چه خنده میکنید شما

۵۹ از هیچ خنده میکنم من

درس بیست و نهم

۱ باز از نان

۲ باز از آرد

۳ بار

۴ باز از نان خوب

۵ باز از آرد خوب

۶ باز یک کتاب

۷ باز یک کورده ریال

۸ باز بسیار

۹ باز یک کم

۱۰ باز بس

۱۱ من دارم باز

۱۲ من دارم باز از خوب

۱۳ من دارم باز از خوب

۱۴ من دارم باز یکی

۱۵ من دارم باز یکی

۱۶ من دارم باز بس

۱۷ من دارم باز یک کم

۱۸ نه بیش نه زیاده

۱۹ من ندارم بیش نان

۲۳ بد بون مباش بچه
۲۴ من باو بد بویم
۲۵ یک فلوس
۲۶ یک کورد ۵ ریال
۲۷ یک لکه
۲۸ خوب کار
۲۹ این بچه هم خوب کاری نماید
۳۰ خوب کار
۳۱ این زن هم خوب کاری نماید
۳۲ باد میکنه
۳۳ باد نمی کنه
۳۴ دومان میکنه
۳۵ دومان نمی کنه
۳۶ افتاب میکنه
۳۷ افتاب نمی کنه
۳۸ طلفان می کنه
۳۹ طلقان نمی کنه
۴۰ رعده میکنه
۴۱ رعده نمی کنه
۴۲ رعده نمی کنه
۴۳ بسیار رعده میکنه
۴۴ گریه میکنه تا
۴۵ من گریه میکنم
۴۶ این بچه زیادی گریه میکنه
۴۷ خنده میکنه تا
۴۸ من خنده میکنم محبته م
۴۹ خنده میکنه تا ذراین
۵۰ زان خنده میکنه تا
۵۱ زان خنده میکنم من

۷۱ تو چشم سیه داری چشمی زود قال

۷۲ این خانم پوست نرم دارد چشمی آبریشم

۷۳ یک تنور

۷۴ یک سنگ

186 درس هشت و هشتم

۱ یک چشمه

۲ هر

۳ هر آدم

۴ هر زن

۵ یک دختار

۶ تمام   اماده

۷ خواهد داشت شما دفتر خود را تمام   ۵۴ بهرست

۸ خواهم داشت من اوطاق خود را تمام

۹ هر یک

۱۰ هر یک خواهد داشت تفنگ خود را آماده

۱۱ هر یک خواهد داشت درس خود را تمام

۱۲ خواهید آمد شما

۱۳ من خواهم آمد

۱۴ نوبت شما

۱۵ به نوبت من

۱۶ به نوبت شما

۱۷ به نوبت خود

۱۸ به نوبت ما

۱۹ به نوبت حرمت شما

۲۰ یک رخت   ۵۵ پرستانی

۲۱ مربوط بشما

۲۲ من بدون شکسم

٤٣ دماغ من مثل دماغ شماست

٤٤ دست شما مثل دست منست

٤٥ این خانم چشم دارد چشم این خانمه

٤٦ این بانو انگشتر دارد مثل انگشتر این خانمه

٤٧ از آرد

٤٨ از آرد خشک

٤٩ پوست

٥٠ پوست خشک

٥١ این بیمار پوست خشک دارد

٥٢ سفید

٥٣ پوست سفید

٥٤ این صاحب پوست سفید ندارد چشم این خانمه

٥٥ ندارد او مگر چشمش سفید که او

٥٦ او شبنم سفید ندارد مگر که او

٥٧ او کم سفید دارد

٥٨ چشم

٥٩ شما خبر بکنید از من چشم من از شما خبر بگیرم

٦٠ یعقوب بیرون بره شما

٦١ من یعقوب میروم

٦٢ یک عیب

٦٣ یک مخلد حت

٦٤ سر

٦٥ این مرد سر بزرگ دارد

٦٦ او سر بزرگ دارد چشم ما شما

٦٧ او شکمش بزرگ دارد چشم شما

٦٨ چشم مثل

٦٩ شما سر بزرگ دارید چون یک

٧٠ این مرد دماغ چشمش دراز دارد چون چوب سر

١٥ چنین عجیب بار که من

١٦ چنین عجیب که من

١٧ در اینجا هست یک ریگ و یک ساعت مشهور که این

١٨ در اینجا چنین ساعت مشهور هست که بود

١٩ هست در امریکا یک زن دیگر که این

٢٠ در اینجا هست یک چنین خوب که این

٢١ از کتان

٢٢ هست یک چنین مقبول و چنین خوب کتان که در ارلند

٢٣ نیست در این چنین مقبول و چنین خوب

٢٤ نیست در آن نه چنین مقبول و نه چنین خوب

٢٥ از بهترین ماهوت

٢٦ از بهترین کاغذ

٢٧ یک اسب بزرگتر

٢٨ یک زن بسیار زیبا

٢٩ یک اسب کم بزرگ

٣٠ یک دختر کم زیبا

٣١ از آب

٣٢ از آب خوب

٣٣ از آب تازه

٣٤ اید مجبور به شما از آب تازه تر از این

٣٥ این خانواده دارد یک دست مقبول

٣٦ این خانواده دارد یک دست مقبول چنین که من

٣٧ او دارد چنان خوب

٣٨ جیب

٣٩ من یک اسب دارم جیب های شما

٤٠ شما دارید یک جیب های من

٤١ شما دارید یک مثل های من

٤٢ من دارم یک با جیب مثل های شما

۲۶ خانمه   خانم کوچک

۲۷ خانمه می‌خواهند یک کوچک پیاله شراب

۲۸ خانم من ممنون میباشم از شما

۲۹ خانمه من درشعوب ام از شما و شما را دوست میدارم

۳۰ خانمه من از شما درشعوب و شما را دوست میدارم

۳۱ یک کله تنبل

۳۲ یک کله سرتو

۳۳ یک سرباز ترسناک

۳۴ یک بچه بازیگر

۳۵ یک زن تنبل

۳۶ یک خانم سرتو

۳۷ یک کنیز ترسناک

۳۸ یک دختره بازیگر

درس بیست و هفتم

۱ چنین خوب شراب

۲ چنین شراب خوب

۳ که

۴ چنان خوب شراب که این

۵ از شراب خوب چنان که این

۶ شما دارید چنان خوب چادر که این   ۵۱ ماهوت

۷ دارید شما چنان خوب ماهوت که این

۸ دارم من چنین خوب

۹ ندارم من یک چنین خوب اطاق که آن شما

۱۰ ندارم من زن چنین خوب که آن شما

۱۱ جای دیگر

۱۲ چنین سعادت منه کرد

۱۳ چنین مقبول کرد

۱۴ چنین دولت منه که شما

۵۶ در این کرانیزالت رنه که

۵۷ در این حنین کران نیست رنه که

178 درس بیست ششم

۱ یک درس

۲ درس

۳ این درس طولانی

۴ آسان

۵ یک درس آسان

۶ مشکل دشوار

۷ یک درس مشکل

۸ یک دهقان

۹ یک اوطاق

۱۰ یک اوطاق مقبل

۱۱ خوب بکنید شما

۱۲ خوب بکنید شما این کار

۱۳ با او خوب بکنید شما

۱۴ شما با او خوب نمی کنید

۱۵ بهتر بکنید شما

۱۶ برای چه بهتر نمیکنید شما این زن

۱۷ من با او بهتر میکنم برای آنکه او بتر من میکند

۱۸ با بی اندیشه

۱۹ با خوبیس

۲۰ غلط میکنید شما

۲۱ شما غلط میکنید این کار

۲۲ من با و غلط میکنم

۲۳ من با و غلط نمیکنم

۲۴ خانم

۲۵ خانم میخواهم شما یک پارچه از گوشت گاو

۲۷ ماه تاب است

۲۸ ماه

۲۹ ماه تاب

۳۰ فردا شام

۳۱ روز

۳۲ روز است

۳۳ شب

۳۴ شب است

۳۵ صبح زود   خوش وقت

۳۶ آسمان

۳۷ یک ابر

۳۸ این هوای بد مرا ناخوش میکند

۳۹ این هوای نمناک حلق را ملول میکند

۴۰ راه خشک است   راه خوب است

۴۱ راه بد است

۴۲ بهتر راه است

۴۳ سنگفرش است

۴۴ یخ بسته است

۴۵

۴۶

۴۷ خوب برای صحت میکند

۴۸ خوب زنه گیست در نوی پارک

۴۹ زندگی خوب است در نوی پارک

۵۰ درانجا بهتر زنه گی است که از پاریس

۵۱ درانجا بهترین زندگی است

۵۲ گران است زنه گی در لندن

۵۳ درانجا گران بیاش زنه گی

۵۴ اینجا نیز خیلی گران است زنه گی چنانکه در پاریس

۵۵ درانجا نیز گران است زنه گی

درس بیست و پنجم

۱ چه هوا ایسکه

۲ چه هوا خواهد کرد فردا

۳ خوب هوا خواهد کرد

۴ خوب هوا میکند

۵ خوب هوا میکند

۶ بد هوا میکند

۷ بد هوائی کند

۸ یک هوای خوش خواهد کرد دیگر

۹ هوای خوب خرم می کند

۱۰ یک هوای ناخوش میکند

۱۱ یک هوای ناخوش می کند

۱۲ بسیار بد هوا میکند

۱۳ گرم میکند هوا

۱۴ این زمستان سردی خواهد کرد

۱۵ وقت نهار

۱۶ او فتاد بر شما

۱۷ من اوفتادم

۱۸ وقت نهار ما فتاد دیگر وقت نشده

۱۹ بالا میروید شما — خروج میکنید شما — ۱

۲۰ من بالا میروم

۲۱ سرما میکند — هوا سرد است

۲۲ هوا صاف است

۲۳ هوا خوشک است

۲۴ تاریک است

۲۵ یک انبار تاریک

۲۶ یک میخانه تاریک

۱۱ در فرانکستان

۱۲ فرانکستان

۱۳ در اسپانی

۱۴ در اطالیا

۱۵ در لمسه

۱۶ در روسیه

۱۷ در پروسیا

۱۸ در ترکستان

۱۹ در یونان زمین

۲۰ در پورطوغال

۲۱ در سویس

۲۲ در خولند

۲۳ در بلجیک

۲۴ در دانمرک

۲۵ در سویدا

۲۶ اطالیا بفرانسه نزدیک است ... همسرحد است

۲۷ فرانسه همسرحد اسپانیول است

۲۸ سوید متصل دانمرک است

۲۹ روسیه همسرحد است با پروس

۳۰ در ارلند

۳۱ در انکلز

۳۲ در اوروپا

۳۳ در آسیا

۳۴ در امریک

۳۵ در افریقه

۳۶ ... به اطاعت اوست ... به ملوک مطلقه

۳۷ ... اطاعت او نی ... ملوک مطلقه

۳۸ به نوبت اردبیلی ... او لسانه تو

۳۹ بعضی از به ...

۳۵ میخانه

۳۶ بمیخانه

۳۷ یک کلب

۳۸ بکلب

۳۹ کلب

۴۰ شهر

۴۱ به شهر

۴۲ ده ۵ه صحرا

۴۳ بده ۵ه به صحرا

۴۴ خود می نماید تا

۴۵ من خود را مینمایم

۴۶ این شهر را بشما خوش رقیب می نماید

۴۷ یک شهرای خوش رقیب

۴۸ می شوید را

۴۹ من می شویم

۵۰ میز

۵۱ یک میز

۱۲۱ درس بیست و چهارم

۱ در شهر

۲ در شهر

۳ در انبار

۴ در انبار

۵

۶

۷ یک بیت

۸ در بیت

۹ در انگریزمین ۵ه انگریستان

۱۰ انگریستان

۶ بی زبان

۷ هم درد دارم در زبان

۸ زبان مرا درد میکند

۹ زبان

۱۰ این زن زبان بسیار دراز دارد

۱۱ زبان فرانسوی

۱۲ این دختر بی زبان دارد

۱۳ این دختر کوچک زبان خوب دارد

۱۴ زبان انگلیزی

۱۵ زن بزرگ

۱۶ دهن

۱۷ بی دهن

۱۸ دهن مقبول

۱۹ دهن کوچک

۲۰ دست

۲۱ این بانو دست کوچک دارد

۲۲ دایم

۲۳ شما دایم پیش آن بانو ساکنید

۲۴ من دایم اینجا ساکنم

۲۵ این دختر دایم هوای بدخلقی دارد

۲۶ از برای خواهر او شما

۲۷ من از برای خواهم کرد

۲۸ فردا صبح

۲۹ از شبازخانه

۳۰ باشبازخانه

۳۱ از برای شما

۳۲ از برای من

۳۳ از برای ما

۳۴ از برای او

۲۸ در نا قطس
۲۹ در حاور
۳۰ در پاریس
۳۱ از لندن
۳۲ از نوی یارک
۳۳ از حاور
۳۴ به نوبی اور لیانز
۳۵ از نوبی اور لیانز
۳۶ حاور
۳۷ نوبی اور لیانز
۳۸ مثل این
۳۹ چنین این
۴۰ چنین
۴۱ چنین میکنید
۴۲ من میکنم مثل این
۴۳ من میکنم آنرا مثل این
۴۴ چنین میبایید تا اینرا
۴۵ من اورا درست میدارم بکفاف
۴۶ من اورا زیاده درست میدارم
۴۷ تازه نو
۴۸ تازه کنیز من
۴۹ تازه بهسایه.

۱۶۸ درس بیست و سیم

۱ یک حمام
۲ به حمام
۳ زن رختشور
۴ زبان
۵ به

درس بیست و دوم

۱ دران لت او

۲ او دران لت

۳ او دران نیست

۴ کیست دران

۵ دران چیزی هست

۶ دران هیچ نیست

۷ دران نان هست

۸ دران زان هست

۹ دران نان خوب هست

۱۰ دران هست از خوب

۱۱ دراینجا یک مرد هست

۱۲ دران کی هست

۱۳ دراینجا یک زن هست

۱۴ دران کی هست

۱۵ یک دلاک — موی ساز

۱۶ از صبح

۱۷ دران خواهد بود او

۱۸ او دران خواهد بود

۱۹ یک نهار

۲۰ چاشت

۲۱ یک چاشت

۲۲ قهوه با شیر

۲۳ در پاریس

۲۴ در لندن

۲۵ در مادرید

۲۶ در روم

۲۷ در توی پارک

٨ من خیال میکنم در
٩ در آن خیال میکنه او
١٠ در آن خیال میکنه او
١١ نهار
١٢ از من خیال میکنه شما
١٣ من از شما خیال میکنم
١٤ او خیال میکنه از ما
١٥ ما خیال میکنیم از او
١٦ شما خیال میکنه از او
١٧ شما از هیچ خیال می کنید
١٨ شما از کس خیال می کنید
١٩ من خیال نه دارم بغیر از او
٢٠ من میروم پیش او
٢١ نمی مانید شما
٢٢ میدود بر شما
٢٣ من میدوم
٢٤ شما میدوید با او
٢٥ جان زود
٢٥ جان زود که
٢٦ من باز میایم به شما
٢٨ زن انشباز
٢٩ فردا
٣٠ من از شما بیشتر اعتبار دارم
٣١ شما بیشتر حرف دارید که من ندارم
٣٢ ما بیشتر از او پول داریم
٣٣ این زن بیشتر خیال میکند از آن که نمی گوید
٣٤ او کمتر خلق میشناسه که من می شناسم
٣٥ من بیشتر اعتبار ندارم که شما دارید
٣٦ ما کمتر حرف از او نداریم
٣٧ صبح میکنه شما

۳۵ پیش پای شما
۳۶ پیش پای خود
۳۷ پیش پای ما
۳۸ از
۳۹ از انبار شما
۴۰ از کجا
۴۱ از کجا میایید شما
۴۲ از اینجا
۴۳ از اینجا میایم
۴۴ از اینجا میبینید شما
۴۵ برایید به شما بازایید به ما
۴۶ من بازی ایم
۴۷ از پیش این زن
۴۸ از پیش او با این زن
۴۹ از
۵۰ از انبار
۵۱ از بازار
۵۲ از جای
۵۳ از همان جای
۵۴ از جای دیگر

درس صد و یکم

۱ بردارید شما
۲ من برسید از من
۳ خیال میکنید شما ۵۴ فکر میکنید شما
۴ من خیال میکنم
۵ خیال میکنید شما اینکه میکوید
۶ خیال میکنید شما با من
۷ من زمان خیال میکنم

۵ ا من اورا ساکن میکنم زیر این درخت / ما اورا زیر این درخت نیا

۶

۷ من میخواهم بگذارم این دانه را برود بالا

۹ نگاه دار شما

۱۰ من نگاه میدارم

۱۱ من نگاه میدارم پول خود را

۱۲ یک هندو

۱۳ یک زن هندو

۱۴ یک زن هندوی زنده

۱۵ یک چیز دیگر

۱۶ هیچ چیز دیگر

۱۷ زیاده بیش

۱۸ زیاده از روغن

۱۹ که

۲۰ زیاده از روغن که نان

۲۱ زیاده از یک که از دیگر

۲۲ زیاده از یک که از دیگر

۲۳ کم کمتر

۲۴ کمتر مسافه که ساعت

۲۵ کمتر از یک که از دیگر

۲۶ کمتر از یک که از دیگر

۲۷ خانهٔ من

۲۸ یک نوکر بد زینب

۲۹ یک کنیز بد زینت

۳۰ مال من

۳۱ مال شما

۳۲ مال خود

۳۳ مال ما

۳۴ پیش مال من

۲۲ این لژ که ام من به شما میگویم هوای بسیار غمناک دارد

۲۳ این لژ که ام
۲۴ این لژ که ام من به شما میگویم هوای صاحب دلت ندارد

۲۵

۲۶ بکدام زن

۲۷ بکدام

۲۸ بکدام مرد

۲۹ کدام

۳۰ یک خیاط

۳۱ میبرید شما

۳۲ میبرم

۳۳ چقدر / قدر اینقدر مقدار

۳۴ قدر از نون

۳۵ اینقدر از پول

۳۶ من اینقدر پول دارم که احتیاج بمال شما ندارم

۳۷ من اینقدر دارم که احتیاج شما هیچ کس ندارم

۳۸ شما میشناسید بیوه زن جوان چقدر حرف میزنند

۳۹ خواهید دید شما

۴۰ من خواهم دید

۴۱ نه هیچ

۴۲ من پول هیچ ندارم

۴۳ من هیچ ندارم

۴۴ یک زن دهقان

درس بیستم

۱ مسکن
بنت

۲ شما یک مسکن میجوید

۳ بمسکن

۴ بگذارید شما را در مسکن

۴۵ آنقدر زیاد که از دیگر

۴۶ دارید شما آنقدر احتیاج از این کتاب که از آن

۴۷ شما احتیاج دارید آنقدر زیاد که از دیگر

۴۸ زن رنجور

۴۹ من احتیاج از پول دارم

155 درس پانزدهم

۱ که

۲ شما میشناسید مرد را که من حرف میزنم

۳ این یکی

۴ شما میشناسید آنکه که من می نویسم

۵ این یکی

۶ می بینید شما دختر را که من می ترسم

۷ می بینم آشنا که شما می ترسید

۸ پیش زن

۹ پیش آن او

۱۰ پیش زن که با او

۱۱ پیش آنکه

۱۲ شما ساکنید پیش زن که من می شناسم

۱۳ شما ساکنید پیش آنکه من می شناسم

۱۴ شما ساکنید پیش زنی که چنین خوب میخوانند

۱۵ شما ساکنید پیش آنکه چنین خوب میخواند

۱۶ این یکی

۱۷ بیوه زن یکی شما جواب میدهید به شما گوش نمی کند

۱۸ این یکی می جواب میدهم هم گوش نمی کند

۱۹ این یکی

۲۰ این یکی من جواب میدهم هم گوش نمی کند

۲۱ این که ام

۱۶ بزرگ شکم

۱۷ این بانو شکم بزرگ دارد

۱۸ تا لیم سیله شکم بزرگ خوردن

۱۹ چانه زنخدان

۲۰ شما هوای دارید

۲۱ شما هوای یک سردار دارید

۲۲ نگرس ندارم هوای یک صاحب

۲۳ دست شما را هوای یک قلعه دارد

۲۴ از چه هوا دارید شما / بچه‌ها میبرید

۲۵ شما هوای یک شخص دارید

۲۶ یک

۲۷ این وحشی هوای یک فرنگی سبز دارد

۲۸ او هوای یک سلالهٔ وحشی دارد

۲۹ او هوای یک زن خوب دارد

۳۰ یک شرابی

۳۱ این مرد هوای یک شرابی دارد

۳۲ این زن هوای یک شرابی دارد

۳۳ دارید شما آنقدر شراب خوب که بد

۳۴ من دارم آنقدر از خوب که از بد

۳۵ دارید شما آنقدر شراب خوب که بد

۳۶ من دارم آنقدر از خوب که از بد

۳۷ از آن دارید شما آنقدر ترش که شیرین

۳۸ من ندارم آنقدر از ترش که از شیرین

۳۹ آنقدر که من

۴۰ آنقدر که شما

۴۱ آنقدر که ما

۴۲ آنقدر که او

۴۳ آنقدر که او

۴۴ آنقدر از یک که از دیگر

۲۶ بهتر از او

۲۷ خاهر من   همشیرهٔ من

۲۸ پیش او

۲۹ او   مال او

۳۰ خاهر او

۳۱ مادر او

۳۲ در این طرف

۳۳ بیایید شما

۳۴ من می آیم

۳۵ شما بیایید باین طرف

۳۶ این زن هوای شیرین دارد

۳۷ این دختر چاهی هوای شیرین و خوب دارد

۲۲ درس هشتم

۱ کدام

۲ کدام زن

۳ کدام یکی

۴ مشاهده میکنید شما

۵ من مشاهده میکنم

۶ از کدام زن

۷ از کدام یکی

۸ زن همسایه

۹ آن قدر

۱۰ آنقدر زنان

۱۱ که

۱۲ آنقدر زنان که بگویم

۱۳ دارید شما آنقدر زنان که بگویم

۱۴ من دارم آنقدر

۱۵ من دارم آنقدر از یک که از دیگر

۴۲ این دختر دلبر

۴۳ این مه دلبر / این مه مقبول

درس هفدهم

۱ بیوه زن

۲ این خانم کوچک

۳ آنکه

۴ آنکه شما می‌بینید مریضه هر

۵ آنکه من می‌بینم مریضه

۶ آنکه

۷ آنکه کتاب مرا دارد شما را نیز دارد

۸ آنکه مال شما را دارد مال مرا نیز دارد

۹ آنکه

۱۰ من می‌بینم آنکه شما دوست میدارید ؟

۱۱ شما می‌بینید آنکه من دوست میدارم ؟

۱۲ آنکه

۱۳ شما دوست میدارید آنکه چادر آبی دارد

۱۴ من دوست میدارم آنکه چادر سبز دارد

۱۵ این کدام

۱۶ میشناسید شما این کدام من میگویم

۱۷ من میشناسم این کدام شما میگوید

۱۸ اینجا زیر / پایین

۱۹ زن فرنسیز

۲۰ زن انگلیز

۲۱ این زن ایطالیان

۲۲ این زن امیرکان

۲۳ این زن نمسه

۲۴ میخوانید شما — ص ۵۲ سرودن

۲۵ من میخوانم

۱۴ اینکه

۱۵ میشناسید شما بانو را که من میبینم

۱۶ من میشناسم اینکه شما میبینید

۱۷ این بانو   آن بانو

۱۸ این   آن

۱۹ بانو

۲۰ بانو میگوید شما

۲۱ بانوان

۲۲ انرا بانو میدهد شما

۲۳ این خوب بانو

۲۴ باد

۲۵ باد تکلیف میکنید شما

۲۶ من باد تکلیف میکنم

۲۷ این بانو چاق

۲۸ این دختر

۲۹

۳۰ دختر

۳۱ دختر چاق

۳۲ دختر جاهل

۳۳ دختر فقره

۳۴ این بار زن

۳۵ این دختر ساده نه

۳۶ این چه زن

۳۷ این زن دیگر

۳۸ این زن هوای عکس دارد

۳۹ ضمه / کنیز

۴۰ رودشان میکنید شما

۴۱ من رودشان میکنم

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۴۷ این تو را دردمی دهد در دل

۴۸ این باو درد میدهد در دل

۴۹ پا

۵۰ چه دارد این مرد در پا

۵۱ او درد دارد در پا

۵۲ پا اورا درد میکند

۵۳ یک خال / دکمه (نوقطه)

۵۴ تو یک خال داری در دماغ

۵۵ من یک خال دارم در انگشت

۵۶ من در پای یک خال بزرگ دارم

۵۷

۵۸ من یک دارم در زانو

۵۹ وقت دراز طول وقت

۶۰ اگر شما می نوشتید بسیار وقت تو درد خواهید داشت در بازو

۶۱ اگر ایشان بسیار می نوشتند بازوی آلا درد خواهد کرد

درس شانزدهم

۱ این

۲ این زن

۳ (او را)

۴ میبینید شما او را

۵ او

۶ او گرسنه است

۷ او گرسنه نیست

۸ او است

۹ او است این زن

۱۰ این زن زیبا بانو

۱۱ این خانم

۱۲ این زیبا بانو

۱۳ این

۱۸ ما درد داریم در معده
۱۹ ما درد خواهیم داشت در گردن
۲۰ ما درد خواهیم داشت در پیشانی
۲۱ آنکه بسیار القیا میکنند درد دارند در دماغ
۲۲ بجلو (سمت /
۲۳ من در پهلوی خود درد دارم
۲۴ او درد دارد در پهلوی راست
۲۵ در کدام سمت درد دارد او
۲۶ پهلوی چپ
۲۷ پهلوی من درد میکند
۲۸ پهلوی این بچه درد میکند
۲۹ پهلوی او درد میکند
۳۰ پدر پهلوی او درد میکند
۳۱ پدر پهلوی شما درد میکند
۳۲ کدام طرف شما درد میکند
۳۳ گردن ما درد میکند
۳۴ معده ما درد خواهد کرد
۳۵ چیست که درد میکند باین نقش
۳۶ چیست که به شما درد میکند (چه درد دا
۳۷ دانید شما آنچه درد میکند بمن
۳۸ انگشت بزرگ
۳۹ غوصه
۴۰ من غوصه دارم
۴۱ اگر شما این را میکنید من غوصه خواهم کرد
۴۲ من درد دارم در دل
۴۳ شما بدل درد دارید
۴۴ فغن میکند شما
۴۵ من فغن کردم
۴۶ این درد میبرم به دل من

٥٠ ما به شما یک خدمت میکنیم
٥١ ما به شما خدمت میکنیم
٥٢ شما خدمت میکنید به همه خلق
٥٣ اگر شما این خدمت را بکنید مرا خوشحال میکنید
٥٤ با شافه
٥٥ یک سبب
٥٦ بی سبب
٥٧ بی سبب القاع
٥٨ بدون جزئی سبب القاع
٥٩ من از شما ممنون میباشم برای خدمتی که بمن کردید

درس یازدهم

١ درد دارید شما بپای
٢ اینجا دارید شما درد
٣ من در پای درد دارم
٤ چه دارید شما در پای
٥ من نمیدانم آنچه دارم در پای
٦ من نمیدانم آنچه دارم در پای
٧ این بچه دارد یک درد در سینه
٨ او دارد در پای درد
٩ او ندارد در پای درد
١٠ کی دارید شما درد
١١ دارید شما چه چیزی در چشم
١٢ من ندارم در پای هیچ
١٣ در کدام بازو درد دارید شما
١٤ در کی دارید شما درد
١٥ درد دارید شما در پای
١٦ بازوی راست
١٧ ما درد داریم در دوش

۲۱ به جای

۲۲ به کار

۲۳ به آدم

۲۴

۲۵ به بازار

۲۶ یک خوب بازار   خوش خریه

۲۷ من کردم یک خوش خریه

۲۸ من خواهم کرد یک خوش خریه

۲۹ به خوش خریه

۳۰ من میخواستم به خوش خریه

۳۱ گران

۳۲ شما مجریه بسیار گران

۳۳ درست حجره من صاحب شما مجریه بسیار گران   صاحب حجره من شما

۳۴ درست حجره من شما غلط داریه

۳۵ مسافه

۳۶ به مسافه

۳۷ شما ها خوش حال میکنه

۳۸ شما خوش حال میکنه

۳۹ اگر شما ها یک خوشی حال میکنه من به شما یک دیگر خواهم کرد

۴۰ اگر من سعی کنیم از اسب شما شما را خوش حال خواهم کرد

۴۱ مسافر جودی

۴۲ قبل های جودی

۴۳ به ...

۴۴ شما به میکنه

۴۵ این کار در جای بیهوده بهی میکنه

۴۶ خوب

۴۷ این کار خوب میکنه به وی توقع

۴۸ شما درست نمی‌داریه خوب جنس بهی

۴۹ یک خدمت

٦٠ م گرم کردم اشنه‌ها خود

٦١ اشنه‌ها گرم میکنه در زمستان

٦٢ بسیار

٦٣ نان بسیار

٦٤ بسیار

٦٥ بسیار خوب

٦٦ بسیار گرم

١٣٩ درس چهاردهم

١ یک گردو

٢ یک زواره

٣ در زواره

٤ میرو به تو

٥ ن میروم

٦ برو به تو پیش پدر زن تو

٧ ن بروم

٨ برادرم بزه خواهد رفت

٩ ما خواهیم رفت هم

١٠ سواره (با اسب)

١١ پیاده

١٢ یک صباح یک راه

١٣ تا یک صباح میکه

١٤ خواهر کرو تا یک صباحت

١٥ یک فرسخ

١٦ یک فرسخ میکه تا

١٧ میکنه تو یک فرسخ

١٨ به

١٩ به انبار

٢٠ به باغ

۳۱ بسیار نان — نان بسیار
۳۲ پول بسیار
۳۳ دارید شما شکر بسیار
۳۴ زان دارید شما بسیار
۳۵ دارید شما بسیار هیزوم ازباغ
۳۶ زان دارم من بسیار ازباغ
۳۷ یک تره
۳۸ یک تره شراب — ۵۴ چکه از شراب
۳۹ یک تره پول
۴۰ دارید شما یک قدر روغن
۴۱ دارید شما زان یک قدر
۴۲ کیقایت
۴۳ نمک کاغ
۴۴ طلدی کاغ
۴۵ مخریه شما بود به لکفاف
۴۶ زان مخریه شما به کفاف
۴۷ دارید شما هیزوم کاغ ازباغ
۴۸ این زمستان
۴۹ این تابستان
۵۰ در تابستان
۵۱ در زمستان
۵۲ این پاییز
۵۳ در پاییز
۵۴ در بهار
۵۵ مخواهید شما
۵۶ نه میخواهم
۵۷ در بهار
۵۸ اشنه ها
۵۹ از اشته ها

۲ هیچ از باغ
۳ یک فلوس از باغ
۴ نداره یک فلوس از باغ
۵ داره ازان یک از باغ
۶ نداره ازان که یک از باغ ۱
۷ نداره نه که این باغ ۴
۸ چند پول داره شما از باغ 2
۹ چند زان داره شما از باغ 3
۱۰ بس نه آنچه دارم من از باغ
۱۱ من ندارم که یک پارچه نان از باغ
۱۲ جواب میگوید شما   با میپرسید
۱۳ من جواب میگویم
۱۴ جواب میگوید او
۱۵ با او جواب میگوید شما
۱۶ من با او جواب میگویم
۱۷ جواب میگوید شما به نوشته او   ۵۲   پاسخ می نویسید به نوشته او
۱۸ اگر جواب میگوید شما
۱۹ من اگر جواب میگویم
۲۰ با او آن
۲۱ با او آن تکلیف میکنید
۲۲ من با او تکلیف میکنم
۲۳ با او آن وعده میدهید شما
۲۴ من با او آن وعده میدهم
۲۵ با او آن میدهید شما یک
۲۶ با او آن میدهید شما یک چوب
۲۷ با او آن قرص میدهید شما یک دیگر
۲۸ جواب میگوید شما   ۵۳   قبول نمیکنید شما
۲۹ من جواب میگویم   ۵۴   من قبول نمیکنم
۳۰ بسیار

18 درست تو باور میکنه مگر
19 او باور میکرد
20 او باور ابدی نمیکرد
21 باور میکردیم ما
22 ما باور میکردیم اکثر اوقات)   اوقات
23 ما باور نمیکردیم مگر گاه بگاهی
24 بکن
25 شعر یک ت
26 آن او
27 باور انکه قرض میدی ما
28 نه آن باور داده دادم
29 اینکه نه آن باور میدهیم
30 نه اینرا باور نمیدهیم
31 ما آن باور میفروشیم
32 ما آنرا باور میکنیم
33 نه آن باور نمیرسید
34 برادر نه اینرا باور میفرستد
35 او آن باور میفرستد
36 / تکلیف کردن /   ما پس گذاشتیم
37 نه تکلیف میکنم
38 نه تکلیف میکنه نان خودرا این کوه هر
39 نه اینرا باور تکلیف میکنم
40 هر اینکه نه اینرا باور تکلیف میکنم
41 نه باور هیچ تکلیف نمیکنم

درس سیزدهم

1 چه جور از باغ خانه

۳۸ من یک انتخاب کردم
۳۹ شما خواهید کرد
۴۰ من خواهم کرد
۴۱ مکتب شما خوب
۴۲ من خوب میکنم
۴۳ هرگز نه میکنم
۴۴ شما نه میکنید
۴۵ او بهتر میکند
۴۶ او بهتر میکند
۴۷ او بهتر میکند ان

133 درس دوازدهم

۱ یک خورجین
۲ حرف میدهید شما
۳ من حرف میزنم
۴ ار
۵ احتیاج نان
۶ خواهش مند
۷ شما احتیاج پول دارید
۸ من زبان احتیاج دارم
۹ من زبان احتیاج ندارم
۱۰ زودی
۱۱ به
۱۲ شما میگوید باین صاحب
۱۳ باد
۱۴ باو میگوید شما
۱۵ من باو میگویم
۱۶ این مگر باو میگویم من
۱۷ شما باو میگوید

۱۰ من احتیاج دارم از آن یک بیست پر
۱۱ این کدام
۱۲ این درست نیست که او احتیاج دارد
۱۳ او آن نیست که او احتیاج دارد
۱۴ از چه احتیاج دارد او
۱۵ او احتیاج چه چیز دارد
۱۶ او از هیچ چیز احتیاج ندارد
۱۷ خواهش
۱۸ شما خواهش دارید با من
۱۹ زنان خواهش دارید شما
۲۰ من زنان خواهش دارم
۲۰ از چه خواهش دارید شما
۲۲ بهتر از من
۲۳ بهتر از آن
۲۴ بهتر از شما
۲۵ بهتر از ما
۲۶ شما بهتر دوست میدارید او گوشت گاو یا گوسفند
۲۷ من دوست میدارم یکی و دیگر
۲۸ کدام یکی بهتر شما دوست میدارید
۲۹ بهتر
۳۰ وقت
۳۱ شما بهتر دوست میدارد وقت خوب یا وقت بد
۳۲ ممنون باشید شما
۳۳ هزار شما ممنون میباشم برای این
۳۴ من ممنون میباشم
۳۵ من زنان ممنون میباشم از شما
۳۶ یک انتخاب
۳۷ یک انتخاب بکنید شما

۳۱ چه لت این

۳۲ لذت این که این نامه می‌کنه

۳۳ یک مست

۳۴ باعث ستوه شما

۳۵ پر باعث سلام

۳۶ لذت اینکه باعث امیگوربی

۳۷ بدل کردن

۳۸ خواهد داشت او

۳۹ او خواهد داشت

۴۰ اگر پول خواهم داشت او آن خواهد داشت

۴۱ اگر ببارد ما حکس نمی‌خواهیم داشت

۴۲ نه سعی خواهیم داشت از جا حرا او اگر آن هم فرص خواهد داد

۴۳ او نان روغنی خواهد داشت اگر قیمت حالی کند

۴۴ اگر ای دار

۴۵

۴۶ یک مرد هوشیار

۴۷ ابریق سوراحی

130 درس پانزدهم

۱ احتیاج

۲ شما احتیاج دارید از کتاب منی

۳ شما احتیاج دارید زبان

۴ احتیاج دارم زبان

۵ از بیست که ام شما احتیاج دارید

۶ از این که ام شما احتیاج دارید

۷ من احتیاج دارم زبان جوان

۸ شما احتیاج چند نان دارید

۹ از چند از آن احتیاج دارید شما.

۲ چند نان
۳ چند پول دارید شما
۴ شما چند از آن دارید
۵ روی رخسار
۶
۷
۸ یک
۹ یک چاقو
۱۰ یک مچ
۱۱ دارید شما یک چاقو
۱۲ دارید از آن شما یک
۱۳ از آن دارم یک
۱۴ ندارید شما که یک رخت
۱۵ ندارم از آن که یک
۱۶ ندارم از آن هر یک
۱۷ یک چاقوی خوب
۱۸ یک خوب
۱۹ یک به
۲۰ یک بهتر
۲۱ یک دیگر
۲۲ دارید شما یک بهتر رخت
۲۳ از آن دارید شما یک بهتر
۲۴ دارم از آن یک بهتر
۲۵ دارم هم از آن یک دیگر
۲۶ این بچه خیلی خاک میکنه
۲۷ اگر شما عزار شماطه نکنید شما نان روغن خواهید داشت
۲۸ این کره
۲۹ دانید شما آنکه میکند این شماطه
۳۰ نه دانم آنچه او میکنه

٥٣ لبلبقه بورها

٥٤ لبلبقه بهم خلق

درس نهم

١ میگذارد او

٢ او میگذارد

٣ بگذارند شما

٤ میفرستد او

٥ او میفرستد

٦ بفرستند شما

٧ مغضوب میکند او

٨ او مغضوب میکند

٩ باور میکند او

١٠ او باور میکند

١١ شنوا زباره [illegible]

١٢ میخوانید شما (اواز میکنید شما)

١٣ ما میخوانیم

١٤ میخوانید شما کسی

١٥ نمی خواهید کسی

١٦ کسی شما را میخواند

١٧ کسی شما نمیخواند

١٨ برای شما خواند کی

١٩ شما را میخوانند

٢٠ محله مست

٢٢ این محله هوای مستی دارد

درس دهم

١ چشم

۲۵ میگرید او
۲۶ او میگرید
۲۷ میخرد او
۲۸ او میخرد
۲۹ اختیار دارد حسن
۳۰ قصه
۳۱ مینماید او نشان میدهد او
۳۲ او مینماید
۳۳ میبرد
۳۴ او می برد
۳۵ فراموش میکند او
۳۶ او فراموش میکند
۳۷ بی
۳۸ بی کلاه
۳۹ بی پول
۴۰ بی چاطر
۴۱ میماند او
۴۲ شک دارد او
۴۳ او میماند
۴۴ او شک دارد
۴۵ ساکن میشود او
۴۶ او ساکن میشود
۴۷ تیار میکند او
۴۸ او تیار میکند
۴۹ بسلیقه من
۵۰ بسلیقه تو
۵۱ بسلیقه ما
۵۲ بسلیقه حو

۵۶ بار میبرد او

۵۷ او بار میبرد

۵۸ از روبین شرع

122

درس ششم

۱ میجوید او

۲ او میجوید

۳ میخرد او

۴ او میخرد

۵ دوست میدارد او

۶ او دوست میدارد

۷ میپرد او

۸ او میپرد

۹ میبرد او

۱۰ او میبرد

۱۱ میچاشد او

۱۲ او میچاشد

۱۳ قرض میبرد او

۱۴ او قرض میبرد

۱۵ (ساز خود)

۱۶ نه من ندیدم و نه قرض پول من

۱۷ نه انها ندیدند و نه قرض میبرند

۱۸ ما انها ندیدیم و نه قرض میبریم

۱۹ او انها ندیدند و نه قرض میبرد

۲۰ نه من درس نمیخوانم و نمیگویم

۲۱ میشنود او ی گوش میکند او

۲۲ او گوش میکند

۲۳ میبافد او

۲۴ او میبافد

۲۷ پیشانی

۲۹ تو پیشانی چهار گوشه داری

۳۰ ما هم داریم پیشانی سفید

۳۱ پاین زبر

۳۲ پیشانی زبر /

۳۳ تو پیشانی زبر داری

۳۴ انگشت

۳۵ بالا

۳۶ / پیشانی بالا /

۳۷ تو پیشانی بالا داری

۳۸ تو پیشانی نه بالا داری و نه پاین

۳۹ این بر

۴۰ درش

۴۱ خم شده

۴۲ چوب خم شده

۴۳ این بره ش خم شده دارد / این بر خم گشته

۴۴ گردن

۴۵ طنبل

۴۶ این کوه هوای طنبل دارد

۴۷ زانو

۴۸ انگشت میمکه او

۴۹ او انگشت میمکه

۵۰ پر میمکه او

۵۱ او پر میمکه

۵۲ از چه پر میمکه او باریک خوع

۵۳ او از شراب پر میمکه ...

۵۴ کم میمکه او

۵۵ او کم میمکه

درس هفتم

1 تا دو باغ سرخ داریه
2 تا انار سرخ داریه
3 تا انار همه سرخ داریه
4 این مرد چشم سیه دارد
5 او همه سیه دارد آن
6 درخت تا دو باغ دراز و دارد
7 باد کرده
8 تا دو باغ باد کرده داریه
9 خوب
10 تا دو باغ خوب باد کرده داریه
11 تن
12 این نقش تن آره دارد
13 بازو
14 این مرد ور بازوی دراز دارد
15 معده
16 این جاش معده پر دارد
17 شکم
18 این تنگ شکم بر برآرد
19 دل
20 این مرد خفه دل ممنون بیب
21 بار
22 این الب بار باد کرده دارد
23 ما دل خوش داریم
24 ما دل خوش برداریم
25 ما معده پر برداریم
26 باک سالم
27 این مرد شی سالم دارد

۱۲ این خانه بهتره

۱۳ این روغن بوی بسیار بدی داره

۱۴ این نان روغنی بوی قند داره ؟

۱۵

۱۶ میخوانه او

۱۷ او میخوانه

۱۸ بسیار

۱۹ بسیار جلد

۲۰ این شاگرد بسیار جلد میخوانه

۲۱ خوردن   اسم مصدر   میخورد او

۲۲ او میخورد

۲۳ بر دوش میبرد او

۲۴ او بر دوش میبرد

۲۵ شکایت میکنه او

۲۶ او شکایت میکنه

۲۷ میشناوره او

۲۸ او میشناور

۲۹ صبر میکنه او   انتظار میکشه

۳۰ او صبر میکنه   منتظر است

۳۱ گرفته داره او

۳۲ او گرفته داره

۳۳ واحد   یکتا

۳۴ شما میروید یکتا پیش تاج

۳۵ من میروم انجا واحد

۳۶ شما ندارید که این یک را

۳۷ من ندارم که این یکی را

۳۸ من ندارم مگر این درست واحد

۳۷ او بر سه دارد

۳۹ این ماهی گیر ماهی میگیرد

۴۰ ماهی که این ماهی گیر میگیرد هوای تاریکی دارد او

۴۱ ماهی که او میگیرد دارد هوای تازه

۴۲ اینکه میگیرد دارد هوای تازه

۴۳ قلب

۴۴ این اشخاص برای قلب دارد

۴۵ نوشته

۴۶ نوشته‌جات بانک

۴۷ این نوشته بانک برای قلب دارد

۴۸ یاد میگیرد او

۴۹ او یاد میگیرد

۵۰ می فهمد او

۵۱ او میفهمد

۵۲ بیرون میرود او

۵۳ او بیرون میرود

116

درس ششم

۱ (اینجا) آنان

۲ چه گویند در ده ما

۳ چه گویند در خانه تو

۴ حق داره مرد قشنگه غلط داره

۵ بلود تاریکی

۶ این خلق این دریا

۷ جلد چارک

۸ تا چابک می نویسید

۹ مسرات او ما بنمایید

۱۰ او مسرات

۱۱ این هنر بخوبی بنمایم

۱۰ او باور میکه

۱۱ پسر خود

۱۲ بگو به تو

۱۳ من میگویم

۱۴ ما میگوییم

۱۵ بگو به او

۱۶ او میگوید

۱۷ خواهر او

۱۸ او میخواهد

۱۹ این نفر میخواهد چه چیز

۲۰ او میخواهد چه چیز

۲۱ او نمیخواهد چه چیز

۲۲ او نمیداند آنچه میخواهد

۲۳ این مرد میگوید آنچه میخواهد

۲۴ او میکند آنچه میخواهد

۲۵ او نمیکند آنچه میخواهد

۲۶ ما میکنیم آنچه میخواهیم

۲۷ من میخواهم

۲۸ من میکنم آنچه میخواهم

۲۹ من نمیکنم آنچه میخواهم

۳۰ میتوانی تو

۳۱ من میتوانم

۳۲ تواند او

۳۳ او میتواند

۳۴ این نوشت

۳۵ می نوشت او

۳۶ او مینوشت

۳۷ برمیدارد او

۲۵ خیاط که ماهوت دارد رخت هم دارد او

۲۶ مردی که حق دارد غلط هم دارد

۲۷ مرد که حق دارد غلط ندارد

۲۸ اینکه

۲۹ اینکه حق دارد غلط دارد او

۳۰ اینکه حق دارد غلط است

۳۱ اینکه حق دارد غلط ندارد

۳۲ اینکه ترس دارد جرأت هم دارد — ز رنگ جرأت دارد

۳۳ اینکه ترس دارد جرأت ندارد

۳۴ یک و دیگر

۳۵ از دیگر شیطان /

۳۶ اینکه

۳۷ اینکه شما میشناسید به شما میگوید

۳۸ اینکه من میشناسم میگوید به من

۳۹ اینکه من میخواهم نگاه میکنه او

۴۰ اینکه تو میخواهی تو را میبینه او

۴۱ تو میشناسید خوب اینکه و اینکه

۴۲ من میشناسم خوب اینکه و اینکه

۱۱۳

درس پنجم

۱ جای

۲ روی بالا

۳ بگذارید اینها را روی رخت خواب

۴ من میگذارم بروی

۵ زیر

۶ بگذارید چادر خودشان زیر رخت خواب

۷ من میگذارم آن بزیر

۸ من نمیگذارم نه بروی نه بزیر

۹ باور میکنه او

۵۴ مجلس شریف

۵۵ نان شیرین

۵۶ اسب آرام

درس چهاردهم

۱ بکند او

۲ او بکند

۳ به

۴ داند او

۵ او داند

۶ برادر ما

۷ شناسد او

۸ او شناسد

۹ بیند او

۱۰ او بیند

۱۱ این کشتی

۱۲ بی فایده … حاص عام

۱۳ اوقات مشابهه

۱۴ غریب

۱۵ سه عرش

۱۶ در انجا انجا در

۱۷ او آتش می افروزد در انبار خود

۱۸ در انجا می افروزد او

۱۹ او می افروزد در انجا

۲۰ او می افروزد در انجا

۲۱ او در انجا می افروزد

۲۲ بکند از او

۲۳ او بکند از او

۲۴ کلاه به رنگ خود

۲۵ او انجا رود

۲۶ او انجا نمی رود دیگر

۲۷ او انجا می رود

۲۸ کجا میرود این مرد

۲۹ کجا میرود دیگر این مرد

۳۰ شما هوای غمگینی دارید — شما غمناک میباشید

۳۱ این مرد غمناک است

۳۲ این شهر هوای خوب ندارد — این شهر خوب نیست

۳۳ این بیت هوای خود دارد — این خورج کوچک می باید

۳۴ اگر — مگر — ارتجان

۳۵ چنین خوب

۳۶ چنین غمناک

۳۷ چرا این مرد هوای چنین غمناک دارد

۳۸ برای اینکه پول ندارد

۳۹ مرد شد

۴۰ شما هوای خوش خلقی دارید

۴۱ شما هوای بد خلقی دارید

۴۲ همه وقت — دایم — هر وقت

۴۳ این مرد همه وقت هوای خوش خلقی دارد

۴۴ مرد بختیار — طالعمند

۴۵ مرد بی بخت

۴۶ راضی — مکافی

۴۷ مرد راضی — مرد مکافی

۴۸ فعله

۴۹ نا راضی

۵۰ مرد نا راضی

۵۱ مرد صاحب دولت — دولتمند

۵۲ مرد نا خوش — مرد بیمار

۵۳ صاحب خود

٣٩ من دارم آنرا که ندارد دسته   دارم آن بی دسته
٤٠ صدا   آواز
٤١ این سلطنت   این مملکت

درس سیم

١ چه دارد این مرد در کلاه خود
٢ این مرد مگر چه دارد در کلاه خود
٣ چه دارد این جلاسی در پشت   ٥٤ در خورج خود
٤ زبر   پایش   زیر
٥ زیر کلاه خود   زبر کلاه خود
٦ چه دارد این کور فقیر
٧ چه دارید شما
٨ دارم من چه چیز
٩ ندارم من هیچ
١٠ دارم چه
١١ شما ندارید هیچ
١٢ شما دارید چه چیز
١٣ چه دارد این مرد
١٤ چه دارد او
١٥ او چه چیز دارد
١٦ او هیچ ندارد
١٧ دانید شما آنچه دارد این مرد
١٨ می دانم چه دارد او
١٩ این مرد میرود
٢٠ این مرد میرود دیگر
٢١ او میرود
٢٢ او نمیرود
٢٣ میرود او پیش خود
٢٤ او میرود ای

۱۰

۱۱ اگر

۱۲ ببه اینه تا اگر کسی سعی دارد از باغ من

۱۳ من نمی‌دانم اگر کسی دارد سعی از آن

۱۴ خوب سعی

۱۵ خوب سعی خواهید داشت تا از قفل من

۱۶ خوب سعی خواهیم داشت از آن

۱۷ عه‌ الت   دیوان   انصاف

۱۸ سازاندر

۱۹ لطفت   نعم

۲۰ رهزون تر/   ماهیرودم نرم

۲۱ سابون تر   نرم

۲۲ این بنیر خوب لزت داره

۲۳ خوب لطبز الت

۲۴ او به نعم الت

۲۵ این بهنر لطرت داره

۲۶ چه نعم دارد این بنیر

۲۷ نعم بنیر دارد او

۲۸

۲۹ ساره ساق

۳۰

۳۱

۳۲ که   کدام

۳۳ کرفته داره گربه که دارد پنیر منی

۳۴ ترانه

۳۵ کول

۳۶ استین   دسته

۳۷ اینکه

۳۸ تو داره کارد را با دسته

۵۶ این باغبان از آن سعی دارد
۵۷ او سعی دارد زان
۵۸ او سعی دارد از مال من و از مال شما
۵۹ او سعی ندارد نه از مال من و نه از مال شما
۶۰ این مرد دارد هیچ ؟
۶۱ چه دارد او
۶۲ ندارد او هیچ
۶۳ او ندارد هیچ
۶۴ مال او   او
۶۵ کارد او
۶۶ وزیر او
۶۷ از مال او   از او
۶۸ خواهد داشت او
۶۹ او خواهد داشت
۷۰ او نخواهد داشت
۷۱ این مرد خواهد داشت پول خود را
۷۲ او خواهد داشت از او
۷۳ او نخواهد داشت از او

درس دوم

۱ یک شخص
۲ یک شخص داردان
۳ یک شخص دارد
۴ هیچ کس   نه
۵ هیچ کس ندارد
۶ یک شخص دارد آن
۷ یک شخص دارد
۸ هیچ شخص ندارد
۹ کشتی

۲۸ از مال ما

۲۹ شما سعی ندارید نه از مال من نه از مال شما

۳۰ شما سعی ندارید نه از مال ما نه از مال شما

۳۱ این مرد سعی ندارد نه از مال شما نه از مال من

۳۲ او

۳۳ او دارد

۳۴ دارد او

۳۵ دارد او قلمهای مرا

۳۶ دارد او آن

۳۷ دارد او ان

۳۸ ندارد او قلمهای من

۳۹ او ندارد قلمهای شما

۴۰ او ندارد آن

۴۱ او ندارد ان

۴۲ این مرد دارد او

۴۳ این دستور دارد او

۴۴ درستی دارد او

۴۵ همهٔ اینها دارد او

۴۶ این صاحب ندارد او

۴۷ این مرد دارد دیگر قلمهای من

۴۸ او دارد آن این مرد

۴۹ دارد او آن

۵۰ ندارد او ان

۵۱ او ندارد ان

۵۲ این سگ گرسنه است دیگر

۵۳ این سگ گرسنه نیست دیگر

۵۴ او نه گرسنه است و نه تشنه

۵۵ این باغبان سعی دارد از باغ من

درس اول از مرحله دوم

۱ که
۲ دارد
۳ که دارد
۴ که دارد قلم قرمز
۵ که دارد قلمتراش شما
۶ که است گرسنه
۷ این مرد است گرسنه
۸ که است گرسنه و تشنه
۹ این مرد نه گرسنه است و نه تشنه
۱۰ که ام
۱۱ شما میشناسید مرد را که قلمتراش مرا دارد
۱۲ من میشناسم مرد را که دارد قلمتراش شما را
۱۳ آنکه دارد قلمتراش مرا شناسید شما
۱۴ آنکه
۱۵ که دارد آن
۱۶ آدم دارد آن
۱۷ این مرد دارد آن
۱۸ میشناسید شما مرد را که دارد آن
۱۹ من میشناسم آنکه دارد آن
۲۰ دانید شما که دارد آن
۲۱ من نه دانم که دارد آن
۲۲ شما میشناسید پسر آن مرد میشناسید که پول مرا دارد
۲۳ من میشناسم پسر آنکه دارد آن
۲۴ پسر آنکه
۲۵ این بیمار
۲۶ از مال من
۲۷ از مال شما

Persian

(2) Vol. 1 p. 101 —

2^e Cours. Leçon 1630

Persian Lessons

HL 10235

۲۰	بار هسم	
۲۱	درین ازان نیز بیم	some of it
۲۲	بمن بیدهید تو	...u give me some
۲۳	تو ازان	...e of it to you
۲۴	من به تو میدهم ازان	... you some of it
۲۵	ما زان با ازان بما	... of it to us
۲۶	بما بیدهید تو ازان	...u give ~~us some~~ some of it to us
۲۷	از خوشحالی از خوشی بودی	...ure
۲۸	از شفقت	...l
۲۹	خواهد باریده مگر	...d rain
۳۰	خواهد باریده	...ill rain
۳۱	پدر من	... father

آخر درس اولی از مرتبه اول

akhr ee ders evvel az ~~mortabel~~ evvel.

End of the first course

...sell any bad ... ۲۸ بانفروشید تا از آن به

...not sell you any bad ۲۹ می به تا بنفروشم از آن به

...d you shew me pretty / see less 14. ۳۰ چه رست اینکه می‌نمایید تا از مقبول

...fill, with ۳۱ پرمیکنید تا

۳۲ می پرمیکنم

...fill with paper your pocketbook ۳۳ پرمیکنید از کاغذ جلد کیش خود را

...ll it with paper ۳۴ می پرمیکنم از کاغذ

...d ۳۵ قوم

...tieth lesson Dars see-oom درس سیم 30 pages 98

...e - any ۱ از

...bread + bread ۲ از نان

...wine ۳ از شراب

...wine + bread ۴ از شراب و از نان

...bread wine & cheese ۵ از نان از شراب و از پنیر

...money ۶ از پول

...work ۷ از کار

...gold + silver ۸ از طلا و از نقره

...you any bread ۹ تا دارید از نان

...some bread ۱۰ می دارم از نان

...e no bread ۱۱ می ندارم از نان

... ۱۲ از ... از آن ... در ... دران

...any / any of ۱۳ دارید تا از آن

...e some / some of ۱۴ می دارم از آن

...some ...oth ماهوت سیاه دارید تا ۱۵ دارید تا از ماهوت سیاه

...me black cloth ۱۶ می دارم از آن سیاه

...ead ۱۷ از نان خشک

...ood ۱۸ از هیزم خشک

...wood ۱۹ از هیزم چنار

twenty ninth
beest oo noohh-oom

درس بیست و نهم

page 95

English (cut off at margin)	No.	Persian
...ou sell	۱	میفروشید شما
...ll	۲	من میفروشم
...k screw	۳	پیچ باز پیچ بوطل
...advantage	۴	این زیادتی این نفع
character / disposition	۵	خاصیات طبع
...quick child	۶	بچهٔ چالاک
...e temper	۷	طبع چالاک
... admire	۸	تعجب میکنید شما
...ire	۹	من تعجب میکنم
...ad / ...ked man	۱۰	آدم بد آدم بدکار
...	۱۱	انبار
...awer	۱۲	موجود
some / any (bef. adj.)	۱۳	از
... good wine	۱۴	از شراب خوب
... handsome cloth	۱۵	از ماهوت خوب

page 96

English (cut off at margin)	No.	Persian
...lent cheese	۱۶	از پنیر اعلا
...you ...od wine	۱۷	دارید شما از شراب خوب شراب خوب دارید شما
... some good wine	۱۸	من دارم از شراب خوب
... handsome cloth	۱۹	از ماهوت خوب میفروشید شما
...ome good	۲۰	من از خوب میفروشم
... some excellent / any	۲۱	شما میفروشید از آن اعلا
... some excellent	۲۲	ما میفروشیم از آن اعلا
... me (m'en)	۲۳	به من از آن بمن از آن
...ll me some good	۲۴	بمن میفروشید از آن خوب
... you	۲۵	شما از آن شما از آن به شما از آن
...in some good & fine	۲۶	من به شما میفروشم از آن خوب و مقبول
... us	۲۷	ما از آن به ما از آن

Les. 28 page 93

28

[f] which baker do you buy	نان کدام خباز را میخرید شما	۳
[w]hich one choose you	این از که انتخاب میکنید شما	۴
[o]f which baker?	نان از کدام خباز	۵
... my baker	نان خباز من	۶
you ..	نان خباز شما	۷
that	نان این خباز	۸
our	نان خبازها	۹
[f]rom my baker's	از این خباز من	۱۰
your	از این خباز شما	۱۱
that	از این این خباز	۱۲
our	از این خبازها	۱۳
what	از این کدام خباز	۱۴
	سعی گاه	۱۵
take care of my child / [...]s your soin de	شما سعی دارید از طفل من	۱۶
[...]ves vous soin	در آن سعی دارید	۱۷
[...]ai soin	در آن سعی دارم	۱۸
[th]e book / [wh]ose portion	از کتاب کدام بچه	۱۹
[wh]ose / [fr]om whom	از این از که	۲۰
[...] have + khawh-eed dasht shmaw	خواهید داشت شما	۲۱
[wi]ll have + man khawh-am dawsht	من خواهم داشت	۲۲
[s]hall have + maw khawh-eem dawsht	ما خواهیم داشت	۲۳

page 94

[...] confide / [...] intrust with	دمشان دارید شما	۲۴
[con]fide	دمشان دارم من	۲۵
	اگر	۲۶
	اگر من بشما قرض بدهم کتاب من از آن سعی خواهید داشت	۲۷
	اگر شما بمن قرض بدهید آن از آن سعی خواهم داشت	۲۸
[u]ndertake	شروع میکنید شما (۵۴) برعهده میگیرید شما	۲۹
[und]ertake	من شروع میکنم (۵۴) برعهده میگیرم	۳۰
[ai]d, succour / assistance }	کومک دلت دادن	۳۱

27. If I lend you my book, will you take care of it.

28. If you lend it to me, I will take care of it.

28

Les. 27) 27 page 90 | 27

take him there . . . . انجا میبرید شما ۴

take him there . . . . انجا میبرم من ۵

page 91

میبرید شما اسب خودرا پیش همسایه و میبرید تفنگ خودرا بخانه خود ۶

page 91

من میبرم اسب خودرا به پیش همسایه و تفنگ خودرا بخانه خود ۷

mee shmaw asp Khoodraw peesh [illegible] tufenk Khoodraw ba Khana Khood
take you your horse to the neighbors, & your gun to your house

I take my horse to my neighbors, & my gun to my house
man mee [illegible] asp Khoodraw ba peesh [illegible] oo tufenk Khoodraw ba Khana Khood }

…ce — این پارچه پاره ۸

…re + maraw der eenja / maraw eenja — مرا در اینجا + مرا اینجا ۹

…re + shmaw eenja — شما اینجا ۱۰

…e + maw eenja — ما اینجا ۱۱

…take me there — مرا اینجا میبرید شما ۱۲

…you there — من شمارا اینجا میبرم ۱۳

…us there — مارا اینجا میبرید شما ۱۴

…you? — میفرستید شما ۱۵

… — میفرستم من ۱۶

…where yek taraf / yek jai — یک طرف یک جای ۱۷

…some / anywhere — یک جا میبرید شما ۱۸

…ke me any / some where — مرا میبرید شما یک جا or یک طرف ۱۹

…send me some where — مرا میفرستید شما یک طرف ۲۰

…here — نه هیچ جا ۲۱

…ing nowhere / going anywhere — من نمیروم هیچ جا ۲۲

…ou nowhere — من شمارا نمیبرم هیچ جا ۲۳

…you nowhere — من شمارا نمیفرستم هیچ جا ۲۴

…an — این شلغم ۲۵

… } een — این (؟) ۲۶

…d bean — این شلغم سرخ ۲۷

…this: this one or that one — میگیرید شما این یا آن ۲۸

---

28 page 93 | 28

…twenty eighth / beest oo hashtoom — درس بیست و هشتم

…urtain parda — پرده ۱

…ones / which one } een az kih — این از که ۲

...tight coat / narrow		این رخت تنگ	١٠
...narrow ribbon		بافته تنگ	١١
...wide pantatoon		شلوار تنگ	١٢
...sour bread		نان ترش	١٣
...gar		سرکه	١٤
...you dry		خوشک میکنه؟	١٥
...dry		می خوشک میکنم	١٦
...t coat	رخت آب آلوده (or)	رخت آلوده	١٧
...quite wet / tout mouillé	رخت همه آب آلوده (or)	رخت همه آلوده	١٨

page 89

...linen (clothes) / linge	رخت آلوده (or)	رخت پوشیده	١٩
...n air		در هوا	٢٠
...in the air		می در هوا خوشک میکنم	٢١
...the fire . . . dar atesh / ...drying my clothes by the fire		در آتش	٢٢
		می رخت آلوده خود را در آتش خوشک میکنم	٢٣
...the wind		باد	٢٤
...sun		در آفتاب	٢٥
...go / ...going		میروید؟	٢٦
...going		میروم من	٢٧
...going home	میروید به خانه (or)	میروید پیش خود	٢٨
...going there		میروم من آنجا	٢٩
...you going there		آنجا میروید؟	٣٠
...llage	آن قریه	این ده	٣١
...	فوراً (or) fooran	فوران (+) fooran	در حال dar hal	٣٢

---

27 page 90

...twenty seven-th / beest oo haftoom — درس بیست و هفتم

...take (mener) / ...lead	میبرید؟	میگردانید؟	١
...(emmener)	من میبرم	میگردانم من	٢
...take your friend to his house / ...friend	dost khood peesh oo	میبرید دوست خود پیش او	٣

Les. 25

25 page 86

take (it) there / carry — ۲۷ من آنجا ببرم

I take (it) there — ۲۸ این بث که من آنجا ببرم

take (it) there — ۲۹ تو آنجا ببرید

hollow stick ? — ۳۰ چوب

you leave / let — ۳۱ میگذارید تا

leave — ۳۲ میگذارم

page 87

fine cloth — ۳۳ ماهوت باریک

globe / firmament — ۳۴ فلک

...n cloth — ۳۵ ماهوت سبز

...w cloth — ۳۶ ماهوت زرد

... cloth — ۳۷ ماهوت آبی ملوس

...n — ۳۸ که کدام وقت چه وقت

...t rain — ۳۹ بارید مگر

...ains — ۴۰ میبارد

does not rain — ۴۱ نمیبارد

...it not rain — ۴۲ نبارید مگر

...not rain yet — ۴۳ نبارید باز نبارید هنوز

...es much

---

26 page 88

twenty six - th / beest oo shesh-oom — درس بیست و ششم

...uit — ۱ بکسوماج

...biscuit — ۲ بکسوماج سخت

...leather — ۳ اهن بها

...n return / give back — ۴ باز میدهید تا

...eturn — ۵ باز میدهم

...n mend — ۶ درست میکنید تا

...ousers — ۷ تنبان

...end — ۸ من درست میکنم

...d — ۹ و

twenty fifth
beest oo panj-oom

درس بیست و پنجم

page
86

wine + shrawb ee sheereen	شراب شیرین	۱
...ild climate	این هوای شیرین (۵۴) این هوای معتدل	۲
	شیرین	۳
	تلخ	۴
...tter chocolate	این شوکولات تلخ	۵
...house of (chez)	پیش	۶
dast - mawl (hand wiper)	دستمال	۷
... house of the man	پیش آدم	۸
... house of that man	پیش این مرد	۹
...our uncle's	پیش عموی شما	۱۰
...my uncle's	پیش عموی من	۱۱
...at gentleman's + peesh een sawhib -	پیش این صاحب	۱۲
... somebody's	پیش یک شخص	۱۳
...nobody's	پیش هیچ شخص	۱۴
...hose house	پیش که	۱۵
...hat man's	پیش کدام مرد	۱۶
...hich one's	پیش کدام	۱۷
... hatter's	پیش این عابرت	۱۸
...your house / home	پیش شما	۱۹
...my house / home	پیش من	۲۰
...that house / home	پیش ما	۲۱
...his house / home	پیش او	۲۲
...y [illegible]	پیش عموزادهٔ من	۲۳
... friend	دوست من	۲۴
...there (by)	در این در آن اینجا	۲۵
...n take / carry it there	اینجا میبرید	۲۶

it on the bench	م انرا روی تخت میگذارم	٦
	سنج	٧
blind man floor	تخته	٩
return	بازگشت	١٠
you stay + mee mawn-eed shman	میمانید شما	١١
stay + man mee mawn-am	من میمانم	١٢
there	آنجا	١٣
you doubt + shuk dawr-eed shman	شک دارید شما	١٤
doubt + man shuk dawr-am	من شک دارم	١٥
you doubt my courage	شما شک دارید از جرأت من	١٦
you doubt it	از آن شک دارید	١٧
you doubt anything	از هر چیز شک دارید شما	١٨
not doubt anything	از هیچ من شک ندارم	١٩
do you doubt	از چه شک دارید شما	٢٠
honor	سعادت	٢١
(that thing) een raw +	اینرا	٢٢
luck, misfortune appiness	بدبخت	٢٣
luck, good fortune	بخت	٢٤
, here	اینجا	٢٥
stay here + mee mawn-eed shman	میمانید شما اینجا	٢٦
here	من میمانم در اینجا	٢٧
der	در	٢٨
the store	در انبار	٢٩
body's book	کتاب یک کس	٣٠
dy's ~~book~~	این از یک کس	٣١
ody's book	کتاب هیچ کس	٣٢
ody's een heech kas	این هیچ کس (٣٣)	٣٣
dwell, reside, remain, live sakin mawn-eed shman	ساکن میمانید شما	٣٤
le + man sakin mawn-am	من ساکن میمانم	٣٥

Les. 23

23 page 82

...mpliment — ٩ تعلیقات

...u forget — ١٠ فراموش کردید شما

...get — ١١ من فراموش کردم

... uproar — ١٢ (tamasha ?)

...ol — ١٣ این عَجَد ⓹⓶ این ازالات

... read — ١٤ می خوانید شما

...d — ١٥ می خوانم

...nch book + ktawb ee fransawee — ١٢ کتاب فرنسوی

...glish " + " " — ١٣ کتاب انگریزی

...nish " + — ١٨ کتاب اسپانیول

...man " + — ١٩ کتاب لمه وی

...tian " + — ٢٠ کتاب ایطالیان

...ild — ٢١ این بچه

...rocer — ٢٢ عطار

... chicken — ٢٣ این جوجه

...bill (beak) — ٢٤ منقار

... neighbor — ٢٥ همسایه شما

...u lose — ٢٦ گم کردید شما

...e — ٢٧ من گم کردم

...t — ٢٨ گاو جاغ گوشت گاو گوک

...mutton — ٢٩ گوسفند لاغر

---

24 page 84

... twenty four-th
... beest oo chahawr-oom — درس بیست چهارم

...hon — ١ روی بر

...e bench — ٢ روی تخت

...e bed — ٣ روی تخت خواب

...e — ٤ کجا

... put you this nail — ٥ کجا میگذارید این بر فرا

page 80

22

, sense, intellect, mind +	áql	عقل	۲۳
hy, wherefore		برای چه	۲۴
hy are you ashamed		برای چه شرم دارید شما	۲۵
m ashamed, because ave no courage		من شرم دارم برای که جرئت ندارم	۲۶
what man		از کدام مرد	۲۷
what man are you speaking		از کدام مرد میگوید شما	۲۸
which one		از کدام	۲۹
hich one are you afraid		از کدام خوف دارید شما	۳۰
hich one are we afraid		از کدام خوف داریم ما	۳۱
hat	az chih	از چه	۳۲
hat are you speaking / az chih mee gooyeed shuman		از چه میگوید شما	۳۳
hat are you speaking to me / az chih ba man mee-googeed		از چه بمن میگوید	۳۴
defect		غلط	۳۵
him	az awn	از آن	۳۶
you afraid of that man		ترس دارید از آن مرد	۳۷
ave flum / ters-am az awn	ترسم از آن · az awn ters dawr-am	از آن ترس دارم	۳۸
old / ra. adj	سرد	سرما	۳۹
n afraid of the cold / dawr-eed shuman az		ترس دارید شما از سرما	۴۰
not afraid of it / n az awn, ters na dawr-am		من از آن ترس ندارم	۴۱

23 page 82

n twenty third / beest oo seewoom	درس بیست و سیوم	
n Show	بنمائید شما	۱
ow	من بنمایم	۲
mb	شانه	۳
eak ?	میشکنید شما	۴
se ...	من میشکنم	۵
t ?	میبرید شما	۶
ut	من میبرم	۷
eake	سرای	۸

22

23

Les. 21 — 21 page 78

…ow the man …n you speak	ما را می شناسم مرد را که ازو شما میگوید	۳۵
…now the man …m I speak	شما می شناسید مرد را از که او من میگویم	۳۶
…ow the one … you speak	ما این که من میشناسم آنرا از که او شما میگوید	۳۷
…ow the one …m I speak	شما می شناسید شخص را از که او من میگویم	۳۸.

22

…2, ~~Lesson~~ Twenty second — Ders bist oo doo-oom (duwoom) — درس بیست و دوم — page 79

…of it — ۱ ازان

…speak of it — ۲ ازان میگوید شما

…eak of it — ۳ ازان میگویم

…I speak of it — ۴ این است ازآن که من میگویم

…speak of it — ۵ شما ازآن میگوید

…ou afraid of it — ۶ ازآن خوف دارید شما

…afraid of it — ۷ ازآن خوف دارم من

…I ashamed of it — ۸ ازآن شرم دارم من

…are ashamed of it — ۹ ازان شما شرم دارید

…~~are~~ not ashamed of it — ۱۰ ازآن ما شرم نداریم

…~~are~~ not ashamed of it — ۱۱ ما ازآن نداریم شرم

…on out coat — ۱۲ یک رخت پوشیده

…use — ۱۳ برای اینکه

…afraid …use …not you gun — ۱۴ شما ترس دارید از برای اینکه شما تفنگ خودرا ندارید

~~…fraid because I have it not~~ …ave not you gun — ۱۵ شما ندارید تفنگ تو

…afraid … I have it not — ۱۶ من خوف دارم از برای اینکه آنرا ندارم

…t any) — ۱۷ از + نه + نه

…no bread …an az nawn (من از نان ندارم) na dawr-am — ۱۸ من نان ندارم — man nawn na dawr-am

…ave no wood — ۱۹ شما هیزم ندارید

page 80

…e not any money — ۲۰ ما پول نداریم

…not any good sugar — ۲۱ ندارم من شکر خوب

…age — ۲۲ جرأت

21

22

I understand		۶ این کہ را میفهمم
…t do I understand		۷ چیست این کہ من میفهمم
… do I wait for		۸ کیست این کہ من منتظرم
… do I wait for		۹ کیست این کہ من منتظرم
… give		۱۰ چیست این کہ من دادم
…	shmaw mee dihh-eed	۱۱ شما میدهید
… give to you		۱۲ این چیست کہ من بشما میدهم
…ve to me +	shmaw ba-man mee dihh-eed —	۱۳ شما بمن میدهید
… az kih man / …e it to you	ba-shmaw mee dihh-eed	۱۴ این ازکہ من بہ شما میدہم
…ive it to me +	Shmaw ba-man mee dihh-eed awn-raw	۱۵ شما بمن میدهید انرا
…g full		۱۶ سبد پر
…mpty bag		۱۷ سبد خالی
…arrel		۱۸
…cket book		۱۹ جیبدکش
…deep hole		۲۰ سوراخ عمیق
…uare Hdkf		۲۱ روپاک چهارگوشه
…ea		۲۲ نخودک
…und pea		۲۳ نخودک گرد
…avy gun		۲۴ تفنگ سنگین
…ght gun		۲۵ تفنگ سبک
…ch + of whom		۲۶ ازکہ ام — از چه

… you the book / …ich I speak	۲۷ میشنوید شما کتاب ازکہ ام من میگویم
…ve the book / …hich you speak	۲۸ من دارم کتاب ازکہ ام شما میگوید
…hold the book / …ich you speak	۲۹ این چیست کہ من دارم کتاب ازکہ ام شما میگوید
…ld the book / …ich you speak	۳۰ شما دارید کتاب ازکہ ام من میگویم
… which	۳۱ این ازکہ ام — این چیست ازکہ ام
…or the book / …ich I speak	۳۲ میجوید شما کتاب ازکہ ام من میگویم
… that of which / the one of which you speak	۳۳ من میجویم آن ازکہ ام شما میگوید
…not seek / … of which you speak	۳۴ من نمیجویم آن ازکہ ام شما میگوید

۲۳ بد زشت — ..., badly + bad +

۲۴ شما بد حرف میزنید — ...speak badly + shmaw bad harf mee zan eed

۲۵ شما می نویسید — ...ou write + shmaw mee nooweesh-eed

۲۶ من می نویسم — ...te + man mee nooweesh-am

۲۷ نه هیچوقت ابدی (ابدا) هرگز - نه — { na / heech waqt / ebedem - abedee / hargeez - na }

۲۸ شما هیچوقت نمی نویسید — ...u never write + Shmaw heech waqt na mee nooweesh-eed

۲۹ من هیچوقت نمی نویسم — ...ver write ...an heechwaqt na mee nooweesh-am

۳۰ شما ندارید هیچوقت خوف — ...u never afraid + shmaw na dawr-eed heech waqt Khoof

۳۱ من هیچوقت خوف ندارم — ...never afraid ...heech waqt khoof na dawr-am

۳۲ ابدی (ابداً) — + ebedem - abedee

۳۳ شما رخت خواب خود را ابدی نمی اندازید — ...u ever make your bed ...w rakht-ee Khawb khoodraw abedee na mee andaz-eed

۳۴ شما ابدی خوف دارید — ...ou ever afraid ...maw abedee Khoof dawr eed

۳۵ شما ابدی خوف ندارید — ...u never afraid + Shmaw abedee Khoof na dawreed

۳۶ این تاجر — ...merchant + een tawjer

۳۷ این سیاح — ...traveler + een see-āhh

۳۸ این برهان — ...ham + een ~~[illegible]~~

۳۹ یاد میگیرید شما — ...ou learn +

۴۰ یاد میگیرم من — ...an +

۴۱ ماه — ...month + mahh

۴۲ این ماه — ...month + een mahh

۴۳ هوا — ...climate + hawa

۴۴ این ملک این شهر — ...country / city + een ~~[illegible]~~ Sheher

---

Lesson Twenty first (one) — 21

Ders bist oo yak-koom — درس بیست و یکم — page 77

۱ این کیست — ... ? + een kih ast / keest

۲ این که من حرف میزنم — ...speak / speaking + een ~~[illegible]~~ man harf mee zan-am

۳ این کیست من میجویم — ...look for / seek + een kih ast / keest man mee choo-eem

۴ این کیست من گرفتم — ...hold + een keest man

۵ این کیست که من برداشتم — ...take + een keest kih man dawsht-am

Les. 19 — 19 p. 73

...wind — bawd — باد | ۲۸

...thunder — raad — رَعد + رعد | ۲۹

...sometimes / ...occasionally } — gah gahee (گاه وقتی) — گاه گاهی + گاه گاهی | ۳۰

...dirty Hkf. + een roomawl alooda (dirtied) — این رومال آلوده | ۳۱

...clean Hkf " " " pawk — این رومال پاک | ۳۲

Lesson twenty-eth — 20 page 75

20 Ders bist-toom — درس بیستم

...an / ...one / ...body } yekee az / shakhs / heech yek } — یکی از (۵۲) شخص هیچ یک | ۱

...you somebody + mee been-eed shmaw heech yek — می بینید شما هیچ یک | ۲

...somebody + man mee been-am shakhs } — من می بینم شخص | ۳

...you listening to somebody ... shenoo-eed shmaw heech yek — می شنوید شما هیچ یک | ۴

...listen to somebody ... mee shenoo-am heech yek — من می شنوم هیچ یک | ۵

...dy / ...ybody / ...de } na-shakhs / heech koodawm / heech shakhs — نه شخص (۵۴) هیچ کدام هیچ شخص | ۶

...nobody + man heech shakhs na mee been-am — من هیچ شخص نمی بینم | ۷

...you nobody + shmaw heech shakhs na mee been-eed — شما هیچ شخص نمی بینید | ۸

...listen to nobody + shmaw heech koodawm na mee shenoo-eed — شما هیچ کدام نمی شنوید | ۹

...body's book + ktawb az shakhs — کتاب از شخص | ۱۰

...dy's book + ktawb heech shakhs — کتاب هیچ شخص | ۱۱

...you nobody's book + na dawr-eed shmaw ktawb heech shakhs raw — ندارید شما کتاب هیچ شخص را | ۱۲

...nobody's book ... dawr am ktawb heech shakhs raw — من ندارم کتاب هیچ شخص را | ۱۳

...r eed shmaw ktawb az heech shakhs — دارید شما کتاب از هیچ شخص | ۱۴

...ve somebody's book + man dawr-am ktawb az yek shakhs — من دارم کتاب از یک شخص | ۱۵

...you do / make + mee koon-eed shmaw — می کنید شما | ۱۶

...do / ...make + man mee koon-am — من می کنم | ۱۷

...you doing something ... koon-eed shmaw chih cheez ee } — چه چیز (۵۴) چه چیز می کنید شما — می کنید شما | ۱۸

...cheez mee koon-eed shmaw

...nothing + man heech na mee koon-am — من هیچ نمی کنم | ۱۹

...do + maw mee koon-eem — ما می کنیم | ۲۰

...do nothing + maw heech na mee koon-eem — ما هیچ نمی کنیم | ۲۱

...ur work — kar shmaw — کار شما | ۲۲

19

20

یکی از - شخص - هیچ یک

lesson nine-teen-th

ders nuvvaz dah-hoom نوزدهم

درس نوزدهم

page 73

1. ...n speak (with words) + harf mee zan-eed shmaw — حرف میزنید شما
2. ...eak — harf mee zan-am — من حرف میزنم
3. Italian — itali yen — ایتالین
4. name / noun — ism — اسم
5. already, yet + hanooz (or) al-an — هنوز (or) الان
6. ...ou already sleepy + shmaw hanooz khawb dawr-eed — شما هنوز خواب دارید
7. ...n already sleepy + man al'an khawb dawr-am — من الان خواب دارم
8. ...maw al'an fransawee harf mee zan-eed / ...already speak french — شما الان فرانسوی حرف میزنید
9. ...man harf mee zan-am al'an / ...lready speak it — من حرف میزنم الان
10. ...yet + na al'an + na hanooz — نه الان نه هنوز
11. ...nooz fransawee harf na mee zan am / ...not speak french yet — من هنوز فرانسوی حرف نمیزنم
12. ...harf na mee zan am dareen (with it) hanooz / ...ot speak it yet — من حرف نمیزنم در آن هنوز
13. ...n not hungry yet / man gurisna neest am hanooz — من گرسنه نیستم هنوز
14. ...lly — آسان
15. ...u buy + mee khar-eed shmaw — میخرید شما
16. ...buy + mee khar-am man — میخرم من
17. ...beef — goosht kaov namak een — گوشت گاو نمکین
18. ...ed beef " " — گوشت گاو پخته
19. ...beef — گوشت گاو [illegible]
20. ...tton / ...ep — گوسفند
21. ...you put / put on — میگذارید شما
22. ...ut — من میگذارم
23. ...re — atesh — آتش
24. ...feel — شما اسر میکنه — به شما اسر میکنه
25. ...l — من اسرد دارم — بمن اسر میکنه
26. ...low / ...rock — غروب — زرب
27. ...sun — آفتاب

…ay kih-raw mee choo-eed shman / …e dog seek (look for) you	سگ که را میجوید شما	٣
…one of whom, whose + een az kih	این از که	۴
…an az kih mee choo-eed shman / …hose seek (look for) you	این از که میجوید شما	٥
cry / yell	صدا	٦
…t secret　een rawz	این راز	٧
…you listen to + mee shenoo-eed shman	میشنوید شما	٨
…l listen + man mee shenoo-am	من میشنوم	٩
…mard-raw mee shenoo-eed / …n listening to that man	این مرد را میشنوید	١٠
oo-raw mee shenoo-eed / …n listening to him	او را میشنوید	١١
…sten to him + man mee shenoo-am oo-raw	میشنوم او را	١٢
…you find	جستید شما	١٣
…nd	می جستم	١۴
…ench language + fransees / frenchman	فرانسیز	١٥
…n study	فرا میگیرید شما	١٦
…tudy	می فرا گیرم	١٧
english / englishman　eengarees	انگریز	١٨
german　nimsa	نمسه	١٩
…ou go out　beeroon	برون میروید شما	٢٠
…w out	من برون میروم	٢١
…ay　eemrooz	امروز	٢٢
…, fresh　taza	تازه	٢٣
new horse　asp ee taza man	اسپ تازه من	٢۴
new dog　sag ee taza shman	سگ تازه شما	٢٥
new servant　naukar ee taza shman / man	نوکر تازه شما	٢٦
new friend + dost taza ee man	دوست تازه من	٢٧
…thing new + chih cheez-ee taza	چه چیز تازه	٢٨
…ectly　kemalan	کمالاً + کمالاً	٢٩
…rately　haqeeqan	حقیقتاً	٣٠
…en　akter aookat	اکثر اوقات	٣١

Les. 17 17 page 68

en-eed shmaw ktab-ee kih man me gur... ۱۲ می بیند شما کتابی که من میگیرم
, the book that I take ... ✗

the book which you take ۱۳ می بینم کتابی که شما گرفتید
mee been-am ktab-ee
h shmaw guruf-eed

ne which } een kih ۱۴ این که
which
t }

ou that which I take ۱۵ شما می بینید اینکه من دارم
aw mee been-eed een kih man dawr-am

that which you take ۱۶ می بینم اینکه شما دارید
been am een kih shmaw dawr-eed

I the word which you have ۱۷ دارم من انرا حرف که شما دارید
-am man ___ harf-ee
kih shmaw dawr-eed

have that which I have ۱۸ شما دارید انرا که من دارم
dawr-eed een raw kih man dawr am

page 69

now the man whom I see? ۱۹ شما می شناسید مرد را که من می بینم
w mee shenas-eed mard raw
kih man mee been am

m koodawn ۲۰ کدام

whom + een kih + een raw kih ۲۱ اینکه

o him whom you see ۲۲ من می شناسم انرا که شما می بینید
mee shenas-am een raw kih shmaw mee been eed

him whom you have ۲۳ من می بینم او را که شما دوست میدارید (2)
ee been am ooraw kih shmaw dost mee dawr eed

him whom I love ۲۴ می بینید او را که من دوست میدارم (1)
een eed ooraw kih dost mee dawr am

uncle + am man ۲۵ عموی من

you know mee dawn-eed shmaw ۲۶ میدانید شما

know man mee dawn am ۲۷ من میدانم

t accident een zarar ✗ ۲۸ این ضرر

d fish mahee murdah ۲۹ ماهی مرده

beef gosht gao kbāb 2 ۳۱ گوشت گاو کباب

, that which (ce qui) een kih ۳۲ اینکه

fish zsan... ✗ ۳۰ ماهی زنده

dawn-eed shmaw een kih dawr-am ۳۳ دانید شما اینکه دارم
you what I have

dawn-am een kih shmaw dawr-eed ۳۴ می دانم اینکه شما دارید
w what you have

n lend karz mee dahh-eed shmaw ۳۵ قرض میدهید شما
garz give

nd man garz mee dahh-am ۳۶ من قرض میدهم

18 page 71

esson eight een th
Ders hash(t) dah-hoom درس هژدهم

ose book katab az kih ۱ کتاب ازکه

ose dog Sag az kih ۲ سگ ازکه

17

magar?

18

Les. 16

16 p. 66

...e it all	می‌ها همه آنرا بیکرم	۲۵
...ou all the good sugar	بیکرید تا همه خوب شکررا	۲۶
...e all the good	می‌بیکرم همه آن خوب	۲۷
...ke all the bad	تا بیکرید همه آن بدرا	۲۸
... me all the ugly coffee	بمن بیدهید تا همه بد قهوه را	۲۹
... me all the ugly	بمن بیدهید تا همه آن بد	۳۰
...on it to me all	بمن بیدهید تا همه آن	۳۱
...e it to you all	می‌بیدهم تا همه	۳۲
...olip	لخچه	۳۳
...sock		۳۴
...de, commerce + toojaret	تجارت	۳۵
...garden + een bag	این باغ	۳۶
... gardener + een bagban	باغبان	۳۷
... sailor + een Khulasee	این خلاسی	۳۸
... net + een	این رشته	۳۹
... fisherman + een mā hee gar ... fish + een mā hee	این ماهی گر	۴۰

16

17

Lesson Seven teen th
Ders haf(t) dah-hoom } درس هفدهم

17 page 68

...n choose ... + گزیدن	انتخاب بیکنید تا	۱
...oose	انتخاب بیکنم می	۲
...altress	خلاسی	۳
...orsehair	مهتر	۴
... Soldier een ... سپاهی (sipahee) sepoy	این سرباز	۵
...Spaniard	اسپانیول	۶
...armer	مزدور	۷
...fish mā hee	ماهی	۸
...ch (rel.) chih or kih	چه or که	۹
...dawr-ead shmaw harf kih man dawr-am ...you the word that I have . . .	داریه تا حرف که من دارم	۱۰
...dawr-am harf awn kih shmaw dawr- ... the word which you have -eed	می‌دارم حرف آن که تا دارید	۱۱

17

Les. 15

15 p. 63

...taste	ما می چشیم	۴۴
...give + maw mee dihh-eem	ما می دهیم	۴۵
wish for / want / will have } + maw me khawhh-am	ما می خواهیم	۴۶

15

16

Lesson Six-teen-th } ders shanz dah hoom } درس شانزدهم

16

page 66

...eral Jackson	از سردار زاکسون	۱
...Capt. Milton	از سرهنگ ملطون	۲
Dr. Simpson	از حکیم سیمسون	۳
...poor John	از فقیر ژان	۴
...honest Michael	از سعادتمند میشیل	۵
King George	از شاه جورج	۶
...eorge the 3	از جورج سه	۷
...ilip the 4th	از فیلیپ چهار	۸
Jackson's horse	اسب از سردار زاکسون	۹
General Jackson's / the bread / ...of Genl Jackson	این از سردار زاکسون	۱۰
...the bread	همه نان	۱۱
...the money	همه پول	۱۲
...you all the money	دارم به تو همه پول	۱۳
...you it all	دارم به تو همه	۱۴
...ve it all	من آن همه دارم	۱۵
...ve not it all	من آن همه ندارم	۱۶
...d it all	دارم مگر آن همه	۱۷
...have it all	تو آن همه دارید	۱۸
...have it not all	تو آن همه را ندارید	۱۹
...we it all	داریم ما آن	۲۰
...have it all	ما داریم آن همه	۲۱
...it not all ... بولرا (۵۴) 2	میگیرد تو همه پول	۲۲
...e all the money ... 1	مگر داریم ما آن همه	۲۳
...ou take it all	میگیرد تو آن همه	۲۴

...cloth + mawhood-ee surkh — ۱۵ ماهود سرخ

...e cotton + pemba ee awbee ? — ۱۶ پنبه آبی

...h butter + — ۱۷ کره تازه

...h beef (meat & cow) + — ۱۸ گوشت گاو تازه

...h bread + nawn ee taza — ۱۹ نان تازه

...h cider — ۲۰ مرجومک تازه

...WE maw — ۲۱ ما

...ve we dawr-eem maw — ۲۲ داریم ما

...have maw dawr-eem — ۲۳ ما داریم

...ve we not maw na dawr-eem magar — ۲۴ ما نداریم مگر

...have not maw na dawr-eem — ۲۵ ما نداریم

...e we it / that Dawr-eem maw awn — ۲۶ داریم ما آن

...have it maw dawr-eem awn-raw — ۲۷ ما داریم آنرا

maw hag dawr-eem ya galat / ...ve right or wrong. — ۲۸ ما حق داریم یا غلط

maw / have neither right nor wrong — ۲۹ ما نه حق داریم و نه غلط

...horse asb maw / asb Khood — ۳۰ اسب ما

...e we our horse, dawr-eem maw Khood — ۳۱ داریم ما اسب خود

...his, ~~her~~, our, your &c khood خود ... according to context

...rs (our property) mal maw — ۳۲ مال ما

page 63

...see + maw mee been-eem — ۳۳ ما می‌بینیم

acquainted with / know / recognise } maw mee shinaws-eem — ۳۴ ما میشناسیم

...are looking for / seek + maw mee — ۳۵ ما میجوییم

...take + maw mee — ۳۶ ما میگیریم

...touch + maw mee — ۳۷ ما میخوریم

...hold + maw guruft dawr-eem — ۳۸ ما گرفته داریم

...love / like + maw dost mee dawr-eem — ۳۹ ما دوست میداریم

...lity + — ۴۰ ما گله میکنیم

...understand / hear + maw mee — ۴۱ ما میشنویم

...wait for / expect maw — ۴۲ ما انتظار داریم

...carry / wear maw — ۴۳ ما میبریم

۲۴ ...ve + man mee dihh-am — به شما می دهم

۲۵ ...t me + ma-raw awn (or) ba-man (52) — مرا آن بمن

۲۶ ...u give it to me + ba-man mee dehh-eed awn? — بمن می دهید آن

۲۷ ...t you + Shmaw-raw awn (or) awre-raw bah-shmaw — شما را آن + به شما

۲۸ ...it byou + man awn-raw bah-shmaw mee dihh-am — من آن را به شما می دهم

۲۹ ...not give it to me + ba-man na mee dihh-eed awn-raw — بمن نمی دهید آنرا

۳۰ ...not give it to you + man na mee dihh-am awn-raw bah shmaw — من نمی دهم آنرا به شما

۳۱ ...o us + maw-awn (or) bah maw + به ما (52) — ما آن

۳۲ ...give it to us + ba-maw mee dihh-eed shmaw awn-raw? — بما می دهید شما آنرا

۳۳ ...ou give it to us + ba-maw na-mee dihheed shmaw awn-raw? — بما نمی دهید شما آنرا

۳۴ ...hope + een ummeed — این امید

۳۵ ...sad hope + een ummeed gamnag — این امید غمناک

۳۶ ...oise — این قیل وقال

---

15 page 62

...ders panz dah-hoom درس پانزدهم

۱ ...eer garm + warm milk — شیر گرم

۲ ...ld coffee + qahhwa-ee — قهوهٔ تنده

۳ ...you drink / you drinking } + mee khoor-eed shmaw — می خورید شما

۴ ...drink / ...m drinking } + man mee khoor-am — من میخورم

۵ ...th + — خاکشو

۶ ... + hama — همه

۷ ...t cloud hama-ee garm — همه گرم

۸ ...t ford hama-ee — همه تنده

۹ ...new coat / fresh rakhht-ee taza — رخت تازه

۱۰ ...coat quite new rakht-ee hama-ee taza — رخت همه تازه

۱۱ ...white hat + kalaw-ee sufeed — کلاه سفید

۱۲ ...black handkerchief + roomal-ee siyahh سیاه — رومال سیه

۱۳ ...physician + tubbeeb — طبیب

۱۴ ...umbrella + saeebān, a shade (chātr چتر چتر) — سایبان

Les 13 | 13 | page 58

...I don't hear, understand	نمی شنوم	۳۴
...well (adv.)	خوب	۳۵
...understand me well? hear	مرا خوب می شنوید	۳۶
...derstand you well. hear	من شما را خوب می شنوم	۳۷

...ders chahar dah-hoom | درس چهاردهم | 14 | page 60

...something, anything + chih cheez (what thing)	چیز	۱
...you anything + chih cheez dawr-eed shmaw	چیز دارید شما	۲
...e. something + man chih cheez dawr-am	من چیز دارم	۳
...I anything + chih cheez mee dawr-am	چیز دارم من	۴
...have something + shmaw chih cheez mee dawr-eed	شما چیز دارید	۵
...ing / ...anything + na (not) + hi-ch (any / some)	نه هیچ	۶
...e you nothing + na dawr-eed shmaw heech	ندارید شما هیچ	۷
...ve nothing + man na dawr-am heech	من ندارم هیچ	۸
...have I nothing + na dawr-am heech	ندارم هیچ	۹
...have nothing + shmaw na dawr-eed heech	شما ندارید هیچ	۱۰
...see nothing? shmaw na-mee been-eed heech?	شما نمی بینید هیچ	۱۱
...you something? mee been-eed shmaw chih cheez	می بینید شما چیز	۱۲
...see something + man mee been-am chih cheez +	من می بینم چیز	۱۳
...ee nothing + man heech na mee been-am	هیچ نمی بینم	۱۴
...n wait for / expect +	می شنوید شما	۱۵
...wait for / waiting for +	می شنوم	۱۶
...e not waiting for +	من می شنوم	۱۷
...e something good + man chih cheez mee dawr-am khoob	من چیز دارم خوب	۱۸
...nothing pretty + man heech dawr-am az khoob	من هیچ دارم از خوب	۱۹
...see you handsome + chih mee been-eed shmaw az khoob	چه می بینید شما از خوب	۲۰
...have you pretty + chih dawr-eed shmaw az muqbool	چه دارید شما از مقبول	۲۱
...t have I bad + chih dawr-am man az bad	چه دارم من از بد	۲۲
...you give + mee dihh-eed shmaw?	می دهید شما	۲۳

donkey ٣ الاغ

carpenter ۴ نجار

time ۵ وقت

oak ٦ زنجیر

you carry / wear ٧ می‌برید ت

carry ٨ می‌برم من

don't carry ٩ من نمی‌برم

bad man + mard-ee bad — ١٠ مرد بد

that animal + een heewān — ١١ این حیوان

glass ١٢ شیشه ، (52) پیاله sheesheh

me (obj. case) ma-raw ١٣ مرا

you see me + ma-raw mee shmaw + ١۴ مرا می‌بینید ت

" know " + ١۵ مرا می‌شناسید ت

" seek " + / you looking for me ١٦ مرا می‌جویید ت

you love me ١٧ مرا دوست میدارید ت

you (obj. case) shmaw-raw ١٨ شما را

see you + man shmaw-raw mee ١٩ من شما را می‌بینم

know you ٢٠ من شما را میشناسم

am looking for / seek you ٢١ من شما را می‌جویم

love you ٢٢ من شما را دوست میدارم

don't see me? ٢٣ مرا نمی‌بینید ت

don't see you ٢۴ من شما را نمی‌بینم

us (obj. case) + maw-raw ٢۵ ما را

see us? ٢٦ ما را می‌بینید ت

see you ٢٧ من شما را می‌بینم

pity us? ٢٨ ما را حیف نمی‌داری

don't pity you ٢٩ من حیف ندارم شما را

don't love us? ٣٠ ما را دوست نمی‌دارید ت

don't like / love you ٣١ من شما را دوست نمی‌دارم

you understand / hear + mee shenoo-eed shmaw + ٣٢ می‌شنوید ت

understand / hear + mee shenoo-am man. ٣٣ می‌شنوم من

Les. 1st p.56 — 12 — p.56

...t Peter	۱۴	پاپ بر حاذق
... Philip	۱۵	فیلیپ خوب
...llent Fenelon	۱۶	فنلون با لطف
...lip the 2d	۱۷	فیلیپ دوم
...ge the 3d	۱۸	جورج سیم
...ry " 4th	۱۹	هنری چهارم
...rles " 5th	۲۰	شارل پنجم
...lliam " 6th	۲۱	گویلام ششم
...dinand " 7th	۲۲	فردینه هفتم
...lip " 1st	۲۳	فیلیپ اول
... you pity	۲۴	نه شکایت دارید
...pity	۲۵	ای مشکل میکشم
... canoe, small boat	۲۶	غایق
...ad	۲۷	سپله کولی
...on candlestick	۲۸	شمعدان تا
...mill	۲۹	آسیاب
...ewter	۳۰	
... countryman, peasant	۳۱	این دهقان
...Genl Washn	۳۲	از سردار واشنگتن
...l Washn's horse	۳۳	اسب سردار واشنگتون
...'s Canon's gun	۳۴	تفنگ سربنیک کانن
...George's servant	۳۵	نوکر حکیم جورج
...g George's hat	۳۶	کلاه سلطان جورج
...rge the 4th's hat	۳۷	کلاه جورج چهارم
...od John's dog (ژان John Jean)	۳۸	سگ جان خوب (John)

...ders sizdah-hoom — 13 — page 58

...teenth lesson — درس سیزدهم

... morning air	۱	هوای صبح
...e work	۲	کار

Les. 11. page 53 — 11

...om there of / ...of the friend	26 ~~۲۶~~ از دوست
...om / ...of the bird	۲۷ از پرنده 27 ‎٥٥ از مرغ
...om / ...of the neighbor	۲۸ از همسایه 28
page 54	
the one / ...of my friend	۲۹ این از دوست من 29
...e one / ...your friend	۳۰ این از دوست تو 30
that / ...one of this baker?	۳۱ این از این رختشور 31
...at of what baker?	۳۲ این از کدام رختشور 32
...hat of the baker	۳۳ این از رختشور 33
...at of the old baker	۳۴ این از رختشور کهن 34 (٥٦) قدیم
...s honest man	۳۵ این مرد سعادت 35
...s poor man	۳۶ این مرد فقیر 36
...beautiful horse	۳۷ این اسب نادر 37
that / ...one of the stranger	۳۸ این از غریب 38
that / ...one of the scholar	۳۹ این از شاگرد 39

12

...ders doowazdah-hoom

...elfth Lesson

درس دوازدهم (page 55)

...ou taste	۱ تا می چاشنید
...ste	۲ نمی چاشنیم
...ou taste ~~it~~	۳ شما چاشنیدید
...on't taste it	۴ نمی چاشنیم آن
...eral Jackson	۵ سردار ژاکسون
...plain Canon	۶ سرتیپ کانون
...ct. Chevan	۷ سلطان شیواو
...ce Neez	۸ شاهزاده نیز
...ng George	۹ پادشاه جورج
...doctor	۱۰ حکیم
...emperor	۱۱ امپراطور
...corporal	۱۲ نایب
...oor John	۱۳ فقیر جان

11

12

Lei 10

15

here اینجا awn jaw ۲۹ اینجا

ders yazdah-hoom 11 (page 53)

Eleventh lesson درس یازدهم

- relation — ۱ خویش ما
- bear — ۲ این خرس
- other dog — ۳ سگ دیگر
- other one — ۴ دیگر
- other small dog — ۵ سگ کوچک دیگر
- ~~other~~ small one — ۶ دیگر کوچک (54) خرد
- same ~~man~~ — ۷ آن خود آدم
- same one — ۸ آن خود
- lieutenant — ۹ سلطان
- king — ۱۰ پادشاه (54) سلطان
- prince — ۱۱ شاهزادا
- dog of my friend / friends' dog — ۱۲ سگ دوست من
- dog of your friend — ۱۳ سگ دوست تو
- dog of what baker — ۱۴ سگ کدام یک خبّاز
- dog of this baker — ۱۵ سگ این خبّاز
- knife of this cook — ۱۶ کارد این آشپاز
- knife of this old cook — ۱۷ کارد این آشپاز کهن
- old knife of this cook — ۱۸ کارد کهنی این آشپاز
- old knife of this old cook — ۱۹ کارد کهنی این آشپاز کهن
- thimble of gold of this tailor — ۲۰ انگشتانه طلای این خیاط
- fine horse of this general — ۲۱ اسب خوب این سردار
- (or) of (from there of) — ۲۲ از
- the baker — ۲۳ از خبّاز
- the cook — ۲۴ از آشپاز
- the man — ۲۵ از آدم
- the friend — ۲۶ از دوست

11

Les 10

Tenth lesson — ders dah-hoom — درس دهم

page 57

10

1 ...u like + dost mee dawr-eed shmaw — ۱ دوست میدارید شما

2 ...ike + man dost dawr-am — ۲ من دوست دارم

3 ...o not like? dost na-mee dawr-eed shmaw — ۳ دوست نمیدارید شما

4 ...o not like + dost na-mee dawr-am man — ۴ دوست نمیدارم من

5 ...you like him + u-raw dost mee-dawr-eed shmaw — ۵ اورا دوست میدارید شما

6 ...like him + man dost dawr-am u-raw — ۶ من دوست دارم اورا

7 ...don't like him + shmaw dost na-mee dawr-eed u-raw — ۷ شما دوست نمیدارید اورا

8 ...on't like him + man dost na-mee dawr-am u-raw — ۸ من دوست نمیدارم اورا

...gar	shakar	شکر	۹
...ad	nawn	نان	۱۰
...ter (rawgan روغن)	4/7	کره	۱۱
...	prinj	برنج	۱۲
...el	poolawd	پولاد	۱۳
...cider		[illegible] | [illegible]	۱۴
...epper	feel feel	فیل فیل	۱۵
...vory	awj	آج	۱۶
...lvet (مخمل makhmal / makh mal)		مخمل	۱۷
...ir	ha wā	هوا	۱۸
...ur lodgings		اوتاق شما	۱۹
...t instrument	een alat	این آلات	۲۰
...t tune / air	een ha-va	این هوا	۲۱
handkerchief / face-wiper	roo-mawl man	رومال من	۲۲
...morning (صباح)	een sabāh	این صبح	۲۳
...e morning	sabāh	صبح	۲۴
...evening (شب shab)	een shawm	این شام	۲۵
...the evening	een shawm	شام	۲۶
...excellent cloth / Superior	een mawhood-e 'aala	این ماهود اعلا	۲۷
...e General	een serdawr	این سردار	۲۸
29 here	awn jaw	آنجا	۲۹

10

امروز this day
امشب this night
امسال this year
etc

10

this hair	24	این موی	۲۴
do you hold	25	بگیری تو	۲۵
I hold	ن دارم 52 26	میگرفتم	۲۶
I do not hold	ن ندارم 52 27	نگرفتم	۲۷
from az	28	از	۲۸
a nail of iron 38	29	میخ از رویین	۲۹
my leather shoe چرم	از چرم 30 ازاو	کفش پاک من	۳۰
your silver pencil 90	az nuqrah نقره 31	قلم تو از نقره	۳۱
this gold thimble	32	این انگشتهٔ طلا	۳۲
this little thimble of gold	33	این انگشتهٔ کوچک از طلا	۳۳
the vest of cloth	34	این ارخالق ماهوت	۳۴
the old stocking of thread	35	جوراب کهنه از رشتین	۳۵
my handsome iron (brass) bellows	36	سیلیه خوب آهنی از من	۳۶
that one	37	این	۳۷
the one of iron 39	38	این از رویین	۳۸
the leather one chorm 30	چرم cherm 39	این از چرم	۳۹
the silver one	een az nuqrah 40 نقره	این از نقره	۴۰
the gold one	41	این از طلا	۴۱
the cloth one	42	این از ماهوت	۴۲
the thread one	43	این از رشتین	۴۳
this shoemaker	44	کفش گر	۴۴
your hammer	45	چاکوچ تو	۴۵
this hammer	46	ابزار تو	۴۶
the magazine store	47	انبار	۴۷
this box	48	لجک	۴۸
this pasteboard	49	مقوه	۴۹

een meekh az aahan or ruyin

5/8 Kefsh mane man az charm
shoe mine

3/24

ruyin

kafsh gar 3/8 کفاش kafaash

Les. 8 p.46

No ۳۰ & ۴۱ omitted as the adj.s in Pers are [illegible] without the word one

8

42–45

English	Persian	No.
kitawb dawreed Shumaw … book have you	چه کتاب داریه تُه	۴۲
have the good one, man dawram Khūb	من دارم خوب	۴۳
this cook — een awsh paz	این آشپاز	۴۴
which pantaloons Cheh shalwawr	چه شلوار	۴۵

8

9

…ers nuh-oom

Ninth lesson p. 48

درس نهم

9 (page 48)

English	Persian		Persian	No.
… do you touch 1.	می خوریه … 1	1	می خوریه تُه	۱
I touch 2.	من می خورم … 2	۲	من می خورم	۲
… the salad-dish 3.	کاهودان … 3	۳	کاهودان	۳
I do not touch 4	من نمی خورم … 4	۴	من نمی خورم	۴
… it 5	5.	۵	آن	۵
… have you it 6	داریه تُه آن ۶	۶	داریه تُه آن	۶
I have it 7	دارم آن 7	۷	من دارم آن	۷
… have you it not 8	آن نداریه تُه … 8	۸	ندارم تُه آن	۸
… I have it not 9	من آنرا ندارم ۹	۹	من ندارم آن	۹
… have I it 10	دارم آن … 10	۱۰	نگر دارم	۱۰
… you have it 11	تُه داریه آن … 11	۱۱	تُه داریه آن	۱۱
… have I it not 12	من ندارم آنرا مگر	۱۲	مگر ندارم من	۱۲
… you have it not 13	تُه نداریه آنرا … 13	۱۳	تُه نداریه	۱۳
… do you know it (him) 14 (page 49)	14. تُه شناسیه آنرا	۱۴	تُه بشناسیه آن	۱۴
I know it 15	من شناسم آن 15	۱۵	من بشناسم آن	۱۵
… do you see it 16	می بینیه تُه آن 16.	۱۶	تُه می بینیه آن	۱۶
I do not see it 17	من نمی بینم آن 17.	۱۷	من نمی بینم آن	۱۷
… do you touch it 18	تُه می خوریه آن 18.	۱۸	تُه می خوریه آن	۱۸
I touch it 19	من آن را خوردم ۱۹	۱۹	من خوردم آن	۱۹
… do you not seek 20	تُه آن را نمی جوییه ۲۰	۲۰	تُه او را نمی جوییه	۲۰
I do not seek it 21.	من نمی جویم آنرا 21	۲۱	من نمی جویم آن	۲۱
… do you take it 22.	میگیریه تُه … 22	۲۲	تُه میگیریه آن	۲۲
I take it 23	23 من آن میگیرم	۲۳	من میگیرم آن	۲۳

9

9 sheet duplicate

Eighth lesson (p. 46) — ders hasht-am — درس هشتم

(page 46) Les 8

No.	English	Transliteration	Persian	No.
1	but (ne — que) (only)	na | chih	نه | چه	١
2	have you but this coat?	na dawreed shmaw kih een rakht	نه دارید شما که این رخت	٢
3	I have but this coat	man na dawram kih een rakht — or chih een rakht / ghair na-dawram	من ندارم که این رخت — (or) جز این رخت غیر ندارم	٣
4	have I but this nail	na dawram magar een meekh	ندارم مگر این میخ	٤
5	you have but that nail	shmaw na dawreed kih een meekh	شما ندارید که این میخ	٥
6	do you see but this tree?	na mee … shmaw kih een darakht / ghair az een darakht na mee	نمی بینید شما که این درخت — (or) غیر از این درخت نمی بینید	٦
7	I see but this tree	man na mee kih een darakht	من نمی بینم که این درخت	٧
8	this glove	een dastana	این دستانه	٨
9	that glove	een dastana een	این دستانه این	٩
10	this little glove	een dastana koochook	این دستانه کوچک	١٠
11	that little glove	een koochook dastana een	این کوچک دستانه این	١١
12	this one	een	این	١٢
13	that one	een awn	این آن	١٣
14	have you this glove or that glove	dawreed shmaw een dastawna ya een dastawna	دارید شما این دستانه یا آن دستانه	١٤
15	I have neither this one nor that one	man na dawram, na een, wa na een	من ندارم نه این و نه آن	١٥
16	have I this one (nail) or that one	magar dawrem man een meekh ya een	مگر دارم من این یا آن	١٦
17	you have neither this one nor that one	shmaw na dawreed na een, wa na een	شما ندارید نه این و نه آن	١٧
18	do you see this tree or that one	mee shmaw een darakht ya een	می بینید شما این درخت یا آن	١٨
19	I see neither this one nor that one	man na-mee na een wa na een	من نمی بینم نه این و نه آن	١٩
20	this Capt. (de l'armée) (d'un batiment)	surhung; een nawkhoda	این ناخدا — سرهنگ	٢٠
21	this miller	asyaban	آسیابان	٢١
22	your servant	naukar shmaw; khidmatgar shmaw; your humble servant (=) bendah	نوکر شما — خدمتکار شما	٢٢
23	do you take	mee geereed shmaw	میگیرید شما	٢٣
24	I take	man me geeram	من میگیرم	٢٤
25	I do not take	man na mee geeram	من نمی گیرم	٢٥
26	the blacksmith	ahangar	این آهنگر	٢٦
27	this hole	sorrakh een	این سوراخ	٢٧
28	this nose	een demag | een beenee	این بینی — این دماغ	٢٨
29	my penknife	29	چاقوی من	٢٩

8 / 1–29 reproduced

Les 8 duplicate in part

Adjectives in English are made concrete by the addition of a suitable noun such as one, thing, person, man etc., but in Persian the simple adjective is sufficient to express the concrete idea, so

these numbers are therefore omitted as being the mere adjectives which have been already given

30–41

vide last leaf

es. 7 p. 44

۲۷ this apron — این پیش بند 27
۲۸ this basket — این بشقاب 28
۲۹ this paper — این کاغذ 29

8th Lesson p. 46

Les 8 1-41

th Lesson p. 46. درس هشتم ders hasht-am (page 46)

(ne — que) na / chih	1	نه / چه	1.1
ve you but this coat — na dawreed shmaw kih een rakht	2	ندارید شما که این رخت	1.2
have but this coat — man na dawram " " "	3	من ندارم که این رخت	3.3
ve I but this nail — na dawram magar een meekh	4	ندارم مگر این میخ	4.4
ou have but this nail — shmaw na dawreed kih een meekh	5	شما ندارید که این میخ	5.5
you see but this tree — shmaw na mee (bee)ne	6	شما نمی بینید که این درخت	6.6
see but this tree — man na mee .... kih een darakht	7	من نمی بینم که این درخت	7.7
8 this glove — eendastana	8	این دستانه	8.8
9 that glove — een dastana een	9	این دستانه این	9.9
10 this little glove — een dastana koochook	10	این دستانه کوچک	10.10
11 that little glove — een koochook dastana een	11	این کوچک دستانه این	11.11
12 this one — een	12	این یه	12.12
13 that one — een een	13	این این	13.13
ve you this glove or that glove	14	دارید شما این دستانه یا آن دستانه	14.14
have neither this one nor that one	15	من ندارم نه این و نه آن	15.15
have ~~...~~ this one (nail) or that one	16	دارم مگر این میخ یا آن	16.16
have neither this one nor that one	17	شما ندارید نه این و نه آن	17.17
you see this tree or that one	18	میبینید شما این درخت یا آن	18.18
see neither this one nor that one	19	من نمی بینم نه این و نه آن	19.19
s Cap.t (navy) 1, nakhoda. (army) 2, surhung	20	این ناخدا / این سرهنگ	20.20
is miller — asyaban	21	آسیابان	21.21
our servant, naukar shmaw + khidmetgar shmaw	22	نوکر شما — خدمتگار شما	22.22
o you take — mee-geereed shmaw	23	میگیرید شما	23.23
I take 24 — man mee geeram	24	من میگیرم	24.24
I do not take 25 — man na mee geeram	25	من نمیگیرم	25.25
the blacksmith 26 — awhangar	26	آهنگر	26.26
this hole 27 — een ...	27	این سوراخ	27.27
this nose 28 — een beenee / een damaug	28	این بینی / این دماغ	28.28
my penknife 29	29	چاقو من	29.29
good one 30 — Khob	30	خوب	30.30
good one 31 — Khob man	31	خوب من	31.31
good one 32 — Khob shmaw	32	خوب شما	32.32
ad one 33 — bad	33	بد	33.33
retty one 34 — magbool + zibā	34	مقبول + زیبا	34.34
h pretty one 35 — chih zibā	35	چه زیبا	35.35
ugly one 36 — een zisht	36	این زشت	36.36
Old ~~...~~ one 37 — een ... / een peer	37	این کهن / این پیر	37.37
handsome one 38 — Khōsh	38	خوش	38.38
~~...~~ big one (gros) 39 — Old kilan	39	کلان	39.39
young one — jawan	40	جوان	40.40
big one (grand) 41 — buzurg	41	بزرگ	41.41

...venth lesson   ders haft-am   درس هفتم

... ugly dog	1. een sag na-maqbool	1.	این سگ نامقبول	۱
... cat	2 een goorba	2	این گربه	۲
... man	3 een mard	3	این مرد	۳
... you know	4 mee sheenaws-ee shmaw	4	می شناسی ...	۴
... know	5 me sheenaws-am man	5	می شناسم من	۵
... do not know ~~gentleman~~	6 man na-mee sheenaws-am	6	من نمی شناسم	۶
... this gent[n]	7 een sawhib	7	این صاحب	۷
~~do you see~~	8 kuddawm ~~raw~~	8	کدام را	۸
... do you see	9 kuddawm ra mee-been-eed shmaw	9	کدام را می بینید ...	۹
... do you know	10 kuddawm mee-sheenaws-eed shmaw	10	کدام می شناسید ...	۱۰
... you seek	11 mee-joo-eed shmaw	11	می جوید ...	۱۱
seek / ~~you not seek~~	12 ~~man~~ mee-joo-eem	12	می جویم	۱۲
... do you not seek	13 na-mee-joo-eed shmaw	13	نمی جوید ...	۱۳
... do not seek	14 man na mee joo-eem	14	من نمی جویم	۱۴
... do you seek	15 chih mee joo-eed shmaw		چه می جوید ...	۱۵
... duck	16 een	16	این اردک	۱۶
... broom	17 jawroob ~~mar~~	17	جاروب را	۱۷
... baker	18 een	18	این رخت ...	۱۸
... best bed	19 rahht-ee-khab bih	19.	رخت خواب به	۱۹
... cork stopper	sidad 20 een	20	این قاب	۲۰
... cheese	21 een peineer	21	این پنیر	۲۱
... bonnet	22 een koola (persian cap)	22	این کلاه	۲۲
... tailor	23 een khawyat	23	این خایط	۲۳
... young tailor	24. een khawyat jawan	24	این خایط جوان	۲۴
... vest	25 een	25	این ارخالق	۲۵
~~spoon~~ coffee	26 een qahwè	26	این قهوه	۲۶

۲۷ this spoon این قفس 27

۲۸ this basket این بوشقاب 28

۲۹ this paper این کاغذ 29

Khob dawram man

Khob man raw mee awyad

...sleepy 3/30 — خواب مرا می‌آید (or) 16 خواب دارم من | ۱۶

man khob na dawram

...not sleepy — خواب من نمی‌آید (or) 17 من خواب ندارم | ۱۷

Khob man na-mee awyad

...sugar — shakar man . . . 18 . . . شکر من | ۱۸

...I right — haq dawram man 19 حق دارم من | ۱۹

...are right — shmaw haq dawreed 20 شما حق دارید | ۲۰

...are not right — shmaw na dawreed 21 شما حق ندارید | ۲۱

...I wrong — man raw galat awft p. 42 22 مرا غلط افتاد | ۲۲

...are wrong — galat awft shmaw raw 23 غلط افتاد شما را | ۲۳

...are not wrong galat neest shmaw raw — 24 غلط نیست شما را | ۲۴

...are neither wrong nor right ...akhelf ast shmaw raw, na galat 25 نه حق است شما را نه غلط | ۲۵

...neither wrong nor right ...man na haq dawram, na galat 26 من نه حق دارم نه غلط | ۲۶

...y cotton 27 pamba man — 27 پنبهٔ من | ۲۷

...onion 28 peeyāz shmaw — 28 × پیاز شما | ۲۸

...my book 29 kittawb man — 29 کتاب من | ۲۹

...carpet[30] — farsh (or) galy 30 قالی (or) فرش | ۳۰

...prayer-carpet or rug = sejádeh

...s 31 — een — 31 این | ۳۱

...s dog 32 — een sag — 32 این سگ | ۳۲

...s bread 33 een nawn — 33 این نان | ۳۳

...s tree 34 een darrakht — 34 این درخت | ۳۴

...s bird 35 een murg — — 35 این مرغ | ۳۵

...s wall 36 een deewar — 36 این دیوار | ۳۶

... crown 37 [illegible] = [illegible] 37 این اشرفی (or) این تاج [illegible] | ۳۷

... copper 38 miss مس (een awhan / this iron) 38 این آهن | ۳۸

... brass 38 or bronze — برنز birinză | ۳۸

... bellows 39 39 این سیلی | ۳۹

= [illegible]

copper [illegible]

Les. 5 (p. 39)

Les. 5

33 …are you afraid 33 Shmaw ters dawreed 33 5 شما ترس دارید ۳۳

34 …n afraid 34 {man ters dawram (or) mi-ters-am} من ترس دارم 34 (or) میترسم ۳۴

35 …not afraid 35 {man ters na dawreed (or) na-mee-ters-am} من ترس ندارم 35 (or) نمیترسم ۳۵

36 …ashamed 36 magar sharm dawreed 36 مگر شرم دارم ۳۶

37 …e ashamed 37 Shmaw sharm dawreed 37 شما شرم دارید ۳۷

38 …e not ashamed 38 Shmaw sharm na dawreed 38 شما شرم ندارید ۳۸

39 …; 39 ya 39 ya یا ۳۹

40 …you hungry or thirsty 40 dawreed shmaw gursnaghi ya tishnaghi 40 دارید شما گرسنگی یا تشنگی ۴۰

41 …warm or cold. 41 magar mawraw ya karmaw. 41 41 مگر [illegible] است یا گرما ۴۱

42 …on your glove or mine 42 …eed Shmaw dastanee khōd, ya mal man 42 دارید شما دستانی خود یا مال من ۴۲

43 …yours or mine 43 …r dawram man, mal shmaw, ya mal man 43 مگر دارم من مال شما یا مال من ۴۳

5

Les. 6

6

…th lesson ders shesh-oom 6 (page 41) درس ششوم

6

1 …you see, 1. mee been-eed shmaw 1. میبینید شما ۱

2 …see, 2. man mee been-am 2. من میبینم ۲

3 …not see 3. man na-mee been-am 3. من نمیبینم ۳

4 …ou not see 4. Shmaw na-mee been-eed 4 شما نمیبینید ۴

5 …either …, see the cat nor the rat, 5. na-mee been-eed shmaw na goorba wa na moosh 5. wa na moosh نمیبینید شما نه گربه و نه موش ۵

6 …neither the cat nor the rat, 6. …na-mee been-am na goorba wa na moosh 6. من نمیبینم نه گربه و نه موش ۶

7 …at kuddawm (which) or (chih (what)) 7. چه (or) kuddawm 7. کدام ۷

8 …t do you see – chih mee been-eed shmaw 8. چه میبینید شما ۸

9 …t have you – chih dawreed shmaw 9. چه دارید شما ۹

10 …t have I – chih dawram man 10. چه دارم من ۱۰

11 …stick my staff chōb man / chōq man 11. چوب من (or) چوق من ۱۱

12 …long staff – chōb darrawz 12 چوب دراز ۱۲

13 …ribbon – 13 کدام سنگ (or) کدام [illegible] ۱۳

14 …at bird. kuddawm paranda / murg 14 کدام پرنده (or) کدام مرغ ۱۴

15 khōb dawreed shmaw / you sleepy / Khob shmaw mee awyad 15 خواب دارید شما (or) خواب شما میآید ۱۵

…hungry … sleepy … you … coming

6

6 which one have you, kuddawm dawreed shumaw 6. کدام داريد شما

7 which receipt 7. Kuddawm raseeda 7 کدام رسیده

8 which shoe 8. Kuddawm kafsh 8 کدام کفش

9 which horse 9 kuddawm asp. 9 کدام اسب

10 which button 10 kuddawm [illegible] (or) band بند (or) 10 کدام دوکمه

11 which knife 11 [p. 39] kuddawm kard 11 کدام کارد

12 your hat / cap 12 kulah shmaw 12 کلاه شما

13 I warm — garmee / daram man / magar — (or) 13 گرم است مرا — مرا گرمی دارم

14 are warm — garmee / dawreed shmaw — (or) 14 گرمی است شما را — گرمی دارید شما

15 are not warm — garmee na-dawreed shmaw 15 گرمی ندارید شما

16 warm-ast marran / I cold (or) — (or) 16 سرمات مرا — تندهات مرا

17 are not cold — neest shumaraw 18 تند نیست شما را

18 am not cold / magar — ast marraw (or) — مرا تنده است

17 are cold 17 sarm-ast shumaw raw (سرمات شما را)

19 neither 19 — 19 na — نه

20 nor 20 — 20 na — نه

21 -dareed shmaw na sarm… / you neither warm nor cold 21 — ندارید شما نه سرما و نه گرمی

22 na-darram man na karm wa na sarma. — (or) 22 — مرا گرمی و نه سردی نیست / neither cold … karm wa na sardee — ندارم من نه گرمی و نه سرما

23 neither … man darram na karnaghee wa tishnaghee 23 — نه ندارم نه گرسنگی و تشنگی

24 you neither … nor the beef — na dawreed shmaw na nawn wa na goosht gao 24 — ندارید شما نه نان و نه گوشت گاو

25 — (or) 25 — ندارید شما نه نان خوب و نه نان بد — you neither the good bread … the bad bread

26 we neither the bread nor the beef 26 — na dawram na nawn, na goosht gao — من ندارم نه نان و نه گوشت گاو

27 we neither the good bread nor the bad bread 27 — na dawram, na nawn khob, wa na bad … — نه ندارم نه نان خوب و نه بد

28 I neither your knife nor mine 28 — na dawram na kawrd shmaw wa na mal man — من ندارم نه کارد شما و نه مال من

29 I neither yours nor mine 29 — na dawram, na mal shmaw, na mal man — من ندارم نه مال شما نه مال من

30 have neither my knife nor yours 30 — na-dawreed na kawrd khod wa az man — شما ندارید نه کارد خود و از من

31 have neither mine nor yours 31 — … na dawreed, na mal sham, wa na mal khod — شما ندارید نه مال من و نه مال خود

32 big horse 32 asp buzurg / kalawn — اسب بزرگ / کلان

garm ۱۳ گرم 13 warm

sard ۱۴ سرد cold

Les. 4 36 hungry

I am hungry. 9. man gursna hast-am 9. من گرسنه هستم

you not hungry. 10. Shumman gursna nast-eed 10. شما گرسنه نیست یه

not hungry 11. man gursna nist-am 11. من گرسنه نیستم

you thirsty 12. tishghi dawreed (thirst) ; tishna nast-eed (thirsty) 12. تشنگی دارید (52) تشنه نیست یه

thirsty 13. tishna hast-am ... (13) تشنه هستم

you not thirsty 14. Shumman tishghi na-dawreed 14. شما تشنگی ندارید

not thirsty 15. man tishghi na-darram 15. من تشنگی ندارم

cabbage kallam کلم 16 (turnip shelgawm 16 شلغم

grain (piece) 17 . . . . dawna 17. دانه

bed 18 rakht-ee khawb Shumman 18 (bistar, farsh) رخت خواب شما

tea 19 . . . . chái . 19. چای

with you have 20 میخواهید شما mee-khawheed shumman 20. میخواهید شما

you have your gun 21 mee-khawh-eed tufenk shumman raw 21. میخواهید تفنگ شما را

please 22 agar shmaw raw (mee khawhid) 22. اگر شما را مرضی است

sir 23 balee sawhib . . . 23. بلی صاحب

sir, if you please 24 balee sawhib agar shmaw raw 24 بلی صاحب اگر شما را مرضی باشد

thank you 25 man az shomaw khōsh mee-bawsh-am 25. من از شما خوش حال میباشم

sir 26 na sawhib . . . . . 26. نه صاحب

I thank you (I from you, obliged am) sahib, az shoomaw memnoon mee bawsh-am 27 ممنون میباشم 27. نه صاحب من از شما ممنون میباشم

last word 28 harf akhree 28. حرف آخری

soap 29 sawboon 29 صابون

4

Less. 5 5

5

5th Lesson (p. 38) ders panj-oom درس پنجم 38

have I 1 dawram man 1 دارم من

you have 2 dawreed shumman 2 دارید شما

have not 3 na dawreed shumman 3 ندارید شما

which one 4 kuddawm 4 کدام

which bag have I. 5. chih sabbat darram man 5. چه سبد دارم من

5

9 [illegible]

12 Kunst

[illegible]

Les. 3 cont. 34

15 handsome cloth – mawhood khoob 15 ماهود خوب

16 fine fruit – meewah khoob 16 میوه خوب

17 tree — derrakht 17 درخت

18 handsome, acceptable — magbool 18 مقبول

19 the fine tree 19

20 Coat قبا l'habit qabaw (coat) rakht (dress) 20 رخت

21 the fine coat le bel habit rakht magbool 21 رخت مقبول

22 egg خایه khaya بیضه baizat ? 22 انده

handsome egg 23 خوب انده عین

nugra or silver = silver ...

(pool ... nagd) .. ready money) money = پول (money) 24 نقره (silver)

the handsome silver 25 نقره خوب نقره باک

eye 'ain 26 عین

handsome eye 'ain khoob 27 عین خوب (or) خوب عین khoob-ee 'ain

gold زر zar (or) gold = tilaw 28 طلا

the fine gold tillaw-ee khoob 29 طلای خوب

have you sleep khab dawreed shumman 30 خواب داری شما

sleep have I = I am sleepy khawb dawram man 31 خواب دارم من 6/15

khawb shumman ... mee ayad you not sleepy 32 خواب نداری (or) خواب شما نمی آید khawb na dawreed shu...

I am not sleepy khawb man na-mee awyad (see 6/15) 33 خواب ندارم (or) خواب من نمی آید khawb na darram

3

Fourth lesson. p. 36 ders chahaw rum درس چهارم (page 36)

4

1st word (one yak یک) 1 harf evvel حرف اول ۱

2 " (two dwo دو) 2 harf dooweem 2 حرف دوم ۲

3 " (three sih سه) 3 harf seewum 3 حرف سیوم ۳

4th " (four cha hawr چهار) 4 harf chahaw rum 4 حرف چهارم ۴

iron 5 awhan 5 آهن ۵

which gun 6 kuddawm tufang 6 کدام تفنگ ۶

butter (liquid) روغن raughan 7 = ... 7 کره ۷

are you hungry 8 hungry gursnagi dawreed shoomaw 8 گرسنه دارید شما ۸

money ... Money 3/4 ... p. 20

eye (or mirror) ... or best, handsome

3

4

4

20 jacket = half body (coat) [illegible] [illegible] [illegible]

with [illegible]

30 Sleeps

Les. 2 cont^d 32 — 2 — Les 2

bad cloth	3 mawhoot-e-bad / mawhood debbad	ماهود بد	۳
wood	4 hay zoom (hē zoom)	هیزوم	۴
hich thimble	5 an gosh ta na / koodam ongoshe tawna	انگشتنه	۵
rat	6 moosh or gorba (rat / cat) گربه	موش	۶
big rat	7 moosh / gorbē ee tchawq	موش چاق	۷
coarse salt	8 nammak bezzoork	نمک بزرگ	۸
tallow	9 pee-ee or bee-ee	پی	۹
ich glove	10 koodawm dastawna	کدام دستانه	۱۰
little glove	11 dastaw-nē yē khoord / kootcheek	دستانه خورد	۱۱
old bag	12 sabbat-te-kawh nē	سبت کهنه	۱۲
dish	13 kob or zaw	قاب	۱۳
milk	14 sheer	شیر	۱۴
hich tobacco	15 kooddam tambaw koo	کدام تمباکو	۱۵
ox	gosh-te-goo 16 + goo (animal, cattle) گوشت گاو / (ox)	گاو	۱۶

-e- ezafe

-ee- ezafe n. of unity

dastawan

X ... ne-ye نی ی = ezafe

طبق : قاب

— مادہ گاو = female goo = cow

— نر = near goo = male goo = bull

Page 34 — 3 — Les 3

Third Lesson — ders sēyim — درس سیوم (page 34)

pretty cloth / mawhood	maqbool ... مقبول or (pretty) ... khoob	ماهود خوب	۱
gravy the juice		مغز	۲
your property = yours	mawl shooman (property)	مال شما	۳
my property = mine	mawl man	مال من	۴
my dog	saggē man	سگ من	۵
word	killemmee کلمه or harf	حرف	۶
not, n (or n^e — as a prefix)	na	نه	۷
have you not	nad dawreet shooman	ندارید شما	۸
have not	man na dawram	من ندارم	۹
have you not the word / have not	na dawreed shooman harf	ندارید شما حرف	۱۰
fruit	meewa میوه	میوا	۱۱
handsome, fine, good	khoob	خوب	۱۲

maqz ... essence of anything

mawl, property

fig 235 Kilauea

Sheets 1 1
Manesca 1834 Vol I. p. 28
11 yak-oom ع

Manesca of 1834
page 28 ٢٨ درس 1

(first yak-oom not commonly used)

1st Lesson — ders nukhusteen درس نخستین or ders evvel (dars savval) درس اول +

have = dawr (possessive verb, not auxiliary)

have 2d pl. verbal termination 1 = eed (mee = sign of continuous being) — dawr, eed — mee dawreed — داريد ١. ١

you 2d pl 2 shoomawr ٢ شما ٢. ٢

have you ... 3 dawreed shoomaw — mee dawreed shoomaw ٣ داريد شما ٣. ٣

are you having ... 4 the def. art. THE is wanting ٤ ٤ ٤

the nail 5 ... meekh + meekh ٥ ميخ ٥. ٥

have you the nail 6 — meekh-raw dawreed shoomaw — 6 ميخرا داريد شما ٦. ٦
6 { mee dawreed meekh?
meekh dawreed shoomaw?
meekh dawreed
dawreed shoomaw meekh?

I ... 7 — man 7. I = من ٧

I have that } 8 دارم آن dawram awn 8 I have dawram 8. دارم ٨
I have it

I have 9 { man dawram / dawram } 9 I have دارم dawram (با / با ha) 9 من دارم ٩ I have

I have the nail 10 { meekh raw man dawram / meekh raw dawram / man meekh raw dawram / man dawram meekh / mee dawram man meekh } 10. ميخرا دارم ١٠ p 29

Bread ..... 11 nawn 11. nawn bread نان ١١

the good bread (bread of goodness) 12 nawn-ē-khoob — nawn-nē-khoob نان خوب ١٢

nail of me = my nail 13 meekh-ē-marraw or meekh man ميخ مرا ١٣

nail of you = your nail 14 meekh-ē-shoomaw — meekh-khuh-shoomaw ميخ شما ١٤

the bag 15 sabbat — juwall جوال سبت ١٥

the stocking 16 djoorawb جوراب ١٦

which, which one 17 koodawm كدام ١٧

which stocking 18 koodawm jorawb كدام جوراب ١٨

which thread 19 koodawm reeshta كدام رشته ١٩

the leather (skin, hide (raw)) 20 پوست = poost ٢٠ — cherm چرم

which wine 21 koodawn shorawb (sharrawb) كدام شراب ٢١

the salt 22 nammak نمك ٢٢

page 32 ٢ 2

2d Lesson — ders dervoom (dars devvoom) درس دوم

the sofa 1. takht تخت ١

which cloth — 2. koodawn mawhood or tchihu mawhood (= which cloth) كدام ماهود ٢
tchih چه (چه)

dawr-am

X 892.8
M 313

leaves 1-40

Persian

Maneca 1834
Vol 1, page 28

Persian

First Course – Lesson 1 to 30

Manesca Oral System

Persian Language

translated by Mêkirtitch Melik Mêhhrab
from the French part of Manesca of 1834 & 35.

New York December – Jany 1845–46

(The French part of
of the original Edition of Manesca's Book
was used in this translation viz Vol 1. 1834 & Vol 2. 1835.)

by

مکردش ملک مهراب

مکردش ملک مهراب

Meggerdeesh Mayleek Mayhhrab.

a Xn native of Persia

…nesca Persian

مکردش ملک محراب

Melik Mekkertitch Mehhrab

Translation from the French into Persian

~~of a portion of~~ of

Jean Manesca's six courses of French Lessons

from Vol. I of 1834 & Vol. II of 1835

First Edition of each

1st Course of 30 lessons

Engl. – Per. Dic.y & Alph. Vocab.y

Bleeck
Rousseau [?]
Forbes (Hind.)
Dic. of
at Ast. Lib [?]
Wollaston's
Eng. Per. Dic. 1882
[illegible] 647 D

تعلیق hanging style

نستعلیق engraving hang.g style
contraction of نسخ تعلیق

شکسته broken style

شکسته آمیز mixed broken style

New York
Dec.r – Jan.y
1845 – 46

X892.8 M313

Columbia University
in the City of New York

LIBRARY